ISLM
DS307
.A34
1849

McGill
University
Libraries
Islamic Studies Library

MD6
.A39941

69203

3796812

'Alī Naqī ibn Ismā'īl, Ḥakīm al-Mamālik

روزنامه حکیم الممالک

Rūznāmah...

15.2.80

بسم الله الرحمن الرحیم

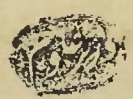

جهاندار خدائی را منت وستایش سزاست که جهانداران باعز و تمکین را در روی زمین
بآیت جلالت وعظمت خویش برافراشت و با اینکه با هر موجودی همراهست فهم و
درک صفات شریف خویش را از قوهٔ هر وهم وخیال برتر گذاشت سبحانه و تعالی
جلّ جلاله وعظم شانه چگونه ممکن است که مصنوعی نادان ومخلوقی ناتوان حق صفت
و قدر نعمت صانعی قوی و قدیم شناسد و احسانش را در مقام شکر و ثنا برآید
با کدام زبان و با کدام دانائی و بیان ذره کی داند ثنای آفتاب
چه نسبت است خالق را با مخلوق و رازق را با مرزوق که آن موجدیست
مجرّد بیرون از وهم و قیاس و این موجودیست مرکب از عناصر و محتاج باقبیاس
هر قدر آنرا قدرت و توانائی این را ضعف و ناتوانی البتّه مابند کانرا چه حد

و اندازه که در مقابل خالق آفتاب و ماه و معطی دیهیم و کاه سخن از عبادت
آریم یا سمند جهل در وادی وحدت رانیم صدّقنا و آمنّا رسولی امین و خلقی متین
و رزین یعنی پیغمبر لولاک و مسافر عرش و افلاک که در معرفتش ما عرفناک حقّ
معرفتک گوید و در عبادتش زبان فصاحت بیان بما عبدناک حق عبادتک گشاید
در اینحال ما بیچارگانرا نشاید جز اینکه در آن وجود مبارک محترم که بر اخبار گذشته چنین
و بر آثار آینده بصیر بود واله و حیران بمانیم و منت بریم و شکر گذاریم موجودیرا
که بما راه حق از باطل و باطل از حق نمود جزای ظالمین را بجانوری موذی تر از آن
حوالت داد و عطای عادلین را بموهبتی فراخور شان مرجوع داشت آنرا ماران
جهیم گفت و این را یاران نعیم اساس قانون جمهور عالم بر عدل گذاشت و بنیان
مزیت بنی آدم را بر علم و فضل دین و دولت را که اسباب بقای ملتی است توام فرمود
و شهد آزادی و راحت را با شرط بندگی و خدمت مدغم نور اسلام را هادی المضلّین ساخت
و وجود احفاد و اولاد خویش را شافع المذنبین سیّما وجود عالی جود سرور اوصیا
و خلیفه انبیا علی مرتضی علیه آلاف التحیّة و الثّنا آنکه دست قدرتش ملک روی زمین بزیر
نگین کرد و پای همتش اعادی دین مبین را خاک نشین اللّهم ارزقنا شفاعتهم و احشرنا معهم فی زمرتهم

السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار

و بعد چون درین سال فرخنده فال که فرخی و اقبالش مآل بادشاهنشاه دین پناه
فی الجمله از تمهید قواعد معدلت و تشیید مبانی مرحمت و ترتیب مصالح انصاف و
صفح رسوم اعتساف و اطفای نوایر فساد و القای آیین عدل و داد آسوده خاطر
گشت و بحمدالله تعالی ازین فضل همنشتهای پروردگار و فیض فواضل مراحم خسرو
کامگار جمیع ممالک ایران از کثرت عمارت و کمال زینت و وفور نعمت و نهایت
امنیت نمودار بهشت جاودان و اهالی آن از تابش آفتاب هرگونه حوادث
روزگار در ظل حمایت این سایه پروردگار ایمنی یافتند خاطر دریا مقاطر
شاهنشاهی محض ترفیه عباد و تقویت دین اسلام و ترویج ملت حضرت خیرالانام
بدان قرار گرفت که بعزم زیارت آستان عرش نشان حضرت امام ثامن ضامن
علیه آلاف التحیه والثنا، سفری بجانب شرقی مملکت فرمایند تا هم شکر احسان
و تفضلات الهی را در آن روضه منوره که مورد فیوضات و محل اجابت دعوات است

بجای آرند و هم سیاحتی مجسم از ساحت مملکت خراسان که یکی از وسیع ترین ممالک
محروسه است فرموده باشند و از ثغور و سرحدّات آن سامان رای مبارک را
استحضاری محکم حاصل گردد پس سران سپاه و امرای دربار گردون اشتباه را
امر و مقرر شد که اسباب سفر آماده سازند و در کمال استعجال با خیمه و خرگاه به بیرون
تازند در خزاین گشودند و مردم در اندک مدّت از تهیّه مایحتاج سفر بیاسودند پاشاخان
امین الملک را که از خواص چاکران دربار و وکیل خراسان بود امر و مقرر شد که
ملتزمین رکاب نصرت انتساب را در بیرون شدن شتاب کند و میرزا محمد خان
سپهسالار فرمانفرمای شرقی را از عزم ملوکانه اطلاع داده و از اوّل خاک خوار
تا فیروزکوه که در اداره حکمران آن سامان بود سیورسات و آزوقه حاضر و مهیّا
سازد که عموم همراهیان اردوی کیوان شکوه را ازین رهگذر آسودگی و فراغت
حاصل باشد و چون درین سفر خیریت اثر مقصود همایون زیارت فقط بود اغلب از
اعیان و چاکران اسباب تجمّل از اندازه بیش و اولاد و عیال خویش را همراه
گرفتند حتی خادمان حرم جلالت که جمعی کثیرند تماما استدعای همراهی ذات
والاصفات همایون نمودند و استدعای ایشان بدرجهٔ اجابت مقبول آمد

این ذرّه بمقدار و خانه زاد دولت گردون مدار علی‌قلی ابن اسمعیل که از تفضلات
الهی و از عنایات حضرت شاهنشاهی در خاکپای فلک فرسای همایونی نسبت
پیشخدمتی و طبابت حضور سراپا فرّ و مفخرت است و همه اوقات لیلاً و نهاراً سفراً و حضراً
از سعادت زیارت آستان مهرنشان دور نیست شکرانه این موهبت عظمی را لازم دید
که روزنامه این سفر مبارک اثر را بطور مختصر بنگارد پس آرزوی خود را بعرض عاکفان
حضور معدلت دستور رسانیده و اجازه اجرای آنرا درخواست نمود این مطلب
مقبول طبع مبارک همایونی آمده مقرر شد که در ثبت این روزنامه شمّه بیان احوال ذات
خجسته صفات همایون و وقایع حادثه اکتفا نکند بلکه حتی الامکان مختصری نیز از تعلیمات
جغرافیائی یعنی حالت راه و جهات ارضی و جبال و انهار و قراء و بلادی که مسیر موکب
فیروزی کوکبانند بطور اختصار اطلاعی بدهد و این کتابرا برحسب امر علیّه روزنامه
حکیم الممالک نام نهاد اکنون بعون الله تعالی شروع بمطلب میکنیم و وقایع روز
بروز و حالات اتفاقیه را بدون کسر و نقصان می نگاریم و قرارمان در ثبت هر روز
بر آن خواهد بود که اول حالات وجود مسعود و وقایع حادثه را مذکور داریم و پس از آن
بشرح جغرافیائی بپردازیم بدون آنکه ملاحظه انشا یا عبارت پردازی و قافیه سنجی

کنسیم بلکه نهایت اهتمام را در ساده نویسی و مطلب نگاری و حقیقت گوئی فقط
خواهیم نمود و نیز خود را بر حسب امر ملوکانه از تذکار القابات تعظیمی معاف میداریم
تا باعث تطویل کلام نشود زیرا که واضح است هر ذی شانی را لقب نواب مستطاب
یا جناب جلالتمآب با اسم همراه خواهد بود و احتیاج باظهار نیست امید که اربابان
ذکاوت و هوش در خطا و نقصان آن عیب پوشی فرمایند و از حقارت و نادانی
مصنف صرف نظر فرموده بعظمت ذات و الاصفات شاهنشاهی که ممدوح و
موصوف این کتاب است او را وقع و عظم نهند بالله التوفیق و علیه التکلان

روز یکشنبه پانزدهم شهر ذیحجه الحرام سنه توشقان ئیل یکهزار و
دویست و هشتاد و سه هجری نبوی صلی الله علیه و آله

درین روز که یکماه از عید نوروز سلطانی گذشته و اوّلین ماه بهار و تمام دشت
و کوهسار از فرط خرمی چون عهد پادشاه کامکار بساط عیش و سرور گسترده
هنوز گل سرخ در غنچه بود و بنفشه تازه خودنمائی مینمود گل ارغوان نمایان و شکوفه
دانه دانه در زیر برگها پنهان باران پی در پی دامان دشت را بگوهر گرانبهای
لؤلؤ تر مالا مال داشت و مزرع آمال زارعین بحمد الله تعالی از برکت نیت

خاطر مرحمت مظاهر سرسبز و شاداب بود ذات عالی برکات همایون
در کمال صحت و سلامت صبح این روز بعزم نقل مکان بعمارت دوشان تپه
از حرم خانه مبارکه با سرداری مکلل بالماس و چقه و شمشیر مرصع و حمایل مروارید
بباغ دیوانخانه تشریف فرما شدند آقا رضای عکاسباشی در وسط باغ
اسباب عکس حاضر نموده و تعجیل کرد آینه عکس تمثال همایون را برداشت
پس از آن از در خلوت کریم خانی بدیوانخانه بیرون تشریف آوردند شاهزادگان
عظام و وزرا و فخام و اعیان و صاحبمنصبان جزو و کل متوقف و مسافر تمام
در این دیوانخانه حاضر بودند اعلیحضرت همایونی بهریک فراخور حال اظهار
مرحمت فرموده و از دیوانخانه بیرون شده براسب کرنک پیشکشی امیرزاده
محسن میرزای امیرآخور سوار گردیده از دروازه دولت تشریف فرما شدند
اهالی مملکت وضیع و شریف اعلی و ادنی تا خارج دروازه پیاده ملتزم رکاب
نصرت انتساب بودند بهریک بنحوی که سزاوار بود فرمایشی میشد و در خارج شهر
جمعی کثیر از زن و مرد از برای زیارت جمال میمنت مثال همایونی صف کشیده
و بصدای صلوات و دعای وجود مبارک غلغله در اطراف افکنده بودند

در محاذی باغ نگارستان از اسب فرود آمده بکالسکه نشسته عنان اقبال
و دستگاه اجلال بسمت دوشان تپه روان ساخته سواره شاهسون اینانلو در
نزدیکی دولاب صف کشیده از سان حضور مبارک گذشتند چون نزدیک
بدوشان تپه شدند از کالسکه بیرون آمده سوار اسب سفید پیشکشی نواب تیمور میرزا
شده مستوفی الممالک و سردار کل و امین الدوله و ساعد الملک و میرزا قهرمانرا
نزدیک طلبیده در باب انتظام عمل آذربایجان و اصلاح میزان و میرزا نصرالله
منشی نویس مباشر آن بایشان تا باغ دلکشا فرمایش کنان تشریف بردند و قدری
در باغ تفرج کرده در سردر جنوبی باغ صرف نهار فرموده و بلا فاصله وزراء
مفصله فوق را با ساعد الملک و میرزا قهرمان مجدداً احضار نموده در تعیین
دستور العمل هریک فرمایشات لازمه فرمودند شاهنشاه زاده اعظم کامکارکامرانمیرزا
نایب السلطنه دولت قوی الاقتدار حکمران طهرانرا در دار الخلافه گذاشته
انتظام شهر و خزانه و نظم سایر ولایات و وصول و ایصال مالیات و غیره را
بکفایت میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر مالیه مرجوع داشتند و ادارهٔ
علمیه و تجار و تلغرافخانهای ممالک محروسه و آنچه متعلق بدین دایره بود بعلیقلی

میرزای اعتضاد السلطنه و وزیر علوم مفوض فرموده و انتظام عمل نظام را
بالتمام بعزیزخان سردار کل عساکر منصورهٔ نظام و ادارهٔ خارجه را بمیرزا سعیدخان
وزیر امور خارجه سپرده و امور دیوانخانه و دادرسی عارضین را بحاجی محمدقلیخان
وزیر عدلیهٔ اعظم تفویض فرموده مقرر داشتند که در زمان غیبت همایون هرگاه
امر و مهمی در مملکت روی دهد با یکدیگر در انجام آن کنکاش کرده و بصلاح
و صوابدید هم در اتمام و انجام آن ساعی و جاهد باشند و هرگاه کاری باشد
که انجام آن محتاج بحکم همایون بود با چاپاران سریع السیر بعرض برسانند و بهر نحو امر
همایون شرف نفاذ یابد اطاعت کنند شش ساعت بغروب مانده وزرا را
رخصت انصراف داده با معدودی قلیل از میرشکار و محمدعلیخان پیشخدمت و غیره
بدره باباعلیخان رفته نزهت هوا و خضرت مکان و دیدن گلهای تازه و شنیدن
الحان مرغان خوش نقش و نگار که برید کاروان بهار بود بی اندازه اسباب تفریح خاطر
مبارک شد در سبزه زارهای این دره بلدرچینی در هوا صید فرموده و همراهیان را
در دره گذاشته با چند نفری بعقب شکار تشریف برده تکه آهوئی دوساله شکار نموده
و آنرا بفال نیکو گرفته بمنزل عود دادند سایر ایام توقف در دوشان تپه جزء غالب

اوقاترا بانجام امورات واحضار وزراء وتعیین دستورالعمل رفتار متوقفین
ومسافرین گذراندند وساعتی از زحمت وگفت وشنید آسوده نگشتند تا کارها را
منتظم کرده وامورات را مطابق مرام سنیّه خود ساختند میرزا نصرالله ومیرزا علیخان
پسرش را از ریاست گمرکخانها معزول ومیرزا محمّد قوام الدّوله را بجای آنها
برقرار فرمودند ودرین اوقات سلطان محمد عربرا فرمانفرمای جزیرهٔ کمرود
که جزیره ایست واقعهٔ در بحر محیط وقرب جزیرهٔ مداکاسکار ومریس وبوربن از
جانب برادرش بعزم سفارت بدارالخلافه آمده بتوسّط وزیر امور خارجه بحضور
عدالت دستور شرفیاب شده عرایض وتمنّیات خود را معروض داشت
وامر همایونی شرف نفاذ یافت که لوازم مهمانداری را فراخور شان وبزرگی
مشارالیه مرعی دارند در روز بیست ویکم تمام قشون ملتزم رکاب نصرت انتساب
از سواره وپیاده که زیاده از نه هزار بود در صحرای دولاب حاضر شده از سان
حضور مبارک گذشتند تمام وزراء واعیان در مجمع قشون حاضر بودند پس از
انجام سان امر همایون بر آن مقرر شد که ملتزمین رکاب همایون در دوشان تپه
اردو زده ودر روز بیست وسوّم در رکاب ظفر انتساب حرکت کنند وهم

درین روز عروس ولیعهد را که صبیّهٔ عزّت الدّوله و خواهرزادهٔ شاهنشاه عالم پناه است از دار الخلافه با فتح الله میرزای شعاع السّلطنه و جمعی از چاکران خاص و محرم بسمت آذربایجان کوچ دادند و قدغن فرمودند که پس از ورود لوازم جشن و عیش را بنحویکه مطابق شان ولیعهدی باشد در آنشهر فراهم آرند

آنانکه درین سفر از وزرا، و اعیان و اهالی نظام و غیره بشرف سعادت التزام رکاب همایون مستسعد بودند از قراریست که بعرض میرساند

نواب مهد علیا و خادمان حرم جلالت

نواب مستطاب مهد علیا و تمام خدمه	خادمان حرم جلالت و شاهزادگان عظام که شصت کالسکه شش اسبه محمل ایشان بود و هزار و چهارصد مال از برای حمل بنه ایشان معین شده بود	نواب علیه عزت الدوله با تمام خانه زادها و عیال و خدام
نواب علیه عصمت الدوله عروس معیر الممالک با والده امیر دوست محمد خان و خدام ایشان	حاجی اغا یوسف خواجه باشی و تمام خواجهای حرم از سیاه و سفید	مهدیقلی خان غلام بچه باشی و تمام خانه شاگردان و غلام بچها

شاهزادگان عظام

ملک منصور میرزا	سلطان احمد میرزای عضد الدوله	تیمور میرزای پسر مرحوم فرمانفرما	محمد کریم خان پسر مرحوم مهدیقلی میرزا

وزرا اعظام و امنای فخام وغیره

وزرای عظام

فرخ خان امین الدوله وزیر دربار همایون و رئیس مشرمین رکاب نصرت اشتباب همایون	ابوشیروانخان اعتضاد الدوله خوانسالار و ایلخانی قاجار و حکمران و سردار مازندران و استراباد وغیره	حاجی علی خان اعتماد السلطنه وزیر وظایف
محمد ناصر خان ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی	میرزا محمد حسین دبیر الملک	باشا خان امین الملک وکیل مملکت خراسان وغیره

اعیان و مستوفیان وغیره

حاجی میرزا مهر خان دبیر مهام خارجه و وزیر وظایف سابقه	میرزا نصر الله مستوفی کرکانی	میرزا مصطفی وکیل لشکر	قاسم خان جارچی باشی
محمد قلی خان شاطر باشی	عبد الله خان پیشخدمتی باشی	محمد رحیم خان میرتبار	محمد علی خان صاحب جمع و مشیرت خاصه
محمد نظر خان	ابوالحسن خان	موسی خان وصاف	محمد تقی خان نایب وزیر امور خارجه
رضا قلی خان نایب ایشیک آقاسی	میرزا طاهر مستوفی	علی خان نایب اول شاطر خانه مبارکه	محمد هاشم خان نایب جارچی باشی
محمد حسن خان پسر جارچی باشی	محمد حسین خان ولد ایضاً	میرزا اسد الله منشی رسایل	حاجی میرزا عبد الله منشی ایضاً
میرزا اسمعیل منشی ایضاً	میرزا محمد حسین رئیس الکتاب	اسمعیل خان بشیر الدوله	میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل

سرکردگان و صاحبمنصبان عسکریه و افواج قاهره و سواران نصرت نشان

سرکردگان

مصطفی قلیخان امیر تومان و کشیکچی باشی

علیقلی خان اجودانباشی کل افواج قاهره

محمد قلیخان سرتیپ حسام الدوله

رحمت الله خان ساری اصلان

حاجی حسین خان شهاب الملک امیر تومان

قنبر علی خان سعد الملک

کاظم خان سرتیپ

الله یار خان سرتیپ

جانمحمد خان سرتیپ

کلب حسین خان سرتیپ امین نظام

زین العابدین خان سرتیپ اول

صفر علیخان سرتیپ

محمد صادق خان سرتیپ

مصطفی قلیخان سرهنگ توپخانه

عبد القادر خان

محمد آقای سرهنگ

حسینقلی خان برادر ساروصلان

عساکر منصوره از سواره و پیاده وغیره

یوزباشیان و غلام پیشخدمتان

توپخانه و پیاده و سواره

یوزباشیان

توپخانه مبارکه با پانزده عراده توپ و قوپوز

علیقلی خان — حیدر قلیخان — صادق خان

ابراهیم خان — جلیل خان — نصر الله خان

مصطفی قلیخان — کلبعلی خان — هاشم خان

محمد حسینخان — رضا قلیخان

افواج قاهره

فوج خاصه — فوج دوم نصرت — فوج خلج

نصفه فوج سوادکوه — فوج امیریه — موزکانچیان مخصوص

غلام پیشخدمتان

میرزا عبد الله خان خوئی — حاجی فتحعلی خان — ابراهیم خان

زین العابدین خان — محمد قلیخان خمسه — حاجی ابو الفتح خان

آقایان قاجار ۸ نفر — فتح الله خان — محمد قلیخان

سواره

غلامان کشیکخانه مبارکه ششصد نفر — غلام نصرت چهارصد نفر — غلام زرین کمر دویست نفر

سواره نظام دویست نفر — غلام اینانلو چهارصد نفر — سواره شاهسون دوبرن ششصد نفر

سواره شاهسون اینانلو ششصد نفر — سواره ایلات قرو چهارصد نفر

پیاده

محمد حسین

محمد حسنخان ایضاً — طهماسبقلی خان — حاجی زال خان

میرشب — طهماسبقلی خان — علی محمد خان

علی آغا — میرزا جواد خان شیرازی

عیسی خان سرکرده سوار نصرت — بیوک خان — علیقلی خان

ابراهیم آقا — میرزا حسن سررشته دار

خزانه و صندوقخانه مبارکه وغیره

خزانه مبارکه و زنبورکخانه و کالسکه خانه و سایر ابواب جمعی خزانه دار همایون

امیر دوست محمد خان داماد اعلیحضرت شاهنشاهی — دوستعلیخان معیرالممالک حاکم یزد و گیلان — نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه با یکصد و بیست نفر زنبورکچی وغیره — حاجی عبدالرشید خان مستوفی خزانه مبارکه

اهالی خزانه از صراف و تحویلدار وغیره — عمله کالسکه خانه مبارکه با هشتاد کالسکه — عمله تخت خانه مبارکه با بیست تخت — عمله نقاره خانه همایونی

آقا مهدی ساعت ساز

صندوقخانه مبارکه

حاجی رحیم خان صندوقدار — آقا حسن رخت دار باشی — احمد خان تحویلدار صندوقخانه — استاد عبدالله خیاط باشی و خیاطان — عملجات صندوقخانه مبارکه

پیشخدمتان و اطباء و عمله آبدارخانه و قهوه خانه و نظارت خانه همایونی و تفنگداران و اصحاب شکار

پیشخدمتان

میرزا هاشم خان امین خلوت و رئیس تفنگداران خاصه وغیره — یحیی خان اجودان مخصوص و تحویلدار صرف جیب همایون — آقا علی امین حضور و حاکم ساوه و شاهسون بغدادی وغیره — عبدالعلی خان ادیب الملک

محمد تقی خان افشار — میرزا علی خان نایب اول وزیر امور خارجه و منشی حضور همایون — محمد تقی خان طهرانی — میرزا مهدی خونی

الله قلی خان پسر مرحوم اعتماد الدوله	آقا رضای عکاسباشی	محمد حسن خان محقق	حاجی محمد حسن خان
علی خان گرجی	اسد الله خان	محمد علی خان	غلام حسین خان مشهور بموچول خان
حسین خان پسر سهراب خان	نصر الله خان پسر امین الدوله	محمد حسن خان پسر ایضاً	میرزا محمد خان پسر امین خلوت
محمد حسن خان پسر اعتماد الدوله جنرال اجودان خاصه	نور محمد خان محصل امور دیوانخانه مبارکه	رحیم خان پسر مرحوم بهاء الملک	احمد خان
وجیه الله میرزا	ابراهیم خان محلاتی	محمد خان	محمد باقر خان پسر ادیب الملک
آغا یعقوب حافظ شمائل و دستخط مبارک حضرت ولایت مآب علیه السلام	حسن آغا	آقا محسن	حاجی علینقی فراشخلوت
آقا محمد علی نقیب باشی	حاجی میرزا بیک فراشخلوت	غلامعلی خان دربان خاص همایونی	پاشا بیک فراشخلوت
آغا محراب ایضاً			

اطباء			نظارتخانه مبارکه	
حکیم باشی طلزان فرانسوی	حاجی آقا بابای ملک الاطباء	میرزا حسین دکتر	نور الدهر میرزای نایب ناظر	میرزا علی اکبر مشرف کارخانه
آقا میرزا سید علی	میرزا عبد العلی	میرزا حسینعلی	حاجی قاسم شربت دار و ناظم البکاء	حاجی حسین آشپزباشی
میرزا مسیح	میرزا سید حسین	میرزا حسین دواساز	شربت دار و طباخ	
ابدارخانه مبارکه			قهوه خانه مبارکه	
آقا ابراهیم ابدارباشی و ایل بیگی عرب و غیره	آقا یوسف سقاباشی	آقا محمد تقی باشماقچی باشی که دوشان پنه و بعضی از عمارات همایونی سپرده باوست	حاجی محمد خان قهوه چی باشی و تحویلدار کشیکخانه مبارکه	آقا حسن نایب قهوه چیان
آقا رضای ده باشی لباس دل عمله خلوت	آقا حسینعلی	حاجی حسن		

حاجی مهدی — آبداران و سقایان

تفنگداران خاصه — اصحاب شکار

لاکشی خان — قهرمانخان — حاجی فرج خان — محمد حسن خان — مصطفی قلیخان میرشکار — حبیب الله خان برادر ایضاً

رضا قلیخان — مصطفی قلی بیک — حبیب الله بیک — ابوالقاسم خان — ولی بیک — سایر شکارچیان

محمد زمان بیک کلهر — محمد حسن بیک — سایر [illegible] نفر — [illegible] نفر

اهالی اصطبل خاصه و فراشخانه همایونی

اصطبل خاصه — فراشخانه مبارکه

محمد حسین میرزای پسر امیراخور نایب کل — ابراهیم خان نایب — حاجی محمد قلی نایب — حاجی محمد خان حاجب الدوله — محمد حسین خان پسر حاجب الدوله و نایب کل — باقر خان نایب

نایبان جزو دوازده نفر — جلودار صد نفر — مهتر و غیره سیصد نفر — مشهدی لای نایب — شیر محمد بیک نایب — یوزباشیان و ده باشیان صد نفر

کربلائی رمضان نایب قاپوچی باشی — نایبان جزو ده نفر — فراشان هفتصد نفر

عمارت دوشان تپه یکی از قصور مخصوص همایونی سلطانی و از بناهای اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که در سمت شرقی دارالخلافه طهران و بفاصله یکفرسنگ از شهر واقع است محل این بنای رفیع و قصر منیع در بدو دولت ابد آیت صحرائی بود خشک که در او هیچ از آب و گیاه نمونه نبود و تپه سنگین در وسط داشت که معدن سنگهای سیاه بود و حجاران شهر بدانجا رفته از برای ازاره حوضها و فرش عمارات از آن سنگها کنده بشهر آورده بکار میبردند و چون درین صحرا هیچ نمونه آبادی

ومحلّ عبور ومرور مردم بود اغلب طیور وحوش در او مسکن داشتند و در فصل
زمستان واوّل بهار وخریف ذات عالی برکات همایونی محض صید وشکار
بدینجا تشریف فرما میشدند از جمله روزی آن سامان را مشرف ساخته حرارت هوا
وقلّت آب اسباب زحمت همراهیان شده خاطر خطیر مبارک بر آن قرار
گرفت که جلگه بی آب وعلفرا آب وصفائی دهند ومحل بی اسم ورسم را وقع وعظمتی نهند
جمعی از چاکران دربار کیتی مدار بعرض عاکفان حضور رسانیدند که سلاطین سلف
ووزراء قبل حتّی مرحوم حاجی میرزا آقاسی که بآبادی وزراعت کمال میل را داشت
هر قدر خواسته شد درین مکان قناتی حفر کنند وآبی پدید آرند وبنائی بگذارند با
مخارج گزاف صورت امکان نپذیرفت این عرض مقبول طبع مبارک نشده مقرّر
داشتند که ما تا کنون نخواست خدا بامری اقدام نکرده ایم که انجام پذیر نشود اکنون
بعون الله تعالی همّت ملوکانه بر آبادی این محل می گماریم وانشاء الله در اندک
مدت درین جای خشک قناتها جاری خواهد شد وباغها وعمارات آباد خواهند
گشت پس خود بنفس نفیس مبارک از برای یافتن سررشته قناتی سوار شده در اطراف
این بیابان سیر فرمودند تا آنکه در یکفرسنگی در دامنه کوهی که در سمت شرقی شهر واقع است

ومعروف بسپایه است چاهی ابدار یافتند پس امر فرمودند که همان چاه را گرفته
رشتها از بالا و پائین حفر نمایند در اندک مدّت باقبال بیزوال همایون بقدر
یک سنگ آب ازین قنات جاری گشته و در نیم فرسنگی تپهٔ دوشان تپه بروی
زمین آمد آنجا را بر حسب امر همایون تختی زده و حوضی در مقابل آن ساخته و اطراف
آنرا اشجار بسیار غرس کردند و بعد آبرا از آنجا تا پای تپهٔ دوشان تپه آورده
زراعت نمودند و اطراف این نهر را همه جا گلهای گوناگون و درختهای باثمر
کاشتند بنحویکه دو سال بسر نیامده اشجار ترقّی زیاد کرده صفا و خضرتی یافتند
پس خاطر مبارک بدان تعلّق یافت که در فوق این تپه کوشکی بنا کنند در اوّل
عمارت کلاه فرنگی کوچکی در کمال ظرافت در بالای آن بنا کردند چون این عمارت
اتمام یافت امر بدان شد که باغی در پائین تپه بسازند آقا محمّد تقی آبدار خاصّه که
هم از علم غرس اشجار و زراعت اطلاعی داشت باین خدمت سرافراز آمد
در اندک مدّت باغی بسیار وسیع که پنجهزار ذرع دور آنست بنا نهاده و او را
بباغ دلگشا موسوم نموده چهار سر در با عمارت در آن باغ بنا نهادند و دو
اصطرخ بزرگ در او ساختند و چون آب این قنات عظمت باغ را کافی نبود قناتی

دیگر از سمت شمال حفر کردند هنوز دو سال برنیامده سواد باغ و اشجار آن
مثل یکی از باغهای کهن گشته ورای مبارک بر آن شد که عمارت بالای تپه را نیز
وسعتی دهند میرزا هاشم خان این خلوت در سنه هزار و دویست و هشتاد مأمور
خدمت شد و عمارتی عالی خوش طرح و طرز مشتمل بر اندرونی و بیرونی و قصری
سه مرتبه شبیه بقصرهای چینی و عمارت فرنگی در بالای این تپه بنا نمود و قلعه و حمام
و مسجدی در پائین تپه ساخته چند خانوار رعیت در او مسکن گزیده مشغول زرع و کشت
شدند و در سنه هزار و دویست و هشتاد و سه یحیی خان اجودان مخصوص این بنا را
با تمام رسانیده محل توقف و تمکن کاه کاه ذات عالی برکات همایونی میشود
حیرت و تعجب ناظرین شد زیرا که تا امروز عمارتی باین روح و باین زیبائی
ساخته نشده خاصه آنکه زیادی باغ و اشجار و جداول آب و انهار اسباب
نزهت هوا و خضرت مکان این سامان شده و در حقیقت امروز یکی از بهترین
تفرج کاه و شکارگاه های سلطانی است درین جلگه شکار آهو و خرگوش و اقسام
طیور و وحوش بسیار است و در کوههای حوالی آن ارقالی و بز و تکه از زمانیکه
مصطفی قلیخان میر شکار آن اطراف را قورق نموده بجدی زیاد است که در هیچ جای

روی زمین نیست و هیچ ممکن نمیشود که سرکار همایونی بدین شکارگاه تشریف فرما
شوند و ازده کمر صید فرمایند و نیز در اطراف این جلگه دره‌ها و چمن‌هاست که
همه امروز با صفا و سبز و خرم است قطعه مزبور هشت هزار ذرع و اقطاع
آن تا بالای قصر سه مرتبه یکصد و پنجاه ذرع است در این اوقات برحسب امر
همایون عمارات زیاد از برای عمله خلوت و قهوه خانه و آبدارخانه و حکیم باشی
طلزان و اغلبی از خدام و اصطبل و نظارتخانه در اطراف پته ساخته اند و در
دهنه قطعات نیز بمعماری استاد شیرجعفر کاشانی که از معماران مخصوص است
نهارکاهی بسیار ظریف و خوش طرح بنا کرده اند و نیز مقرر است که باغی
دیگر قرینه این باغ بزرگ در سمت چپ پته بسازند و آب قطعات موسوم
بعلی شاهیر را از معیر الممالک ابتیاع فرموده اند و زیاده از سه سنگ آب
دارد بخود جناب معیر الممالک امر شد که از سلطنت آباد بدانجای آرند
و یقین بعد از اتمام این باغ قصر و دشان پته و باغات آن که هم بشکارآباد
موسوم است مستحق و سزاوار آن خواهد بود که مردم از بلاد غریبه محض تفرج
و تماشای آن بدار الخلافه سفر کنند و ملاحظه نمایند که عزم و همت ملوکانه چگونه

درخاک رمیم بهشت نعیم موجود فرماید و زمینی بی آب و گیاه را بباغ
و گلزاری عظیم تبدیل سازد اللهم احفظنا من الآفات واللیلیات

روز دوشنبه نیست و سوم شهر ذیحجه الحرام

درین روز که روز حرکت موکب مسعود همایون بود هنگام صبح جمیع همراهان
و سواران و زنبورچیان و نقاره خانه و بندگان مرصع و غیره در پای تپه دولت
تپه حاضر شدند بندگان همایون شاهنشاهی از اندرون بیرون تشریف
فرما شده جناب میرزا زین العابدین امام جمعه از شهر بحضور همایون آمده دعای
سفر بگوش مبارک خواندند ذات همایونی توکّل بخدا و ائمه هدا فرموده
بر اسب سفید تیمور میرزائی سوار شده بسمت مقصد عنان دادند نایب السلطنه
و فرهاد میرزای معتمد الدوله و فیروز میرزای نصرت الدوله و مستوفی الممالک
و وزیر امور خارجه و وزیر علوم و حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه اعظم هوشنگ
میرزای ایلخانی سابق قاجار و معین الملک و قوام الدوله تپ همایون را
تا یکفرسنگ مشایعت نموده و هریک مورد فرمایشات و الطاف شاهنشاهانه گشته
رخصت انصراف یافتند سرکار شاهنشاهی در دباغه آخر کوه بی بی شهربانو از برای

صرف نهار فرود آمده و پس از آن بکالسکه نشسته بسمت خواتون آباد که اوّل
منزل خراسان و مخیم خیام کیوان مقام بود تشریف فرما شده چهار ساعت
بغروب مانده نزول اجلال بمنزل فرمودند هوای این روز فی الجمله حرارتی داشت
و از کثرت ازدحام و جمعیّت جنود منصوره وغیره تجدّدی کرد و خاک احاطه
داشت که در عرض راه شناسائی یکدیگر بی اشکال نبود
از دوشان تپه الی خواتون آباد پنج فرسنگ است و راه اوّل رو بجنوب و بعد
چند درجه بمشرق میل میکند و درین راه همه جا کالسکه بسهولت عبور مینماید تا نیزدیک
خواتون آباد و از آنجا نهرهای زیادی که از رود جاجرود جدا کرده اند و از برای
زراعت بدهات و رامین و خالصهٔ دیوان اعلی میبرند قدری کالسکه را مانع است
خواتون آباد محاذی حصار امیر واقع است و قریب یکصد خانوار رعیّت دارد
جوتو و پشت دهات معروف پازکیان در فاصلهٔ خواتون آباد و حصار امیر واقعند
جناب حاجی ملا علی مجتهد مشهور بکنی در خواتون آباد کاروانسرائی بنا نموده
از کاروانسراهای بسیار خوب خواهد شد و فایدهٔ کلی از برای زوار و قوافل خواهد داشت

روز سه شنبه بیست و چهارم

بندگان شاهنشاهی امروز را در خواتون آباد امر باطراق فرمودند تا هرگاه بقیه از
همراهیان مانده باشند ملحق شوند سردار کل که برحسب امر سنیه بدین منزل آمده بود بحضور
مهر ظهور همایونی شرفیاب گشته اصغای فرمایشات علیه کرده وجمعی را که هریک
بخدمتی مامور بودند مثل میرزا احمد خان ساعد الملک سلطان حمید میرزای پسر نصرت
الدوله ابوالفتح خان پسر مرحوم سردار میرزا قهرمان امین لشکر جمشید خان ماکوئی
احمد خان مکری ومحمد میرزای مهندس مامور لاهیجان را بحضور مهر ظهور آورده بهریک
فرمایشات ملوکانه وبذل تلطفات خسروانه شد اسحق میرزای پسر مغر الدوله که حاکم
نجف آباد اصفهان است بتوسط امین الدوله شرفیاب حضور همایون گشته ونیز
فرستاده حاجی ملا محمد نراقی با جوزقند وکلاب که هدیه حاج معظم الیه بود بتوسط
امین الدوله بحضور مبارک شرفیاب آمد آقا میرزا مهدی مجتهد همدان بتوسط ملک
شرفیاب حضور شدو دو ساعت بغروب مانده بندگان همایونی بسراپرده نواب
مهد علیا تشریف فرما شده بعد از نیم ساعت مراجعت فرمودند هوای امروز
نیز فی الجمله کرم بود وبادهای شدید گرد آلود وزیدن داشت تا هنگام عصر از اقبال
پیروزال همایونی باران نافع شدید باریدن گرفت وحرارت وکثافت هوا ببرودت

ونظافت تبدیل یافت گلهای سرخ وزرد امروز تازه طبقی از آن بحضور مبارک آوردند

روز چهارشنبه بیست و پنجم

تشریف فرمائی موکب همایون بمنزل شریف آباد یکساعت از دسته گذشته بندگان
اقدس همایونی از بستر راحت برخواسته دوگانه خداوندیگانه بجای آورده ولباس
سواری پوشیده بعد از سه شیپور و کرنا که اخبار سواریست از سراپرده همایونی بیرون
تشریف آورده باشوکت واقبال بکالسکه اجلال نشستند فرهاد میرزای معتمدالدوله
ونصرت الدوله وساعدالملک وامین لشکر که تا این منزل همراه بودند در پای
کالسکه شرفیاب حضور مهر ظهور شده رخصت انصراف یافتند چون یکفرسنگ ونیم
از خواتون آباد گذشتیم در قریه خسرو در باغی از برای صرف نهار فرود آمده آقاخان
پیشخدمت وامین صحه که صاحب قریه مزبوره است قدوم مبارک همایون را
باپیشکشی لایق پذیرائی نمود این باغ اگرچه رعیتی است ولیکن گلهای بسیار
واشجار بیشمار آن اسباب خرمی خاطر مبارک شد در هنگام صرف نهار حکیم باشی
طُلُزان از روزنامجات فرنگستان بعرض خاکپای همایون میرسانید و
از جمله اخبار آن بود که روزنامه نویسان نوشته بودند دور نیست در میان دولت

فرانسه و پروس آغاز جنگ و جدال شود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی این حدت را
غیر صائب دانسته بحکیم باشی میفرمودند گمان ندارم که این حادثه شمت وقوع یابد
بالاخره پس از صرف نهار مجدداً بگالسکه نشسته بجماعت بغروب مانده بحوالی
قریه شریف آباد که مخیم اردوی کیوان پوی بود تشریف فرما شدند و ساعتی
استراحت فرموده و بقیه روز باستماع کتاب تاریخ روضة الصفا که اقارضای
عکاس باشی بعرض میرساند وصحبت مشرقه اوقات مبارک گذشت هوای
امروز نیز فی الجمله حرارت داشت باز طرف عصر بادشدی وزیده و رعد و برق
آشکار شد باران شدیدی باریدن گرفت و بعد ازان هوا در نهایت اعتدال
یافت و خاطر همایونی خرسند گشته شکر خداوندرا بجای آوردند

مسافت از خوانون آباد الی شریف آباد دو فرسنگ و نیم و راه مایل بجنوب
مشرقی است و همه جا مسطح است مگر آنکه رود خانه جاجرود که بسمت ورامین می آید
و نهرهای متعدده که از آن رود خانه جدا کرده اند مانع از سهولت حرکت گالسکه است
ولیکن چون رود خانه در اینجا عریض است بنه و سوار بخوبی و آسانی گذشتند
در فاصله خوانون آباد و شریف آباد نزدیک بجاده اول دهی که ملاحظه نشد

الواک ده آقا خان پیشخدمت بعد از آن کبرود اغلان ده امین الملک و
پس ازان خسرو است که نیز متعلق بآقا خان است شریف آباد ده معتبری است
وسپرده بحاجی محمد قلی پسک نایب اصطبل خاصه مبارک است

روز پنجشنبه بیست و ششم

تشریف فرمائی موکب همایون بمنزل ایوان کیف که انتهای خاک و امین است
دو ساعت از دسته گذشته بندگان همایون شاهنشاهی از سراپرده مبارکه بیرون
آمده باسب پیشکشی عماد الدوله سوار شده با تیپ و پیدق که صحرا را فروگرفته بود
روی براه نهادند محمود خان ناصر الملک ایلچی کبیر دولت علیه که سابقا مقیم دربار
بهیه انگلیس بود تا این منزل با اردوی همایون همراه بود شرف اندوز حضور همایون
شده و پس از استماع فرمایشات ملوکانه رخصت انصراف یافت امین الدوله
و حاجی میرزا محمد خان دیر قدری از راه را در جنب رکاب همایون بوده مخاطب
فرمایشات و صحبت علیه شدند چون شلیک توپخانه مبارک خبر رسیدن بوسط
راه را داد ذات همایونی در کنار جاده فرود آمده در آفتاب گردان صرف نهار
فرمودند حکیم باشی طلزان علی الرسم روزنامه میخواند و یحیی خان اجودان مخصوص ترجمه مینمود

پس ازنهار بکالسکه نشسته پنجساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شده
حاجی میرزا یحیی خان حاکم دماوند در عرض راه شرف اندوز خاکپای مبارک گردید
اگرچه باقتضای فصل و مکان مقتضی گرما و سوهوا بود ولی باقبال پزوال شاهنشاهی
هوا نهایت اعتدال را پیدا کرده وجود مسعود ملوکانه و عموم ملتزمین رکاب را آسایش
و راحت کلی حاصل گردید میرزا سید احمد وزیر عربستان هنگام عصر بتوسط اعتضاد الدوله
بحضور مهر ظهور مشرف گشته مطالب و عرایض خود را معروض داشته احکام
همایونی درجواب هریک شرف صدور یافت امروز نیز دو ساعت بغروب
مانده بادی شد وزیدن گرفت و اغلب بخیر و خیام را از پای در انداخت
و پس ازان اعتدال هوا فزوده شد

از شریف آباد دایوان کیف پنج فرسنگ است و راه همه جا مسطح و کالسکه
در نهایت آرامی و راحت عبور میکند طرف دست چپ جاده همه صحرای بوته دار
و هموار و بی آب دست و مشهی میشود بجبال و دره ماهورهای دامنه کوه قراداغ
بعضی جاها یکفرسنگ و بعضی نیم فرسنگ از جاده تا دامنه کوه فاصله و صحرای
مسطح است درین صحرا آهوی بسیار داشت ولی عبور پیشخانه و جمعیت زیاد از جلو [illegible]

همه را پراکنده و متفرق ساخته بود با وجود این حال چهار راس آهو بصید غلامان
آمده بحضور مبارک آورده مستوجب اعطای انعام شدند طرف دست راست
جاده از شریف آباد الی دو فرسنگ درخت و زراعت و آبادی بسیار بود
و پس از آن صحرا و زمین بایر است و بفاصله دو فرسنگ تپه های ماهور و کوههای
سخت خشک هزار دره میشود ایوان کیف خالصه دیوان اعلی و از دهات بسیار
معظم و سپرده بامیر آخور است دو بیت خانوار رعیت و نیم چال و بازار و حمام
و باغات بسیار دارد و انجیر و انار این باغات معروفست و از آثار قدیمه
در او کاروان سرائی است عالی که از بناهای مرحوم شاه عباس ماضی و اکنون
محتاج تعمیر است

روز جمعه بیست و هفتم

تشریف فرمای موکب همایون از ایوان کیف بقشلاق سرکار همایون
شاهنشاهی امروز دو ساعت از روز برآمده از حرم خانه مبارکه بیرون تشریف آورده
بکالسکه نشستند امین الدوله و اعتضاد الدوله و وزیر الملک و حاجی شهاب الملک
تا وصول کالسکه همایون بمیان دره خوار مورد عنایات خسروانه و مخاطب فرمایشات

ملوکانه بودند چون بمیان درهٔ خوار رسیدیم وهنگام صرف نهار شد افتاب
کردان شاهنشاه کامکار را در سمت راست دره در بالای تپه پرکیاه برپای
کردند وزرا واعیان وصاحبمنصبان وارکان نیز هریک در گوشه سایبانی
افراخته ودر سایهٔ اقبال خسروانی غنوده سفرها گسترده وشکرانه انواع واقسام
نعمات الهی دعای وجود مبارک همایون شاهنشاهی گفتند درین بین کالسکه
وشحههای حرم جلالت که زیاده از هشتاد وبعد از نیمت همایون بود بایدکهای
مرصّع وطلا وخواجه سرایان سفید وسیاه وغلامان وسواران با نظمی تمام وترتیبی
درعین نظام رسیدند مردم از خاص وعام از جاده وراه کناره کردند
تا ایشان بگذشتند وچون مسافتی بعید طی کردند سرکار همایونی بکالسکه
رجوع فرموده پس از فرسنگی باوّل علیکه خوار رسیدیم جلیل خان سرکرده اصانلو
با سوارهٔ ابوالجمعی خود ومحمد جعفر بیک نایب خوار وکدخدایان وریش سفیدان
این بلوک بزیارت خاکپای همایون مشرف گشتند در رود موکب مسعود
بقشلاق اعتضاد الدّوله بعرض عاکفان حضور معدلت دستور رسانیدند
که جمعی از زرّ وساوآق سقالان ترکمانان مروی باعریضه عبودیّت وچاکری

بامید الطاف خسروانه روی بخاکپای همایون نهاده اند امر و مقرر شد که فردا
در اول سواری عریضه و پیشکش خود را از لحاظ انور بگذرانند هوای قشلاق
با قضای قشلاقیت آن در کمال حرارت بود و بحمد الله تعالی از میامن وجود
مسعود بدستور هر روز طرف عصر بوزیدن باد خنک و ترشح جزئی در نهایت
ملایمت و خوشی گذشت

از ایوان کیف بقشلاق تشش فرسخ است و زمین تا دو فرسنگ که اول سرد سیر
خوار است همه جا مسطح و از اول سرد سیر تا آخر دره که بابتدای جلگه خوار میشود نیز
دو فرسنگ لی راه شنک و پر گرد و خاک و بی آب مشروب است دو فرسنگ
دیگر از اول جلگه تا قشلاق است جلگه خوار صحرائی است وسیع که اغلب امکنه او
کویر و شوره زار است بحدیکه در بعضی جاها در اوقات بارندگی هر گاه سوار از جاده
خارج شود با اسب بکویر فرو رود و از او اثری باقی نماند درین صحرا با ضافه
بوتهای کون عظیم گیاههای معطر از قبیل مشک تر امشه و افسنطین و گلهای زرد
خوشبو از جنس بومادران و بعضی نباتات مخصوص که در صحراهای دیگر دیده نشده است
بسیار است طرف دست راست و چپ جاده بفاصله یکفرسنگ کوه و ماهور است

در اوّل سر دهنهٔ خوار کاروانسرای کوچکی از بناهای شاه عباسی است که اگرچه
مخروبه است ولی در ایام زمستان از برای قوافل و عابرین سپهل مامنی بس مغتنم است
دهنهٔ خوار که قلعهٔ طبیعی و حدّ خلقی این بلوک است عبارت از دو شعبهٔ از شعبات
البرز و ضلعی از کوه کنار کرد واقعه در سمت جنوب دارالخلافه است دره که درین
میان محل عبور پیاسد مشتمل است بر برجها و آثار قلعجات محکم که در سوابق ایام حقیقة
بمنزلهٔ بدنه و سنگر بوده استحکاماتیکه درین دره داشته اند و علامات و آثاران باقی است
همه در مکانهای مناسب و مواقع هندسه ساخته شده است در جبال اطراف
دره که مانند دیوارهای محکمند بواسطهٔ آنکه سنگ آن کمتر و غالباً در فصل بارندگی
محلّ تصادف باران است خطوط متوازیه عمیقه بهم رسیده و هیات آنها از سائر
جبال امتیاز داده در اوّل این دره آب شور کمی است که از طول دره همه جا
سر اشیب بجلگه خوار میرود آبادی راه امروز در قرب جاده منحصر بدهی است
مسمّی بکرته که در طرف دست چپ و نزدیک بقشلاق واقع است

روز شنبه بیست و هشتم

حرکت موکب همایون از قشلاق پیاده بساعت از روز برآمده صدای زنبورک

اخبار حرکت موکب مسعود را داد و شاهنشاه دین پناه بر اسب اقبال نشسته
ملتزمین رکاب هر یک بترتیبی که برای ایشان معیّن بود رو براه نهادند و آوای
نقاره خانه و کوس برسم هر روز غلغله در اطراف افکند انوشیروان خان اعتضاد الدوله
بابا بیک و قربان بیک طوق تمش و ساری بهادر اتمش و سایر کدخدایان طایفه
ضالّه را برکاب ظفر انتساب همایون آورده عرایض و پیشکش ایشان ملحوظ نظر مبارک
افتاد و باندازه که فراخور حال ایشان بود بعواطف ملوکانه سرافراز و امیدوار گشتند
چون قدری از راه آمدیم شدت گرد و خاک سواران ملتزمین رکاب اسباب
آن شد که سرکار اعلیحضرت همایونی میل بطرف چپ جاده فرموده تیپ و بیدق را
در جاده گذاشتند و خود با چند نفر از خواص از کنار راه طیّ مسافت میفرمودند تا در دامنه
کوهی عظیم و پرسنگ در محل مسطّحی فرود آمده امر بحاضر نمودن نهار فرمودند و خود
با دوربین باطراف صحرا و دشت نظر داشتند و حالت و هیأت مختلفه اراضی
و جبال را سیاحت میفرمودند چون وجود مبارک فی الجمله کسالتی داشت در غذا
نهایت تقلیل را فرموده نیم ساعت پس از آن تیپ همایون و اسبان کالسکه
سرکاری از برای وصول بمنزل بشتاب آمدند هفت ساعت بغروب مانده

وارد اردوی کیوان پوی شدیم ذات والاصفات همایونی اندکی راحت فرموده
و این بنده بخواندن کتاب و عرض احوالات سلاطین هندوستان و حکما و ادبای
آنسامان مشغول بود و چون از خواب برخواستند و مزاج مبارک همایون را قرین اعتدال
یافتند بصرافت طبع منیر مبارک بر آن شدند که موهبتی خاص در حق این ذرّه بیمقدار و
چاکر دربار گیتی مدار فرمایند همت ملوکانه مقتضی اعطای لقب حکیم الممالک شد
و این خانزاد سر افتخار بافلاک سوده و در شکر مراحم خسروانه عاجز ماند از دست و
زبان که برآید کز عهدهٔ شکرش بدر آید هنگام غروب آفتاب باران
شدید باریدن گرفت و تا نیمهٔ شب امتداد یافته هوا را برودت و صفائی کامل داد
و خاطر دریا مقاطر همایون مسرور گشته تفضّلات خداوندی را شکر گفتند
از قشلاق پیاده سه فرسنگ است راه بطرف جنوب و چند درجه بمشرق میرود
همه جا جادّهٔ وسیع و نهرهای متعدّدهٔ عظیمه با او تقاطع کرده و کالسکه با زحمت
عبور میکند کنار راه در سمت چپ اول دهی که بنظر می آید جمال آباد کلباز خان قراچورلو است
و بعد قلعهٔ خرابهٔ دیگر متعلّق ببرادر کلباز خان پس از آن اراد آن و او دهی است بزرگ
و معتبر و قلعه در وسط دارد مانند یکّه برج باباسیتانیکه بقاعدهٔ مهندسی و مدوّر ساخته اند

وتقریبًا چهارصد ذرع دور آنست وبرجها وباروهای محکم وعمارات تحتانی وفوقانی
دارد که اهالی ده درآنها مسکن دارند وهیچ معلوم نیست که درچه زمان ساخته شده است
پس ازاردان قریه پاده است که ازدهات معتبر خوار واو نیز قلعه دارد شبیه بقلعه اردان
که دهقانان درطبقات فوقانی آن متمکنند ازین قبیل قلعجات وکاروانسراها
ازابنیه قدیمه درین جلگه بسیار است که درعهود سابقه ازجهت بی نظمی این حدود وتحکمات
عسکریه ساخته اند وبمرور ایام بواسطه حصول نظم وامنیت رعیت خانهای خودرا
ازقلعجات بیرون آورده درخارج آبادی کرده اند وچون قلعها محتاج الیه نبوده
روی بانهدام گذاشته است حوالی بلوکات دارنجلافه است سی وپنج الی چهل ده بزرگ
وکوچک آباد ومخروبه دارد که بعضی ازآن خالصهٔ دیوان اعلی وبرخی مالکین مخصوص
دارد ایل اُصانلو وعرب وایلات متفرقه دیگر دراوقشلاق دارند که ییلاق ایشان
دماوند ولار وغیره است آب این بلوک عمده ازدورود خانه بزرگست که یکی ازسمت
فیروزکوه جاری وموسوم بنمرود است ودیگر ازسمت دریاچهٔ تار وموج دماوند
ساری ومعروف بدلیچای است حاصل این بلوک جو وگندم وشلتوک است
که بدارنجلافه وسمنان وفیروزکوه میبرند

روز یکشنبه سلخ ذیحجّه

تشریف فرمائی موکب همایون بده نمک شاهنشاه جمجاه در اول صبح بقاعدهٔ
هر روز بحمّام تشریف برده جامهٔ سواری پوشیده و از حرمخانهٔ مبارکه بیرون آمده
عموم اعیان و چاکران درباری در بیرون سراپرده از زیارت جمال مبارک
مفتخر و شادمان گشته اسب کرنک پیشکشی حسام السّلطنه که از عربیهای شیراز و در اسبیت
بی نهایت ممتاز است از سواری وجود مسعود همایون امتیازی کلّی حاصل نموده
از آنجا که همه وقت تفضّلات الهی از هر جهة شامل حال ملتزمین رکاب نصرت نگین است
هوای امروز و این منزل که غالب اوقات بگرمی و بدی معروفست کمال اعتدال را
یافته از اوّل بارانی ملایم ببارید و چنان طراوت و نظافتی در هوا پیدا شد
که انبساط کلّی در خاطرها پدید گشت و گرد و غبار بالمرّه زایل شد ذات همایونی بواسطهٔ
باران از اسب فرود آمده بکالسکه نشستند و چون باران ایستاد بقصد شکار اسب
سوار شده رحمت الله خان سارو اصلان را مقرر داشتند که با دستهٔ از سواران
ابوالجمعی خود از بالا دست جادّه روان شده آهو دوانی کنند هنوز سواران
مسافتی طی نکرده یک گله جیر که آهوان کوتاه ظریفند بسمت ماردیف شدند ولی چون

صحرا بالست و بلندی و کویر و سخت بود تعاقب ایشان امکان نپذیرفت
نصرالله بیک توپچی خاصه هوبره با قوش شکار کرد و سرکار همایونی در کنار راه
در محلی که نباتات و گیاههای مختلف داشت از برای صرف نهار فرود شدند
اعتضاد الدوله و امین الملک و شاهزاده ملک منصور و آقا علی و غیره در حضور
بودند بعد از نهار یکدسته شکار دیگر از مقابل تپه پرون آمده سواران در پی
ایشان تا خلد حسن خان عمزاده میرشکار بر بعضی سبقت جسته آهوئی ماده با یک بچه
دستگیر نموده و از وصول انعام و الطاف همایونی مفتخر گشت یکساعت بغروب
مانده بمنزل رسیدیم و اعلیحضرت همایونی قلیل وقتی استراحت فرموده بقیه روز را
باستماع روزنامجات فرنگستان که حکیم باشی طلزان معروض میداشت
و مطالعه تاریخ ایران و غیره گذرانیدند نزدیک شام بادی سخت وزیده رعد و
برق آشکار گشته باران شدیدی تا نیمی از شب گذشته ببارید

از پاده الی ده نمک سه فرسنگ است و از اول منزل قلعه آن نمایان میباشد
این بیابان با آنکه کویر و شوره زار است درخت زرشک و گیاهها و گلهای
مختلف و متعدد دارد از جمله کنگر است و او گلی است سفید و بزرگ و چهار پر بابونی

شنبه بکل ابریشم طرف چپ راه بفاصله یکفرسنگ یا پنج فرسنگ کوههای سنگی
کوچک و از آنها دورتر کوههای بزرگ برف دار نمایان است طرف دست راست
همه جنگل گز و خارشتر است قریه ده نمک قریب صد خانوار رعیت دارد و او را
کاروانسرائیست از بناهای قدیم که حاجی علی اکبر تاجر طهرانی تعمیر نموده و قلعه دارد
شنبه بقلعه پاده با حمام و پنج چال و چاپارخانه

دوشنبه غره محرم الحرام

تشریف فرمائی موکب مسعود منزل لاسجرد شاهنشاه اسلام پناه بواسطه
بعد راه امروز را زودتر از هر روز سوار شدند و همه جا از میان جاده و راه
تشریف فرما گشتند تا سه فرسنگ از مسافت طی شده و در سمت چپ در دامنه
از برای صرف نهار نزول فرمودند حسین خان پسر سپهسالار و حاکم سمنان
و دامغان در اینجا شرف اندوز حضور عطوفت دستور شده مورد الطاف خسروانه
گشت و چون خیام زرین نشان همایون که پیشخانه بود از باران شب قبل رطوبت
کلی داشت خان مشارالیه مأموربدان شد که در کمال تعجیل بسمنان رفته و عمارت
ارک را از برای تشریف موکب همایون منظف و منقح سازد پنج ساعت بغروب مانده

بپای گردنهٔ لاسجرد رسیدیم کالسکه های حرم جلالت از پای گردنه از راهی که
در سمت راست برای عبور کالسکه ساخته بودند گذشته و سرکار همایون شاهنشاهی
سواره ببالای گردنه تاختند و در آنجا اندکی توقف فرموده دوربین بصحرا انداختند
و فنجانی قهوه میل کرده سه ساعت از روز مانده بمنزل نزول اجلال فرمودند و از آنجا
که امروز اول محرم و هنگام شور و ماتم بود خاطر مبارک از حزن و غم نیاسود و حاجی
قاسم ناظم البکا را امر فرمودند که اسباب تعزیت داری حاضر کنند و بنای سوگواری
گذارند ذاکران که با اردوی کیوان نشان همراه بودند و اسامی ایشان باین شرح است
در ایوان همایون حضور بهم رساندند

آقا سید ابوطالب خراسانی — میرزا عبدالجواد واعظ — میرزا ابوالقاسم سلطان الذاکرین — میرزا آقا جان کاشانی — ملا آقا جان محتشم و جمعی دیگر از ذاکران

و اغلب از خدام دربار سپهر احتشام در مجلس تعزیه جمع شده شوری عظیم برپای کردند
و وجود همایون شاهنشاه اسلام را دعا و ثنا گفتند و هر یک از امنا و اعیان و خدام
و ارکان نیز در منازل خویش مشغول تعزیت داری و دعاگوئی شدند واضح است
تا شاهنشاه دین پناه را در ترویج شرع مبین و تعظیم خانوادهٔ حضرت سید المرسلین ص
و حفظ صلاح مسلمین باین شدت مراقبت و تمکین نباشد خداوند متعال قضا و قدر را

مطیع خیالش نکند و سی کرور مخلوق را منقاد مثالش نسازد در صحرائی کویر که بهیچ گونه
تدبیر آب بدست نمی آمد محض راحت همراهیانش رودهای بزرگ جاری نسازد و ابر رحمت
از منزلی تا منزلی سایه بر سر ملازمانش نیندازد فی الحقیقه جز از عقیدهٔ نیک و قصد خیر
اعلیحضرت شاهنشاهی و تفضل الهی دلیلی دیگر مشهود نبود که درین روز باین مخلوق
بدین قسم خوش بگذرد و حال آنکه از پاده الی لاسجرد جز در عبدالله آباد در هیچ محل نزدیک
راه آب نیست و هوای کویر غالبا گرم و با گرد و غبار است و هر هنگام غافله از این مکان
عبور نماید اکثر بواسطهٔ گرمی هوا شب بگذرد و از منزل قبل آب زیاد با خود بردارند چنانکه
مردم ما نیز وحشت کرده و آنچه ظروف داشتند پر آب نموده بودند غافل از اینکه بواسطهٔ
باران شب گذشته نهرها در اطراف جاده جاریست و غدیرها در هر کنار پر از آب خوشگوار
و هوا را بحدی طراوت و لطافت است که هیچکس حتی ستورانرا احتیاج بآب نیفتد
بالجمله امروز حکیم باشی طلزان و این بنده مدتی از راه را متحیر و متعجب در شدت جمعیت و
ازدحام اهل اردو بودیم که بمراتب زیاده از هر روز بود چه شب گذشته مردم بواسطهٔ
تیرگی شب و آمدن باران از پیش رفتن نتوانسته و همه از پیاده و سوار و بنه و بار از اول
روز بحرکت آمده بودند جاده از پاده الی لاسجرد بازاری شده بود وسیع که عبور در آن

درنهایت دشوار بود و درین مسافت هفت فرسنگ مردان و بارکشان
پیکدیگر پیوسته بودند بطوریکه هرکس از مکان مرتفعی سیر مینمود دراین بیابان خطی مساوی میدید
که در هفت فرسنگ طول و سی ذرع عرض امتداد دارد بلکه میتوانم عرض کنم ده فرسنگ
طول زیرا که فی الحقیقه ابتدای اردو از پیاده بود ولی نه چنان است که تمام این خط مرکب
از عساکر منصوره و جنود مامور باشد بلکه در او انواع و اقسام مخلوق از هر قسم و هر نوع
از هر بلد و هر ولایت زوّار هندی و بربری کنجه و قبه و کسبه و ارباب صنایع از هر صنف
و هر سنخ و شتها و کجاوه ها حتی قوجه من سنه قربان اُلوم منه پیر غایت ایله که از نود سال
متجاوز دارد و در پیاده روی قدرتی که مشی نمونه قوت بنی نوع بشر است و نمیماند
که هرگاه اعراض روحانیه مانع نیاید و قوی نفسانیه را نکاهد شخص میتواند تا صد سال
بل متجاوز در اغلب قوا و قدرت خود باقی باشد چنانکه مکرر در اهالی قراء و جبال و بادیه
نشینان ملاحظه شده است که در سن نود و صد در جمیع قوه و قدرت طبیعی بدنی باقی
مانده اند حال ازین ملاحظه بگذریم و مشاهده کنیم که خالق متعال در خلقت هر نوع
مخلوق خاصه بنی نوع بشر چه تفنّن ها فرموده یکی را چون پهلوان یزدی خلقت فرموده
که درین راه پیدق پیادگان و البسته نیم ذرع بلندتر از ایشان بود و در پهلوی او علی کبیر

که آجری در پای مناری و بوته در مقابل چناری مینمود ولی آنچه حیرت بر حیرت
حکیم باشی طلزان میفزود بار و بنه اعیان و ارکان بود هرچه میرفتیم تمامی نداشت و
جناب حکیم عجب می انگاشت که چگونه متحمل اینهمه مصارف و مخارج میشوند و هرگاه از مطلب ما
خارج نبود و جسارت نمینمود میتوانستم بموجب فرمایش ایشان بسختی درینباب و معایب
آن شرح دهم ولی چون مقصود مطلب نویسی و حکایت گوئی فقط است از بعضی تحقیقات
هر قدر هم مفید باشد صرف نظر میکنیم البته اولیای دولت و اعیان حضرت خود از ما
بندگان با بصیرت تر هستند و چاره درینباب که جز خسارت و مرارت فایده ندارد خواهند
فرمود اگرچه معلوم است آنانکه سالها و قرنها با راحت و اسباب تجمل حرکت فرموده اند
و حالت سفر ایشان با حضر چندان فرقی نداشته نمیتوانند از اسباب راحت خود صرف
نظر نمایند و چادرهای پس خانه و پیشخانه و صندوقخانه و یمش خانه نداشته باشند مگر آنکه بمرور
ایام و از توجه خاطر خطیر مبارک شاهنشاهی تغییری و تعدیلی درین امر بشود چنانکه مکرر
درین سفر از لفظ درربار اعلیحضرت همایون شهریاری شنیدم که بحاجب الدوله و سایر
چاکران و صاحبمنصبان دربار همایون میفرمودند که تخفیفی در خیمه و سراپرده و سایر ملزومات
سفر همایونی دهند تا سایرین نیز تأسی بذات والاصفات شاهنشاهی نموده از شدت

مخارج سفر و زحمت بار و نبه بسیار پیدا میشود انشاء الله تعالی بمنّه و توفیقه

از پاده الی لاسجرد هفت فرسنگ است و راه همه جا جنوب مشرقی است صحرا

کویر و کوَن زار با بوته و اسفند بسیار است مسافتی از پاده که گذشته اول خاک سمنان است

و محدود است بچند یار لقان عمیقی که چون خندقی طبیعی در میان خاک خار و سمنان

واقع اند و عرض هر یک از دو ذرع و نیم الی سه ذرع و عمقاً از ده ذرع الی پانزده ذرع است

که بخط عرضی در دو سه موضع جاده را قطع نموده آب این نهرها که آبی کل آلود و سیلابی است

در هر یک دو سنگ یا سه سنگ کمتر یا زیادتر از مشرق شمالی بمغرب جنوبی جاریست

پلهای نهرهای مزبور که معروف بپل کرپی و در اصل به ریگرپی موسوم بوده است پلهای

محکمی است که از عمق نهر بنا شده و بسطح زمین مشی است و این نکته را خاطر الهام پذیر

ملوکانه مبتادر استنباط فرموده و وجه تسمیه او را به ریگرپی به نسبت مساوات اینها بسطح

زمین مقرر داشته طرف دست چپ بفاصله نیم فرسنگ پته ها و کوههای کوچک

و پس از آن کوههای مرتفع عظیمه است طرف دست راست صحرای کویر بی آب و گیاه است

که بفاصله پنج الی شش فرسنگ او نیز مشی بجبال شود سه فرسنگ از ده نمک گذشته

قریه عبدالله آباد است که در سابق ایام قلعه بزرگ داشته و آن قلعه منهدم شده در ثانی

این اوقات حاجی علی اکبر تاجر طهرانی درصدد آبادی او برآمده کاروانسرا و آب انباری
بنا نهاده و چند خانوار رعیت در او مسکن داده زراعت قلیلی کرده اند و البته قابل آبادی
زیاده بر این است دو فرسنگ از عبدالله آباد گذشته کردنه لاسجرد است و او کوه و گردنه
کوچکی است که از بالای آن قلعه عظیم سیاه لاسجرد و جلگه سمنان نمایان است
از گردنه گذشته بازراه هموار و مسطح و بجنب هوا اول ییلاق است قصبه لاسجرد
باغات بسیار و قریب سیصد و پنجاه خانوار رعیت دارد که سیصد آن در قلعه
و پنجاه خانوار در خارج قلعه مسکن دارند اهالی این قریه اغلب مردمان متمول و باصناعت
و صاحب اغنام و احشام اند و در سال مبالغی پنیر و روغن که معروف و ممتاز است
بفروش میرسانند و حاصل باغات ایشان کوجه بسیار خوب و انگور وغیره است
قلعه لاسجرد قلعه ایست مدوّر بزرگ سه مرتبه که بسیار محکم و سخت ساخته شده است
و او را دری کوچک است که از یک پارچه سنگ بنا کرده اند دو مرتبه بالای قلعه
مسکون و مرتبه زیر انبار است و طاقهای قلعه از سنگ تراشیده است و از طرفی بدرون قلعه
می نگرد در مرتبه ها مثل درمرد روهای قلعه جات بزرگ و طرهای عمارات
عالیه چوبهای بلند ضخیم استوار کرده و روی آنها را پوشانیده اند بنحویکه بمنزله

ماه تابی واقع شده ولی برروی چوبها منفذ ها گذاشته و مدفع خویش قرار داده اند
و باینجهة است که دیوار قلعه همیشه ملوث و کثیف و هوای مجاور قلعه بشدت متعفن است
و چون نسیمی بوزد تا یکفرسنگ بل متجاوز از دی و عفن سازد و حال آنکه هرگاه
این کثافت و ناتمیزی نباشد لاسجرذ از بهترین مکانهاست با هوائی بس نیکو
و زمینی قابل هر گونه زراعت و آبادی

دوشنبه دوم محرم الحرام و ورود موکب مسعود بشهر سمنان

درین روز سرکار اقدس همایون ظل الهی یکساعت و نیم بدسته مانده بزاب
کهر پیشکشی نواب یمین الدوله سوار شده همه جا از خارج جاده با اعتضاد الدوله
و امین الدوله و معتمد الممالک فرمایش کنان تا نیم فرسنگ از قریه سرخه گذشته
تشریف بردند و در سراسیاهای سرخه کنار بیدستان و نهر آبی از برای صرف
نهار فرود شده و پنجساعت از روز برآمده روی بشهر سمنان فرمودند چون دو فرسنگی
از اسیاها دور شدیم سواد شهر آشکار گشت حسین خان حاکم سمنان که پسر سپهسالار
والی خراسان بود با سادات و اجله و اعیان و عموم اهالی شهر از وضیع و شریف
اناث و ذکور از دو رصفها برکشیده کوکبه موکب مسعود را پذیره شدند

سرکار اقدس شاهنشاهی با پوشش ولباس مکلّل بالماس و کمر و شمشیر مرصع آفتاب
وار از برج کاسکه خاصه مبارکه طالع شده و بر مرکب عربی اقبال راکب گشته
انظار ناظرین را از نظاره تلؤلؤ کواکب مبارک منور ساخت فوج سمنان
و دامغان ابو الجمعی علیقلی خان سرتیپ از سان حضور مبارک گذشته و سرتیپ
مذکور و افراد سرباز بالطاف همایونی مستعد و سرافراز شدند خان حاکم اعیان
ولایت را در حضرت همایونی معرّفی کرده جمیعا مورد ملاطفات و عنایات خسروانی
گشته زبان بدعا و ثنای وجود مبارک گشودند سه ساعت بغروب مانده
ذات والاصفات شاهنشاهی بمبارکی و اقبال و شوکت و اجلال تمام بارک
سمنان شرف ورود ارزانی فرمودند وارد وی همایون در نهایت آراستگی
در خارج شهر که به پشت ارک اتصال دارد متوقّف شد در این وقت چون هنوز
خادمان حرم عفّت توام رسیده بودند سرکار ظل اللّهی با پیشخدمتان و خواص عمارات
حرم خانه و باغ را تفرج فرموده بحیاط کوچکی که از برای دیوانخانه مهیّا و آماده شده
بود تشریف فرما شده با حضار ذاکرین امر فرمودند و پس از استماع ذکر مصیبت
و انجام لوازم تعزیت مقرّبان دربار را رخصت انصراف داده و خلوت دیوانخانه

قورق شد

ازلاسجرد الی سمنان شش فرسنگ و راه همه جا مسطح و جنوب مشرقی است پس از
نیم فرسنگ ازلاسجرد کذشته مزرعه ایست خوش آب وهوا و با سبزه و صفا معروف
بشیرآور و از آنجا الی سرخه دیکر در اطراف راه آبادی و قریه و مزرعه موجود نیست
سرخه در سه فرسنکی سمنان واقع است و از دهات آباد معتبر و قریب چهارصد خانوار
رعیت دارد و خربزه آنجا بحسب شیرینی و لطافت معروفست از سرخه الی سمنان
شهر دیکر در نزدیک راه آبادی نیست ولی در دامنه جبال شمالی مزارع بسیار
و در جلکه جنوبی قرا متعدده است در سمت چپ جاده فی الجمله کویر و باطلاق است و الی
نیم فرسنک بعضی جاها پشته و بعضی کمتر مشهی میشود بکوههای پست که در پشت آنها
کوهی است پرسنک و بزرک و سیاه رنک موسوم بکوه قالی باف و وجه تسمیه این
کوه بدین اسم بمناسبت قریه قالی باف است که از قرا فیروزکوه و در دامنه این کوه واقع است
پس از کوه مزبور جبال پربرف و خوش هوای نیزه واست که سنک سنر و شمرزاد
دو بلوک معروف سمنان در دامنه آن واقعند برطرف راست جاده تا سرخه
جلکه ایست که بفاصله یکفرسنک مشهی چشمهای کوچک خاکی میشود و در نزدیکی سرخه

پته های مزبور تمام گشته آنطرف الی ماشاءالله صحرا و کویر است و بکسمت این کویر
منتهی میگردد بجندق و بیابانک که از بلوکات مشهور سمنانند و از قرار معروف
از آنجا بشهر سمنان هشتاد فرسنگ راه است جلگه سمنان آهو و شکار بسیار دارد
از آنجمله امروز غلامان نصرت نشان دو آهوی زنده و شش کشته بحضور مبارک آورده
مورد انعام و احسان ملوکانه شدند و چون بره آهوی زیاد درین راه بدست می آمد
سرکار اقدس همایونی بمقتضای رحم و مروت شاهانه و نیت خیر ملکانه امر اکید و حکم
بلیغ فرمودند که کسی متعرض آنها نشود و همه جا آزاد و در پناه عدالت خسروانی سیر کنند
در نزدیکی سمنان امامزاده ایست که بنابر مشهور مقبره یکی از برادر یا برادرزادگان حضرت
امام ثامن ضامن علیه السلام است مرقد ابوالمکارم رکن الدین علاء الدوله احمد بن محمد
که از معارف مشایخ سابق و در مدت شانزده سال زیاده از صد اربعین ریاضت
شرعی کشیده در برج احرار خارج شهر است در بیرون ارک دو کاروانسرا از بناهای
جدید است که بسیار خوب و عالی ساخته اند ارک شهر از ابنیه مرحوم حاجی بهمن میرزای
بهاء الدوله است و قلعه و باره محکم دارد و در محوطه آن خانهای کوچک متعدده
بوده است که نواب معظم الیه برای مسکن غلامان مخصوص خود ساخته و حال اغلبی از آنها

منهدم گشته

منهدم گشته اند عمارات ارک مشتمل است بر خلوت کوچکی و اندرونی بزرگی و
باغ و دو سه خلوت خراب و حمام وسیع دایری حیاط اندرونرا دو طالار بزرگ
رو بجنوب و شمال است و در طرف غربی و شرقی او طاقها و بالاخانهای
متعدده است که من حیث المجموع شباهت کلی باندرون باغ قصر قاجار دار الخلافه
دارد غیر اینکه حوض این عمارت دو سه حوض کوچک طولانی است که در میان یکدیگر ساخته اند
در جنب خلوت بیرونی تکیه ایست که بموجب امر همایونی در او همه روزه تعزیه داری
مینمایند هوای سمنان بی نهایت مسرت آمیز و فرح انگیز و بمراتب از هوای
دار الخلافه سردتر است چنانکه در روز ورود موکب مسعود با آنکه پنجاه روز از تحویل
حمل گذشته بود گل سرخ تازه شکفته و درختان سنجد و سایر فواکه اندک اندک شکوفه
کرده بودند مردم سمنان گویا مرکب از مازندرانی و خراسانی و عراقی شده اند
زیرا که در آداب و رسوم چون عراقیان و در سیما و بشره مازندرانی و خراسانیانرا مانند
و فی الحقیقه چون این شهر در میان این سه مملکت واقع است بعید نیست که اصل مردمان
او نیز از اهالی این ممالک مرکب شده باشند زبان و لهجه سمنانی که در میان
خودشان معمول است زبان مخصوصی است که فهمیدن آن نهایت اشکال را دارد

بکیرکه

بحدیکه اهالی ایران هر وقت بخواهند صعوبت تفهیم و تفهّم زبانی را اظهار دارند او را
نسبت بزبان و لهجهٔ سمنانی میدهند شهر سمنان از شهرهای قدیم ایران است
و ارباب تواریخ آنرا از بناهای طهمورث دیوبند دانند و در قدیم شهری بسیار
بزرگ و آباد بوده است و اکنون بیست هزار متجاوز مخلوق دارد و او را تکایا و حمّام
و مساجد و کاروانسرا بسیار است خاصه مسجد شاه و جامع که شرح آن در روز بعد
گفته خواهد شد این شهر را یازده محله است که اسامی آنها بدینموجب است

محلهٔ ناسار	محلهٔ لتی بار	محلهٔ اسفنجان	چوب مسجد	شاه جوق
کودی در	گل شمقان	فرادقان	ملیحی	کودان کوه

چهارشنبه سوّم محرّم الحرام توقف اردوی همایون در سمنان

سرکار همایون شاهنشاهی درین روز هنگام صبح بحمام تشریف برده و از گرد
و رنج راه آسوده در خلوت دیوانخانه جلوس فرموده و پس از صرف نهار باحضار
ذاکرین امر فرمودند و چون از استماع ذکر مصیبت فراغت حاصل شد بقصد تفرج
خارج شهر و بطرف شمال و از جاده که بسمت گل رود بار سنگ سر میرود تشریف
فرما گشتند تیمور میرزا و ساری اصلان و سایر چاکران بتدریج برکاب پیوستند

پس از طی مسافت دو فرسنگ بباغات دره کرزین رسیدیم این باغات درمیان
دره واقع است طولانی و باصفا همه باغهای باثمر و پرمیوه که اشجار آنها را
بطور چوب بست موچشه کرده اند و اغلب درختان سنجد و بادام و توت و زردالو است
از میان دره آبی کل آلود بقدر چهار پنج سنگ جاریست سمت شمال دره
کوههای بزرگ است که در قلّه آنها برف بسیار است سرکار اقدس همایونی
اوّل قدری از میان دره تفرج کنان رفتند بعد چون بری عظیم در قلل جبال
مشاهده شده که شروع بباریدن نموده بخاطر الهام پذیر همایون خطور نمود
و معلوم گشت که این باران مورث سیل عظیم خواهد شد و هرگاه هنگام ورود سیل
در میان دره شک باشند البتّه آسیبی بملتزمین رکاب خواهد رسید پس بالای
تپه را که مشرف بباغات بود و منظری بس نیکو داشت گرفته و مسافت یکفرسنگ
دیگر تماشاکنان تشریف برده و از همان راه معاودت فرموده در آخر باغات در کنار
رودخانه از برای نماز عصر فرود آمدند و در حینیکه مشغول وضو و شست و شوی رو
بودند امیرزاده محمد حسین میرزا و اجودان مخصوص و آقا حسن نایب قهوه خانه از سمت
زیر دست یکدفعه فریاد کردند برخیزید که سیل آمد ما غلامان که در حضور بودیم وحشت نمود

وسرکار همایونی را بتعجیل در برخواستن و ببالای سنگ چین رفتن نمودیم و بمحض اینکه
ذات والاصفات شاهنشاهی در بالای سنگ چین آرام گرفتند سیلی عظیم همه اطراف
رودخانه را فرا گرفته آبیکه در اول از سه سنگ زیاده بنظر نمی آمد درین قلیل زمان
گویا سیصد سنگ متجاوز شد که در کمال سرعت و قوت جاری بود و درختان
مهیب از ریشه کنده و سنگهای عظیم الجثه از جبال حرکت داده با خود همراه داشت
و تا یکساعت بهمین عظمت و تندی جاری بود و بعد بتدریج کمتر شد سرکار شاهنشاهی
بعد از اتمام نماز و تفرج سیل بدرشکه نشسته بسمت اردو معاودت نمودند و شکر
خداوند یگانه را گفتند از اینکه بحمد الله تعالی از میامن وجود مسعود از چنین سیل عظیمی
آسیبی بدهات و مزارع و بملتزمین رکاب نصرت نشان نرسید کمال انبساط و فرح را
حاصل فرمودند شب پس از صرف شام باحضار ما بندگان امر فرموده و ساعتی مشغول
خواندن روزنامجات گشته استراحت فرمودند

پنجشنبه چهارم محرم الحرام توقف در سمنان

درین روز چون بعرض عاکفان حضور عدالت دستور همایونی رسیده بود
که از اهالی اردو بعضی بی نظمیهای جزئی صدور یافته خاطر مبارک اقدس شاهنشاهی

بدان سبب متغیر گشته در اوّل روز با حضار اعیان و سرکردگان و صاحب منصبان
امر مقرر شد و چون بشرف تقبیل آستان عدالت نشان مستعد آمدند هر یک را
بمعرض عطاب خسروانه درآورده بقید قسم مقرر داشت که اگر دیناری از سپرکان
و تابعینشان ایشان بالنسبه برعایا و ضعفا بی حسابی و تعدی واقع شود همه را
سیاست فرمایند و یک دینار را هزار دینار از ظالم عوض گرفته مظلوم عنایت
فرمایند ایشان نیز بالاجماع قرار این معنی را در خاکپای همایون متعهد شده
و در خاکپای مبارک مراقبت کلی و جزئی و نهایت نظم را التزام سپردند
و الحق از آنروز بعد تا زمانیکه مراجعت کردیم هیچکس ندید و نشنید که از این جمعیت
جثّه یا دیناری باحدی ضرر و بیحسابی وارد آید چون خاطر خطیر همایونی
ازین فقره فراغت حاصل نمود ذاکرین آمده ذکر مصیبت کردند و سرکار
همایون شاهنشاهی مشغول ملاحظه نوشتجات چاپار جمعه شدند چه از روز حرکت
از دار الخلافه امر همایون بدان مقرر است که در هر جمعه از ایام هفته چاپاری
بدار الخلافه رود و او امر همایونی و احکام و فرمایشات را در امور مرجوعه بدار الخلافه
و سایر ممالک محروسه بمستوفی الممالک و وزیر مالیه اعظم و سایر وزرا برساند

وهم درین روز چاپاری از خراسان و چاپاری از دارالخلافه در رسید عرایض
سپهسالار اعظم و سردار کل و سایر وزرا از لحاظ نظر انور همایون گذشته احکام
سنیه در جواب هریک شرف نفاذ یافت سه ساعت بغروب مانده دولت
والاصفات شاهنشاهی بعزم تفرج و سیاحت محلات و مساجد وغیره بشهر
سمنان تشریف فرما شدند و اول مسجد شاه توجه فرمودند حاجی سید ابراهیم
متولی مسجد که از نجبا و اجلهٔ شهر و مردی با مکنت و ثروت است با تمام علماء بلد
در مسجد حاضر شده لوازم پذیرائی را معمول داشتند سرکار اقدس با هریک
از علما بنحوی خاص اظهار مرحمت فرموده و باتفاق ایشان مسجد جامع را نیز
ملاحظه فرموده حکم بتعمیرات آنجا فرمودند و از محلهٔ لتی بار عبور کرده کوچها و باغات را
تا سمت دیگر شهر که محل خیام نواب علیه عصمت الدوله و معیر الممالک بود تفرج
فرمودند و در اینجا که مکانی بسیار باصفا و اصطخری پر آب داشتند کمی توقف
محض اظهار التفات بسرکار عصمت الدوله و ملاحظهٔ اصطخر مکث فرموده بعد
بارد و آمدند و از دروازهٔ ارک بمقر سلطنت عظمی تشریف مبارک ارزانی داشتند
مسجد شاه سمنان از بناهای خاقان خلد آشیان و مسجدی بزرگ و عالی بنا است

وضع از

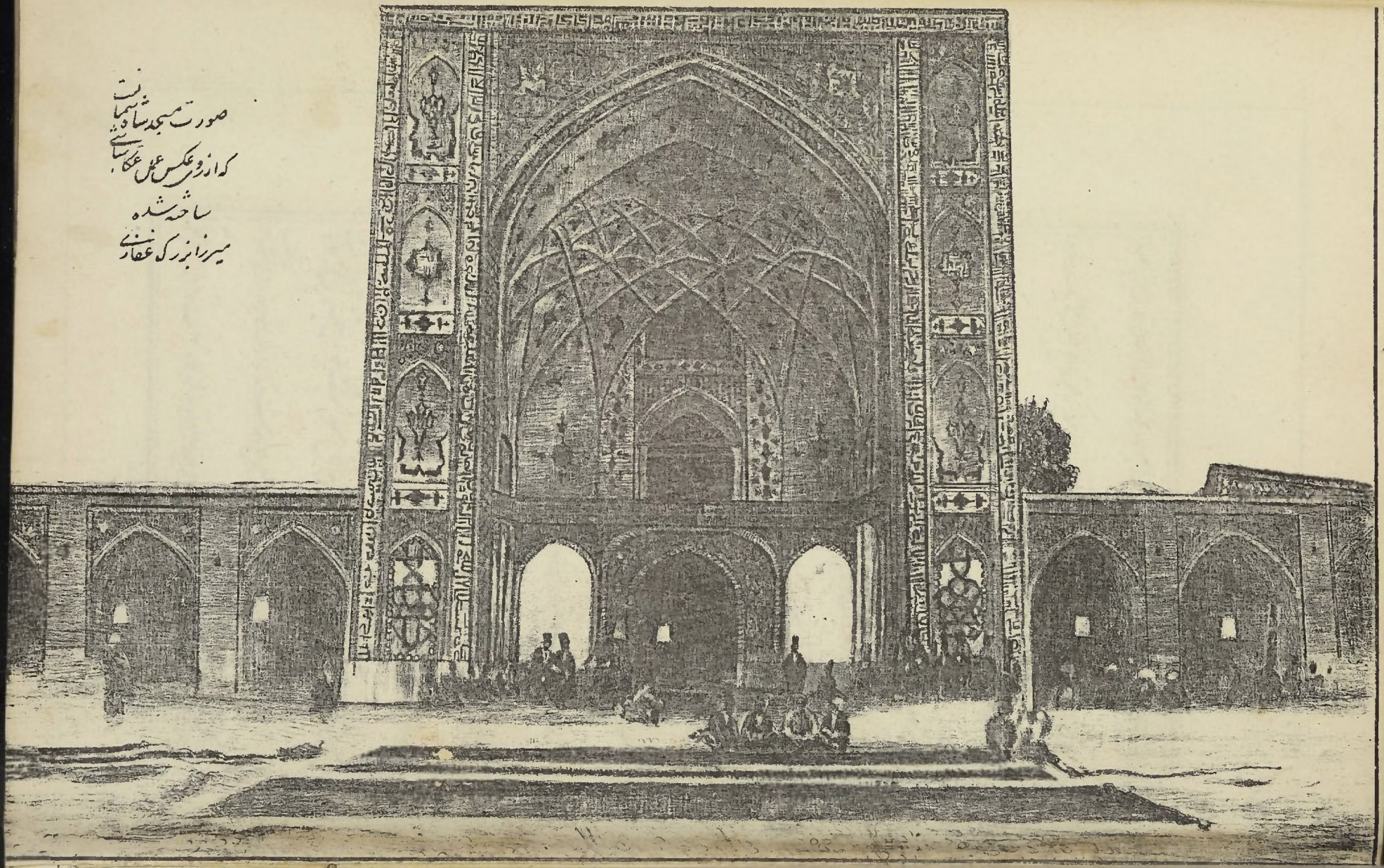

صورت مسجد شاه سمنانست
که از روی عکس عمل عکاسباشی
ساخته شده
میرزا بزرگ غفاری

وضع حجرات و طاقها و شبستانهای آنجا بمسجد شاه دار الخلافه که هم از بنیه
خاقان مغفور است مشابهتی تمام دارد مسجد جامع که محتاج بتعمیر کلی است مناره
بلند دارد و وضع او بوضع مساجد اهل سنت شبیه است و قضا نه این مسجد که در دو
محکوک بدیوار نصب است تاریخ بنای مسجد را معلوم میکند که در سنه هزار و
یکصد و سیزده بنا شده است شهر سمنان امروز در نظر مبارک پادشاهی
بسیار نیکو و مستعد آبادی آمد زیرا که اولا کوچهای آن اغلب وسیع و با اشجار
و اشجار روظیف بودند و در هر فاصله جزئی میدان و تکیه کوچکی بود که اهل محله
زینت بسته و منقح کرده بودند واضح است اولا اسباب پاکی و نکی شهری
آب و درخت و وسعت کوچها و پاکیزگی اهالی آنست سمنان اگرچه رود خانه
عظیم ندارد ولی همین قدر چند نهر وسیع که در داخل آن جاری هستند اسباب
رونق و خوشی هوای شده اند

جمعه پنجم محرم الحرام تشریف فرمای موکب همایون بمنزل اهوان
شاهنشاه اسلامیان پناه یکساعت از طلوع گذشته از ارک شهر بیرون تشریف
آورده و بکالسکه نشسته با تمام وزرا و اعیان توجه ملوکانه بسمت آهوان فرمودند

چون فرسنگی از راه طی شد در سمت راست جاده در محلی با صفا از برای صرف
نهار فرود آمدند و پس از آن چون راه قدری دره پته و ماهور و عبور کالسکه عسرت
داشت سواره تشریف فرما شدند تا از قریه چاشتخواران که دهی آباد و قنات آبی
بس کوارا دارد گذشته . رحمت الله خان ساری اصلان معروض حضور مبارک
داشت که در دره های سمت راست و چپ جاده آرقالی یعنی قوچ و میش وحشی
بسیار است و در اوقات حکومت خود غالبا درین دره ها شکارهای بسیار کرده
پس اعلیحضرت شهریاری بقصد صید اندازی بپت و پید قهارا فرمودند که با نظم
و ترتیب از جاده بروند و خود با چند نفر سوار و معدودی از عمله حضور مبارک و
اصحاب شکار بطرف ماهورهای سمت چپ توجه فرمودند ولی چون سواره
شاهسون که بواسطه عبور مکرر بلد راه و عالم شکارگاه بودند هنگام صبح قبل از اردو
حرکت کرده و شکارها را متفرق کرده بودند صیدی بدست نیامد و از آنجا را
که هوا را فی الجمله رطوبت و برودتی بود در وقت گذشته عزم ملوکانه از صید افکنی
منصرف گشته در سایه درخت آورس عظیمی با قتضای لطافت و برودت هوا
و صفای طبیعی مکان قلیل زمانی مکث فرموده غلیانی کشیدند و ساری اصلان

و محمد زمان پیک تفنگدار خاصه را بطلب شکار فرستادند و خود تفرج کنان
تا مرزعه رویان که یکی از مزارع سمنان است و قلعه کوچک خراب و اصطخر و قنات
آبی دارد تشریف آورده و از برای ادای نماز و صرف ناریخ دالارساعتی در سر اصطخر
فرود آمده بعد از اسب پیشکشی اعتضاد الدوله نشسته بطرف فاردو راندند و چون راه
قدری زیر دست اردو اتفاق افتاده بود یکساعت بغروب مانده بمنزل رسیده
ذاکرین بحر مخانه مبارکه رقمه ذکر مصیبت کردند و سرکار ظل اللهی شب را
زود تر از رسم سایر لیالی غنودند

از سمنان تا آهوان بشش فرسنگ راه مایل بسمت مشرق است در مقابل سمنان
جلگه ایست که بکمال مشابهت را بجلگه دوشان تپه واقعه در سمت شرقی دارالخلافه دارد
یعنی بهمان قسم کوههای سنگی کوچک در وسط دارد و اطراف او نیز کوهستان است
حتی در سمت راست این جلگه قناتی است که گویا در محل قنات هاشم اباد این خلوت
واقع شده و در سر این قنات مرحوم ملا محمد سمنانی آب انباری ساخته و پله ها برا و قرار
داده که باب قنات میرسد و از برای قوافل و عابرین سبیل بسیار مفید است
از این جلگه تا آهوان راه همه جا رو به بلندی میرود تا منتهی بکردنه مانند کوچکی میشود که اول

درّه ماهور است و قریب سه فرسنگ این دره ها امتداد دارد و راه ناهموار است
تا بجلگهٔ آهوان میرسد زمین صحرا بوته و کون زار است و درختهای آورس که قسمی از کاج
جبلی است بسیار دارد سمت راست جاده از دور اوّل دهی که مشهود می افتد
قریهٔ کهلا تیول اولاد مرحوم سیف الدّوله میرزا است و پس از آن محمّد آباد متعلّق باولاد
مرحوم ملا محمّد سمنانی و از آن پس دیگر آبادی نیست طرف چپ جاده دامنهٔ کوههای
پر برف نیزه و است و قریهٔ چاشتخواران و مزرعهٔ رویان درین سمت راه واقعند
قلعهٔ آهوان قریب نیم فرسنگ پائین جاده واقع و خراب و بلا سکنه است
و در آهوان دو کاروانسرا است یکی از آنها موسوم بکاروانسرا سنگی است بعلت آنکه
همهٔ آنرا با سنگ ساخته اند و معروفست که در عهد انوشیروان ساخته شده
سنگهای این سرا و اغلب از بناهای آن بمرور دهور خراب شده است و دیگری
جدید البنا و آباد و قافله انداز است و نیز چاپارخانهٔ دارد که میتوان در او منزل نمود
باد آهوان در بدی و تندی معروفست و اغلب در زمستان و پائیز و اول بهار
اسباب زحمت عابرین میباشد و بحمد الله تعالی از یمن اقبال بیزوال همایون باهالی
اردوی کیوان پوی زحمتی از این باد وارد نیامد

روز شنبه ششم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب همایون از آهوان بقوشه

درین روز چون کاروان صبح بفیروزی و اقبال در رسید شاهنشاه بیدار بخت
از تخت راحت برخواسته و رخت سفر پوشیده با شکوه و اجلال تمام از سراپرده
مبارکه بیرون خرامیده و با امین الدوله و دبیر الملک و سایر اعیان بتماشای
کاروانسرا سنگی تشریف فرما شدند بنای این کاروانسرا در نظر خسروانی پسند افتاده
و تعمیر آن منظور خاطر مرحمت تخمیر گشته از تاریخ بنا استفسار فرمودند دبیر الملک
بعرض حضور رسانید که تاریخی در سنگ پاره ملاحظه کرده و معلوم نموده اند که بنای
این سرا در هزار سال قبل بوده بالاخره موکب مسعود بسمت مقصود در حرکت آمد
چون دو فرسنگ و نیم از راه طی شد و هنگام صرف نهار گشت آفتاب گردان
همایونی را در گلذاری نیکو برپای کردند درین بین سواری از جانب رحمت الله خان
سارآرسلان و دیگران که هنگام سحر بآهو دوانی رفته بودند در رسید و معروض
داشت که سواران در دامنه حاضر و امر همایون را در نزدیک شدن منتظرند اعلیحضرت
شاهنشاهی تیپ و بیدقرا مقرر داشتند که از جاده روان شوند و خود با تفنگداران

واصحاب شکار بسمت چپ رانده وازدرهٔ عظیم گذشته درجلگه آن سمت دره
فرود آمده بسمت سواران وشکاردوانان دوربین انداختند وامر فرمودند که
آتش برفروزند تا سواران شعلهٔ آتش را ازدور مشاهده کرده ازسبقو حرکت کنند
هنوز ایشان نزدیک نگشته وازبودونابود صید خبری نبود که بادی تند وزیدن
گرفت وبارانی سخت ببارید اعلیحضرت همایون ازعزم شکار منصرف گشته وحکم
بمراجعت فرمودند مقارن این حال آهوان بسیار ازدامنهٔ دشت بیکبار بمیان مارنخشد
وسواران ازهرسو بدیشان آویختند بسیاری ازآنها راصید نمودند ودویوز پلنگ قوی
که ازمهابت سواران شجاعت سبعی را فراموش کرده وباآهوان درفرار هم دوش
شده بودند ازچنگال یوزباشیان پلنگ غیرت شوانشد بدررونده وهردو را صید نموده
بحضور مبارک آورده وازانعام واحسان همایون دلگرم وشیرگیر شدند سه ساعت
بغروب مانده سرکار همایونی باردوی همایون تشریف فرما شدند شیخ محمد حسن
پسر مرحوم حاجی ملا محمد جعفر که اززیارت مشهد مقدس مراجعت نموده بود بحضور مبارک
مشرف شده مورد عواطف خسروانی گشت ذاکران برسم هر روزه بسر پرده آمده
ذکر مصیبت کردند ازآهوان بقوشه هفت وشنبک وراه مشرق شمالی است

سمت چپ جادّه بفاصلهٔ یکفرسنگ چشمه و درخت بیدیست که بنا بر معروف
از اعجاز امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیة والثّنا ظاهر شده است و هر کس بامید
اجابت مقصودی رشتهٔ از ریسمان و امثال آن بدان درخت بسته است
از آهوان بفاصلهٔ اندکی راه بصعود است پس از آن تا قوشه همه جا سراشیب میشود
طرف دست راست و چپ بفاصلهٔ یکفرسنگ و نیم فرسنگ و بعضی جاها
دو فرسنگ کوه است و فاصلهٔ این جبال اغلب کودال پست و بلند است
و در او اقسام نباتات و گیاهها روئیده و اکثر از جاها از بوتهای قیچ و گز
و گل زنبق بسان جنگلی شده که خالی از صفا و استحقاق تماشا نیست بلوک تودروار
در سمت چپ این راه واقع است و بخوبی هوا معروفست قوشه دهی آباد و جمعیتی از
صد خانوار زیاده دارد کاروانسرا و چاپارخانه نیز در آنجا موجود است

روز یکشنبه هفتم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب همایون از قوشه بامیرآباد

امروز اول صبح هوا بسیار سرد بود و بادهای تند آمیخته با گرد و غبار میوزید
بحدّی که دو سه آهو از شدت برودت هوا و سختی باد بمیان اردو آمده گرفتار
گماشتگان اعتضاد الدّوله و ابراهیم خان نایب شدند اعلیحضرت همایونی پس از طی

اندک مسافتی بتپ و وزرا را مرخص فرمودند خود با چند نفری از سمت شمال جاده
سیر کنان بقصد شکار تشریف بردند و در پناه کوهی صرف نهار فرمودند ولی سردی
هوا و شدی باد مانع از آن شد که وجود مبارک در همنگام صرف نهار راحت باشند و چون شکاری
جز دو سه خرگوش که صید تازیان عهد یقلی غلام بچه باشی بود بدست نیامد سرکار اقدس
بگالسکه نشسته بتعجیل عازم اردو شدند و ساعتی استراحت فرموده بقیه روز را باستماع ذکر
مصیبت و ملاحظه بعضی نوشتجات و صدور برخی احکام گذراندند

از قوشه الی امیرآباد دو فرسنگ است طرف جنوب جاده کوه کم و دور و اغلب
زمین صاف و جلگه و طرف شمال صحرای کم گیاه و مسطح است امیرآباد دهی بزرگ
و قلعه محکم دارد سپهسالار اعظم که مالک آنست در او عمارت و باغی نیکو بنا نهاده

روز دوشنبه هشتم شهر محرم ورود اردوی گیهان پوی بشهر دامغان

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی همنگام صبح قبل از عزیمت بجانب مقصد بتماشای
قلعه امیرآباد تشریف فرما شدند استحکام بنای قلعه و صفای باغ و طرح عمارت
جدیدیکه سپهسالار بنا کرده بود پسند خاطر مبارک آمد و عکاسباشی مامور بدان شد
که عکس باغ و خلوتیکه در این عمارت بنا شده و باتمام رسیده بردارد چهارساعت

از روز برآمده در یک فرسنگی امیرآباد در سر آسیا و کنار نهر آبی باصفا از برای نهار
فرود شدند پیرمردی کهن سال نیکو جمال که از اهل علی آباد و بارعایا باستقبال آمده بود
ملحوظ نظر مبارک افتاده باحضارش مثال دادند پیرد هقان چون بخاکپای همایون
مشرف شد و آن رافت و مرحمت خسروانی بدید زبان بدعا و ثنای وجود مقدس
اعلی گشوده و گویا سالها مقرب آستان مهرنشان بوده بمصاحبت و مکالمت پرداخت
و شرحی از سوابق حال خود معروض داشته می گفت در اوایل سلطنت خاقان مغفور
جزء غلامان خاصه و مامور بکرمان بوده و اسبی از جانب ابراهیم خان بایروان
نزد حسن خان سردار بردم و در اواخر سلطنت خاقان مغفور که ببرکشی خانه و عیال
خویش آمده بودم گرفتار ترکمان شده به بخارا رفتم و تا پنجسال قبل در آن سامان
با سیری و غلامی ببرده تا عاقبت فرار بوطن اصلی عود نموده و در ظل عدالت
و عنایت شاهنشاهی در کمال رافت و آسودگی غنوده ام و از خداوند همی خواستم
که بوسیله بحضور مهر ظهورم رساند تا توسعه در امر معاشم باشد و بتوانم خود را
نیک بخت ترین مخلوق بشمارم و بقیه عمر را بعیش و کامرانی ببرم چه در زمان
سابق از عهد خاقان شهید تا اوایل این دولت جاوید عدت بخاطر دارم با آنکه

اسباب معیشت خود و عیالم جمع بود هر گز شبی آسوده بسر نبرده و امید آن نداشتم که
در فردا عیالم اسیر ترکمان نشود یا اموال و اثقالم بغارت نرود اکنون بعون الله
تعالی و از نجبت بلند پادشاه چنان این حدود در امن و امان است که یکنفر از دهی
بدهی میرود و شبها و روزها آسوده راحت می کنیم بدون انکه ترکمان بریم که ممکن است
کسی بر ما تاز د یا دست باموال و عیال ما بیازد بر ماست که قدر این نعمت عظمی بدانیم
و شب و روز مشغول دعای ذات والا صفات شاهنشاه باشیم عرایض پیرمرد
در خاکپای همایون مقبول افتاده بی اختیار شکر کرده کار کنان دند که بحمد الله تعالی
خداوند مسلمانان را در عهد حضرت ایشان بدین نحو در مهد امن و امان محفوظ داشته
و پیر را معاش سالیانه عطا کردند درین ضمن شخصی از دور آمده تعظیم کرده باستاد
شاهنشاه بعلم قیافه که مخصوص ذات والا صفات است فرمودند این شخص باید
پسر نشاطی خان ملک الشعرا و خود شاعر باشد الحق چنان بود و کمالی تخلص داشت
و قصیده که نگاشته بود معروض ساخته مورد انعام و احسان شد و کاسکه زرین
نشان همایون بسمت دامغان روان گشت امین الدوله در پهلوی کاسکه مخاطب
فرمایشات علیه بود و بعرض رسانید که محل شهر قومس که اسم آن در تواریخ عجم مسطور است

درصحرای قوشه واقع بوده وخرابهای آن بنظر ایشان وجمعی رسید بالاخره بجبابت
بغروب مانده سواد شهر نمایان گشت وعلما وسادات واصناف شهر باستقبال
آمده بودند منظور نظر ملاطفت اثر همایونی ومورد توجهات خاص خسروانی گشتند
وسرکار همایونی ازکنار شهر گذشته باردوی مبارک که درسمت شمال واقع شده بود
تشریف ورود ارزانی داشتند وچون بعضی ازخیام زرّین نشان وچادر برخی ازچاکران
درمحل زراعت زده بودند خاطر مهر مآثر همایونی متغیر گشته یورت چیان را مورد مواخذه
وعتبیه آورده وخسران زارعین را بامین الدوله وظهیر الدوله مقرر شد که بقیمت آورده
ازخزانه خاص عوض دهند ودویست وهشتاد تومان که گویا دوبرابر ضرر ایشان
بود عوض دادند

ازامیرآباد بدامغان چهار فرسنگ است وراه مشرق شمالی است امیرآباد
ازاستراباد زیاده ازپانزده فرسنگ بعد ندارد ودرسوابق ایام غالب اوقات
ترکمان یکشبه ازگرکان بدین صفحات آمده وتاخت وتاز کرده مراجعت نموده اند
صحرای سمت راست جاده بکوههای پست سخت که درخان کاج وسرو بسیار دارد
منتهی میشود وسمت شمالی نزدیک است ابشاه کوه واوکوهیست ییلاق که بعضی ازنقاط آن

همیشه پر برف است در پشت او بفاصله چند فرسخی اوّل صحرای کرکان و استراباد است
و در دامنهٔ جنوبی و غربی آن چشمه علی دامغان واقع است و کوه و دامنهٔ آن از دور
نمایان است و نیز در دامنهٔ این جبال قبل از محاذات بدامغان چشمهٔ آبی جاری است
مشهور بچشمه فرخار که قریب دو فرسنگ آب دارد و دهات خالصه و غیره از آن
مشروب میشود از امیرآباد بدامغان اغلب معمور و آباد است و دهات معتبره
دارد چنانکه اسامی آن مندرج میشود

قراء واقعهٔ در سمت شمال بدین تفصیل است

سعیدآباد مخروبه است اسمعیل آباد ملک اولاد مطلب خان و فی الحقیقة
اباد است منصورآباد دهی بزرگ نصف آن خالصه و نصف اربابی و از چشمه
فرخار مشروب است یحیی آباد ایضا بالمناصفه خالصه و اربابی است
شیراشیان علی آباد ملک حاجی قاسم خان پسر مطلب خان
عوض آباد رضی آباد ملک آقا محمد دائی آهو بانو متعلق بابن عباس
مزرعهٔ شیربند دو فرسنگ از جاده دور و در دامنهٔ کوه واقع است

قراء واقعهٔ در سمت راست

یعقوب آباد

سعید آباد متعلق بمیرزا عبدالله خوئی اسمعیل آباد مخروبه حجاجی دولت
آباد ملک قاسم خان وسایر ورثهٔ اما مویردیخان است وسابقا زیاده برپانصد
خانوار رعیت وقلعهٔ محکم وخندق وحمام وبازار داشته ولی حال بدان شدت
معمور نیست بلکه اغلب بنای او خراب است درسمت جنوب این قریه باغی است
بسیار بزرگ معروف بباغ پسته که درخشان پستهٔ بزرگ کهن بسیار دارد
ورکیان مهدی آباد عبیر آباد ملکی سیف الله میرزا جعفر آباد
ملکی ظهیر الدوله قلعهٔ زرد

روز نهم محرم توقف اردوی همایون در دامغان

سرکار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بملاحظه آنکه در هیچوقت وبهیچ قسم تعویقی
در ملاحظهٔ عرایض وزرا، وتعطیل درصدور احکام جایز نمیدانند با آنکه امروز روز
تاسوعا بود وبی نهایت محزون وملول بودند بعد از اتمام تعزیت داری عرایض
وزیر امور خارجه ومستوفی الممالک ودیگر از ملاحظه فرموده ودر جواب یک هر
فرمایشات واوامر ملوکانه شرف نفاذ یافته بامین الملک امر شد که چاپاررا
بزودی مراجعت دهد از جمله اخباری که از دارالخلافه معروض حضور مبارک گشت

آمدن سیل عظیم وخرابی خانهای بیرون دروازهٔ شاهزاده عبدالعظیم وکود
زنبورکخانه وغیره بود وحسب الامر مقرر شد که مستوفی الممالک درحق فقرا و
ضعفائیکه خانهٔ ایشان منهدم گشته اعانتی کنند ومعماران ومهندسان را امر نمایند
که درعلاج اینواقعه کوشند وقتی نمایند که سال آینده ازسیل آسیبی بشهر واطراف
آن نرسد امشب اهل اردو تمام بیدار وسوکوار بودند ازهرکناری صدای
افغان وزاری بلند بود وسرکار اقدس همایون شاهنشاهی نیز تاصبح بیدار
مانده وآسوده نبودند

روز دهم محرم توقف اردوی همایون در دامغان

ازآنجاکه بنای امور عالم وآدم بافاضهٔ فیض ازائمهٔ هدی وتوسل باین سلسلهٔ
عظمی است درین روز اعلیحضرت همایونی که توکلی تمام واخلاصی مالا کلام نخانوادهٔ
حضرت سیدالانام صلوات الله وعلیه السلام دارند تمام اوقات شریف را
درکمال ملال بلوازم تعزیت داری مصروف فرمودند ساکنان حرم
جلالت وخدام دربار معدلتمدار نیز هریک فردا فردا تاسی بذات شریف
اقدس همایونی نموده درهرگوشه ازصدای گریه وزاری غلغله دراطراف افکندند

بهیچ چادری نبود که در او ذکر ماتم نشود یا اطعام مساکین نکنند هر یک از وزرا
تکیه جداگانه برپای کرده سینه زنان و نوحه گران در آنها جمع بودند و هر شبی از چاکران
اعم از فراش و سرباز حتی از غلام بچه گان و خانه شاگردان و اهالی شهر دسته دسته
و جوقه جوقه گشته هر یک بطریقی کتلها بسته و اول سینه زنان و نوحه کنان بر سمی که
از قدیم معمولست با خطیب بسراپرده همایونی و حضور عنایت دستور مشرف
گشته بعد بسایر چادرها و اطراف اردو رفته تا شام مشغول ندبه گری و سینه زنی
و دعای وجود مبارک شاهنشاه بودند الحق گویا از زمان شهادت حضرت
خامس آل عبا علیه السلام تاکنون کسی این نوع تعزیت داری پرپا و از روی
اخلاص و صفا ندیده بود

روز یازدهم محرم و آخر توقف اردوی کیوان شکوه در دامغان

عزم ملوکانه که همواره مایل سیاحت و تفرج و علم و بصیرت بحالت اطراف
واکناف است امروز مقتضی آن شد که بسیاحت چشمه علی دامغان که از چشمه های
مشهور و از ابنیه معموره است تشریف فرما شوند در اول صبح جمعی از چاکران
خاص چون اعتضاد الدوله و تیمور میرزا و امین الملک و حاجب الدوله و حکیمباشی

طراز

طلزان و آقا علی و ساری اصلان و میرشکار و میرزا علی خان و محمد تقی خان پیشخدمت
افشار و سایر پیشخدمتان سواره حاضر دربار شدند و شاهنشاه با عدل و داد بزاست
کهرخانه زاد سوار شده چون هوا فی الجمله حرارتی داشت بعد از طی اندک مسافتی
بدرشکه کوچکی که در سفر مازندران همراه بود و در راههای صعب و سخت امتحان
شده نشستند محمد رحیم خان زند سرتیپ و زین العابدین خان سرتیپ شاهسون
با سواره دوبیرن که روز قبل از دار الخلافه رسیده باردوی همایون ملحق شده
بودند از سان حضور مبارک گذشتند و چون محمد رحیم خان در خاکپای همایون
مانوس است مورد التفات مخصوص شد و سواره دویرن پسند خاطر
مبارک افتاد یکفرسنگ از اردو گذشته یکی از غلامان مخصوص ابو الجمعی میرشکار
آمده بعرض رسانید که در ماهورهای سمت چپ شکار بسیار است و در چند مکان
آهو خوابانیده ایم نظر باینکه هوا بشدت گرم شده بود و بوجود مبارک زحمت وارد
می آمد از شکار صرف نظر فرموده یکسره بسر چشمه تشریف فرما شدند و پس از تناول
نهار باقتضای نزاهت مکان و حضرت اشجار و صفای انهار هنگام عصر
مشغول صحبت و تفرج عمارات شدند و هنگام عصر بعد از اتمام نماز و صرف چای

ساری اصلان
در اصل ساری ارسلانست
چه ساری در لغت
ترکی زرد و ارسلان
شیر را گویند چنانکه
قزل ارسلان شیر
سرخ و در میان
ایشان شجاعان و
نام آوران را بدین قسم
نام نهند ولی حال
ارسلان باصلان
مشهور شده و در
مکالمات و مکاتبات
ضبط گشته ما نیز
غلط معروف را
قبول کرده اصلان
ثبت کردم

وعصر انه بارد ومعاودت فرمودند وعکاسباشی مامور شد که عکس عمارات

وچشمه را بردارد

ازدامغان الی چشمه علی چهار فرسنگ است وراه همه جا رو بشمال مغربی وازکنار

رودخانه ایست که بسبب جنوب می آید منبع این رودخانه چشمه علی است ومتدرجا

آبهای دیگر از سیلاب وغیره بدو افزوده شده واغلب اوقات کل آلود همینجا

سراشیب وازمیان دره تا جلگه دامغان وبشهر آمده وبعضی از قراجنوبی و اطراف

شهر ازاین آب مشروب میشود سمت غربی رودخانه کوهیست مرتفع که بنا

برمعروف میان عوام لندهورن بعد در قله آن کوه مدفونست ودر قدم آن

کوه دیگریست مرتفع ومخروطی شکل موسوم بشاهدار یا شاهبدار کوه وبنابر قول اهالی

مملکت دوسنج کباب از قدیم الایام در زیر آن کوه موجود است وآنها سنجهائی

هستند که در زمان تشریف فرمائی حضرت امام ثامن علیه السلام بطرف مشرق

از برای تهیه نهار آنحضرت بکار رفته وتاکنون باقی مانده است دردامنه این جبال

قریه آهو وانواست که دهی آباد ومعتبر وجزء اعظم آن خالصه دیوان اعلی است

درسمت شرقی رودخانه کوه منصور شاه نمایان است واو کوهیست بزرگ وسیما

انکه

زنک و مزرعه در دامنه آن واقع است و نزدیک بجاده نیز کوهی است
موسوم بمهرو تکاروا و کوهیست مرتفع و خوش اندام و در قله آن قلعه از بناهای
سلف است که بروج و دیوارهای بسیار محکم آن هنوز باقی است نزدیک بگردنه
چشمه علی که گردنه کوچکی است و عمارت چشمه از آنجا نمایان است قریه آستانه است
و این قریه مشتمل است بر باغات متعدده و اشجار بسیار که همیشه با ثمر و پر بارند
در جنوب چشمه پته خاکی است و قلعه کوچکی بر آن بنا کرده اند که مسکن چند خانوار
سادات متولی چشمه است

عمارت چشمه علی از بناهای خاقان خلد آشیان و موقوفه حضرت قائم آل
محمد صلوات الله و سلامه علیه است این چشمه مابین مغرب و جنوب و از پای پته خاکی
جاری است و آنچه بنظر رسید درین فصل که اواخر بهار است پیشتر از پست سنک
آب دارد در مخرج آب تخت کوچکی ساخته و سنکی بر آن نصب است که باعتقاد
عامه محل سم اسب حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه است و مردم
اطراف و زوار و قوافل بزیارت این سنک آمده آب در کودی آن ریخته بجهة
صحت بدن و حوائج دیگر مینوشند العلم عند الله خاقان خلد آشیان درین چشمه

آثار ملی

آثار عالیه باقی گذاشته است چنانکه عرض میشود در محاذات فوران اب حوضی
بزرگ ساخته شده که با آب چشمه مملو و باکمال صفا و پاکی جاریست و درمیان آن
یکنوع ماهی خاصّی که خالهای سیاه دارد تولید شده و چون اهالی آن اطراف صید
او را مکروه داشته اند ماهیها بسیار عظیم الجثه شده اند اطراف حوض درختهای
قوی از سپیدو صنوبر و چنار وغیره است که بحالت طبیعی شاخها گشاده و از هر طرف
در کمال شکوه و صفا سایه افکنده در سمت غربی عمارتی عالی بنا شده مشتمل بتالار
دور و جنبین آن اطاقهای متعدّده خوش طرز ساخته شده است آب چشمه از دو سمت
آن عمارت بجریان دو نهر عمارت را از حیاط جدا کرده است و راه عمارت بدو پل چوبی
منحصر است که از حیاط اول دارد این عمارت را خاقان مغفور در سنه دویست و هفده
که بسمت ماوراء النّهر عزیمت داشته بنا کرده اند تاریخ و سبب بنا نظما و نثرا
در دو سنگ محکوک و بدو سمت تالار نصب شده و شرح آن ذکر خواهد شد
در سمت جنوبی این حیاط مسجدی بنا کرده اند که عرضا و طولا دو طاق و ثها بمحرابی
از سایر عمارات ممتاز است در جنبین محراب نیز دو سنگ محکوک متضمن سبب بنا
و تاریخ تعمیر منصوبست حیاط دیگر که سمت شرقی چشمه واقع است مشتمل بدریاچه بزرگیست

شمالا و جنوبا باغچهٔ وسیع دارد و در ضلع سفلای دریاچه که سمت شرقی و محاذی
و مقابل عمارت بالاست تالاری بلند و سردری عالی ساخته شده است که از سمتی
منظر آن باغ و دریاچه و از سمت دیگر صحرا و مجرای خروج آب چشمه است و تمام
این عمارت و باغ چون زمانی ممتد تعمیر نشده بود سابقا اعلیحضرت همایونی حکم و مقرر
فرموده بودند که سپهسالار اعظم در آنها تعمیری شایسته نماید و قبل از تشریف فرمائی
موکب همایون بآن صفحات معزی الیه بتعمیر آن کوشیده و در حقیقت خیلی با دقت
و اهتمام تعمیر کرده بودند که در انظار چنان معلوم میشد که بنای جدیدی است
و چون هوای این مکان و آب این چشمه در خاطر دریا مقاطر زاید الوصف موقع قبول
یافته مقرر شد محض اینکه از وجود مسعود مبارک نیز بآثار باقیهٔ سابقه اثری ملحق شود در کنار
چشمه بنای تخت و عمارتی گذارده شود و تا مراجعت موکب مسعود باتمام رسد

صورت وقفنامه و بنای عمارت

در حینیکه رایات ظفر آیات والویهٔ نصرت علامات پادشاه عدالت پناه
و شاهنشاه گردون بارگاه قهرمان الماء والطین ظل الله فی الارضین المؤید بتائیدات
الملک الجبار ابو النصر فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه بعزم تسخیر و تدمیر فرقهٔ ضالهٔ اوزبکیه

ماوراءالنهر از دارالخلافهٔ طهران شقه گشا گردیده انیکمان دلفروز مخیم خیام ظفرانجام
پادشاهی شد رای صوابنمای پادشاهی تعلق پذیر گردید که درین منزل ارم مماثل عمارتی
ساخته آید که راهروان را از تاب آفتاب پناه و از رنج راه آرامگاه باشد و وقف
صحیح شرعی نمودند این عمارت دلکشا را بسرکار فیض آثار حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین فی سنه هزار و دویست و هفده

مادهٔ تاریخ منظومه مرحوم میرزا صادق وقایع نگار مروی متخلص بهما

خسروانجم حشم مشعلی شه آنکه هست — آسمان اورا مطیع و روزگار اورا دلیل
آن شهنشاهی که در نظم جهانداری ندید — چشم گردونش نظیر و دیدهٔ عقلش عدیل
دولت از عدلست باقی منت ایزد را که هست — بر بقای دولت او عدل او محکم دلیل
شاکی از قسمت نیابی هیچکس را تا بدهر — همت او رزق مخلوقات را امد کفیل
چون بعزم ماوراءالنهر شد از ری سوار — پادشاهی دل قوی از یاری رب جلیل
کرد منزل اندرین فرخنده جای باصفا — شد ز فیض مقدمش این چشمه رشک سلسبیل
گشت برپا در نکو وقتی و زیبا ساعتی — از همایون جنبش این دلکش بنای بی بدیل

دو رنه از خجلت این دلکشا منزل کشد | این منقش قصر زنگاری اگر بر چهره نیل
جست اتمام و رقم زد بهر تاریخش بیما | این بنا قصر جنان و این چشمه آب سلسبیل

تاریخ بنای مسجد را نیز بدینگونه بر شته نظم در آورده

شه فرخ لقا فتحعلی شاه آنکه میسزد | قضا امرو قدر نهی و سپهر اورنگ و فر افسر
شهنشاهی که می سایند شاهان جهان هردم | براه موکب او رو بخاک درگه اوسر
ز فهر و مهر او با شد عیان در باغ خار و گل | ز بذل وجود او آمد چو خاره خوار سیم و زر
خلاصی تا دهد جمله اسیران مسلمانرا | تسخیر بخارا بر گزید از ملک ری لشکر
چو این زیبنده منزل شد مقر موکب شاهی | وزان فرخنده آمد طبع شاه معدلت گستر
مقرر داشت تا برپا شود این مسجد عالی | چه مسجد هیچو باغ خلد روح افزا و جان پرور
قرار از دل برد محراب آن اصحاب تقویرا | بدان سان کز دل عشاق طاق ابروی دلبر
محقر با علو طاق آن ایوان کسرا وی | مکدر با جلای سنگ او مرآت اسکندر
ز سقف عالیش کاو فلک را کوه بر کوهان | ز حمل پایه اش حوت زمین را لرزه بر پیکر
غرض چون شد تمام از بهر تاریخش بما گفتا | ز امر قبله عالم بنا شد کعبه دیگر

چشمه بادخان دامغانهم که اثر عجیب آن در آفاق مشهور است و در اوراق مسطور

یکفرسخ بالاتر از چشمه علی واقع است و شرح او را در ذکر مراجعت موکب مسعود و توقف
در چشمه علی مسطور میداریم

روز دوازدهم محرم تشریف فرمائی و نزول اجلال پادشاهی بقریهٔ مهمان دوست

سرکار اقدس و وجود مقدس همایونی صبح که از بستر راحت برخاسته در سراپردهٔ دیوانخانهٔ
مبارکه مشغول تجدید لباس و تنقیح لوازم سراپا مهر اقتباس اقدام داشتند فراشان
و حاملین سراپردهٔ مبارکه محض تعجیل در خدمت محوّلهٔ بخود اطناب سراپرده را قدری از
استحکام انداخته و غفلت نموده بغتتاً تجیر یکطرف بر زمین افتاده بی پرده اردو نمایان
شد خاطر اقدس شاهنشاهی ازین حرکت برآشفته مقرّر فرمودند که فراشان مزبور را
تنبیه کامل نمایند تا من بعد بی وقت و موقع اقدام خدمت نکنند و بعد بر اسب
کرنک حسام السلطنهٔ سوار گردیده با اعتضاد الدّوله و امین الدّوله فرمایش کنان
روان شدند امروز که روز آخر توقف اردوی همایون در حوالی دامغان بود
محض تفرّج شهر و زیارت اهالی آنجا جمال مینو مثال را محلّ عبور را از شهر قرار دادند
و بدان سوی تشریف فرما شدند در خارج شهر در سمت چپ کاروانسرائی است
نیکو بنا و دایر که در زمان سلف در کمال استحکام ساخته اند و از قراریکه امین الدّوله

بعرض حضور رسانیدند ازابنیهٔ شاه سلیمان است و در طرف راست نیز دو بقعهٔ
امامزاده بنظر آمد که یکی از آن بقاع زیاده قدیم و استحکامی کلی دارد و با صفاست
و دیگری بزرگتر و چنان ظاهر و مستفاد میشود که از ابنیهٔ سلاطین صفویه است اگرچه
شهر دامغان از حیثیت جمعیت کم و مردمانش بی بضاعت شدند ولی بقدر مقدور بلوازم
عیش و سرور کوشیده خورد و بزرگ بزیارت جمال مبارک افتخار حاصل نمودند
سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی درب مسجد جامع پیاده شده و داخل مسجد گردیدند جناب
حاجی ملا محمد رضای مجتهد دامغان که از اجلهٔ علما و فضلا و مردم نهایت اعتماد و
وثوق را بدو دارند در مسجد حاضر و بحضور مبارک تشرف یافت و سرکار شاهنشاهی
بعد از ملاطفت با علما، بمولود خانهٔ خاقان مغفور تشریف برده و از خرابی آن بعمارت
در نهایت دلتنگ شده امر کید فرمودند که بزودی در تعمیر آن کوشند و فرش را
جانه آبادی پوشند شهر دامغان از شهرهای قدیم ایران است و قلعهٔ بزرگ
و عالی داشته که اکنون جز آثار آن باقی نیست و از جملهٔ بناهای قدیم این شهر یکی
مسجد جامع است که از مرور دهور خرابی زیاد بدان راه یافته جز منارهٔ محکمی که هنوز
مضبوط و برپاست دیگر مکانیکه تمام آباد باشد ندارد ولی همین قدر که منظور نظر عدالت

کمتر شد امید هست که در اندک مدتی بصورت اولی عود نماید و نیز از عمارات شهر
ارک قدیم و مخروبه است که از بناهای خاقان مغفور و محل تولد آن شاهنشاه مبرور است
که در سال یکهزار و صد و هشتاد و سه بظهور رسید و این شهر را دو مدرسه است که یکی را
سلاطین صفویه بنا کرده اند و طلبهٔ علوم در او مسکن دارند و دیگری کوچکتر و جدید البناست
که مرحوم مطلب خان بنا نموده والا آن خراب و بایر است بنای کاروانسرا
و بازار شهر چندان قابل ذکر نیست مگر اینکه چون دامغان را بواسطهٔ قرب استرآباد
و دارالخلافه و راه خراسان یکنوع بندر تجاری است درین عهد جاوید مهد که بحمد الله طرق
و شوارع امن و محفوظ است از نو در او آبادی بهم رسد و کاروانسراها و دکاکین نیکو در او
بنا نهاده شود بالجمله سرکار شاهنشاه از شهر به بیرون تشریف فرما شده بکالسکه
نشسته و در قریهٔ حسین آباد که سمت جنوب جاده واقع بود در باغ احداثی خان
حاکم نهار صرف فرمودند نوای بلبل و شمیم معطر گل موجب تفریح خاطر مبارک
گردید و با حاجب الدوله و سایر مقربان بتفرج باغ مشغول گشته و پس از اندک
مدتی بکالسکه نشسته بسمت مقصد عازم شدیم نزدیک بهمان دوستاز دور اشجار
و باغات بسیار بنظر آمد سرکار همایون شاهنشاهی عنان اسب را بدان سوی

سیل فرمودند که شاید محل نیکوئی که موقتاً در خور نزول آسایش و آرامش ذات
همایون باشد انتخاب فرمایند چون بباغات نزدیک شدند هیچیک از آنها را
قابل باین سعادت نیافته از میان کوچه باغها عبور فرموده باردوی والا
شرف ورود ارزانی داشتند و ساعتی راحت فرموده بقیه روز و شب را
بصدور احکام و بمطالعه تاریخ روضة الصفای ناصری که از تالیف استاد
معظم و دبیر مفخم رضا قلیخان لله باشی متخلص بهدایت است مصروف داشتند
حسین خان حاکم سمنان و دامغان که از سلوک با رعایا و رسم پذیرائی اردوی
همایون و رسانیدن آذوقه خاطر مبارک را خرسند ساخته بود باعطای کجاوه
جبه ترمه حاشیه دار از خانه خاص سرافراز گشته رخصت انصراف یافت در این شب
وزیدن بادهای سخت مانع از راحت وجود مبارک شد

از دامغان الی مهمان دوست پنج فرسنگ و راه مشرقی و بیست درجه مایل
بشمال است سمت راست جاده جلگه وسیع و سمت چپ بفاصله یکفرسنگ
و نیم فرسنگ منتهی بجبال شمالی میشود درین راه قراء و آبادی بسیار است و آنچه
بجاده اقرب باندبموجبی است که معروض میگردد قراء سمت جنوب حصار

قریه ایست مخروبه ملکی اولاد نشاطی خان **فیروزاباد** قریه ایست معتبر و
باجمعیت که نصف آن خالصه و نیم دیگر عتبی است **مایان** آباد و خالصهٔ دیوان
اعلی است **وامرزان و دهنو** هردو آباد و جزء اعظم آنها متعلق بدولت
حسین آباد ملکی حسین خان پسر سپهسالار اعظم **ابراهیم آباد** فی الحقیقه
آباد و عتبی است **امام اباد** ملکی سپهسالار اعظم **مهمان دوست**
که منزلگاه قوافل و مشتمل است بکاروانسرا و چاپارخانه و باغات بسیار و زیاد
ازینجاه خانوار سکنه دارد و در نزدیکی او دو برجی است بزرگ از آثار قدیم شبیه ببرج شهر
ری و از قرا معروفست و جنگنادر شاه با افاغنه و شکست و انهدام ایشان
درین قریه واقع شده است و این قریه حدّ مابین خاک دامغان و شاهرود است
قرا واقعهٔ در سمت شمال **قصبهٔ جز** ملکی نواب عالیه شاهزادهٔ قمر خانم زوجهٔ
سپهسالار اعظم است و او قصبهٔ ایست با دکاکین و مسجد و حمام و زیاده از دویست
خانوار سکنه دارد **طاق** ملک اولاد محمد زمانخان و معموره است باک خالصهٔ
دیوان اعلی و قدری از آن متعلق بالله یارخان است

روز شنبه سیزدهم تشریف فرمائی بقریه ده ملّا

اعلیحضرت شاهنشاهی سه ساعت از روز برآمده بر اسب قزل تیمور میرزائی سوار
شده با امین الدّوله و معیّر الممالک فرمایش کنان عازم راه شدند و چون باد تند
میوزید و گرد و غبار بسیار بود مقرّر شد که وزراء و سواران و پیادگان جمیع از راه
مستقیم بروند و خود با بعضی از عملجات مخصوص از صحرا و خارج راه رانده در کناری
صرف نهار فرمودند باقر بیک عمزادهٔ میرشکار بزمجهٔ که از سر تا دم دو ذرع طول داشت
و نیم ذرع قطر آن بود زنده بحضور آورده معروض خاکپای مبارک داشت که میرشکار
تکه آهوئی در ماهور خوابانیده و منتظر امر خسروانی است حضرت شاهنشاهی
با چند سوار بسمت ایشان تاختند و چون باصطلاح شکارچیان نسیم موافق نبود
آهوان از نزدیک شدن سواران بیدار شده رو بفرار گذاشتند سواران میرشکار
و غلامان نصرت بموجب امر همایون هر دو را صید کردند و تا مراجعت براه دو آهوی
دیگر گماشتگان اعتضاد الدّوله صید نمودند بالجمله در دو فرسنگی ده ملا جهان سوز میرزا
حاکم شاهرود و بسطام بحضور مهر ظهور انور همایون تشرّف جسته مورد الطاف
خسروانی گشته و مأمور بدان شد که پیش رفته مورد اردوی همایون را در بسطام
در محلّی که خارج از ذرع و کشت باشد قرار دهد نزدیک بده ملّا میرزا عباسقلی مولوی ده ملائی

که از معارف است با کدخدایان و ریش سفیدان موکب مسعود را استقبال نمودند
شاهنشاه عالم پناه مولوی را بخطاب خسروانه ممتاز فرموده و از حقیقت حال رعایا و برایا
سئوال فرمودند و بانی تعمیر کاروانسرای ده ملارا جویا شدند مولوی معروض داشت
که ظهیر الدوله محض آسایش قوافل و زوار و دعای وجود عالیمقدار همایون مبالغی کلی
بجهة صرف تعمیر آن بنا داده و این بنده بمصرف رسانده ام بنجهت بغروب مانده
نزول اجلال بمنزل شد و سرکار شاهنشاه در سراپردهٔ همایون استقرار یافتند آقا علی
حاکم ساوه و محمد علی خان و این بنده و عکاسباشی و مهدیقلی خان در حضور موفور السرور
تشرف داشتیم و سرکار خسروانی بمطالعهٔ کتاب مشغول بودند که بغتتا غلام بچگان
فریاد کردند که مار آمد چون نظر کردیم ماریرا دیدیم عظیم البتّه که دو ذرع طول دارد و در کمال
جرئت و جسارت نزدیک بمسند همایون شده آقا علی فرصت جسارت زیاده از
این ندانده در نهایت چالاکی بدون ملاحظه پیش رفته با قمه که در نیام داشت اورا
بدو نیم کرده مورد تحسین و عنایات ملوکانه شد بقیّه روز بصحبت و خواندن کتاب
گذشت و شب را سرکار شاهنشاهی پس از صرف شام بسراپردهٔ بیرونی تشریف آوردند
و دیر تر از سایر لیالی میل بخواب فرمودند

از مهمان دوست بده ملا چهار فرسنگ راه و نود درجه مایل شمال است و جانب راست
جاده دهات معتبر بسیار ندو اسامی آنها از اینقرار است ابراهیم آباد ملکی قاجار
زرین آباد ملکی ایضاً دولاب رعیتی نعیم آباد ملکی اولاد مرحوم
میرزا مهدیخان قادر آباد ملکی ایضاً مومن آباد نیز از ایشان است
حسین آباد ملک خوانین قاجار حدّاده رعیتی و در قرب ده ملا واقع و از جمله
قراء معتبر است کلانته ملّا مشترک مابین رعایا و اولاد مطلب خان است مراد آباد
و آخر این دهات نمک زار و کویر است

سمت چپ جاده که شمال مغربی باشد صحرای سنگلاخ و پست و بلند است که
اغلب آنرا آب سیل شسته و دراو دره ها پدید آمده و این صحرا مسافت یکفرسنگ
منتهی میشود بشاه کوه

چهاردهم محرم الحرام تشریف فرمائی اردوی نصرت فرجام به بسطام
درین صبح باقبال پهمال اعلیحضرت شاهنشاهی مانند روزهای گذشته اوائل
گرنا و شیپور اجنا سواری نمود و چاکران دربار گردون مدار در رکاب همایون روان
شدند از همهمه و قیل و قال سواران آبوان بسیار از دشت فرار کرده و از روی وحشت و

بمیان اردو آمدند یکی از آنها را مهدی قلیخان غلام بچه باشی شکار کرده بحضور
مبارک آورده و بقیه از سمت دیگر اردو راه نجات یافتند و نیز در راه امروز شکار
بیشمار بود و سواران ملتزم رکاب نصرت شعار هر یک بجهت سبقت بر یکدیگر
و ظهور حسن خدمت و جلب منفعت بدیگری فرصت نمیداد و آهوئی صید کرده
و از حصول انعام و الطاف خسروانی تحصیل مزید افتخار مینمودند پس از طی دو فرسنگ
مسافت سرکار همایونی بجانب قلعهٔ ذوالفقارخان که در طرف راست راه بود
مسارعت فرموده در باغ واقعهٔ در حوالی آن قلعه که در نهایت صفا و نزاهت
و از انواع گلها آراسته و مخصوصاً بگل سرخ مزین و پیراسته بود نزول اجلال فرمودند
ذوالفقارخان عرب مالک این قریه که از منتسبان حضرت مهد علیا و ستر کبری
و شخص نیک وی و صاحب اخلاق پسندیده و حسن خوی است تشریف موکب
مسعود را که از سعادات محموده بود شکر گذارده و باندازهٔ که مراسم آن مقدور
بود در لوازم چاکری و میزبانی پرداخت و از توجهات و تلطفات خسروی
علم مفاخرت برافراخت بعد از صرف نهار سرکار شاهنشاهی بگالسکه نشسته
و بسمت شاهرود روان شدند جهانسوز میرزای حاکم با توپخانه و سواره

وپیادهٔ کوداری بسطام وشمخالچی نردینی تیپ همایونرا استقبال کرده ازسان
حضور مهر ظهور گذشته مورد عواطف پادشاهی شدند نیم فرسنگ بشاهرود مانده
علما ومعارف قصبهٔ مزبور بموجب تفصیل ذیل برسم استقبال برکاب نصرت
اشتمال فایض واز تفقدات ملوکانه بهره یاب گردیدند

جناب شیخ علی اکبر مجتهد شاهرودی	شیخ صالح ایضا	آخوند ملا علی اکبر ایضا	حاجی میرزا احمد بسطامی
آقا عبد الحسین ایضا	ملا حسین ایضا	حاجی ملا نور محمد ایضا	جناب حاجی ملا عباس

حضرت شاهنشاهی از کالسکه باسب سوار شده نواب ملک آرا حاکم استراباد
وعباسقلی خان سرتیپ لاریجانی که از استراباد بتعبیه بوسی حضور مبارک
آمده بودند نزدیک طلبیده واز احوالات وامورات استراباد ومازندران و
آنحدود استفسار واظهار لطف ومرحمت میفرمودند تا آنکه از کوچه باغهای شاهرود
بیرون تشریف برده وسه ساعت بغروب مانده وارد اردوی همایونی که در شمال
مغربی بسطام واقع بود شدند ومکان اردو از حیثیت صفای چشمه واشجار
نغز ودلکش ونظافت ونزاهت مطبوع وپسند خاطر مهر مآثر افتاد وحسین خان
نایب اول فراشخانه مبارکه که در ترتیب خیام ووضع چادرها اهتمام کلی نموده بود

مورد مرحمت و مکرمت گردید و با فراد فراشان انعام مرحمت شد

از ده ملا بشاهرود چهار فرسنگ و از آنجا به بسطام نیم فرسنگ زیادتر است

وراه همه جا مایل بشمال است سمت راست جاده بفاصله دو فرسنگ منتهی

می شود بکوههای پست که دامنهٔ آنها کویر است و درین سمت دهات و مزارع

بسیار است که اسامی هریک بدینموجب است

باغ زندان از دهات مشهور معتبر و بتیول ظهیر الدوله مقرر است و در جبال

واقعه در طرف بالای آن شکار قوچ و میش و بز بسیار است **رهنجان**

بتیول ایضاً **قلعه نو آباد** و خالصهٔ دیوان اعلی **کلاته خان** ایضاً **قلعهٔ**

علی اکبر خان خوزیان نصف آن خالصه و نصف دیگر اربابی و به بتیول مرتضی

قلیخان عرب مقرر است **یونس آباد سقاوه اردیان** ده آباد بتیول

ظهیر الدوله است **رویان درج سعید اباد** دهی معمور و مشترک

مابین رعایا و محمد رحیم خان قاجار شاهبیاتی است **قلعهٔ نوروز خان**

حسین آباد مزرعه ایست **بدشت** قریهٔ آباد و بتیول محمد رحیم خان قاجار است

سمت چپ جاده جلگه و دامنه و سنگلاخ است کوه شاهوار که از جبال معروف

درین سمت و در محاذی بسطام واقع است و دهات خرقان و مغان و ابریسج
که ییلاق و در نهایت خوش آب و هوائی ست شود و در دامنهٔ این کوه واقعند
و نیز کوه پر برف ابر درین سمت و از بسطام نمایان است

شاهرود قصبهٔ بسیار معتبر است و زیاده از دو هزار خانوار سکون دارد و تجار
معتبر از خارجه و داخله در او ساکنند و دو سه حمام و کاروانسرا دارد و باغات
او بسیار مرغوب و زیاد مطلوبست آب خالصه مشهور بجلالی که زیاده از پنج نشش سنگ
است از وسط قصبهٔ مزبور میگذرد و بدان سبب کوچها همه پر درخت و منظف است
از شاهرود با استرآباد دو بخور دو نزدین راه است و در هنگام ضرورت میتوانند
از اهالی ایشان مدد بخواهند یا برای ایشان مدد بفرستند و چون راه خوفناک خراسان
عمده از شاهرود بمزینان است همیشه در اینجا سوار و توپخانه موجود است که قافله
و زوار را بدون آسیب بمزینان میرساند و رجعت میدهد اگرچه بحمد الله تعالی حال
ازمین توجهات اولیای دولت راه در نهایت امن است و احتیاج بسوار و پیاده
نیست ولی محض ملاحظهٔ زیادتر کمان احتیاط را از دست نمیدهند در صحرا
و فاصلهٔ قراء شاهرود چنانکه در تمام مملکت خراسان بفاصلهٔ هر هزار قدم از زمان قدیم

تصویر مقبره سلطان بایزید بسطامی که در بسطام است از روی عکس علی عکاسباشی کشیده شده
میرزا بزرگ غفاری

برجها ساخته اند که محض قراولی بوده و حال غیر مسکون و اغلب آنها خراب است
و انشاالله در ظل عطوفت همایونی اندک وقت دیگر مردم این نواحی اسم این طایفه
وحشی را فراموش خواهند نمود و احتیاج بقراولخانه و مستحفظ نخواهد افتاد
در جبال شاهرود و بسطام معدن سرب و مس بسیار است بسطام در دامنه
واقع است که دو طرف او کوه و جمعیت و آبادیش کمتر از شاهرود است ولی
عماراتش نیکوتر و عالی بناتر از شاهرود میباشد و ارکی قدیم دارد که محل نشیمن
حاکم است و آب و هوای او در نهایت اعتدال و نیکوئی است و در خاکش
یکنوع فرحی است که در کمتر بلاد دیده شده است زمینش حاصل خیز و سرور انگیز
مردمانش همه با ذوق و خوشحالت و همه وقت عرفا و حکما و صلحا در میان ایشان
بوده اند از جمله سلطان بایزید رحمة الله علیه است که در داخل شهر در مقابل ایوان
و مقبره و گنبد امامزاده محمد پسر حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام مدفون است
و جمعی دیگر از مشایخ و معارف عرفا نیز در جوار ایشان مدفونند
سمت غربی این گنبد مسجد و معبد سلطان بایزید است که گچ بری ایوان و منبت
کاری درب مسجد آن کمال امتیاز را دارد و بنا بر معروف بانی این بنا سلطان محمود

غازانست وجسد خود او نیز در سردابی که در جنب این گنبد است گذاشته شده
و در حق این جسد چیزها میگویند جمعی بر آنند که هنوز اثر جراحت بر سینه اش باقی است
و دیگران چون اعتضاد الدوله و معیر الممالک که خود در فشه و مشاهده کرده اند منکر این
معنی هستند آنچه محقق است این است که این جسد بحسب قد و جثه از مردمان حال
بمراتب طویل و عظیم الجثه تر است و از غرایب اینکه در پهلوی این گنبد منارهٔ است
که بیست و پنج ذرع طول آنست و مانند منار جنبان معروف اصفهان متحرک است
یعنی چون بر زبر آن روند و بقوت حرکت دهند جنبش و حرکت مناره محسوس
و مرئی شود و سبب این حرکت معلوم نیست العلم عند الله تعالی

دوشنبه پانزدهم محرم بحرام توقف اردوی کیوان شکوه در بسطام

شاهنشاه جمجاه درین روز بعزم تفنن و تفرج قریهٔ ابرسیج که موطن اصلی او ملک
آبا و اجداد معیر الممالک و بخوبی آب و هوا معروف و در شمال مغربی بسطام
واقع است صبح از صحن خانه مبارکه بیرون آمده بمیمنت و کامرانی سوار بر اسب
میمون شده و با عتضاد الدوله و امین الملک تا دامنهٔ کوه شاهوار فرمایش کنان
رفتند و در آنجا ایشان را برای معاودت بار دو رخصت داده خود اگرچه قصد

صعود ببالای کوه شاهوار وصید اندازی درآنمرغزار داشتند لیکن ارتفاع
کوه وقلت وقت خاطر مبارک را ازین صرافت منصرف ساخته داخل دره شدند
جریان آب وهوای صواب دره باعث تفریح حالت همایونی گردید وازآنجا
مسافتی طی فرموده درحوالی ابرسیج در بالای دره درمیان سبزه زاری اردو
بافراشتن آفتاب گردان وفرودشدن فرمودند معیرالممالک از تشریف وجود همایون
اطلاع یافته دویست تومان وجه نقد بالبعضی ماحضر عتیق بشکرانه ورود موکب
مسعود بحضور مبارک انفاذ داشت بعد ازصرف نهار سرکار شاهنشاهی میل
بتفرج بالای دره فرمودند دومیدانی که طی شد میان دره شک وسنگهای
بزرگ که سیل کنده درمقابل بود مانع ازعبور گردید مراجعت کرده ازسمت مشرق
ابرسیج روبپائین تشریف فرماشدند درین ضمن کبکی ازمکان مرتفع برخواسته
پرواز نمود چون خواست که ازبالای سراسب همایونی بگذرد سرکار شاهنشاهی
باوجود بعد مسافت فرصت نداده بایک تیر تفنگ ازهوا بزیرش انداختند
جمیع سواران وتیراندازان حاضرکاب تحسین وتحسین کرده وجود مبارک را دعا گفتند
چهارساعت بغروب مانده وارد اردو شدند ملک آرا واعتضادالدوله ودبیرالملک

ومیرزا نصرالله مستوفی و وکیل لشکر بجهة انتظام و معاملات وحساب عمل استراباد
بحضور مبارک حاضر شدند و تا هنگام عصر سؤال و جواب نموده اوقات
مبارک را مشغول میداشتند و پس از آن بحرمخانهٔ مبارکه تشریف بردند سه ساعت
از شب گذشته حکیمباشی طلزان و یحیی خان و آقا علی و سایر خدام خاص بحضور آمدند
تا ساعتی از فرمایشات ملوکانه بهره یاب شدند از آردوالی بر سیچ دو فرسنگ
راه است و درین جلگه قرا و مزارع متعدد است و آهو و صید زیاد بدست می آید
ابر سیچ دهی ییلاق و آباد و مشتمل بر صد خانوار رعیت و حمام است و در دامنهٔ دره
واقع است که سه چهار سنگ آبی در نهایت گوارائی و صافی از میان آن
جاریست و چون مکان این قریه مشرف بر جلگه است نشهر بسطام وارد و می همایون
از دور در کمال شکوه پیدا بود و نیز کوههای پر برف و کردنه فوزلق استراباد
در مقابل این ده نمایان است

روز شانزدهم محرم محرم آخر توقف اردوی همایون در حوالی بسطام

حضرت همایون خلد الله ملکه صبح را بحمام تشریف برده و بسلامتی وقبال
پرون آمده و نهار میل فرمودند امرای عمده روز قبل بحضور مبارک مشرف شده

در اتمام عمل استرابادو انتظام و انتساق کار آن سامان فرمایشات و احکام ملوکانه
عز صدور یافت ملک آرا چند راس اسب ممتاز ترکمانی و قالیچه های اعلای کار استرابادی
و کوکلان برسم پیشکش از لحاظ نظر انور گذرانیدند و چون روز روانه نمودن چاپاربود
امین الملک عرایض مستوفی الممالک و زیر مالیه و استیفای اعظم و سردار کل و وزیر
امور خارجه و وزیر علوم و غیره را بعرض رسانده و جواب هریک را صادر نمود
با چاپار روانه داشتند میرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه خدمات خود را
مشهود خاکپای همایون داشته و منصب مستوفی گری سرافراز گشته با خلعت
مهر طلعت بحضور مبارک مستعد گشته تمام عمل محاسبات اصطبل و قاطرخانه و شترخانه
مبارکه بدو مفوض و مرجوع گشت چهار ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی
بجهه سان قشون ملتزم رکاب ظفر نشان سوار شده بصحرای پائین شاهرود بسطام
که مجمع عسکر بود تشریف بردند اعیان و ارکان و وزرا که ملتزم رکاب بودند و عساکر
منصوره تماما بموجب شرحی که در اول روزنامه مضبوط است دسته بدسته و
یکان یکان در نهایت آراستگی با لباس و اسلحه نیکو از حضور مبارک گذشتند
الحق امین الدوله و میرپنجان عرض لشکری نیکو دادند و مجموعه عساکر منصوره در انظار

جزو کل زیاده با نظم و شکوه آمد حیدرقلیخان سهام الدوله ایلخانی طایفهٔ شادلو
و حاکم بجنورد و توابع با پانصد سوار از زیارت خاکپای همایون افتخار حاصل
نمودند و از عنایات شاهنشاهانه مستسعد آمدند

روز چهارشنبه هفدهم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی سرکار اقدس و ذات مقدس بمنزل حیرآباد

خدیو بی مثال و شاهنشاه بی همال هنگام صبح چون آفتاب عالمتاب
بر اسب پیشکشی عین الملکی سوار و از کنار شاهرود که معبر است بسمت منزل
ره سپار گردیدند ایلخانی شادلو و سبحانقلی خان و شیر محمد خان برادران
مشارالیه با سوارهٔ شادلو و جوینی و جاجرمی که حاضر رکاب بودند در کنار
راه صف بسته و منظور نظر مبارک شاهنشاهی شدند آراستگی سواران
مزبور از حیثیت اسب و اسلحه و رشادت و جلادت جبلی که از سیمای ایشان
مشهود بود در نظر انور جلوه گر آمده و سرکردگان و سایر آحاد و افراد ایشان بتلطفات
پادشاهی قرین افتخار نامتناهی شدند ملک آرا از خاکپای همایون
مرخصی حاصل نموده با عطای یکثوب کلیجهٔ تن پوش مبارک قرین افتخار گردیده

بمقر حکومت خود عود نمود عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی نیز بخلعت مفتخر گردیده با نواب ایشان همراه شد پس از طی فرسنگی سرکار شاهنشاهی در سمت راست در دامنهٔ کوهی فرود آمده صرف نهار فرمودند و تشریف فرمای کالسکه شده بارد و شرف ورود ارزانی داشتند و چون سورت و حرارت هوا بوجود مسعود فی الجمله تاثیر نموده بود بمجرد ورود ساعتی راحت فرمودند و بعد از خواب بغور رسی محاسبات محمد ولیخان سردار حاکم سابق استرآباد رجوع کردند و از آنجا که کم آبی میان دشت معروض خاکپای همایون شده بود و جمعیت اردو هم زیاد بود محض رفاه و آسایش خلق امر و مقرر شد که اهالی اردو نصف بریاست حاجی شهاب الملک امیر تومان بگروز پیش از موکب مسعود از راه معمول بروند و از میان دشت بگذرند و نصف دیگر با اردوی همایون که از راه ارمیاعازم است همراه باشند از بسطام الی خیرآباد سه فرسنگ است و راه رو بجنوب و مشرق سمت ایمن جاده جلگه و دهات واقعه در آن بدینموجب است **دیزج مرویان سعدآباد بدشت** این ده اخیر تیول محمد رحیم خان قاجار است و در نهایت

معمور و آبادو آب آن از چشمه ایست که یکفرسنگ بالای ده واقع است
و قرب دو سنگ آب دارد سمت ایسر بمسافت بسیار نزدیک کوهی
سخت است که الی یکفرسنگ امتداد دارد و شکار در او بسیار است
خیرآباد مخروبه و بلاسکنه است ولی چون آب خوب دارد و بواسطه وقوع در اول
معبر ترکمان آبادی آن واجب و لازم است از جانب سنی الجوانب بنواب
جهانسوز میرزا امر و مقرر شد که بکمال اهتمام را در آبادی و معموری این قریه
معمول دارد

پنجشنبه هجدهم محرم الحرام ورود موکب مسعود بمنزل ارمیا

شاهنشاه اسلامیان پناه چون سه ساعت از روز برآمد بفیروزی و اقبال
بکالسکه نشسته و با امین الملک و جهانسوز میرزا در باب تعمیر و آبادی خیرآباد
و فزودن آب میان دشت و حفظ طرق و شوارع فرمایشات و تاکیدات
ملوکانه میفرمودند تا مسافتی از راه طی شد و آفتاب کردان نهارگاه خادمان
حرم جلالت بدیدار کشت اعلیحضرت همایونی خود لحظه بسرفرازی و دیدار ایشان
شتافتند و نورالدهر میرزای نایب ناظر و آقا ابراهیم آبدارباشی نهار

حاضر ساختند سرکار پادشاهی بعادت یومیه قلیل غذائی میل فرموده و اعیان
و ارکان و غلامان و پیادگانرا امر دادند که از جاده روان شوند و خود با چند تن
از خواص از کنار راه و میان دره و ماهور عازم شدند و قصد آن داشتند
که شاید از دزدان و راهزنان بنحویکه رسم ایشان است در گوشه و کناری
پنهان باشند و گرفتار آیند ولی واضح است که ایشان نیز از آدمیانند
و در معبر شیران و شیرشکاران نیاسایند چنانکه هرچه در دره و بیغولها شتافتیم
اثری از آن غولان نیافته تا آنکه قریه ارمیا نمایان گشت و حضرت اقدس را
میل بدان سوی کشید با همان چند سوار مختصر داخل ده شدند این بنده خواست
پیش رفته و مردم را که مشغول خرید و فروش آذوقه بودند از راه کنار کند
فرمودند ایشانرا بحالت خویش بگذار و خود مقدم بر همه از میان جمعیت و ازدحام
اهل ازدو و رعایا عبور فرموده در تختی که موقع چنار ارمیا و بقول عامه مدفن
آنحضرت است فرود آمدند حاجی مطلب خان تفنگدار خاصه که بواسطه حکومت سابقه
این سامان که اطلاعش بیش از دیگران بود بعرض رسانید که مردم این نواحی
بر آنند که ارمیای پیغمبر در وسط این چنار مدفون است و بدان واسطه هرگز شاخی

ازین درخت بزرند و از جای دور تر تحفه و نذورات بدین جا آورده فقرا و مساکین را
دهند و این صندوق را که اکنون بنظر می آید و زیر نظام هنگام رفتن به پیشکاری
خراسان تعمیر نموده عظمت و کهنی این چنار از غرایب روزگار است چه هر شاخی
از آن درختی قوی را ماند و از هر طرف زیاده از صد ذرع مسافت را سایه افکند
طول زمان که شاید زیاده از دو هزار سال باشد در درون او آتشی افروخته و تمام
مغز استخوانش سوخته است بطوریکه از اصل ساقه درخت جز پوست سطبر قوی باقی
نمانده بالاخره سرکار همایونی لحظه در امکان توقف فرموده و از آنجا هم
بالاتر گذشته در سر چشمه که آب او بهترین میاه و اطرافش از سبزه و گیاه آراسته
بود پیاده شده و جمال مبارکرا از گرد و خاک راه شست و شو داده چای و سکنجبین
و خیار خواستند پس از زمانی آقا علی و محمد علیخان و عکاسباشی و محقق نیز رسیده
بمصاحبت مشغول گشته خاطر اقدس والا را مشعوف و مسرور ساختند حضرت
شاهنشاهی ادای فریضه نموده یکساعت بغروب مانده سوار براسب کبود عماد الدوله
شده تشریف فرمای سر چشمه گردیدند در آن حوالی کبک زیاد بود و یکی از آنها
صید قوش مخصوص دولت مبارک شده هنگام غروب بازو که نیم فرسنگ پائین قلعه

واقع بود تشریف فرما شدند و شب را بعد از شام قورق شده خواص چاکران
بحضور مشرف گردیده و از فرمایشات علیه بهره مند و مرخص شدند و سرکار همایونی
نیز بخوابگاه تشریف بردند امروز پنجاه نفر از خوانین و ریش سفیدان طایفه کوکلان
بتوسط سهام الدوله بعتبه بوسی آستان مبارک اعلی و زیارت جمال آفتاب
مثال معلی مشرف گردیدند

از خیرآباد الی رمیانج فرسنگ است و راه مشرق جنوبی مسافت یکفرسنگ و
نیم جلگه و بعد مشی بدره میشود ولیکن کالسکه بسهولت عبور میکند و این جلگه همه جا
سبز و خرم و در او بوته کَوَن و افسنطین و غیره بسیار است

در رمیا چاپارخانه دولتی ساخته شده و اصل قریه در دهنه دره واقع است و اورا
قلعه و برجی است که بجهة دفع شر ترکمانان ساخته اند آب این قریه از چشمه ایست که
در بالای قریه از دامنه کوهی سخت و پرسنگ جاریست و پشت این کوه بلوک
پیکار جمند است که سپرده بجناب معیر الممالک میباشد

جمعهٔ نوزدهم تشریف فرمائی ذات مقدس والا بمنزل میامی

چهار ساعت از روز گذشته شاهنشاه دین پناه از درب سراپرده مبارکه بیرون

تشریف آوردند و ایشیک آقاسی باشی و سایر مقربان بحضور همایونی تشرف
جستند امین الملک و سهام الدوله خوانین شادلو و ریش سفیدان کوکلانرا
بجهه استر خاص از خاکپای مبارک بحضور معدلت دستور آورده بعواطف
شاهنشاهی مستظهر و امیدوار شده برادران و برادرزادگان ایلخانی چون سلیمخان
و شیر محمد خان وغیره باعطای شال ترمه کشمیری و سرکردگان شادلو بمرحمت شال
ترمه کرمانی مفتخر و مباهی گشتند و همچنین خوانین ترکمان ده نفر از رؤسای
ایشان چون صفر علیخان ارگک لی و آیدقدی خان و آق محمد خان وغیره
مستوجب عنایت شالهای کرمانی و بقیه مشمول عنایت انعام نقدی شدند
و دعای وجود مبارک کفشه بمقر خویش عود دادند و ذات مقدس خسروانی
بکاسکه تشریف فرما گشتند یکفرسنگ که از ارمیا میگذرد جلگه منتهی میشود و
دره ماهورپست و بلند نمایان میگردد که از سمت شمال منشعب است بجاده های
کم وسعت کوچک و شعبات مختلفه که اغلب محل عبور سواران طایفه ضاله کمین گاه
ایشان است

درین صحرا و فراز و نشیب زیادی وحوش و طیور از هر جنس چه آهو و خرگوش

وچه باقری قره وهوبره باعث انبساط خاطر مبارک گشته دو خرگوش در تاخت
بدست مبارک صید فرمودند و قریب به بند مرجان بجهة صرف نهار فرود آمدند
وپس از صرف نهار چون سراپرده نهارگاه حرم سلطنت نزدیک بود تنها بدان سوی
تاخته وپس از اندکی بطرف تیپ توجه فرموده بکالسکه نشستند در یکفرسنگی میامی
چنار بزرگ ونهر آب واشجاری بنظر آمد ومیل خاطر مبارک بدان علاقه گرفت که
ساعتی در آن سایه بیاسایند محقق مشغول کتاب خواندن شد وملک منصور میرزا
وآقا علی وعلیخان گرجی وعکاسباشی وموچول خان واین بنده بمحارست
وجود مبارک مفتخر بودیم چه درین صحرا جانوران موذی از قبیل مارهای سیاه
وغیره بسیار است چون حضرت شاهنشاه از خواب برخواستند صیادی
تکه آهوی بزرگی بحضور آورده واز بذل انعام ملوکانه بهره ور گردید ومیرشکار
بخاکپای مبارک مشرف شده شخصی را با خود همراه آورده وعرض کرد که از
شکارچیان میامی است واز قرار معروف از احوالات شکاران این صفحات
اطلاع کافی دارد وخود با صیاد مذکور مامور گشت که از تنگه بالا رود وهرگاه صیدی
بنظر آورد شاهنشاه را اطلاع دهد ساعتی برنیامده میرشکار مراجعت کرده معروض

داشت که منظور نظر عالیه شکاری نیامد ولی شکارچی دیگری بحضور آورده
بعرض رساند که اطلاع کلی در وضع صید کور دارد و میگوید درین صحرا کور بسیار است
امر و مقرر شد که فردا خود با شکارچی مزبور بصحرا روند و صدق و کذب این مسئله را
معلوم نموده معروض دارند دهقانی سبد آلوچهٔ تازه بحضور آورد که نهایت
لطافت و خوش طعمی را داشت و درین صفحات بدان خوبی کمتر دیده شده است
یکساعت بغروب مانده سرکار شاهنشاهی باردوی مبارک شرف ورود ارزانی
داشتند و شب را بعد از شام حاجب الدوله و اجودان مخصوص و سایر مقربان
دربار در حضور مبارک تشرف داشتند آقا ابراهیم آبدارباشی بملاحظه کم آبی
منزل فردا از خاکپای همایون مرخص شده شب را از پیش رفت که قبل از
ورود اردو تهیه آب کند و سقایان و مشک داران از برای سوار و سرباز
و سایر ملتزمین رکاب حاضر سازد

از ارمیا الی میامی پنج فرسنگ است و راه مشرقی و جمیع آن از زیادی مشک
ترامشه و افسنطین و سایر نباتات معطر خوشبوست سمت راست بفاصلهٔ
یکفرسنگ منتهی میشود بجبال سخت بزرگ ممتد و دهاتی که درینطرف واقع هستند

از اینقرار است مزرعهٔ دباغی متعلق است بمالکین قریهٔ اسرائیلی که در وسط
کوه نمایان است محمد آباد جودانه کلاته اسد مزرعهٔ مرجان
مشهور به بند مرجان که متعلق بمیامی است این مزارع قریب بجاده واقعند و دورتر
از آنها دهات متعدد متصل بهم نمایان است که ایل عرب در آنها مسکن دارند
میامی و ابراهیم آباد یکفرسنگ کمتر بیکدیگر مسافت دارند و
در وسط این دو قریه دیگر بمیامی واقع بود میامی دهی آباد و با قلعه و حمام و چاپارخانه است
سمت چپ همه جا صحرا و دره ماهور سخت است در بالای سر میامی کوهی
سخت واقع است که از دره وسط آن بقدر دو سنگ آب جاری و میامی
از آن مشروب میشود و ایل عجم که اغلب اولاد محمد تقی خان عجم هستند
در آن نواحی سکنی دارند .

پستم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی ذات والا صفات همایونی بمنزل میان دشت

درین روز بملاحظهٔ بعد مسافت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زودتر از ستارهٔ
ایام سوار شده و با امین الدوله و اعتضاد الدوله و امین الملک فرمایش کنان

تا ابراهیم آباد تشریف بردند در نزدیکی این قریه قرب راه چناری عظیم
الجثه مشاهده گشت شاهنشاه اندکی در زیر سایه آن درخت ایستاده و چون عظمت
جثه چنار غرابتی داشت مقرر فرمودند دور او را ذرع کردیم دوازده ذرع قصر آمد
پس از سیاحت چنار و ابراهیم آباد و اتمام فرمایشات مخصوص در آباد
آن قریه بکالسکه نشسته بچشمه که بقدر ربع سنگ آب دارد رسیدیم همراهیان
هر کس باندازه که ظرف داشت برای خود آب برداشت دو فرسنگ از چشمه گذشته
دهنه زید راست و او یکی از گذارهای مخصوص تر کمان و مخوف ترین محل راه
خراسان است حاجی میرزا آقاسی مرحوم در عهد شاهنشاه مبرور قلعه و برجی درین
مکان بنا نهاده و چند خانوار در او سکنی داده که هنوز نه شده و قلیل زراعتی دارند
در مقابل این دهنه دره ایست که ببلوک پکار جمند راه دارد و از میان آن نهر آبی
جاریست که قلعه زید رو مزرعه دستجرد از آن مشروب میشود و کاه نیز جلوا نراسدی
بسته و آبرا ببلوک پکار جمند میبرند سرکار شاهنشاهی در حوالی مزرعه دستجرد
در کنار نهر آب بنهار فرود آمده پس از ساعتی بکالسکه نشسته تشریف فرما شدند
سقایان دیوانی جمیع راویه های خود را که زیاده از پنجاه بار بود پر آب کرده در راه

به پیادگان وسواران میدادند نیم فرسنگ که از دهنه زید رگذشتیم راه
مشهی بدره ماهورهای سخت مهیب شد که اغلب بسقوگاه ترکمان است و با وجود
پست و بلندی که دارد کاسکه بسهولت از آن عبور مینماید پس از طی این پست و
بلندی یکفرسنگ بمیان دشت مانده بجلگه افتادیم حاجی مصطفی قلیخان حاکم
کلات از ارض اقدس با عریضه سپهسالار اعظم باستقبال رکاب قمر مثال آمده
بصحابت امین الملک بحضور مبارک تشرف جسته مورد عواطف ملوکانه گشته
واز جانب سپهسالار واهالی خراسان ورود موکب مسعود را تهنیت گفت
چهار ساعت بغروب مانده وارد اردوی همایون شدیم اگرچه امروز در عرض
راه بهمراهیان موکب مسعود و قوافل وزوار از برای آب سخت نگذشت ولی
در توقف منزل با آنکه نیمی از ایل اردو دو روز قبل گذشته بودند و تمام اصطرخ ها
پر آب بود و آقا ابراهیم آبدارباشی راویه ها و مشک ها قبل از وقت پر آب
ساخته و بچادرهای چاکران خاصه و فراشان و سربازان داده بودند باز بحدی
از کم آبی وحشت کرده بیتاب بودند که علیحضرت همایون شاهنشاهی محض تفضل
کامله آب حوض بلغار که در سراپرده مبارکه بود بسربازان و فراشان عطا کرده

مقرر داشتند بیایند از حضور مبارک ببرند محمد حسن خان محقق در اظهار وحشت
مردم از بی آبی بعرض میرسانید که اهل اردو آب حمام را برده سرد نموده بمصرف
خود میرسانند سرکار همایون ظل اللهی محض ترفیه زوار و عابرین بتاکید تمام
مقرر داشتند که در اندک مدت درین منزل احداث قنوات عدیده نمایند
تا باعث آسایش خلق و مزید دعای وجود مبارک شود

از میامی بمیان دشت شش بلکه هفت فرسنگ است و راه مشرقی و از یکفرسنگ
از میامی گذشته الی یکفرسنگ بمیان دشت مانده همه دره ماهور و خوفناک
و پست و بلند است سمت راست جاده بفاصلهٔ اندکی کوهی همه جا الی دهنهٔ
زیدر ممتد است و از آنجا بتدریج پست میشود تا بدره ماهور و در یکفرسنگی میان
دشت بجلگه منتهی میگردد سمت چپ جاده کوهی عظیم بفاصلهٔ ده فرسنگ
ممتد است و در پنج فرسنگی دهاتی چند در دوربین بنظر مبارک همایونی رسید که
ما وضع و مکانیت آنها را در مراجعت اردوی کیوان پوی مذکور میداریم و درین
صفحه فقط بتذکار اسامی ایشان اکتفا می کنیم کلاته خیج مغر و کیلان
رباط سونج ری آباد میان دشت عبارت از یک کاروانسرای

شاه عباسی است که در جنب آن مرحوم حاجی میرزا آقاسی قلعهٔ ممتازی بنا
کرده و چند خانوار در او سکنی داده و درین عهد جاوید مهد چاپارخانه در جنب
آن ساخته و قناتی در او حفر کرده اند که آبی در نهایت قلت از آن جاریست

روز یکشنبه بیست و یکم محرم الحرام تشریف فرمائی ذات عالی برکات همایونی از میان دشت بعباس آباد

درین روز بفضل الله تعالی شاهنشاه بیهمال بفیروزی و اقبال صبح از خواب
برخواسته سر و بر همایونی را آراسته باسب کرنک پیشکشی حسام السلطنه سوار گشته
و پس از ادای بعضی فرمایشات بخواص و اعیان بکالسکه رجوع فرموده بسمت
مقصد روان گشتند سه فرسنگ گذشته قلعهٔ الهاک نمایان گشت و جمعیتی زیاد
بنظر آمد شاهنشاه از دور ایستاده این مخلوق منظور نظر مبارک بودند که چون مار
و مور بر سر آب انبار ایستاده یکی اسب خود را آب میداد و یکی خود آب میخورد
و بر میداشت و هیاهوی غریبی داشتند سرکار شاهنشاهی پس از تفرج بحالت
ایشان در سمت راست از برای صرف نهار فرود آمدند تیمور میرزا مار سیاه
شاخدار بزرگی گشته بحضور آورد و مهدیقلی خان غلام بچه باشی بره آهوئی شکار کرد

نیز از لحاظ نظر انور گذرانیدند و هر یک مستوجب انعام و احسان شدند و همچنین
نواب ملک منصور میرزا کبکی در حضور صید کرده انعامی موفور گرفت
بالاخره پس از صرف نهار سرکار همایون سوار کالسکه گردیده دو فرسنگ که
طی فرمودند از دره ماهور گذشته داخل جلگه شدند حاجی مصطفی قلیخان
و میر شکار که با سواران خود بطلب شکار رفته بودند در اینجا بحضور مشرف شده
معروض داشتند که گوران دسته دسته از نهیب سواران فرار کرده بجنگل اندر
شده اند و صید ایشان کمال صعوبت را دارد ولی میر شکار و ولی پاک خود
گوری عظیم از پای درآورده شتر فرستاده اند که بار کرده بحضور مبارک بیاورند
شش ساعت بغروب مانده تیپ همایونی شرف اندوز منزل گردید و چون
حرارت هوا و بعد راه فی الجمله اسباب زحمت وجود مبارک شده بود
حضرت شاهنشاهی اندکی بیاسودند ولی از وزیدن باد شدید سخت که اغلب چادرها را
از پای درآورد و تجیرها را درهم شکست وجود مبارک را براحت استراحت ممکن نشد
هنگام عصر میر شکار گور معروضه را بحضور معدلت دستور آورده الحق گوری
عظیم الجثه و خوش رنگ و زیبا و در نهایت فربهی بود تماشای آن خاطر مبارک را

مایل بصید نمود حاجی مصطفی قلیخان و سهام الدوله و میرشکار مامور شدند
که هنگام شب سواران بسیار بفرستند و اسباب شکار گور فراهم آورند
از میان دشت بعباس آباد شش فرسنگ است و تمام صحرا نیم فرسنگ
از میان دشت گذشته از یمین و یسار علفزار است و بوتهای قیچ و گورن
و اسفند بسیار دارد و در هر دو طرف با اینکه دره و ماهور است کالسکه بسهولت
میتواند عبور کند سه فرسنگ بعباس آباد مانده قریه الهاک واقع است
بنای این قلعه نیز در عهد شاهنشاه مبرور شده است و در جنب قلعه آثار
کاروانسرای بزرگی نمایان است که از ابنیه بسیار قدیمه است و معین نیست
در چه زمان بنا شده در بالای قلعه قنات کوچکی و در زیر دست آن
آب انبار بزرگی است که آب قنات متدرجا در او جمع شده و عابرین
و اهل قلعه بمصرف میرسانند از الهاک تا دو فرسنگ نیز دره و ماهور است
و بعد جلگه میشود و از ابتدای جلگه الی عباس آباد یکفرسنگ است سمت
یمین این جلگه کویر و بجنگل هیزم طاق و غیره منتهی میگردد که نهایت آن
جنگل کوهیست دو شاخ و گورخر بسیار در دامنه آن چراگاه دارند و سمت

یسار بفاصلهٔ نیم فرسنگ منتهی بکوههای کوچک پست میشود که قدری
دورتر از آنها کوههای بلند سخت واقع است عباس آباد از بناهای
شاه عباس ماضی است و قلعهٔ بسیار محکم دارد که در روی زمین مرتفعی واقع
شده و مشتمل است بر باغات و قنات و چاپارخانه و کاروانسرای بزرگ
کهنهٔ قدیم که حاجی شهاب الملک امیر تومان و حاجی علینقی تاجر در تعمیر آن
اقدام کرده و قریب باتمام است قلعهٔ عباس آباد زیاده بر صد خانوار
رعیت دارد و بنا بر معروف اصل ساکنین اینجا از گرجستان است و از ایلاتی
هستند که شاه عباس صفوی رحمة الله علیه از سمت تفلیس و قفقازیه کوچ
داده بایران آورده است و سیما و هیات ایشان نیز بگرجیان شباهتی دارد
و بترکی و فارسی هر دو تکلم میکنند وضع جغرافیائی عباس آباد بقسمی است
که ممکن است در آنجا شهری ساخته شود و امید است که انشاء الله الرحمن
در ظل عطوفت همایون بحدی آباد شود که با شهری برابری کند

بیست و دوم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی اردوی با احتشام از عباس آباد باستربد

درین روز شاهنشاه فیروزبخت در نهایت انبساط و کامرانی بساعت
از طلوع گذشته سوار شده واندکی از راه را با وزرای عظام و سرکردگان
مشغول فرمایشات ملوکانه گشته از اسب فرود آمده بکالسکه نشستند
دو فرسنگ از عباس آباد گذشته به پل معروف پل ابریشم رسیدند و در اینجا
چون راه مشعب بدو جاده میشود یکی بانتر بند میرود و دیگری بصدر آباد و فرمانان
سرکار همایون شاهنشاهی چون قصد شکار داشتند مقرر فرمودند که اهل
اردو و سواران و صاحبمنصبان تماما از راه مستقیم بسمت اردو روان شوند
و خود با چند نفر از خواص چون اعتضاد الدوله و ملک منصور میرزا و تیمور میرزا
و امین الملک و حاجب الدوله و اجودان مخصوص و محمد رحیم خان سرتیپ
و محمد علیخان وغیره از راه فرمانان تشریف فرما گردیده در حوالی صدر آباد
بجهة صرف نهار فرود آمدند و منتظر اخبار سواران میر شکار شدند چون
وصول خبر شکار چیان بطول انجامید این بندگان خاطر مبارک را بعضی
لطایف و مطایبات مشغول و مسرور میداشتیم و تیمور میرزا شرحی از
سواری و صید افکنی گذشته خویش بعرض میرسانید که در هر حال خالی

از غرابت و تعجب نبود بالاخره حرارت آفتاب تشدد یافته سرکار همایون
از آفتاب گردان بیرون تشریف آورده بکالسکه نشستند و با دوربین بسمتیکه
سواران کوردوان بودند نظاره میفرمودند ساعتی بر نیامد حبیب الله خان و
چند نفر دیگر از شکارچیان از دامنه آمده معروض داشتند که هرچه جد و جهد
بعمل آمد که شاید گل کور رو باین سمت بیاید امکان نیافت لابد از پی ایشان رانده
و کره کوری زنده گرفتیم و بقیه فرار کردند چون منزل دور و وقت گذشته
بود حضرت شاهنشاهی دیگر متحمل شکار نگشته و بصدرآباد تشریف فرما شدند
صدرآباد عبارت از قلعه و آب انباری است که مرحوم میرزا آقاخان صدر
اعظم از تنخواه وصایت خسروخان والی مرحوم ساخته و در او چند خانوار
با تفنگچی و مستحفظ سکنی داده و الحق درین راه آبادی این قلعه در نهایت از برای
عابرین فایدهٔ کلی دارد خاصه آنکه از عباس آباد بمزینان راه بسیار است
و هنگام زمستان و برف و بوران وجود این قلعه که نزدیک بنصف راه واقعست
فایده کلیه دارد بالاخره سرکار همایونی از صدرآباد بسمت شمال و جانب اردو
توجه فرمودند و سه ساعت بغروب مانده باردو نزول اجلال فرموده ساعتی

بیاسودند هوای این منزل بالنسبه بسایر منازل گذشته بمراتب
گرمتر و فی الجمله اسباب زحمت وجود مبارک شده بود
از عباس آباد الی استرآباد مستقیما پنجفرسنگ است ولی هرگاه از صدر آباد بروند
زیاده از هفت فرسنگ میشود سمت راست جادهٔ صحرا و کویر و جنگل
طاق است و سمت چپ از عباس آباد الی نیمفرسنگ تپه های کوچک است
که در عقب آنها بفاصلهٔ یکفرسنگ و دو فرسنگ کوههای پست خشک
واقعند و درین سمت چشمه ایست موسوم بچشمه کزوک که ترکمان در وقت عبور تاخت
و تاز در سر آنچشمه فرود آمده تدارک آب میکنند پل ابریشم که مذکور شد بلی است
اخیرین یک چشمه که بر روی رودی ساخته اند که هنگام بهار آب آن سیلابی است
و در سایر اوقات آبی بسیار اندک و شور و تلخ از آن جاری است استرآباد
جزء مشابور و قریب پنجاه خانوار رعیت و مزارع متعدده دارد

بیست و سیم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب مسعود بمنزل داورزن

شاهنشاه جمجاه خلد الله ملکه درین صبح بقانون معموله پس از استحمام و ادای
فریضه باسب قراگهر پیشکشی نواب عماد الدوله سوار شده و مقرر داشتند که خادمان

حرم و بارو بنه را از راه مسطح معین که راه صدرآباد است روانه سازند و خود
با سواران از راه دیگر که در شمال جاده صدرآباد و دامنه و دره است تشریف فرما شدند
و تا مسافتی بعید با امین الدوله و امین الملک و حیدرقلیخان ایلخانی از فرمایشات
علیه که مشتمل بر آبادکردن مرو و مثبته طایفه خنیثه بود بهره ور و مفتخر بودند
از آنجا که بملاحظه خیال بدی راه کالسکه های سلطنت را از راه صدرآباد برده بودند
و حال آنکه ازین راه نیز عبور کالسکه امکان داشت و معلوم بود اشخاص بلدنابلدی
کرده اند شاهنشاه با وجود حرارت هوا همه جا سواره تشریف فرما شدند تا سنگ و
سنگفرش از راه طی شد و جلگه نمایان گشت و در کنار راه مزرعه کوچک درخت پسته
و نارون و چشمه آبی پدیدار گشت و موکب مسعود از برای نهار نزول فرموده
و پس از ساعتی با کسالتی که از حرارت هوا بهمرسیده سوار شده تشریف فرما شدند
بعد از طی اندک مسافتی شاهزاده پرویز میرزا حاکم سبزوار با سواره سبزه وار
شرف اندوز خاکپای مبارک گردیده و از مراحم خسروی قرین مفاخرت و اعزاز
گردید یکفرسنگ بمنزل مانده کالسکه مخصوص همایونی رسید و شاهنشاه بکالسکه
نشستند بسرعت تمام چهار ساعت بغروب مانده بمنزل تشریف فرما شدند

حاجی شهاب الملک و حاجی سعد الملک و صفر علیخان سرپتپ و سایر سرکردگان
که از خیرآباد مامور پیشرو شده بودند در اینجا بخاکپای همایون تشرف جستند
و ذات والاصفات شاهنشاهی ساعتی بیاسودند جهانسوز میرزای حاکم شاهرود
تا این منزل ملزم رکاب نصرت انتساب بود و چون در منازل متعلقه بحکومت
شاهرود در تشریفات موکب مسعود کمال مراقبت و اهتمام مرعی داشته
و خاطر مبارک از خدمات ایشان خرسند بود باعطای یک قبضه شمشیر کل مرصع
مفتخر گشته از خاکپای مبارک مرخص شد که بسبزوار نزد سپهسالار اعظم برود
از آنجا بدامغان رفته از راهی که موکب مسعود تشریف فرما شدند شش فرسنگ است
راه اول فی الجمله وعری دارد و همه جا سراشیب و پست و بلند است و بعد از
دو فرسنگ بدهنه میرسد که دو سمت آن کوههای سیاه بلند خشک است
و یکفرسنگ و نیم مسافت آن دره است سمت شمالی دره ماهورو دامنه
کوه است و دو سه مزرعه که متعلق بسادات است دارد و سمت جنوبی پس از
بیرون آمدن از دره جلگه و با کوه مسافتی بعید دارد و قصبه مزینان که دهی آباد
و معتبر و معموره و با جمعیت است یکی دو قریه آباد دیگر درین سمت واقع و از دور

نمایان است درین راه شکار بسیار است داوورزن اول خاک سبزوار است
وسی چهل خانوار رعیت دارد

بیست و چهارم محرم بحرام اطراق دردا وورزن

درین روز چون چاپاردار خلافه وارد شده عرایض مستوفی الممالک و وزیر
مالیه اعظم و سردار کل و وزیر امور خارجه را بحضور مبارک همایون رسانید
مترصد صدور احکام و جواب بود شاهنشاه جمجاه درین منزل اطراق فرموده
و از صبح تا شام بخواندن عریضجات و صدور فرمایشات و نوشتن دستخط
بوزرا مشغول بودند طرف عصر ملا حسن قاضی و برادر میرزا ابراهیم محمد تحضور
مبارک مشرف شدند و امین الدوله و ظهیر الدوله بخاکپای همایون حضار شده
امر و مقرر شد که هرگاه ضرری و خسارتی از محل چاپرها یا از راه دیگرباهای استبداد
و داوورزن وارد آمده باشد عوض دهند و با اینکه ضرری معین و یقین نشد
محض از زیاد دعای وجود مبارک همایون و کمک بحال رعایا مبلغی
بایشان برسم انعام بذل فرمودند

بیست و پنجم محرم حرکت موکب همایون از داوورزن بمنزل مهر

هنگام صبح که مهر عالمتاب طالع شد اعلیحضرت همان ظل اللهی بکالسکه
نشسته و تمام اعیان و ارکان و سواران و صاحبمنصبان در رکاب مبارک پذیرهٔ
راه شدند چون هوای امروز برخلاف سه چهار روز گذشته نسیم و روحی داشت
خاطر مبارک از لطافت هوا خرسند و فرحناک گشته با هر یک از اعیان مشغول
صحبت بودند تا سواد قریهٔ صدخر و یا سودخر که معروف بصدخر است نمایان گشت
قاضی صدخری با رعایای آنقریه باستقبال آمده دعای وجود مبارک گفتند
و قاضی تا مسافتی از ده گذشته در رکاب مبارک پیاده روان بود و از
فرمایشات و مسئولات ملوکانه مفتخر و مباهی میگشت اعلیحضرت همایون
در خارج ده در محلی با صفا از برای نهار توقف فرمودند و در اندک زمانی بکالسکه
مراجعت نمودند

نزدیک اردو در سمت چپ مزرعهٔ موسوم بکلاته منظور نظر انور همایون آمده
بدانسوی میل فرمودند و چون راه سنگلاخ بود از کالسکه بزیر آمده سواره تا بالای
باغات کلاته که دره ایست و نهر آبی دارد تشریف برده در کنار نهر فرود آمده
عصرانه و چای خواستند و مشغول نماز شدند شخص دهقانی از تعدی دو نفر

سرباز که بباغات او رفته بودند عارض گشته خاطر مبارک همایونی بر آشفته
مقرر شد که سربازانرا ماخوذ داشته تنبیه و سیاست کلی نمایند که عبرت دیگران شود
نیمساعت بغروب مانده تشریف فرمای اردو گشته و شب بعد از شام قورق
شکسته مقربان دربار از زیارت آستان مبارک بهره ور آمده حکیمباشی
طلزان ساعتی از روزنامجات انگلیس بعرض عاکفان حضور
رسانده و شاهنشاه بآرامگاه خسروانی تشریف بردند

از دوارزن الی مهر شش فرسنگ است راه مشرقی جنوبی و همه جا جلگه
مسطح و با روح و بوته زار است سمت راست جاده بفاصله پنج الی
هفت فرسنگ منتهی بجبال میشود که کوه میش معروف سبزوار از شعبات آن جبال
و از دور نمایان است و قراء واقعه درین سمت بدین موجب است ماهیان
بروغن آباد بادقیس شهرآباد مغیشه چوبین
خسروآباد چشم کوشک باغ جبال سمت چپ بمراتب
پست تر و نزدیک ترند و از نیم فرسنگ الی دو فرسنگ زیادتر با جاده فاصله
ندارد و قراء و مزارع واقعه درین سمت ازین قرار است بهاردان

تیره کلاته سادات داورزن اباد یکی دو مزرعه دیگر
نیز درین سمت راه ازدور نمایان است

روز جمعه بیست و ششم محرم بحرام تشریف فرمای موکب
فیروزی کوکب پادشاهی از منزل مرتقبر نه رسید
شاهنشاه کامکار و شهریار معدلت شعار صبح با اقبال خسروی و فر کیخسروی
با همینت و فیروزی از حرم خانه مبارکه بیرون تشریف آورده بکالسکه
نشست حیدرقلیخان سهام الدوله دو راس اسب ترکمانی بسیار ممتاز
که کمتر بدان خوبی اسب دیده و شنیده شده بود برسم پیشکش از لحاظ انظر انور
همایون گذرانده هر دو در نظر مبارک جلوه کرده مستحسن آمدند بعد از طی مسافتی
در جلگه شمالی آسیائی که مشتمل بر اشجاری چند و سایه دل پسند بود منظور نظر
همایون افتاد و بجهه صرف نهار میل بدانسوی فرموده فرود آمدند و محض رافت
خسروی و رعایت رعیت پروری پیرمرد صاحب آسیارا بحضور مبارک
خواستند پیرزنده دل از تشرف خاکپای مبارک جوانی از سر گرفته
و در کمال فصاحت بنحویکه رسم سالخوردگان است بعضی عرایض که خالی از مزه

نبود خاطر مرحمت مظاهر را قرین مسرت داشته و بتفقدات و انعام
شاهنشاهی امیدوار و کشوده خاطر گشته بدعای وجود مسعود اشتغال نمود
و سرکار همایون پس از میل فرمودن نهار سوار و تشریف فرمای منزل شدند
و بسراپردهٔ همایونی تشریف برده باقتضای گرمی هوا میوه جات و شربت
آلات طلبیدند و این بنده را بخواندن کتاب روزنامهٔ همایونی امر فرمودند
و آن کتابی است که بخط مبارک نوشته شده است چه حضرت شاهنشاه را
رسم بر آنست که در جمیع اسفار کوچک و بزرگ و شکارگاهها وقایع یومیه و حالت
منازل و هیئات ارضی و جبالی و رودخانها و چشمه سارها و قراء و مزارع آن سامانرا
بالتمام بدون کسر و نقصان بدستخط مبارک ثبت و ضبط میفرمایند و در هنگام
فرصت رجوع بدان نموده و از تجدید حالات گذشته خاطر مبارک را خرسند
میدارند و بر اطلاع ملازمان و بندگان می فزایند و الحق هیچ تاریخی بدین جامعی
و راستی و درستی نیست زیرا که هیچ مورخی به بیغرضی و بصیرت شخص پادشاه
روحنا فداه نخواهد بود بالآخره روز بپایان آمد و شب بعد از شام قورق شکست
و مقربان دربار از امین الملک و حاجب الدوله و غیره بحضور مبارک تشرف جسته

خاطر مبارک را از صحبتهای نیکو و عرضهای پسندیده خوشوقت و مسرور میداشت
عکاسباشی عکس اردو را که در روز برداشته بود بحضور آورده و در نظر انور همایون
شاهنشاهی که درین علم بصیرتی تام دارند موقع قبول و استحسان یافت
از مهرالی رسید سه فرسنگ است بیابان ارضی راه امروز نیز شباهت کلی بدیروز
منزل گذشته دارد و بفاصله یکفرسنگ و نیم دو راز جاده شعبه کوهی است
در وسط صحرا که دو فرسنگ امتداد دارد وسط حقیقی آن مخروطی
شکل و مرتفع تر است و جنبین آن پست تر و پیکدیگر نهایت شباهت را دارند
پشت این کوه جلگه و کویر است رسید در هزار قدمی جاده واقع است و قریب
سی چهل خانوار رعیت و باغات و مزارع دارد که از آب رود خانه مشروب میشوند
و او را کاروانسرائی خوش طرح و آبادو آب انباری مستحکم از بناهای قدیم است
سمت جنوب جاده بلوک باشتر است و اوراد بیات متعدده است که اسامی
آنها بدینموجب است قریه مهرآباد متعلق بجاجی میرزا محمد علی برادر امامی حاجی بعضی
کسبه و رعایاست و آب او از قنات و تقریبا یکصد خروار غله عمل کرده دارد
شاهرخ آباد متعلق برعایا و کسبه شهراست و قناتی و قلیل زراعتی دارد

حسین آباد ملکی حاجی مجتهد و شرکاست و در قدیم قناتی داشته که حال مخروبه است
و تازه احداث می کنند **شهر آمین** چندان آبادی ندارد و دو سال است
قنات او مخروبه و از امسال بنای آبادی آنرا دارند **غیاث آباد** متعلق
بحاجی میرزا ابراهیم مجتهد و حاجی آقا ابراهیم و دیگران است **فیض آباد**
یکی از معتبرترین قراء بلوک باشتن است و قنات آبی نیکو دارد و متعلق است
بحاجی سید رضا و سایر رعایا **تاج آباد** ملکی حاجی بابا خان و رعایا و آب
او نیز از قنات است **باشتن** قصبه این بلوک است قریب صد خانوار
رعیت دارد و از زمان بسیار قدیم تاکنون آباد است **نامن** این قریه نیز
بزرگ و آباد است **بفره** آب این مزرعه آب کوه است که از شمال آمده بجنوب
میرود و در دور فیض آباد زراعت می شود **سرشته** قلعه کوچکی است
یحیی آباد مخروبه است و تازه در صدد آبادی آن برآمده اند **خیر آباد**
قلعه محقر و سه چهار خانوار رعیت دارد وسمت شمال سه قریه است
قریه فشتیق دو فرسخ از جاده دور است مالکین آنجا رعایا هستند زراعتش
اندک و باغاتش منحصر است بانار و ترش **سارق** دو فرسخ و نیم باراه

فاصله دارد و در نهایت خوش هوا و ییلاق وزراعتش کم و باغاتش
مخصر است رسید که منزلگاه است و مذکور شد

شنبه بیست و هفتم تشریف فرمائی شاهنشاه آسمان جاه از رسید بشهر سبزوار

حضرت شهریار روخدیو تاجدار هنگام صبح که خسرو سیارگان از خطهٔ مشرق
باستقبال موکب مسعودش چهره نمائی کرد چون بخت مقبلان از تخت راحت
برخواسته پس از ادای فریضه سرو برخسروانی را بجقهٔ الماس و قبای مقوم
دوزوحمایل مروارید و الماس آراسته و شمشیر تمام مرصع درمیان بسته از حرمخانه
مبارکه بیرون آمده بکالسکه نشستند و تمام اعیان و ارکان و چاکران
نظامی و غیرنظام با شکوه مالاکلام و لباسهای الوان و حمایل و نشان در
رکاب ظفرتوامان در نهایت نظم و ترتیب عازم شدند و چون سه فرسنگ از راه
بگذشت سمت یمین جاده آبادی ملحوظ افتاد موسوم به پیراستر که مدفن یکی
از اولادان کمیل ابن زیاد علیه الرحمه است شاهنشاه بدانسوی تاختند
وچون مکانرا قابل فرودشدن نیافتند بفاتحه اکتفا فرموده بگذشتند

تا مهر

تا بنهر آبی که دو سنگ آب از آن جریان داشت رسیده از برای صرف نهار
فرود آمدند ولیکن حرارت هوا مانع از آن شد که وجود مبارک بغذائی راغب شود
پس در انجا اندک وقتی توقف فرموده و بر اسب تکه جیران پیشکشکی ایلخانی سوار شده
با اعتضاد الدوله و تیمور میرزا فرمایش کنان روان شدند اندکی گذشته
سراپردهای زرنگار پدیدار گشت که مورد ورود پردگیان حریم سلطنت بود سرکار
همایونی بالانفراد بسمت ایشان توجه کرده و دوباره براه معاودت فرموده
بکالسکه نشستند قریب بقریه خسروجرد سپهسالار اعظم حکمران مملکت خراسان
و امیر حسین خان ایلخانی زعفرانلو و الله یار خان حاکم دره جز و یوسف خان
هزاره با سرکردگان و سواره خراسانی و ترکمانان سارق و تکه وغیره که زیاده
از سه هزار بودند موکب فیروزی کوکب را استقبال کرده از زیارت رکاب
نصرت انتساب مستسعد و مباهی گشتند سپهسالار اعظم بتوجهات خاطر خطیر
ملوکانه مستظهر و بفرمایشات و عواطفات شاهنشاهانه مفتخر گردیده و حسب الامر سوار
شده در کنار کالسکه مخاطب بفرمایشات علیه بود تا آنکه حضرت شاهنشاه
از قریه خسروجرد گذشته به بقعه امامزاده ابراهیم رسیدند حاجی میرزا ابراهیم مجتهد

با علما و سادات

با علما و سادات شهر که در امامزاده مشطر و رود ذات بخجسته صفات بودند بیرون
آمده و بحضور مبارک شرفیاب شده مورد عواطف خاص شدند از آنجا که امامزاده
گذشته جمعیت بسیار و مخلوق بیشمار از اهالی شهر از مرد و زن از کوی و برزن بزیارت
جمال مبارک و باستقبال رکاب قمر مثال مجتمع و غبار راه شاهنشاه عالم پناه را
کحل الجواهر دیده امیدواری کرده و زبان بدعای بقای دولت ابد توامان کشودند
از تراکم مستقبلین و تلاطم امواج سواران تلزمین بحدی گرد و غبار شد که دو نفر
آشنا در شناسائی یکدیگر عسرت داشتند و تمیز آسمان و زمین امکان نداشت
تپ همایونی از جنب شهر عبور فرموده رو بشمال بطرف فوقانی شهر که مقر
اردوی کیوان پوی بود تشریف برده و آوای شلیک توپ و زنبورک نزول
اجلال خسرو پهمال را در باغ حاجی میرزا ابراهیم اعلام داده تلزمین رکاب بهر یک
بخیام خویش شدند و شاهنشاه اسلام پناه پس از نشست و شوی جمال مبارک و صرف
شربت آلات و میوجات ساعتی در حوضخانه باغ غنودند و هنگام عصر بالاخانه
باغ رفته با دوربین تماشای اطراف شهر مشغول گشتند مقارن غروب قورق شد
و شب را برنهج لیالی قبل خواص چاکران بحضور عطوفت نشان احضار کشتند

از زیبدالی سبزوار پنج فرسنگ و راه مشترقی و جلگه و صحرا است و در زمین آن جز
از خار شتر و نبات شیرین بیان نشانی نیست و تمام صحرا خانهٔ موش و اسب تاختن
در آن دور از شرایط احتیاط و هوش است سمت راست این جلگه بمسافت
پنجفرسنگ منتهی بکوه میش میشود و سمت چپ بفاصلهٔ نیم فرسنگ کمتر یا بیشتر
کوه شور و کوه سیاه سبزوار است دهات واقعهٔ در سمت یمین جاده بدینموجب است
مسکن سنقرآباد افضل آباد حیات اباد فسقر
برزو کلاته حیدرقلی دهات طرف یسار از این قرار است پیراستر
صومعه مخروبه است خسروجرد که هم بخسروآباد موسوم است قصبهٔ
معموره و صد و پنجاه خانوار رعیت دارد و بواسطهٔ مناره که در او ساخته شده است
معروف و مشهور است و او مناره ایست بسیار مرتفع و خوش اندام و از ابنیهٔ قدیمه است
چه بنائی او را بقسمی نموده اند که از خارج تمام منبت کاری و خاتم سازی بنظر می آید
ولیکن سبب بنای آن معلوم نیست که او را از چه راه و از چه جهت ساخته اند اباری
قلعه نو عبدالرحمن کوشک ملک سبزوار ملکی وسیع و معتبر است
و او را هشت بلوک و صد قریه و مزرعه متجاوز است و ما تنها بذکر اسامی بلوکات آن

اکتفا مینمائیم

اکثفا مینمایم **بلوک مزینان** اغلب ہات آن آباد و باجمعیت و خوش ہوا است
و باغات بسیار دارد **بلوک کاه** تیول میر عطاء الله خان ایلخانی است و ییلاقیت
کلی و قراء متعدده دارد **بلوک باشتن** معمور و ییلاق است **بلوک قصبه**
تمام رعیتی و قشلاق است **بلوک تکاب لغان** کوه از سایر بلوکات
ییلاقیت آن بیشتر است این پنج بلوک جنوبی و شرقی و غربی است
بلوکات دیگر که عبارت از **بلوک براکوه** و **بلوک کراب** و **بلوک**
طبس باشند شمالیند این بلوک اخیر از بلوکات معظم سبزوار است و ییلاق
خوش آب و ہوا است اما حدود خاک سبزوار مغربی بہمن آباد و مزینان
و مشرقی دہنه سنک کلید است شمال آن جبال دوبرادر و سبزوار و کوه سیناه
و کوه ریوند وغیره است که محال جوین در سمت شمالی آنہا واقع است و در شمال
غربی این جبال ری آباد و مغز و کیلان و کلاتہاست که معبر عمده تراکمه و مشهدی
بچہارده سن خاص میشود حد جنوبی کوه میش است حاصل این املاک ابریشم
و فواکه وجود کندم است
شہر سبزوار از شہرہای قدیم ایران است و او را ارک و حصاری محکم و کاروانسرا

و بازار روده و محلّه و دو مسجد و دو مدرسه و تکایای بسیار است یکی از آن مدارس
مدرسه فضیحیّه است که مدرّس جناب حاجی ملاهادی و مسکن طلاب است و موقوفات
بسیار دارد و بواسطه بی مبالاتی متولیان نقصان کلی در بنای آن راه یافته
و مخصوصا از جانب سنّی الجوانب همایون امر برسید کی عمل موقوفه و تعمیر آن شرف صدور
یافت از جمله مساجد مسجد جامع است که بنا بر معروف از ابنیه سلاطین سربداران است
و بنای بسیار عالی است و جناب حاجی میرزا ابراهیم او را تعمیری کافی نموده در جنب
شهر کاروان سرائی است که از بناهای قدیم بوده و در اوقات حکومت وطغیان
الله یار خان قیسجی خراب کشته و در عهد شاهنشاه جمجاه حاجی مجتهد بقیه او را لباس
آبادی پوشیده و اکنون در نهایت معمور و منقّح است و نیز نیک میدان
از شهر گذشته مصلای شهر است که عمارتی عالی دارد و از توجهات جناب
حاجی دایر و آباد مانده است جمعیت شهر سبزوار اگرچه بتحقیق تعداد نشد ولی
زیاده از پانزده هزار بنظر نیامد و آن نیز در زمان سلطنت شاهنشاه روبازدیاد
گذاشته مخزوبه اش عمارت یافته است و مورد امید است که انشاء الله در ظلّ
عدالت و عطوفت شهریاری در اندک مدت جمعیتش بیش کرده و آبادیش

از نیو

بمراتب معمورتر از پیش

یکشنبه بیست و هشتم شهر محرم توقف شهریار کامکار در بلده سبزوار

چون درین روز اطراق بود اغلب اوقات مبارک همایون شاهنشاهی به تنظیم
و تنسیق امورات مملکت و آسایش حال لشکری و رعیت موقوف و مصروف
گشت در اول روز سپهسالار اعظم بارخاسته و سران و بزرگان مملکت خراسان را
بدربار معدلتمدار آورده یکان یکان ایشان را بحضور مبارک معرفی نموده هر یک
بفراخور حال و شایستگی خدمت و مقدار مورد الطاف حضرت شهریاری
شده خرم و خندان و سرافراز و شادان بمنازل خویش شدند و از آنجا که جنود
منصور و ملتزمین حضور خجسته دستور را بعد از خروج از دار الخلافه وجوه متکاثره
که از خزانه عامره داده شده بود بمخارج لازمه مصروف داشته بودند در اینجا نیز
مقرر گشت که مبلغ بیست هزار تومان از بابت مواجب و جیره در میان ایشان
علی قدر مراتبهم تقسیم نمایند شاهنشاه پس از صرف نهار بیاسودند و محمد حسنخان
محقق و این بنده بخواندن کتاب روزنامجات قدیم که حاوی احوالات خیریت
علامات همایون بود مشغول شدیم تا سرکار اقدس از خواب بیدار گشته سه ساعت

زیاده بغروب مانده بود درینوقت جناب حاجی ملاهادی سبزواری بهمراهی
سپهسالار اعظم بحضور مبارک آمدند و از آنجا که جناب حاجی را جلّه حکماء ارجمع
صفات غیر حسنه عاری و مبرّا و در حکمت الهی بحریست بی پایان و نا متناهی
و در سایر علوم صاحب بصیرت و آگاهی و الحق شخصی مرتاض و بهمه جهة ممتاز است
بندگان حضرت اقدس وجود مقدس معظم الیه را محترم و ملاقات ایشان را مغتنم
شمرده و با ایشان از هر مقوله صحبت داشتند و ضمنا خواهشمند تصنیف کتابی که محتوی
اغلب علوم و مواعظ چند باشد شدند جناب ایشان نیز اطاعت امر همایون را
متقبل و موقوف بزمان مستقبل داشته دعای وجود مبارک را کفته رخصت معاودت
جستند و بعد از ایشان جناب علامی حاجی میرزا ابراهیم مجتهد سبزواری و جناب محمد هاشم میرزا
پسر مرحوم محمد رضا میرزا که قریب پانزده سال است در سبزوار محض ارادت
جناب حاجی ملاهادی منزوی و مسکون و از جمله تلامذهٔ خاص آنجناب است فیض
حضور را مدرک آمده و مورد توقیر و مراحم خاص شده مرخص شدند و سرکار
همایونی تشریف فرمای اندرون کشتند

دوشنبه بیست و نهم شهر محرم و روز دوم توقف اردو کیوان پو سبزوار

شبیه جناب فضایل و معارف اکتساب قدسی و قدوسی مشرب حقایق و دقایق آداب حاجی ملا هادی سبزواری سلمه الله تعالی

هنگام طلوع میرا عظم شاهنشاه معظم بر تکیه گاه سلطنت متمکن و هریک از مقربان
درگاه بلا اشتباه نیک و بد امور محوله بخود را در حضور باهر النور حاکی بودند و علیحضرت
همایون بجرح و تعدیل و تغییر و تبدیل امورات هریک غور و تدبر فرموده
و احکام مطاعه در اصلاح مطالب و مقاصد ایشان مشرف صدور می یافت
قریب بظهر سیف الدوله میرزای حاکم سابق اصفهان که در مشهد مقدس حضرت
رضوی علیه السلام مشرف بود بزیارت حضور مبارک مستعد گشت و عضد الدوله
میرزا مسیح وزیر مازندران و میرزا هدایت مستوفی و رضا قلیخان میرتب
کلبادی و محمد خان و نجفقلی خان هزارجریبی و غلام حسین خان اشرفی و عبد الله
میرزای نظام العلما و سایر بزرگان و اعیان مازندران که بعتبه بوسی آستان
مبارک آمده بودند بحضور باهر النور اقدس اعلی مشرف ساخته و هریک را بعرفی
بسزا نموده و علی قدر مراتبهم بالطاف خسروی بهره ور و از استعداد حضور
همایون مفتخر گردیدند و پس از حصول مرخصی ایشان ذات ولا صفات همایونی
بحوضخانه باغ تشریف برده و استراحت فرمودند و اجودان مخصوص شرح
احوال یکی از سیاحان فرانسه را که بسمت افریقه سفر کرده بود معروض میداشت

و حاجب الدوله واین بندگان از ستمعان بودیم عصر این روز امین الملک
مطالب و عرایض جهانسوز میرزا و صورت تشخیص منازل مراجعت اردوی همایونی را
که سپهسالار اعظم معین نموده بود بحضور آورده از لحاظ انور همایون گذرانده
در یغیر و تعدیل آن امر ملوکانه مشرف صدور یافت و همدرین روز جهانسوز
میرزا از خاکپای مبارک مرخصی حاصل نموده بمقر حکومت خویش رفت
آقا رضای عکاسباشی که حسب الامر باندا حتن عکس جناب حاجی ملا هادی
مأمور بود انجام خدمت مرجوعه نموده بحضور مشرف شده و شیشه عکس جناب
مغفری الیه را که بسیار ممتاز برداشته بود از نظر انور مبارک گذرانیده مورد
تحسین و مرحمت شد و بخاکپای همایون معروض داشت که چون جناب حاجی
تاکنون اسباب و آلات این فن را ندیده و انعکاس و انطباع هیکل اشیاء را
در صفحه خارج مشاهده ننموده اند از ملاحظه آن کمال تحیر را پیدا کرده متفکر شدند و چون
بر حقیقت آن فی الجمله بصیر گشتند او را دراستدلال علوم مناظر و مرایا آشنائی
نیکو شمردند خلاصه متعاقب غروب هوا منقلب شده و رعد و برقی شدید آشکار گشته
دو ساعت متواتر باران متکاثر آمده صورت حرارت هوا بشکست و خاطر دریا مقاطر را

بدان سبب تفریحی کامل حاصل گشت

غره شهر صفر المظفر تشریف فرمائی خدیو عدل گستر از سبزوار بر باط زعفرانی

از آنجا که حضرت شهریار و شاهنشاه تاجدار درین دو روز ایام توقف سبزوار موقعی از برای تفرج شهر و بازدید جناب حکمت مآب و جناب مجتهد نیافته بودند امروز که روز عزیمت حرکت بود عبور موکب مسعود را از داخل شهر قرار فرمودند تا آن مقصود نیز حاصل شود پس چون دو ساعت از روز برآمد وزرا و اعیان و سایر چاکران بدرب سراپردهٔ همایونی حاضر شدند شاهنشاه اسلامیان پناه با سرداری الماس نشان بیرون آمده و بمبارکی و اقبال سوار شده با سپهسالار اعظم و امین الدوله و امین الملک و سایر وزرا بسمت شهر تشریف فرما گشته و از کنار ارک عبور فرموده از دروازهٔ آن وارد شدند استحکام بنای ارک در نظر انور جلوه گر آمده و چون از مرور دهور در بنای آن خرابی بسیار راه یافته بود سپهسالار اعظم امر و مقرر شد که در تعمیر شرعی مشکور و جهد موفور بظهور رسانند اهالی شهر که در تمام ایام و سال آرزومند

زیارت جمال عدیم المثال بودند بشکرانهٔ وصول باین نعمت عظمی با وجد و شوقیکه
ما فوق آن متصور نیست بترانهٔ دعای ذات اقدس معلی شور و سرور بملاء اعلی افکندند
حضرت شاهنشاه از میان بازار تا خانهٔ حاجی میرزا ابراهیم مجتهد تشریف برده
و در آنجا نزول اجلال فرمودند جناب حاجی و علمای بلد که در درب خانه
حضور داشتند در کمال ادب و احترام بلوازم پذیرائی اقدام کرده وجود مبارک را
دعا گفتند و اعلیحضرت اقدس همایونی از آنجا بخانهٔ جناب حاجی ملا هادی
تشریف فرما گشتند حالت درویشی و اثاث البیت مختصر و خانهٔ محقر جناب
حاجی که تمام بنای آن منحصر با طاقی از خشت و گل بود در خاطر مشکل پسند مبارک
بسیار پسندیده آمد و پسران جناب ایشان که الحق اصل معرفت را بر و شاخ
حکمت را ثمرند مقبول خاطر مرحمت اثر آمده مورد احسان و تشویق شدند اخلاق
دلجو و تحقیقات نیکوی جناب حاجی مایهٔ آن شد که حضرت شاهنشاهی علاوه
از رسم معموله در خانهٔ ایشان توقف فرموده و در هنگام برخواستن اظهار تأسف
از مفارقت کردند جناب حاجی نیز با چشم گریان حضرت ظل سبحانرا تا خارج
خانه مشایعت کرده با نیت خاص و نهایت اخلاص زبان بدعا و ثنای وجود مبارک

گشودند سرکار

گشودند لشکر همایونی از دروازهٔ نیشابور بیرون تشریف برده بسپهسالار
اعظم وحیدر قلیخان ایلخانی فرمایش کنان روان شدند سوارهٔ خراسانی وغیره
در آن صحرا با شکوه و نظمی تمام صف بسته و در نظر انور همایونی جلوه گر آمدند و چون
بنا بر رسم خود ترک زیاد بر اسبان داشتند و بمعنی مایهٔ عسرت حیوانان
در تاخت و تاز بود امر همایونی شرف نفاذ یافت که از جانب دیوان اعلی
هر ده نفر سوار را یکنفر شتر بارکش دهند تا اسبان ایشان سبکبار و در تعاقب
دشمن بی اختیار باشند پس از سان سوار شاهنشاه کامکار بکالسکه تشریف فرما
مسافتی بعید که از راه طی شد قدری بالاتر از رباط سرپوشیده در طرف چپ جاده
بجهت صرف نهار فرود آمدند و اندک غذائی میل فرموده سوار شدند و با آنکه
درین صحرا هر نوع شکار از بوبره و آهو بسیار بود بواسطه گرمی هوا صرف نظر
از صید ایشان فرموده و بتعجیل بوصول منزل کرده پنجساعت بغروب مانده
بار دوی همایون نزول اجلال فرمودند

از سبزوار الی زعفرانی شش فرسنگ است و راه مشرقی و همه جا جلگه و سطح
و کیاه آن تمام خارشتر و اسپند و اصل السوس یعنی شیرین بیان است

جبال شمالی دو فرسنگ از راه فاصله دارد ولی فاصله جبال جنوبی بتدریج
زیاد میشود تا بنظر بمسافت ده فرسنگ می آید درین راه آبادی بسیار و قراء
واقعه در آن ازین قرار است سمت راست جاده **صالح آباد** ملکی
میرزا حسین وغیره **دلقند** ملکی حاجی محمد رضای مستوفی **باغان**
ملکی حاجی فرامرز خان یوزباشی **آزاد منجیر** ملکی حاجی میرزا ابراهیم
وسادات **نزل آباد** ملکی حاجی محمد رضا **زید آباد** ملک ایضاً
جلیس ملک ایضا واقوام حاجی میرزا ابراهیم **رباط سرپوشیده**
ملکی ایضاً **هاشم اباد حاجی شمسی** سمت چپ جاده دو قریه
بیشتر ملحوظ نیفتاد که یکی از آنها **سر بنام ده** و دیگری **عوض است**
تمام این قراء را قنوات متعدده است که از هر یک آنها یک سنگ دو سنگ
بل متجاوز آب جاریست ولی اغلب آنها مایل بشوری وگوارا نیست و در هر یک
ازین دهات باغات واشجار بسیار است غیر از رباط سرپوشیده که او را
یک باغ مشجر بیش نیست وغالب محصول این قراء پنبه وجو وگندم است
رباط زعفرانی که هم بزعفرانیه معروفست رباطی بوده است از ابنیه بسیار قدیمه

که بالمره منهدم و مخروبه شده و از او جز آثاری باقی نیست و آنچه امروز برباط
زعفرانی مشهور است رباطی است که بموجب امر اقدس همایون شاهنشاهی
حاجی مصطفی قلیخان نوری در ایام حکومت سبزوار بنا نهاده و هنوز اندکی
ازین بنای عالی که مقابل بهترین بناهای سلاطین صفویه است باقی است
وانشاء الله ما بقی نیز امسال سمت اتمام خواهد یافت در جنب این رباط
چاپارخانه دولتی و مهمانخانه و آب انبار و یخچالی است که نواب حسام السلطنه
زمان فرمانفرمائی مملکت خراسان بنا نهاده اند و در همه وقت خاصه
تابستان زوار و قوافل را محل راحت و امان است

چهارشنبه دویم شهر صفر المظفر تشریف فرمائی خسرو عدالت پرور از زعفرانی بزمان آباد

درین روز اول طلوع فجر که سه ساعت بدسته مانده بود شاهنشاه روحنا فداه
از بستر راحت برخاسته و دو ساعت بدسته مانده بکالسکه مبارکه نشستند و
سپهسالار اعظم را کنار کالسکه طلبیده مشغول صحبت شدند و مخصوصا از دیاد
میل خاطر مبارک را در آبادی خراسان و انتظام امور آن سامان بیان میفرمودند

تا نزهت هوا و حضرت صحرا خاطر همایون را مایل بدان ساخت که از سمت چپ
جاده شکارکنان تشریف فرما شوند پس از طی مسافت یکفرسنگ رباط مخروبه
ملحوظ افتاد مشهور برباط غلامان که در سوابق زمان مامن راه زنان ایلات عمارلوی
نیشابور بوده است و حال بالمره منهدم است یکفرسنگ از آن رباط گذشته
قلعه سنگ کلید راست محاذی آن قلعه دو نفر شکارچی که با امیر شکار از پیش رفته بودند
بحضور مشرف شده معروض داشتند که یکدسته قوچ و میش دیده اند سرکار همایونی
با اعتضاد الدوله و امین الملک و سایر مقربان خاص با معدود قلیلی از تفنگداران
و شکارچیان بقصد شکار بسمت دره های شمالی روان شدند قریب دو سه فرسنگ
رفتیم و از میر شکار اثری پدید نگشت تا سرکار اقدس دره را منظور نظر مبارک فرموده
و از دامنه آن صعود فرمودند ولی بیک و رحمت الله بیک شکارچی نمودار گشته
معروض داشتند که شکاران از مکان خود تجاوز کرده و باید متعاقب ایشان
رفت ولیکن چون از روز زیاد برآمده و هوا گرم و منزل دور بود سرکار شاهنشاهی
از تعاقب نمودن شکار گذشته و در دامنه و کنار چشمه آبی فرود آمده امر بحاضر
ساختن نهار فرمودند و پس از آن بکالسکه نشسته بسمت شوراب تشریف فرما شدند

وچون راه بسیار سخت بود و پست و بلند بیشمار داشت تکرکالسکه مبارکه عیب
نمود حضرت شاهنشاهی نیم فرسنگ سواره تشریف آوردند تا آنکه دشکه
اعتضاد الدوله رسید و بدو نقل فرموده اندکی از زحمت حرارت هوا و گرد و غبار
آسوده شدند مقارن شوراب حاجی سلیمان خان قاجار حاکم نیشابور بزیارت
رکاب قمر مثال مشرف آمده مورد عواطف ملوکانه گشت سه ساعت بغروب مانده
موکب مسعود شرف ورود بزمان آباد ارزانی داشت حضرت همایونی اندکی
بیاسودند و از خواب برخاسته نماز خوانده و اندکی میوه جات و مشروبات صرف
نموده بحرمخانه مبارکه تشریف بردند هنگام مغرب بارانی شدید ابتدا نموده تا زمان
صبح بباریدو هوا را لطافت و طراوت کلی بدید گشت
از زعفرانی بزمان آباد شش فرسنگ است و راه مشرقی و تا دهنه سنگ کلیدر
همه جا رو بصعود است و از آنجا دره ماهور و رو به نشیب میشود تا یکفرسنگ بزمان
آباد مانده سمت شمال کوهستان است و بلوک تکاب طغان کوه درین سمت
واقع و او را قراء و مزارع متعدد است که اغلب آنها رعیتی و خوش هوا و اسامی
بعضی از ایشان ازینقرار است **کرماب** **شوروزد** **شوروزدو**

دست جرد سلیمانی کلاته بید در وسط راه اول قلعه سنگ
کلید راست واو قلعه ایست که در دامنه واقع و در دولت شاهنشاه غازی
ساخته شده بقدر نیم فرسنگ آب و چند خانوار و قلیل زراعتی دارد و جد طبیعی
خاک نیشابور و سبزوار است بعد از آن شور اب است که منزلگاه کاروان است
و سی چهل خانوار رعیت و چند قطعه باغ و چاپارخانه دارد
سمت جنوبی تا اول جلگه نیشابور آبادی نیست در اول جلگه بلوکات نیشابور است
که در موقع خود مذکور خواهیم داشت زمان آباد و سرده
دو قریه اند سرده بالاتر واقع است بفاصله یک میدان و جمله موقوفات
حضرت فیض آثار است زمان آباد فی الحقیقه آباد و چند سهم است سهمی ریشتی
سهمی متعلق با آقا محمد تقی تاجر طهرانی و مالک سهم اخیر خانبابا سلطان است

روز پنجشنبه سوم شهر صفر تشریف فرمائی شاهنشاه مؤید و مظفر بساحت نیشابور

علی الصباح که خسرو کیستی نورد خاوری علم بر کوهساران زد شاهنشاه
انوشیروان نشان و خاقان معدلت بنیان چون صبح امیدواران از افق سراپرده همایونی

طالع گشته و بکالسکه همایون که جلوس فرمودند نسیم اهتزاز بر پرچم شوکت و اعزاز
وزیدن گرفت و خنک سواران در جلگه نیشابور در تکاپوی آمد دماغها از هوای
روح افزای این جلگه تر شد و زحمت گرد و غبار و هوای خشک و حارّ
منازل از خاطرها محو گشت در سه فرسنگی شهر چمنی نیکو و صحرائی دلجو منظور
خسروانی گشته از برای صرف نهار در آنجا فرود آمدند در این وقت شبنم و ترشح
هوا بارانی سخت و شدید تبدیل یافت و موکب مسعود زودتر از رسم معهود در حرکت
شد یکفرسنگ بمنزل مانده علماء و اعیان و اجلّه و ارکان شهر بزیارت رکاب
قمر انتساب تشرف جسته مورد الطاف خسروانی گشتند
اعلیحضرت شاهنشاهی سپهسالار اعظم را مخاطب فرموده از آبادی و هوا و
صفای جلگه نیشابور فرمایش مبذول فرمودند حاجی سلیمانخان حاکم قراءو مزارع را
در خاکپای همایون معرفی مینمود و از جبال و معادن فیروزه معروض میداشت
از جمله کوه پربرفی را در بالای سر نیشابور نشان داده معروض داشت که در او
چشمه ایست معروف بچشمه سبز و او چشمه ایست که در فضائی وسیع مانند دریاچه
واقع شده و آبی زیاده از چهار سنگ از میان دریاچه جوشش نموده

بهم درخود آن فرو میرود و در حوالی آن شکارگاهی نیکو و چمن زاری بس دلجود دارد
خاطر همایونی مایل بسیاحت چشمه گشته واز مسافت آن تحقیق فرمودند چون زیاده
از شش فرسنگ معروض افتاد محض بعد راه قرار سیاحت و تفرج آن مکان
بهنگام مراجعت موکب همایون از راه کلمکان که هم بر آن سامان اقرب است
مقرر داشتند بالاخره چون سواد شهر پدیدار گشت اهالی بلد از مرد و زن خورد
و بزرگ که سعادت چنین روز را از بخت فیروز میخواستند در معبر موکب فیروزی
اثر صف کشیده در نهایت وجد و شعف هریک بزبانی بدعای وجود مسعود
متر نم و بقای دولت جاوید عدت را از خداوند خواستار آمدند سرکار
همایون ظل اللهی از کنار قلعه عبور فرموده و بسمت غربی شهر بباغ رضوان
که فی الحقیقه از جنت نشان میداد و از بناهای امامویردی خان نیشابوری است
نزول اجلال فرمودند حاجی سلیمانخان حاکم تشریف قدوم مبارک
همایون را از نقد و شال کشمیری و حلویات و غیره و پیشکشهای شایسته تقدیم نمود
مقربان دربار گردون اشتباه و سران سپاه هریک بمنازل خویش شتافتند
و حضرت شاهنشاهی لحظه بیاسودند هنگام عصر بادی شد و سخت بوزید

وسرکار همایونی از سراپرده بعمارت پایین باغ تشریف فرما شدند حاجی
میرزا علی مشکوة الملک که حامل خلعت شاهنشاهزاده افخم جلال الدوله و سپهسالار
اعظم بود و قبل از حرکت اردوی همایون بمشهد مقدس مشرف گشته در اینجا
بعتبه بوسی آستان اعلی تشرف جسته و از الطاف بی نهایات شاهنشاهی
کامیاب و مباهی گردید شب بعد از شام فورق بشکت حکیمباشی طلزان
و سایر خواص و مقربان بحضور مبارک شرفیاب شدند ساعتی حکیمباشی
از روزنامهای فرنگستان معروض میداشت و حضرت شاهنشاه بلفظ
شریف مبارک ترجمه میفرمودند و حاضرین جمیعاً متعجب بودند که سرکار
پادشاهی چگونه بزحمت تعلّم بسیار و اشتغال لیل و نهار در اینمدت قلیل بدین
زبان غریب آشنا شده اند و بدین سهولت مطالب مشکله را ترجمه می فرمایند
بعد از اتمام روزنامه باقتضای لطافت و نیکی هوا ارباب طرب خاص چون
آقا علی و حاجی حکیم و آقا صادق و آقا غلام حسین احضار بزم حضور شده
ساعتی تغنّی نموده و از آوازهای خوش و سازهای دلکش خاطر مبارک را مسرور
داشته مرخص شدند و سرکار شاهنشاه بآرامگاه تشریف برده براحت مشغول گشتند

از زمان آباد به نیشابور چهار فرسنگ است و راه شمال مغربی و تمام جلگه
از قلاع بلوک عشق آباد و قراء بلوک تحت جلگه آباد و معمور است جلگه نیشابور
که بحسب هوا و مکانیت و قنوات و انهار و اشجار و خضارت و نضارت معروف
و مشهور آفاق است از سه سمت خاصه شمالی بجبال سبز پر علف محدود است
و در قلل جبال شمالی که از همه مرتفع ترند برف بسیار است و فی الحقیقه روح مخصوصی
دارد که در کمتر بلدی دیده شده است چنانکه در کتب متقدمین و شعرای سلف نیز
روح جلگه نیشابور مذکور و مضبوط است جبال نیشابور معادن مس و سرب
و غیره بسیار دارد خاصه معادن فیروزج که گویا در تمام روی زمین مشابه بدانها
یافت نشود این معادن در جبال شمال مغربی واقعند و آنچه از آنها کار شده است
موسوم بکان سیاه است که در او حال کمتر کار می کنند دیگری کان کمری است که
از خود معدن آب بیرون آمده مانع از کار کردنست دو معدن دیگر که از همه بهترند
کان قارزاک بالا و قارزاک پایین است خاک نیشابور حاصل خیز و پر فواکه
و قابل هر نوع محصولات و محدود است از سمت مغربی بخاک سبزوار که حد
آن قلعه سنگ کلید راست از سمت مشرق بخاک مشهد و جام از سمت جنوب

بتربت سالاری و شاه بخش و خاک نرماشیر و ترشیز و از سمت شمالی بسر ولایت
قوچان و سلطان آباد ایالت نیشابور چند بلوکست که اسامی آنها بدینموجب است
طغان کوه آربقائی بارمعدن تخت جلکه ریوند
درب قاضی اردرقش ماذول زبرخان محسن آباد
بارو تخت جلکه مارو سک باغ رضوان که مخیم خیام کیوان
مقام بود باغی است در نهایت خوش قطع و روح و صفا مشتمل بر خیابانهای متعدده
و چند حوض و جداول و انهار و گلستان و اشجار و در او دو عمارت است یکی
در ابتدای باغ که بالاخانه سردر و او طاقهای تحتانی و فوقانی دارد و دیگری
در انتهای باغ واقع است که او را تالاری و دو اطاق جنبین است از جمله
چیزها که بر صفای این باغ افزوده و کمتر جائی دیده شده است وضع غرس
رزهای آنست و آن بدین قسم است که زمین باغ را مرتبه بمرتبه مسطح کرده خیابانها
در او قرار داده اند و از طرفین خیابانها دیوارها کشیده اند و پشت دیوارها را
بطور پشت ماهی مالیده ساخته و درخت مو را بطوری کاشته اند که تمام
مسطح محدب دیوار را گرفته و شاخهای آن از سوراخها که در دیوار کرده اند بیرون

آمده روی دیوار را پوشانیده وبهمین نهج تمام مراتب یک پارچه سبز نظر
می آید وزیاده از حد بر صفای باغ افزوده است

جمعه چهارم شهر صفر دوم توقف حضرت شهریاری در نیشابور

بحمد الله تعالی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی در اول صبح در نهایت
انبساط وخرمی سوار گشته بقصد تفرج اطراف شهر اخبار سواری فرمودند ساعتی
برنیامد که هوا بشدت سرد شد وبارانی شدید ببرودت ورطوبت هوا فزود
وحضرت شاهنشاه فسخ عزیمت فرموده بعمارت آخر باغ تشریف آورده مشغول
مطالعه عرایض ونوشتجات وزراشدند تا شش ساعت از روز برآمد وباران
بایستاد وهوا در نهایت معتدل ومقتضی سواری گشت پس برابب اعتضاد الدوله
سوار وبا امین خلوت وحاجب الدوله وجمعی از چاکران از کنار اردو بازار گذشته
وهمه جا از کوچه باغهای نیشابور عبور فرموده مزرعه که موسوم است ببرف ریز
ودر دامنه کوه شمالی واقع منظور نظر مبارک گشته براه نمائی میرشکار وسلطان
حسین میرزای پسر پرویز میرزا بدانسوی تشریف فرما شدند ودر کنار چشمه کوه را
که چشم اندازی نیکو داشت ومشرف بجلگه وشهر بود پیاده شدند وتا هنگام عصر

درآمکان تشریف داشت یکساعت بغروب مانده بقریه صومعه آمده در حلکه
بدرشکه نشسته هنگام غروب معاودت بمنزل فرمودند
برف ریز مزرعه ایست که سه چهار خانوار پیش ندارد و در سمت مغربی آن مزار
مرحوم شیخ ابوالحسن است که یکی از اقطاب و بزرگان عرفاست قریه صومعه زیاده
بر صد خانوار رعیت و باغات بسیار دارد و اهالی آن جمیعا از ایلات کرد
که از سوابق ایام در آنجا مسکن گزیده اند

شنبه پنجم شهر صفر توقف شاهنشاه معدلت گستر در میاندوآب

درین روز هنگام صبح که نیر اعظم طلوع نمود شاهنشاه معظم بحمام تشریف برده
و دو ساعت از روز برآمده در نهایت شوکت و اجلال جلوس بر تکیه گاه
سلطنت فرمودند سپهسالار اعظم شرف اندوز حضور مبارک گردیده و عرایض
حاکم و خوانین سیستان را از لحاظ نظر مهر اثر گذرانیده معروض داشت که چون
سابقا تر کمانان بی اعتدالی و خودسری نموده جمعی از رعایای سیستانی را اسیر
و دستگیر کرده بودند خوانین و سرکردگان آن سامان در مقام تلافی برآمده اسرای
خویش را مسترد ساخته و اسیر و سر زیاد از آن در دان گرفته اند خاطر مبارک قهرمانی

ازین خبر قرین مسرّت و شادکامی گشته بسپهسالار اعظم امر و مقرر شد که
در جواب عرایض ایشان از الطاف بی پایان خسروانی شرحی مندرج دارد
که مایهٔ امیدواری و دلگرمی در خدمتگذاری باشد سپهسالار مرخص شد و حضرت
شاهنشاه دستخط متعدده بافتخار وزیر مالیهٔ اعظم و وزیر امور خارجه در انتظام
و انتساق امور مملکتی و ملّتی صادر فرموده بامین الملک سپردند که با چاپاری
مخصوص روانه دارد و خود تشریف فرمای حرمخانه مبارکه شده هنگام عصر
بیرون تشریف آورده بعد از صرف عصرانه و ادای نماز ظهر و عصر قورق فرمودند
درین شب چون شب عید مولود مسعود همایون بود اسباب آتش بازی
اعمّ از ایرانی و فرنگی در میدان خارج باغ فراهم آورده بودند حضرت شاهنشاهی
دو ساعت از شب رفته بباغ دیوانخانه تشریف آورده در بالاخانهٔ که مشرف
بمیدان بود نشستند متصدیان امر آتشبازی از قبیل آقا یوسف نایب سرایدار
که هم درین کار مهارتی تام دارد با سایر قورخانچیان و خدام مشغول آتشبازی
و شلیک شدند و پس از اتمام مغنیان خاص از نغمات تار و طنبور در وجد و
سرور بخاطرها گشودند و تا ساعت چهار هر یک در فن خود نهایت مهارت را بکار برده

و وزیر علوم و سردار کل ۴

وبدل انعام مفتخر شدند وحضرت شاهنشاهی بحرمخانه خسروانه توجه ملوکانه ارزانی

داشتند

یکشنبه ششم شهر صفر و چهارم توقف اردوی مبارک در بلده مشابور

درین روز که روز عید مولود پادشاهی بود و در قلوب و خاطر شادی و سرور

نامحدود جای داشت سرکار شاهنشاه فیروزبخت سه ساعت از روز برآمده

بر تخت کامرانی و جلوس فرموده در ایوان سراپرده همایون که فرشهای زرتار و

دیبا و حریر بگستراندند و صلای بار خاص و عام دادند وزراء و اعیان و سرکردگان

و مقربان و صاحبمنصبان ذی شان از عراقی و خراسانی و سیستانی و مازندرانی

و افغان وغیره در حضور مبارک صف زدند سپهسالار اعظم در ابتدای

صفوف بایستاد و دیگران هر یک بفراخور شان بمقامی که در خور ایشان بود

قیام نمودند و چون حاجی آقا اسمعیل مشیخدمت باشی سلام پدر این بندهٔ درگاه

شاهنشاهی درین سفر بجهة ضعف مزاج از التزام رکاب همایونی محروم بود در

نیابت این غلام قلیان مرصع به پیشگاه تخت اعلی گذاشت و سلام انعقاد یافت

امین الدوله مخاطب فرمایشات علیه بودند و حضرت شاهنشاه از نکوئی هوای

نیشابور و قصد آبادی و معموری صفحات خراسان و رفاه رعیت و امنیت آنسامان
فرمایشات ملوکانه میفرمودند

خطیب خطبه غرا باسم مبارک حضرت ختمی مآبی صلی الله علیه و آله و وصی برحق و اولاد
و آل آنحضرت و شاهنشاه ممالک ایران انشا نموده سلامیان رخصت انصراف
یافتند و پس از انجام سلام قاضی و علمای نیشابور بفیض حضور استسعاد حاصل
نموده مورد عواطف و الطاف شاهنشاهی گشتند نواب ملک منصور میرزا
بنا بر رسم همه ساله باعطای یکطاقه شال کشمیری و یک ثوب قبای زری اعلی
سرافراز و مفتخر گشت امیر حسینخان ایلخانی اسبی در نهایت رعنا و زیبا
که از هر جهة کمال امتیاز را داشت از پیشگاه حضور مهر ظهور مبارک گذرانیده در نظر
ملاطفت اثر پسندیده و مقبول افتاد و اعلیحضرت شهریاری بقیه روز را بمطالعه
کتاب و صحبت با خواص دربار گردون اساس گذرانیدند

روز هفتم شهر صفر و پنجم توقف اردوی مبارک در نیشابور

هنگام صبح سپهسالار اعظم و اعتضاد الدوله و امین الملک و میرزا نصرالله
مستوفی بحضور مبارک احضار شده مقرر گشت که در چادر دارالشورای کبری

مجتمع گشته بحساب میرزا مسیح پیشکار مملکت بازمذران غور رسی نموده حقیقت ازا
بعرض برسانند سردار تاج محمد خان و محمد علی خان شهرکی و کهن دلخان سیستانی
بحضور باهر النور مشرف شده و از نقدات ملوکانه امیدوار و بهره یاب گشتند
وچون امروز تفرج شهر و سیاحت اطراف منظور نظر خسروانی بود از عمارت
مبارکه بیرون آمده باوزراء درباری و سایر خدام حضرت شهریاری بسمت شهر
توجه فرمودند و اوّلا تشریف فرمای مسجد علی گرخی که مسجد عالی بنیان و از آثار
زمان قدیم است شدند علماء و اجلّه بلد که اسامی ایشان بدین موجب است
تشریف وجود مبارک را در مسجد پذیره گشتند جناب ملا صادق
حاجی ملا ابوالقاسم امام جمعه میرزا ابوالقاسم قاضی ملا هاشم صدر
حاجی ملا حسین شمس العلماء شیخ عبدالغفور ملا روح الامین شیخ الاسلام
ملا عبدالحسین ملا محمد رضا ملا موسی ملا محمد باقر ملا آقا بابای خطیب
ملا غلامرضای پیشنماز آقا سید اسمعیل محضا الله حاجی ملا محمد تقی واعظ
آقا سید اسمعیل پیشنماز سرکار اقدس شهریاری بعد از اظهار ملاطفت و مهربانی
بسیار بعلماء و حکم بتعمیر مسجد و مراقبت در عمل موقات آن و محافظت درختان

آورس و چنار قوی الجثه کهن که علامت قدمت مسجد است ببازار شهر تشریف
آورده از چهار سوق و بعضی محلات بخارج قلعه گذشتند و بقصد تفرج قریه
فوشنجان که قصبهٔ معموره و در نهایت خوش هوا و باصفاست توجه فرمودند
بعد از طی یکفرسنگ و نیم بقصبهٔ مزبوره وارد شده مسجد رعیتی آن قریه که
از بناهای مرحوم حسنعلی میرزاست و خیابانها و درختان چنار بسیار کهن
و باغات و اشجار و انهار قریه بنظر مبارک رسیده و از آنجا گذشته در قرا
پوچ آباد و حصار که هوای آنها در نهایت ییلاقیت وارد عبور فرموده
دره که مشتمل بر رود آب و چشمه سارهای جاری و درختان و باغات بود
پیاده شدند و اندکی از میوجات آن باغات خاصه گیلاس و کوجه و غیره
که کمال امتیاز را داشت تناول فرموده نزاهت و بداعت و صفا و هوای
دره زیاده از حد وصف در نظر انور جلوه گر آمده هنگام عصر در آن جایگاه
بماندند شکارچیان خراسانی یکراس میش کوهی صید کرده بحضور آورده
مورد انعام و احسان گشته معروض داشتند که در قلل این جبال شکار قوچ و میش
بسیار است ولیکن سرکار شاهنشاه بواسطهٔ بعد راه میل بصید افکنی نفرمودند

و محقق را مقرر داشت که بخواندن کتاب روضة الصفا و ذکر احوالات امام
ثامن ضامن علیه السلام خاطر مبارک را مشغول دارد با جمله از آثار سلف درین
درّه سدی است غریب که از آهک و ریگ ساخته شده عرضا قریب شش ذرع
و ارتفاعا ثخینا پنجاه ذرع و ازین سد چیزیکه باقی است دو سمت رود خانه است
که ارتفاع و حد سد را مینماید و پاره عظیم است که از سد درمیانه رود خانه افتاده
و معلوم میکند که بنای سد چه قدر سخت و محکم بوده ازینجا آشکار میگردد
که ابنیه محکمه که امروز در فرنگستان با ریگ و آهک میسازند و سختی آنها مثل
سنگ صلب است در سوابق ایام نیز در مملکت ایران شایع بوده و بمرور دهور
متروک گشته است خلاصه سه ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی با سپاه
کهر احمد خانی سوار شده بطرف منزل عطف عنان فرمودند در بین راه شخصی
قوی جثه و سیاه چرده دسته علفی در دست کرفته بی محابا و متهوّرانه بطرف شاهنشاه
دویدن کرفت هر قدر فراشان و سواران خواستند او را ازین حرکت منع کنند
یا سبب دویدن را معلوم سازند بهیچ قسم حرفی نمیکفت و برین جسارت میفزود
تا عاقبت دستکیرش نمودند ولی چون مقصود و منظورش معلوم نگشت بمقتضای

عطوفت ورافت خسروانه رهائی حاصل نمود قریب بقریهٔ حصار میرزا ابوالقاسم
قاضی که همه جا در رکاب بود بعرض حضور مبارک رسانید که در جنب این قریه
دره و مغاره و چشمهٔ آبی است که بنا بر معروف مکان معبد ابراهیم ادهم
علیه الرحمه و قابل دیدن است خاطر همایونی مایل بتفرج آمکان شد ولی چون
وقت کافی و مقتضی نبود ازین خیال منصرف گشته هنگام غروب باجنب
شهر گذشته بمنزل شرف نزول ارزانی داشتند

نیشابور یکی از شهرهای بسیار قدیم ایران است که قبل از بعثت حضرت رسالت
پناهی صلوات الله و سلامه علیه معمور و دایر بوده و بنا بر معروف از بانیهٔ شاپور است
و در آبادی این شهر و نواحی آن اغراقها کرده و میگویند از جمله آنکه دوازده هزار
قنات رو بقبله داشته هرگاه دوازده هزار را غراق باشد البته دو سه هزار را
نمیتوان انکار کرد زیرا که آثار اکثر آنها هنوز باقی است و در تعریف و همین قدر
کافی که مکرر او را ویران و اهالیش را پراکنده ساخته اند و مجددا در قلیل زمانی آباد
و معمور و پر جمعیت شده و نیز یکی از صفات اوست که همواره مولد و موطن و
موقف حکما و ادبا و عرفا بوده و خاکش تربیت اربابان ذوق و محبت نموده امروز

اگرچه ما بتحقیق نرسیدیم ولی تقریبا و تخمیناً جمعیت او را زیاده از دوازده هزار
خانوار ندیدیم که در چهار محله آباد موسوم به سعید شاه و خواجه رو
و سرسنگ و محلّهٔ علیا مسکونند مخلوق این بلد را مدنیّت زیاده
از اهالی شهرهائی است که درین راه مشاهده شد و از جملهٔ آثار آن چادرهای نسوانست
که در شهرهای گذشته همه جا بطور دهاتیان چادر شب‌های ریسمانی و اکثر
ایشان بی روی بندند و حال اینکه زنهای نیشابور همه چون زنهای شهرهای
بزرگ چادر نیلی و روبند و چاقچور دارند و همچنین بازار و کاروانسرا و دکاکین
و حمام و چهار سوق آن مشابه شهرهای بزرگ و آباد و از هر نوع اقمشه و امتعه دارد
مخلوق این بلد اکثر عجزه و صاحب امراض مزمنه اند و بر حسب هیئات و هیکل صباحت
و وجاهتی ندارند نیشابور را باغات بسیار است که در هر یک برجی چهار
مرتبه ساخته اند که در حقیقت مسکن صاحب باغ است در سمت شرقی شهر
کاروانسرای عالی که اصل آن از بنیه سلف است و حاجی قاسم تاجر اساس
او را لباس نوی پوشانیده چنانکه گویا جدید البنیان است و آب انبار بزرگی
در حوالی آن است که تجار بلد احداث نموده اند در حوالی شهر مقبرهٔ امامزاده محمد

محروق اولاد حضرت علی بن الحسین صلوات الله وسلامه علیه و امامزاده
ابراهیم اولاد حضرت امام موسی کاظم صلوات الله وسلامه علیه و مقبرهٔ عمر خیام
و شیخ فریدالدین محمد عطار است و هر یک در طرفی واقع و بقعه و علامتی رفیع
دارند و وجه تسمیه محمد محروق آنست که آنحضرت را مخالفین دین مبین زنده سوزاندند
در مقبرهٔ مرحوم شیخ سنگ سیاهی است محکوک که از قرار مشهور هفت ذرع طول
آنست ولی زیاده از یکذرع و نیم آن از خاک بیرون نیست یکی از امرا که در حفظ
ظاهر شرع جدّی داشت وقتی بمقبرهٔ مرحوم شیخ آمد نزدیکان او شیخ را بتصوّف
عیب شمردند امیر را غضب مستولی شده بضرب گلولهٔ تفنگ گوشهٔ از آن سنگ را
بشکست در جبال نیشابور ریواس بسیار است و ریوندی که از ریشهٔ آن حاصل میشود
گاه میتواند که با ریوند چینی مقابلی کند و نیز درین کوهها گل گور و سایر گلهای معطر بسیار است

روز سه شنبه هشتم صفر تشریف فرمائی اردوی همایونی از نیشابور بقدمگاه

شاهنشاه جمجاه بهنگام صبح که خورشید تابان بایوان سپهر خرامان شد از باغ
الهویردیخان به بیرون خرامیده و از اشعّهٔ نور جمال عدیم المثال پرتو افکن ساحت

وشهید کردند

جهان و دیدهٔ ناظران گردیدند و ایلخانی شادلو و زعفرانلو چنانکه ذکر یافت
با سواران خویش موکب مسعود را استقبال نمودند و تا نیشابور ملتزم رکاب
بودند تدارک و تهیهٔ اردوی کیوان پوی را از خاکپای همایون رخصت انصراف
و انعطاف یافته بمقر حکومت و اوطان خویش عود دادند و سرکار شاهنشاهی
امین الدوله و اعتماد السلطنه را در جنب کالسکه احضار فرموده و بفرمایشات
ملوکانه قرین افتخار و اعزاز ساخته و از جنب خندق شهر عبور نموده راه مشرقی را
پیش گرفتند و در قریهٔ پوژمهران که آب روان و خضرت مکان داشت امر
بحاضر ساختن نهار و افراختن آفتاب گردان فرمودند ملتزمین حضور مهر ظهور
چون اعتضاد الدوله و امین الملک و امین خلوت و حکیمباشی طلزان و اجودان
مخصوص و دیگران خاطر مبارک را در حین نهار بلطایف صحبت و ظرایف
حکمت مشغول داشتند تا اینکه حضرت شاهنشاه دوباره بکالسکه رجوع فرموده
و پنج ساعت بغروب مانده قدمگاه را بقدوم مبارک تاج افتخار بتارک نهادند
محقق و این بندهٔ درگاه مشغول خواندن کتاب روزنامهٔ همایونی شدیم
و از آنجا که هوا و صفای اینمکان بمطبوع خاطر مهرنشان گشت بزرگان اردو را

مقرر داشته که سه روز در آن سامان اطراق کنند

از نیشابور بقدمگاه پنجفرسنگ و راه مسطح و مشرقی و معمور است و قراء واقعه

در یمین و یسار جادّه از اینقرار است سمت راست جاده **ده شیخ** لکزنه

و وجه تسمیهٔ این قریهٔ معموره بدین اسم بدان سبب است که در زمان سلف

چند خانوار از طایفه لکزنه فقفاز کوچ داده و در آن مسکن متوطن ساخته اند

شاه آباد ایضا **سعد آباد** ملکی ملا موسی **ابو سعدی**

ایضا **عشرت آباد** ملکی شمس العلماء **عباس آباد آزدش**

که محل سکنای ایروانیهای نادری است **برج دولت آباد**

ملکی محمد ولیخان سردار **معموری خالصهٔ دیوان اعلی**

سمت چپ جاده **تقی آباد** ایروانیها **خسرو** ملکی مصطفی قلیخان

خروشید علیخان **آدک دشت پوژ مهران**

پیش فروش محمد ولیخان سردار **قدمگاه** در دامنهٔ

کوهی واقع است که از نیشابور امتداد دارد الی مشهد مقدس اصل قدمگاه

عبارت از بقعهٔ کوچکی است از ابنیهٔ سلاطین صفویه رحمة الله علیهم که گنبدی

عالی دارد

عالی دارد و تمام آنرا با کاشی مغرق بسیار اعلی زینت داده اند در دیوار
این بقعه تخته سنگ سیاهی نصب نموده اند که بر آن نقش پای جای کرمه است
و مردم آنرا جای پای مبارک حضرت امیر مؤمنان علیه السلام یا حضرت
رضوی صلوات الله علیه میدانند و از اطراف بزیارت آن مقدم مبارک آمده
تحصیل سعادت مینمایند و در سمت شرقی این بقعه چشمه ایست کاپه سلسبیل
که از قرار مشهور بحضرت امام ثامن صلوات الله و سلامه علیه منسوبست و بنا
بر معروف از زمین دست معجز اثر آنحضرت جاری شده است و عابرین
و زوار و قوافل از آب آن استشفا حاصل می کنند و در منبع و مخرج چشمه
چهار صفه مسقف بنا کرده اند که دو سه پله پائین میرود و در آنجا حوض کوچکی است
که آبی در نهایت صاف و گوارا از جنب آن بیرون آمده داخل حوض گشته
و از آنجا بباغ و صحرا میرود باغ قدمگاه متصل بقعه و گنبدست باغی است
وسیع مشتمل بر مراتب چند و حوضها و جداول و آبشارها که تمام آنرا با آجر فرش
بنا نموده اند و درختان قوی قدیم کهن خاصه در خیابان مطول خارج باغ
که اگرچه اکثر اشجار آنرا بمرور ایام کنده و بریده اند ولی هنوز بعضی از درختان

کاج

کاج او باقی است که زیاده از پنج ذرع و شش ذرع قطر دارد و از زمنه قدیم
خبر میدهد وچون درین آثار بزرگ از کنبد و باغ و خیابان خرابی بسیار راه
یافته بود سرکار همایون شاهنشاهی تاکیدات بلیغ در تعمیر آن فرموده مقرر داشتند
که بزودی تمام آنرا تعمیر کنند درپایین باغ و اول خیابان کاروانسرای
بزرگ عالی از بناهای صفویه باقی و دایر است و در مقابل آن در عصر شاهنشاه
جمجاه چاپارخانه بنا کرده اند که عمارت فوقانی محشر باروحی دارد قصبهٔ
قدمگاه بالای تپه واقع است و قریب پنجاه خانوار رعیت دارد که اکثر آن
سادات هستند از قدمگاه بشهر مشهد مقدس دو راه است یکی راه درو
که از میان درهٔ درود و گلستان و ترقبه میرود و راه ییلاق و سایه دار است
ولی عبور کالسکه و عراده و تخت بواسطه گردنه پست و بلندیهائی که در اوست
امکان ندارد دیگری راه معمول طرق و دیزاباد است که ابعد و کرمسیر است
ولی چون راه آنرا ساخته اند و خاصه امسال سپهسالار اعظم تعمیر نموده کالسکه
و عراده میتواند از او عبور نماید و معبر دائمی قوافل و زوار است

روز چهارشنبه نهم شهر صفر توقف اردوی پادشاهی در قدمگاه

شاهنشاه گیتی پناه خلد الله ملکه و دولته درین روز هنگام صبح بقصد تفرج و
سیاحت در رود رود توجه فرمودند اعتضاد الدوله و وزیر الملک و امین الملک
و امین خلوت و میرزا نصرالله مستوفی و میرزا علی خان منشی خاصه حضور
و حاجی محمد حسن خان و علی خان کرجی پیشخدمت ملتزم رکاب نصرت انتساب
شدند در اول رود که حضرت شاهنشاهی از کالسکه بزیر آمده بر اسب سوار
شدند محمد طاهر خان در رودی که از جمله بنجاب و صاحبان قریه در رود و شخصی باشرف
و مکنت است با تمام رعایا بنجا کپای مبارک مشرف آمده از زیارت رکاب
میمنت انتساب مفتخر و مباهی گشت از میان دره در رود رود خانه جاریست
که زیاده از هفت سنگ آب دارد سرکار همایونی رشته رود را محل عبور قرار داده
بالا روان شدند و بعد از طی اندک مسافتی فضائی باصفا و خضرت بی انتها
بنظر مبارک جلوه گر آمده بجهة میل نهار نزول اجلال فرمودند و اعتضاد الدوله و
وزیر الملک و امین الملک و میرزا نصرالله مستوفی و میرزا مسیح وزیر مازندران
بجهة اتمام محاسبه انمملکت بحضور مبارک احضار شده میرزا نصرالله کتابچه
حساب را از لحاظ انور گذرانیده و سایرین نیز اطلاعات خود را در آنباب معروض داشتند

تا حساب جرح و تعدیل یافته و کتابچه بصحه مبارک مزین آمد بعد از اتمام حساب
وزرا مرخص شدند و حضرت شاهنشاه رو بالای دره تشریف فرما شدند
تا دو فرسنگ همه جا از کنار رود وزیر درختان پسدو فواکه رفتند تا محلی
که راه منشعب بدو شعبه میگردد یکی بجاقرق و شهر میرود و دیگری بدره که در سمت
شمال واقع است و از آن نیز رود آبی جریان دارد علیحضرت همایونی از زین دره
اخیر کاه سواره و کاه پیاده صعود فرمودند تا بدستانهای دره تمام شد و از دو
سه درخت آورس بزرگ پدیدار گشت حضرت ظل اللهی در سایه آنها فرود آمده
براحت مشغول شدند حبیب الله خان برادر میرشکار معروض داشت که در قله کوه
مقابل شکار بسیار ملحوظ افتاده است حضرت شاهنشاه دوربین خواسته دوازده
قوچ و میش منظور نظر مبارک گشت و چون راه دور و سخت و صعب بود خود از شکار
فرمودن صرف نظر فرموده و حبیب الله خان را مرخص فرمودند که هرگاه بتوانند
با شکارچیان بالا رفته شکاری بگیرند پس از رفتن آنها چهار ساعت امتداد یافت
که آوای تفنگی برخواست و حبیب الله خان لنگ لنگان مراجعت نموده معلوم
شد که بواسطه صعوبت راه نتوانسته اند نزدیک شوند همین قدر از دور تیری انداخته

وقوچها از صدای تفنگ وحشت کرده واز کوه سرازیر شده واز رود خانه گذشته
بکوه مغربی دره بدر رفتند بالاخره سرکار پادشاهی از خواب برخواسته بهمان عجلت
بغروب مانده تشریف فرمای اردوی کیوان پوی گردیدند ولدی انور در زیارت
قدمگاه مبارک اقدام نموده بحرمخانهٔ مبارکه رفتند شب را چون در بالای پشته
آتشبازی زیاد چیده بودند بعد از شام بیرون آمده ساعتی بتماشای آتشبازی
و ملاحظهٔ عرائض صندوق عدالت و صدور احکام مشغول گشتند سپهسالار
اعظم امشب مرخص شده بشهر رفت و محمد رحیم خان سرتیپ نیز ملازم خدمت
ایشان گشت

پنج شنبه دهم صفر المظفر و سوم توقف اردوی همایونی در قدمگاه

از آنجا که دره در رود در روز قبل بالتمام ملحوظ و مشهود نظر انور گشته و زیارت
گنبد منور مطهر از دور منظور خاطر همایون بود امروز نیز در اول صبح اخبار
سواری فرمودند دو ساعت از روز برآمده اعتضاد الدوله و ملک منصور میرزا
و تیمور میرزا و امین خلوت و سایر مقربان خاص و غلامان و شکارچیان در رکاب
مبارک ملتزم گشته بسمت درزرود تشریف فرما شدند و چون بدو آب رسیدند

دره سمت چپ را که دیروز مسیر موکب سعادت قرین بود از پی گذاشته
و از درهٔ دیگر که راه مشهد مقدس است پی سپر گشتند تا بپای کوه رسیده و از گردنه
ببالا رفته در قله کوه خارج از جاده نزول اجلال فرمودند و از مقصود کلی که
زیارت گنبد مطهر بود فیض یاب گشته و شکر این نعمت در حضرت خداوندی
بجای آورده در کمال فرح و سرور با وجد و شعف موفور بصرف نهار
مشغول گشته و مصطفی قلیخان امیر شکار مامور بیافتن شکار شد خود سرکار
پادشاهی نیز پس از اندک زمانی با معدود قلیلی از تفنگداران خاصه چون آقا
کشی خان و قهرمان خان وغیره بسمتی که میر شکار رفته بود توجه فرمودند و چون
نزدیک شدند مصطفی قلیخان باشاره از یافتن یکدسته قوچ و میش بشارت داد
ولی این جانوران وحشی محض فراست فطری که مخصوص بدانها است بمحض اینکه
شمیم نسیم اجل بمشام ایشان رسید باصطلاح اهل شکار باد برداشته و از چراگاه
خویش با سرعتی از اندازه بیش فرار اختیار کردند با اینحال مجال نیافته دو تای
ایشان در دست نبی بیک و سایر شکارچیان که در دامنه کوه بودند گرفتار گشتند
و بره قوچ دیگر بدست قراچادرنشینان بالای کوه دستگیر آمده هر سه را بحضور مبارک

آورده آنام

آورده انعام شایان گرفتند و سرکار پادشاهی همه جا از سر کوه تفرج کنان
مراجعت فرموده مجددا داخل دره شدند در آنسمت دره چوپانان در رودی
که ذکر او انا شاهر یک سبدی و ظرفی از میوهای ممتاز دره و ماست و کشک چوپانی
در دست گرفته در معبر همایونی ایستاده بودند از زیارت نعل سمند خسروانی
بهره مند گشته و دعای وجود مبارک گفتند شاهنشاه گیتی پناه بحسن خلق و رعیت
پروری که مخصوص وجود مبارک است باهر یک اظهار مرحمت فرموده و اشرفی
انعام بسیار دادند و در چمن زاریکه نزدیک در رود بود فرود آمده نماز بگذارده
واندکی میوه جات میل فرموده بکالسکه نشسته نیم ساعت بغروب مانده بمنزل
مراجعت فرمودند ولی پیک شکارچی که آهوئی صید نموده بحضور آورده
معروض داشت که در قله حقیقی این کوه شکار بسیار است ولی بواسطه سختی کوه
وصول بدیشان در نهایت دشوار مینماید شب بعد از شام قورق بشکست و
اجوداباشی و حاجب الدوله بحضور مبارک احضار گشته و در تعظیم و تنسیق اردو
تاکیدات بلیغه و فرمایشات حسنه بدیشان مقرر گشت تا اگر کسی با کسی نزاع کند
و مشنه جوئی نماید یا بوقت آتش بازی با تفنگ پرون کند فورا مورد مواخذه

وشهش آرند و در نهایت سیاست و تادیبش کنند

کردنه در رود شباهت کلی بکردنه و کوه البرز دارد و کوههای

آن بمانند کوههای شکراب البرز است و حتی کل و گیاهی که در آن نشو و نما یابد

چون کلها و نباتات آن کوه عظیم است دراشهای این کردنه که بسمت جاقرغ

سراشیب میشود جلگه شهر مشهد و خود شهر و آبادیهای گلستان و جاقرغ و شاندز

حتی جبال کلات آشکار و هویداست و در آن سمت کردنه کاروانسرای سنگی

کوچکی است که اطراف و نواحی آن در کمال خضارت و نزاهت و بداعت است

الحق در ایام تابستان عبور از این راه بمراتب بر راه شریف آباد ترجیح دارد

روز جمعه یازدهم شهر صفر تشریف فرمائی موکب نصرت اثر شاهنشاهی بمنزل دیزآباد

درین روز هنگام صبح برسم معهود صلای کوچ دادند و موکب مسعود مستعد

حرکت شد و زرای ملتزم رکاب و عساکر نصرت مآب در مقابل دیوانخانه همایونی

صف زده بایستادند تا اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف آورده بگالسکه مبارکه

نشستند و امواج افواج سواره و پیاده روی براه نهادند امین الدوله و ظهیر الدوله

و دبیر الملک در کنار کالسکه مبارکه مخاطب بفرمایشات علیه شدند تا سه فرسنگ از راه
طی شد و نهر آبی صاف و گوارا پدید گشت که از سمت مشرق جریان داشت
اعلیحضرت شاهنشاه را کنار نهر آب مطبوع طبع مبارک گشته از کالسکه مبارکه
بزیر آمده بر اسب نشستند و بمسافتی خارج جاده از برای صرف نهار فرود آمدند
و چون از صرف غذا فراغت حاصل شد مجدداً بکالسکه رجوع فرمودند و از گردنه
و تپه ماهور راه عبور فرموده بجلگه رسیده پنج ساعت بغروب مانده بمنزل شرف
ورود ارزانی داشتند شب بعد از شام باحضار اعتضاد الدوله و دبیر الملک
اشارت رفت جنابان معظم الیهما بخاکپای همایون مشرف شده و تا پنج از شب
رفته خلاصهٔ عرایض میرزا مسیح وزیر مازندرانرا از لحاظ نظر انور همایون گذرانده
احکامات لازمه در آنباب شرف صدور یافت و چون سمت چپ پهلوی
مبارک را اندک دردی عارض شده بود این بنده باشارهٔ حکیمباشی طلزان
بادهان مرخسیه اندک تدهین نموده و شاهنشاه بآرامگاه خرامیدند هوای امروز
چون خالی از حدت حرارت نبود فی الجمله اسباب زحمت و کسالت وجود
مبارک شده بود و بحمد الله تعالی درین شب بصحت و راحت مبدل گشت

محمد حسن خان تفنگدار خاصه پدر محمد علیخان پیشخدمت خاصه که در قدمگاه
به تب مطبقه مبتلا شده بود بر حسب امر همایون او را بر تخت نشانده بدینمنزل
کوچ داده و با طبای ملتزم رکاب امر شد که مساعی جمیله و اهتمام کامل
در علاج او مرعی دارند حاجی سلیمان خان حاکم که بمحاسن خدمتگذاری
خاطر خطیر همایونی را قرین مسرت داشته بود درین منزل که آخر خاک نیشابور بود
بشمول عواطف ملوکانه و اعطای یکثوب جبهٔ ترمهٔ کشمیری حاشیه دار ممتاز
قرین مباهات و امتیاز آمد

از قدمگاه الی دیزآباد چهار فرسنگ است و راه جنوب مایل بمشرق کوه در رود
و قدمگاه تا مسافتی از سمت شرقی همراهی دارد و پس از آن تمام راه جلگه میشود
و در او کوه و کتلی نیست و چون از خط مستقیم خارج و بسمت تربت واقع است
از راه در رود بفرسنگها دورتر است آب رودخانه که این منزل بآن
مشروب است اول آبی است که بحسب سبکی و سلامت و خوشی و عذوبت
در تمامی مملکت خراسان اشتهار یافته در مجاری این آب گاه گاه سنگ
یاقوت یافته اند ولی سنگ درشت مرغوب پیدا نکرده اند و محتمل است که هرگاه

ابتدای این منزل

ابتدای این معدن را بیابند ازین سنگ منافع زیاد توانند حاصل نمود
دهات واقعه بسمت راست بدینموجب است دولت آباد استخر آباد
حسین آباد کلاته دوشیر جهان آباد فخر آباد
احمد آباد دیزآباد سفلی این قراء تمام آباد و معمور و خبر
نیشابور ند و درین قریهٔ اخیر چمن زار و مرتعی نیکو است و نیز درین سمت
غربی مایل بجنوب سه قریه از محال تربت بمسافت سه چهار فرسنگ نمایان است
که عبارت از برس و بلوهر و کدکن باشد دهات واقعه در
چپ راه ازین قرار است تخت ور بقیش سوشان
دامن کرمین کردنه چناران دیزآباد علیا
دوازدهم شهر صفر تشریف فرمای اردوی همایون
بشریف آباد
درین روز دو ساعت از طلوع آفتاب برآمده کوکبهٔ اجلال بفرازید متعال
با شوکت و اقبال تمام بسمت شریف آباد پی سپر گشتند امین الدوله و
حاجی سلیمانخان قاجار در اول سواری مورد فرمایشات و اوامر ملوکانه

بودند

بودند تا قریهٔ فخرداود که منزلگاه زوار و قوافل است یکفرسنگ و نیم
ازین قریه گذشته در دامنه کوه در رود که سمت شمال جاده بود جلگه نیکو منظور نظر
مبارک گشته باسب سمندتر کمانی عظیم الجثه پیشکشی سپهسالار که یکی از اسبهای
ممتاز بی مانند است سوار شده ساعتی با امین خلوت ببازی نیزه و تاختن
اسب مشغول گشتند سواران و پردلان ازین جلدی و چابکی و قوت و قدرت
و مهارت حضرت شاهنشاهی در حیرت و تعجب مانده بترانهٔ توصیف و تعریف
و دعای ذات والاصفات همایونی مترنم گشتند و شاهنشاه عالم پناه
در سمت شمال در درهٔ پیوه ژن در کنار رفات و بیدستانی که در نهایت
باروح و صفا بود بشکار رفرود آمدند مهدیقلی خان غلام بچه باشی بره آهوئی
صید کرده بحضور معدلت دستور آورده و بانعام ملوکانه کامیاب گردید
و اعلیحضرت پادشاهی از راه پیوه ژن عازم منزل شدند چون از کتل پیوه ژن
گذشتیم در پای کتل ایلات تیموری مشهد که در پای کتل مسکن دارند بر سم ایلیت
دعای وجود مبارک گفته و ظروف دوغ و کره تقدیم کردند سرکار همایونی
محض رعیت پروری جرعهٔ شاول فرموده و باحاد و افراد ایشان بذل

انعام واحسان نمودند و با حاجب الدوله وامین خلوت صحبت کنان از کنار
قریه ده سرخ گذشته دو ساعت و نیم بغروب مانده بشریف آباد که مخیم خیام
همایونی بود تشریف ورود ارزانی داشتند در اینوقت چاپاردار الخلافه در رسیده
عرایض وزیر مالیه اعظم وسایر وزراء وامیر آخور را بعرض پیشگاه حضور باهر النور
تبلیغ نمود از جمله وقایعی که امیر آخور بعرض حضور مبارک رسانده بود آن بود
که در چهارم صفر که اول تابستان بود برفی شدید آمده وتا قریه دربند شمیرانات
فراگرفته ونیز تگرگی موفور رو درشت در دار الخلافه آمده وباغلب زراعات خسارات
کلی وارد آورده وانمعنی مایه تعجب شد چه تاکنون رسم نبود که درین فصل برفی
شدید ببارد بالاخره حضرت شاهنشاهی بعضی از عرایض را جواب مرحمت فرمودند
وچون وقت کافی نبود صدور جواب بقیه را بروز آینده گذاشته بحرمخانه
مبارک تشریف بردند شب بعد از شام قورق بگشت خواص چاکران بدربار
معدلت بنیان آمدند ودر تپه مقابل باغ سرکاری آقا یوسف نایب سرایدار
ودیگران با آتشبازی ایرانی وفرنگی مشغول شدند پنج از شب رفته شاهنشاه
حیجاه بآرامگاه تشریف بردند

از دیرآباد الی شریف آباد چهار فرسنگ و راه مایل بمشرق شمالی است
یکفرسنگ و نیم که از شریف آباد میگذرد قلعهٔ فخرداود است و او قلعه ایست
محکم که قریب صد خانوار رعیت دارد و در کنار قلعه کاروان سرائی است از ابنیهٔ
سلف که زوار و قوافل از قدمگاه بدانجا آیند و شب را توقف نمایند اهالی این قلعه
اناثا و ذکورا بدیع الجمال و خوش اندام و زراعت ایشان اغلب دیمی
و محتاج بآب نیست

قصبهٔ بیوه ژن در میان درهٔ طولانی پرآب و اشجار واقع است و قریب
پانصد خانوار رعیت دارد و متعلق است بحاجی مصطفی قلی بیک دربان باشی حضرت
فیض آثار و او را مسجدی است که با چوب و سنگ ساخته شده از رودخانه بارتفاع
پانزده ذرع واقع و از دو سمت آن دو چشمه جاری است از سقف بنیان تا ساق
بنیاد آن بشاخهای سبز و نباتات الوان طراحی شده جز ایوان و مقصوره
از خاک و سنگ جائی نمودار نیست بی شک اگر ملحد عنود و مشرک جهود را
این خانه مشهود شدی بمجرد عیان بی حاجت حجة و بیان اسرار وحدت و
آثار قدرت را مبرهن و مسجل دیدی یکفرسنگ از بیوه ژن گذشته دهی است

موسوم بده سرخ که در روی تپه واقع و خانهای دهقانی او را دو مرتبه و سه مرتبه
بروی یکدیگر ساخته اند بنحویکه از دور کمال شکوه و نمایندگی دارد و در دامنه این
قریه چمن و بیدستان و اصطرخ آبی در نهایت باصفا و روح است این قریه
نیز متعلق بدربان باشی است

قریه شریف آباد از دهات آباد معتبر است و او را قلعه و کاروانسرای سربپوشیده است
که اسحق خان قرائی ساخته و قریه را وقف تعمیر کاروانسرا نموده است شریف آباد دارای
باغات متعدده و یک قنات آبست که زیاده از یک سنگ آب دارد

پنجشنبه سیزدهم شهر صفر تشریف فرمائی موکب منصور بنظر رسید

درین روز بهنگام صبح چون خسرو خاوری باستقبال موکب منصور خسروی
روی زمین را از اشعه نور جمال خویش بیاراست شاهنشاه ایران پناه از خیمه گاه
سلطنت به بیرون توجه نموده و بر اسب عربی تیمور میرزائی طلوع اجلال فرمودند
با خصوصیان درگاه و ملتزمین رکاب جهان پناه از هر مقوله فرمایشات ملوکانه
و صحبت شاهنشاهانه در میان آورده تخصیص امین الدوله و اعتضاد الدوله و پسر
و امین الملک را قرین افتخار فرمودند و از آنجا که راه امروز با وجود تعمیر نمودن

سپهسالار راهی سخت و پرسنگ و باپست و بلندی بسیار بود و عبور
کالسکه و بخت اشکال داشت خواجه سرایان را امر و مقرر شد که خادمان
حرم جلالت را سواره عبور دهند و کالسکه و بختها را با توپخانه مبارکه از راه
زیر دست شریف آباد که قدری طولانی ولی مسطح تر است حمل نمایند و ذات
والا صفات همایونی خود نیز از کالسکه باسب رجوع فرموده و از راه شریف
آباد تشریف فرما شدند و فرسنگ گذشته رباط خرابه موسوم برباط
گلمبه در کنار راه نمایان گشت که در حوالی آن دو سه نهر جاری و چمنی سبز و نیکو
بود چون این مکان قابل تعمیر بنظر آمد از جانب سنی ایجوانب امر بعمارت و
تجدید آبادی رباط مزبور شرف صدور یافت اندکی فاصله از این چمن زار
چادرهای نهارگاه حرم واقع شده بود حضرت شاهنشاهی از اینجا نیز تجاوز
فرموده در صحرا بجهه صرف نهار فرود آمدند و چون هوا فی الجمله حرارت
و سخونت داشت اندک زمانی مکث فرموده و براه عود فرمودند درین راه
بعضی از طلاب و شیوخ دهقانان چنانکه رسم اهالی خراسان است در هر چند
قدم فاصله این سمت و آن سمت جاده چوبی برپا کرده و ریسمانی بر آنها کشیده

کلام الله مجید را از وسط آن آویخته بودند شاهنشاه اسلامیان پناه همه جا
با نیت خالص و قصد صافی از زیر قرآن عبور فرموده و متصدیان این امر خیر را
جزای جزیل عنایت فرمودند تا بپته سلام رسیدیم و گنبد منور مبارک شاهنشاه
کشور امامت و نتیجه دوحه رسالت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف
التحیه و الثنا نمودار گشت و غلغله وجد و سرور در خاطرها افکند حضرت شهریار
والا تبار را بمحض اینکه نظر بگنبد مطهر افتاد فی الحقیقه حالت همایونی دگرگون شده
بی اختیار از اسب بزیر آمده و از دور آن مرقد پرنور را زیارت فرموده از تشکر
بوصول این نعمت عظمی و حصول این سعادت کبری در حضرت کبریائی نیاسودند
در اینجا شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله حکمران مملکت خراسان و حاجی بهاء الدوله
و حاجی شریف خان پکلربیکی و حاجی میرزا محمد رضای مستوفی با سواره
شاهسون افشار و غیره که برسم استقبال و بزیارت رکاب قمر مثال آمده بودند
بحضور مهر ظهور حضرت شاهنشاهی تشرف جسته هریک بفراخور حال خاصه
شاهنشاهزاده پهمال تلطفات و مراحم خدیو همتال مفتخر و مستعد آمدند
و همچنین ملک منصور میرزا که دو روز قبل با سپهسالار اعظم بشهر رفته بود بزیارت

خاکپای همایون مشرف گشته شاهنشاهزاده افخم و سایر همراهیان رخصت انصراف
یافته بشهر رفتند تا پذیرائی موکب مسعود را مهیا و آماده شوند سه ساعت بغروب
مانده نزول اجلال بطرق شد و حضرت شاهنشاه از رنج راه و حرارت هوا بیاسودند
و شب را در کمال صحت و سلامت باستراحت مشغول شدند

از شریف آباد الی طرق چهار فرسنگ است طرق عبارت از قریهٔ
معظمی است که متعلق است بحضرت فیض آثار و در او دو باب کاروانسرای
بزرگ است که یکی از آنها رو بانهدام گذاشته و بموجب امر همایون شاهنشاهی
مقرر است تا در محل آن رباط سرپوشیده بنا کنند آب طرق آب رود است
و از محال اردمه از جبال شمال مغربی می آید از شریف آباد بطرق در جوار
راه جز قلعهٔ رمضان خان که در سمت چپ است قریه و قصبه ملحوظ نمی افتد

دوشنبه چهاردهم شهر صفر و روز ورود شاهنشاه با عدل وجود بمقصد موعود و وصول بمقصود بعون الله الکریم الودود

درین روز که بعون الله تعالی روزی فیروز بود شاهنشاه بیدار بخت هنگام

صبح بحمام تشریف برده سر و اندام مبارک را چون قلب شریف خویش
مصفی و از کدورت هر گرد و غباری معری ساخته دوگانه و شکرانه حضرت
یگانه را بجای آورده و رخت تمام مرصع پوشیده بسراپرده دیوانخانه مبارکه
تشریف فرما گشتند حاجی ملا نصرالله مجتهد که از اجلهٔ علمای مشهد و شخصی با علم
و فضل و زهد و ورع است با جمعی از علماء و اعیان شهر بحضور مبارک شاهنشاهی
مشرف گشته و از جانب خویش و وضیع و شریف مشهد حضرت همایونی را
تهنیت گفته و دعای وجود مبارک بجای آورده معاودت نمودند و شاهنشاه
با فر و جاه بحیاعت بظهر مانده بسمت شهر کوچ دادند یکی از غلامان شاهنشاه
اینانلو پلنگی عظیم الجثه صید کرده بخاکپای همایون آورده و شادت و شجاعت
او منظور نظر ملاطفت اثر گشته از انعامی شایان بهره ور و مفتخر گردید
شاهنشاه عالم پناه بکالسکه نشسته و از زمان حرکت موکب مسعود که از اردو
شلیک توپ بنور ک شد تا ورود شهر علی الاتصال در خارج خیابان توپچیان
بشلیک توپ مشغول گشتند و از طرق تا شهر که یکفرسنگ و نیم است
مستقبلین از سواره و پیاده صف زده بایستادند در ابتدای مستقبلین شاهنشاه زاده

اعظم

اعظم جلال الدوله و همراهیان ایشان بزیارت رکاب همایون کامیاب
گردیده و در مقابل عسکریه امام جمعه سپهسالار اعظم باین سعادت مستسعد گشته
ردیف تیپ همایون شد سواره و پیاده شهر بومی و غریب اعلی و ادنی
مرد و زن دسته دسته فوج فوج از آن سعادت بانصیب گشته بطوری اصوات
بذکر صلوات بر پیغمبر آخر الزمان و دعای شاهنشاه اسلامیان پناه بلند بود
که تاکنون در هیچ زمان هیچ گوشی نشنیده و هیچ دیده چنین وجد و شوری
در مخلوق ندیده از ابتدای خیابان خارج شهر تا درب دروازه سربازان
ملتزم رکاب از دو سمت ایستاده از دروازه تا درب صحن مقدس افواج
متوقف ارض اقدس حاضر شده بودند در اول دروازه پائین خیابان حضرت
اقدس شهریاری با سب کرنک حسام السلطنه که رخت و یراق تمام الماس
زده بودند سوار شده با شکوه و شوکت مالا کلام بمبارکی و اقبال وارد شهر
شدند دکاکین و اطراف خیابان از کسبه و اصناف بقدر میسور زینت کرده
و مرد و زن شهری چنان دو سمت خیابان از فوقانی و تحتانی فراگرفته بودند
که عبور موکب منصور اشکال کلی داشت و بقاره خانه حضرت فیض آثار

مبشر شریف مقدم ملوکانه غلغله افکن بطارم اعلی بود درخارج بست جناب میرزائی
ناظر و تمام عمال و اعیان و خدام حضرت رضوی علیه السلام با علمها و بیرقهای
زرنگار سرکار فیض آثار شاهنشاه را استقبال کرده در کمال آراستگی رسم خدمت
و ادب و دعاگوئی بجای آوردند شاهنشاه نیز در نهایت تعظیم و توقیر از آب
فرود آمده علمهای مبارک را بوسیده و با صاحبمنصبان دربار حضرت یکان
یکان اظهار ملاطفت و مهربانی کرده وارد صحن مبارک شدند و از آنجا که
احترام خانواده فضل و مکرمت و سلسلهٔ علیهٔ عدل و امامت که از لوازم
دین مبین است همواره منظور خاطر مبارک همایون شاهنشاه مسلمین است
محض خلوص نیت و پاس شان و مرتبت حضرت امام علیه السلام در اول
ورود بصحن متبرکه جبقه مکلل بالماس که از اساس سلطنت است از تارک مبارک
برداشته برسم پیشکش در آستان حضرت خلافت تقدیم فرمودند و اکنون
همان جبقه بضریح مطهر منصوبست و خود با کلاه ساده چون سایرزائرین در نهایت
ادب و حرمت و کمال خضوع و خشوع از صحن شریفه گذشته داخل روضهٔ
منور شدند و چون جبههٔ مبارک را که تاج تارک آسمان هفتم بود بخاک آستان

این قبله هشتم مشرف ساختند چنان حالت ورقتی بوجود مبارک دست داد
که قلم از تحریر و توصیف آن عاجز است چنانکه خود حضرت شاهنشاهی در روزنامهٔ
مخصوص همایونی که بدستخط شریف مرقوم فرموده میفرمایند

بعد از برداشتن جیقه و تقدیم آن داخل صحن
شدیم یعنی داخل بهشت گشتیم از آنجا صحن
بصحن اطاق باطاق تا برواق و روضهٔ مطهره
مشرف شدیم حالتی روی داد که بوصف نمی آید
خداوند انشاء الله نصیب همه مسلمین فرماید

ازین حکایت خسروانه که مخصوص یادداشت خود مرقوم فرموده اند معلوم
میشود که زیارت حضرت امام ع تا چه اندازه در وجود همایون ظل اللهی تاثیر نموده
بالاخره چون لوازم زیارت و دعا باتمام آمد سرکار شاهنشاه بتفرج مسجد
گوهرشاد تشریف برده و بسر مقبرهٔ مرحوم مغفور ولیعهد مبرور طاب الله
ثراه آمده و فاتحه خوانده از در بالا خیابان بیرون آمده سوار شدند اعیان
و ارکان چاکران درباری پیاده ملازم رکاب نصرت انتساب شده

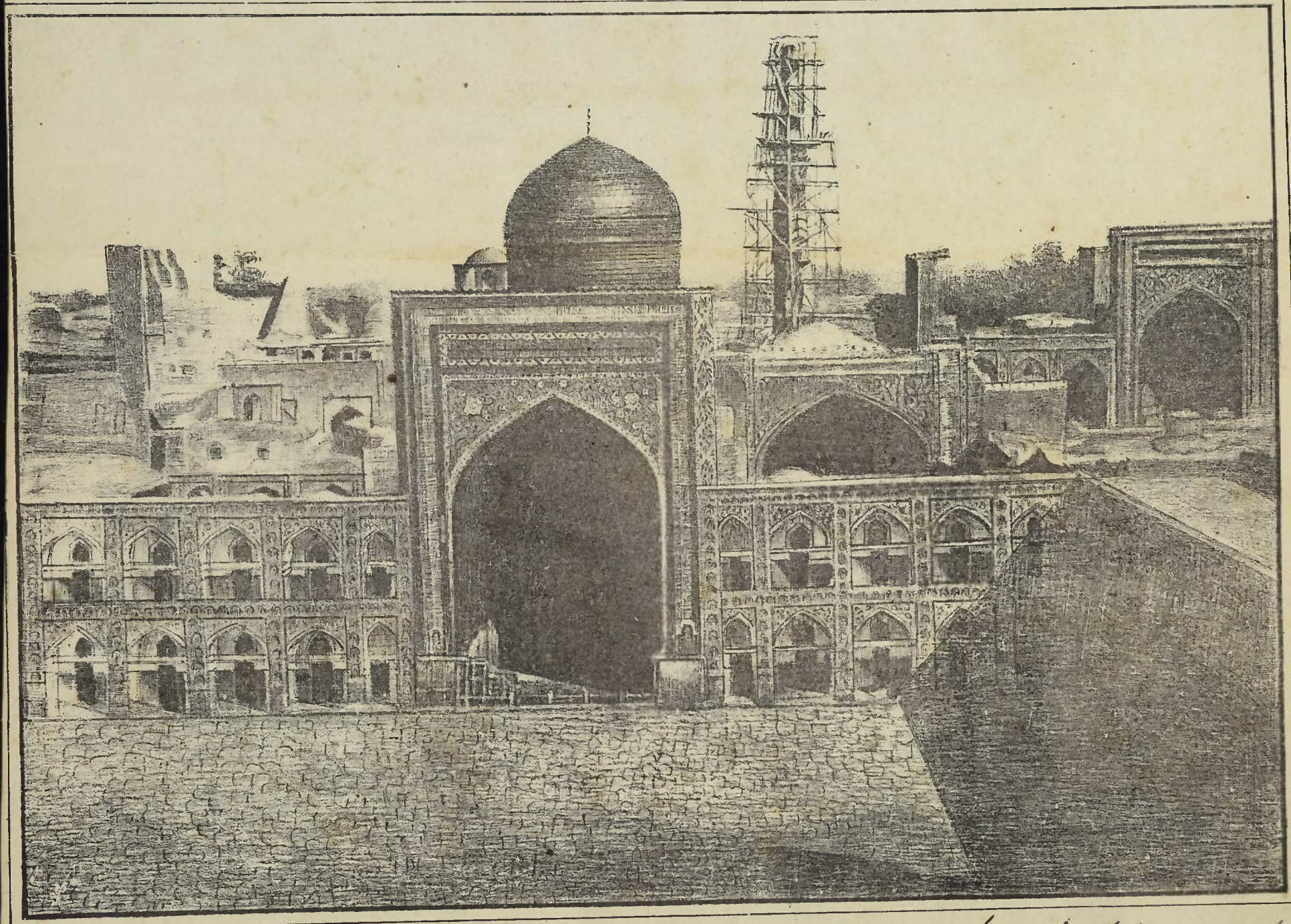

زردی عکس عمل عکاسی کشیده شده تصویر گنبد مطهر و ایوان منوّر ناصریه و صحن مبارکه حضرت امام ثامن و قبلهٔ ضامن علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیها میرزا بزرگ غفاری

از باغات محلهٔ سراب گذشته بمبارکی و اقبال بارک همایونی تشریف ورود
ارزانی داشتند حاجی قاسم تاجر طهرانی و حاجی جبار تاجر تبریزی که از اعاظم تجار
متوقف مشهدند با تمام تجار از درب ارک تا داخل عمارت مخصوص همایونی در معبر
شاهنشاهی از چپ و راست شالهای کشمیری و مشهدی گسترده بدعای وجود مبارک
اقدام نموده مورد توجهات شاهنشاهانه گشتند و اردوی کیوان پوی در خارج
ارک در کمال نظم و آراستگی متوقف و مسکون گشت وزراء و اعیان در داخل
شهر منزل گرفتند و فرخ خان امین الدوله از برای انتساق و انتظام اردو
بموجب امر قدر قدر در بیرون شهر مسکن گزید ذات والا صفات همایونی اندکی
در حوضخانهٔ عمارت استراحت فرموده و تا هنگام غروب مشغول صدور احکام
و جواب عرایض جناب مستوفی الممالک شده و بحرمخانه مبارکه
تشریف فرما گشتند

از طرق الی شهر یکفرسنگ و نیم است در اطراف راه از دور قراء و مزارع
متعدده نمایان است ولی در نزدیکی جادّه جز عسکریه امام جمعهٔ مرحوم که نیم فرسنگی
شهر است و کاروانسرای بابا قدرت که در جوار شهر واقع گشته و قافله اندازاست

قریه و قصبه ملحوظ نمیشود

شهر مشهد که امروز از یمن بقعهٔ منورهٔ مبارکه امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیة
والثناء رشک بهشت برین و نیکوترین شهرهای روی زمین است از شهرهای
بسیار قدیم نیست بلکه مدنیت و اعتبار آبادی آن از زمانی است که قبر منور
و روضهٔ مطهر جناب امام علیه السلام در او واقع شده است چه در زمان قبل
بر آن پای تخت مملکت خراسان شهر طوس بوده و او چهار فرسنگ با شهر
مشهد فاصله دارد و این شهر از آن زمان تاکنون نیز مکرر مورد تاخت و تاز
طایفهٔ ضالهٔ تراکمه و افغان و نهب و غارت ایشان شد و بدین سبب آبادی آن
همواره بتاخیر افتاده است درین عصر که از میان توجهات همایون خسروانی
از اغلب ازمنه آبادتر است مشتمل بر هفت هزار و ششصد خانه و قریب شصت هزار
مسکون دارد از آثار صنایع بنائی و معماری قدیم که در او مشاهده می شود
منحصر است بصحون مبارکه و مساجد متبرکه و مناره های منوره که انشاء الله تعالی
تفصیل هر یک مذکور خواهد شد از این ابنیه عالیه گذشته عمارات و بناهای
شهر چندان تعریف و توصیفی ندارد و شرح صحون مبارکه و عمارات آن روضهٔ

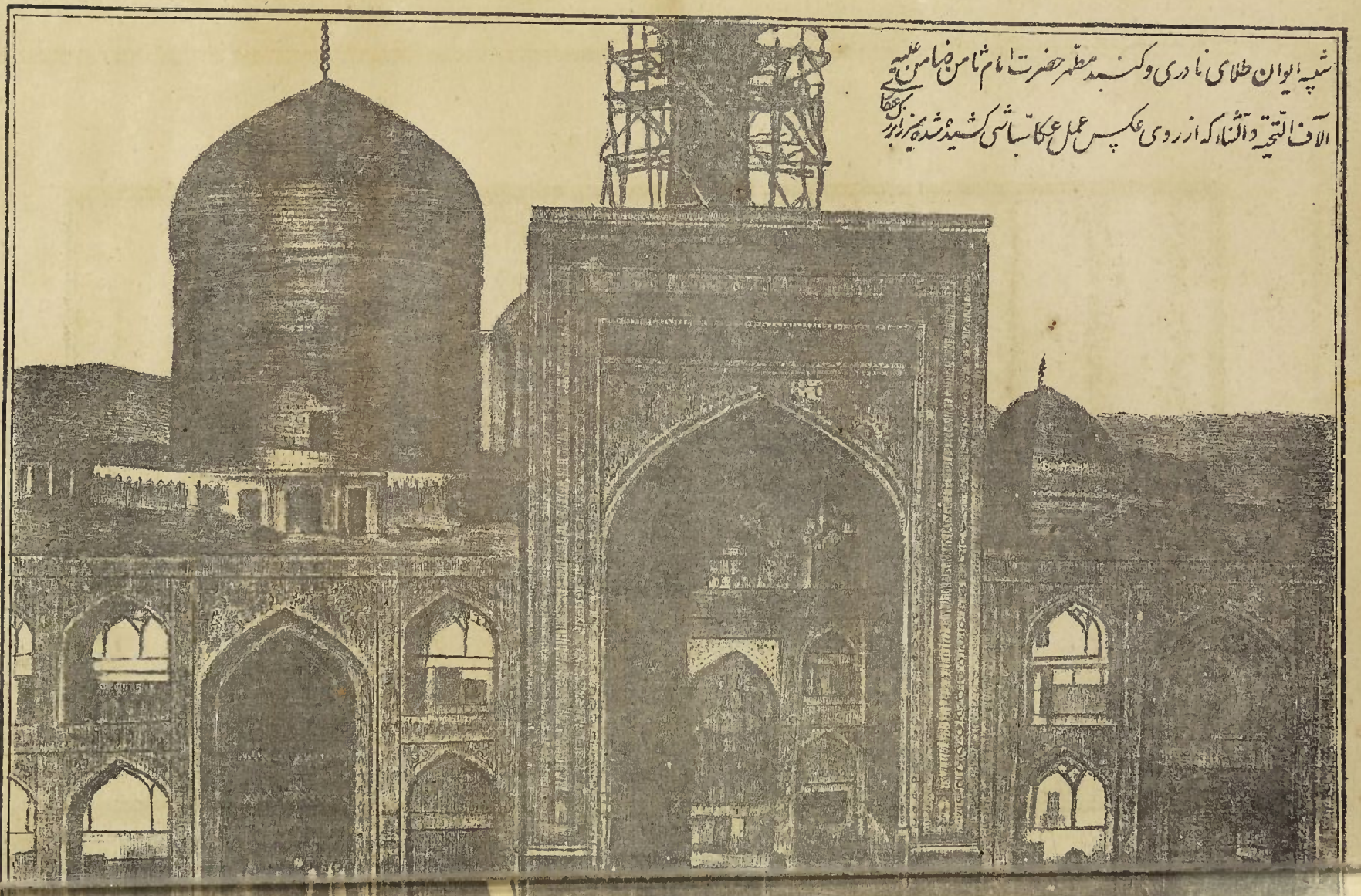

شبیه ایوان طلای نادری و گنبد مطهر حضرت امام ثامن ضامن علیه
الاف التحیة والثناء که از روی عکس عمل عکاسباشی کشیده شده بزرگ

مطهره وغیره بدین موجب است

صحنهای مبارکه

صحن بزرگ که در طرف شمال وپشت سر حضرت واقع است معروف بصحن عتیق نصف آن که در سمت کنبد طلاست از بناهای امیر علی شیر وزیر سلطان حسین بایقراست ونصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است سابقا مدارس اهل سنت بوده مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن افزوده واین صحن را چند دراست دری بخیابان بالا ودری بپائین خیابان دری ببازار بزرگ دری ببازار بزازان که از بنیه میرزا فضل الله وزیر نظام است دری بسمت قبلگاه که ببازار آقا چه معروفست حجرات واقعه درین صحن فوقانی وتحتانی است وآنچه از بناهای آن که باسم ورسم است ازین قرار است

ایوان طلای نادری که بنای آن از امیر علی شیر است وطلای آن

ایوان شاه عباس مقابل ایوان طلا که کاشی کاری آن نهایت امتیاز دارد

از نادر شاه

از نادرشاه از این ایوان دری بدار ایستاده و دری بتوحیدخانه میرود و کتابخانه مبارکه درین ایوان است و در چنین این ایوان دو کفشکن است یکی کفشکن بالا که بسقاخانه و دار ایستاده میرود و دری بگلدستهٔ طلای عباسی دارد و دیگری کفشکن پائین بگنبد الله ویردی خانی که در بدو امر بجای کریاس روضهٔ مطهره بوده است منتهی میشود

و در پشت سر آن محل مدرسه ملا تاج است که در آن مدرسه جز گلدستهٔ طلای نادری آثاری باقی نیست تعمیر این گلدسته را بعد از نادرشاه والدهٔ خاقان خاقان خلد آشیان کرده است

مدرسهٔ میرزا جعفر که از بناهای بسیار عالیه و در عهد اوزبکیان ساخته شده است و در کتیبهٔ ایوان قبلی آن اسم شاه سلطان حسین ضبط است ولی معلوم نیست که مرحوم سلطان حسین معمّر یا بانی این بنا بوده

حجرهٔ میرزای ناظر

شماعخانهٔ حضرت

کشیکخانهٔ مؤذنان

مکتب خانهٔ ایتام

کشیکخانهٔ دربانان

محبس خانهٔ حضرت

حجرهٔ میرزا حسینعلی وزیر

عمارت وزیر نظام

دار التولیه عضد الملکی

سمت خیابان پائین بالای درپائین — سقاخانه وسط صحن موسوم بسقاخانه طلا که
خیابان نقاره خانه حضرت است — سنگ آب آنرا در عهد ناصرالدین شاه آورده اند و
که مرحوم حاجی قوام الملک تمام — اصل عمارت وطلای آنرا اسمعیل خان طلائی
نموده — در عهد خاقان خلد آشیان ساخته است

صحن جدید که صحن مشرقی باشد معروف بصحن خاقان که درپائین پای حضرت واقع است واصل آن از بناهای خاقان خلد آشیان است کاشی کاری آن که درکمال امتیاز است از مرحوم حاجی میرزا موسی خان وازارهٔ سنگ آن قدری از مرحوم مغفرالیه وقدری از میرزا عبدالباقی منجم باشی واتمام آن از میرزا فضل الله وزیر نظام شده حوض وسط نیز از مشارالیه است وآن صحن را چند در است دری مقابل ایوان موسوم بدرخزانه دری بخیابان پائین دری ببازار زرگران دری بطرف مقبرهٔ مرحوم شیخ بهائی عمارات واقعه در صحن علاوه بر عمارات تحتانی وفوقانی که محل توطن طلاب است از نیقرار است

ایوان

ایوان طلای مبارکه ناصری اصل بنای آن
ازخاقان مغفور و طلاے آنرا برحسب امر شاهنشاه
جمجاه مرحوم میرزا محمد حسین عضدالملک در
ایام حکومت حسام السلطنه از منافع ملکی
حضرت فیض آثار ساخته است و ازین ایوان
دری بدارالسعاده است و در جنب این آن
دو گفشکن است که بخود ایوان منتهی میشود

کارخانه و شربت خانه خدام

سقاخانه کاشی کاری وسط از بنای حاجی میرزا محمد رضای مستوفی است

صحن جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد گوهرشاد است که یکی از
بناهای بسیار عالیه و معروفست خاصه کاشیهای معرق و غیر معرق آن که
با چینی های بسیار ممتاز میتواند برابری کند و بانی این بنای عالی گوهرشاد
عروس امیر تیمور گورکان است و درین صحن چهار ایوان و شبستان است و
در روب آن از انیقرار است دری بازار بزرگ دری بمحوطه معروف بپائین
پا که مقبره مرحوم شیخ بهائی است دری بسمت خانه حاجی میرزا موسی خان است

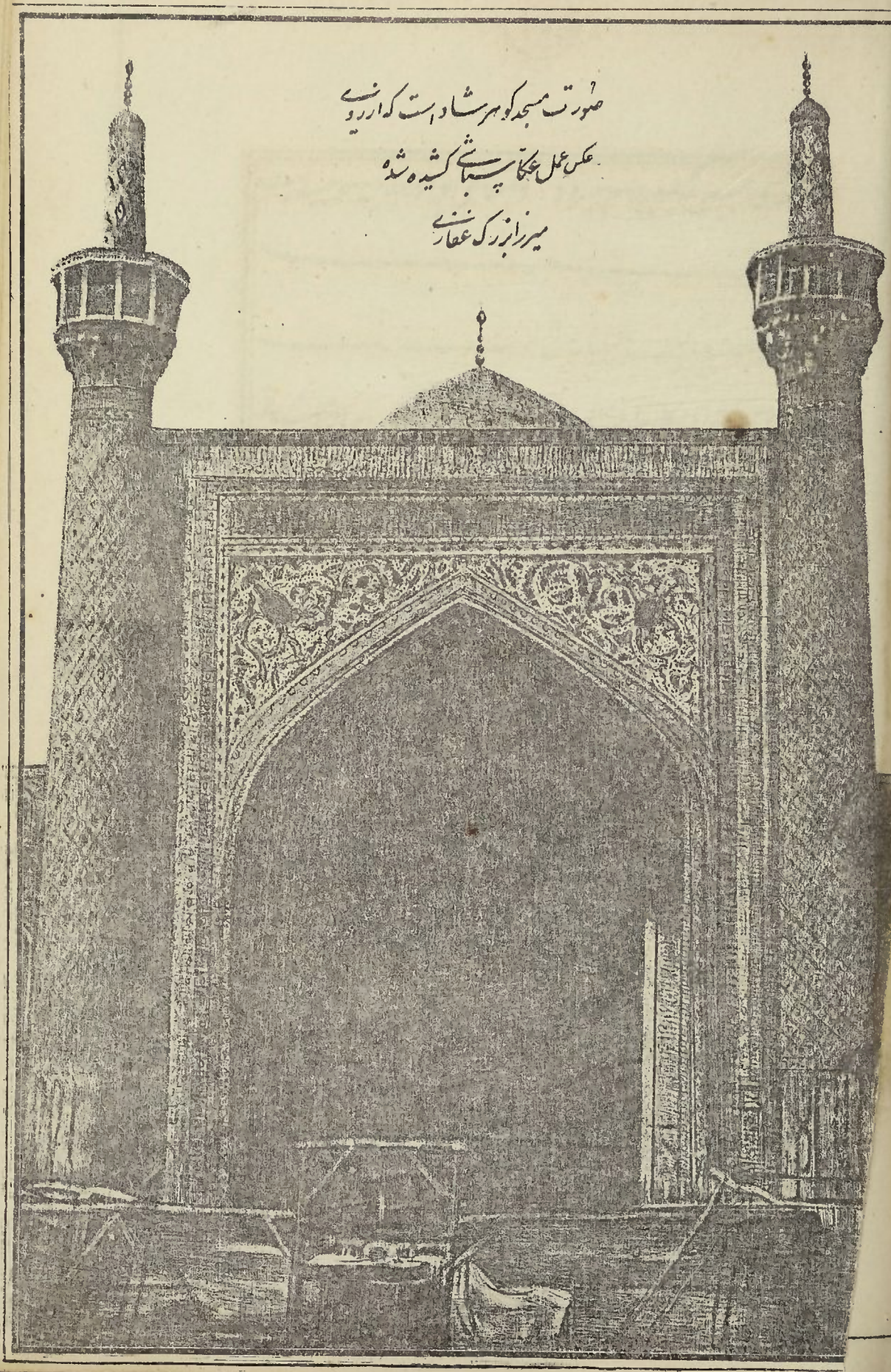

صورت مسجد گوهرشاد است که از روی
عکس عمل عکاسباشی کشیده شده
میرزا بزرگ عقاری

و دری قبلی که بمعبر عام میرود و اسامی ایوانها بدین موجب است

ایوان مقصوره با گنبدی بسیار عالی و دو گلدستهٔ بلند کاشی دهنهٔ این ایوان دوازده ذرع و ارتفاع آن بیست و پنج ذرع و نیم و طول آن سی و چهار ذرع است و ارتفاع گنبدی که در وسط آن واقع است چهل و یک ذرع و قطر پی های ایوان پنج ذرع و ارتفاع هر یک از گلدستها چهل و یک ذرع است و نیز از محسنات این ایوان آنکه از سنهٔ هشتصد و بیست که بنای آن شده الی حال بهیچوجه محتاج بتعمیر نگشته	ایوان سمت حضرت معروف بایوان دار السیاده که دری مقابل حضرت دارد و در جنبین آن دو کفشکن است	ایوان شرقی
	ایوان غربی	شبستانهای اطراف
	محوطهٔ مسجد معروف بمسجد پیره زن	

عمارات رواق مطهر

سمت غربی که بطول واقع شده
دارالسیاده است که از نعمتی مسجد گوهرشاد
و از نعمتی بسقاخانه و ایوان طلای نادری
منتهی میشود از بناهای گوهرشاد

سمت شرقی دارالسعاده است که از بناهای
آصف الدوله است پائین پای حضرت
واقع است بالای آن محوطه پائین پائین است و
پائین آن ایوان طلای ناصری

سمت شمالی توحیدخانه

میانه غرب و شمال سقاخانه راه رو
کلدسته طلای شاه عباسی است

سمت جنوبی دارالحفاظ که سمت
بالای آن حرم مطهر است و سمت پائین
ایوان مسجد گوهرشاد این بنای عالی
نیز از گوهرشاد است و آئینه کاری
آنرا نواب حسام السلطنه

میانه شمال شرقی کتابخانه حضرت کنبد و
الله ویردیخان است این کنبد قوی الاساس
که سابق گریاس حرم مطهر بوده از اینجهة
الله ویردی خان بگلربیگی فارس است که
در زمان صفویه ساخته شده و کاشی کاری
آن در کمال امتیاز است

میانه مشرق وجنوب مدرسه علینقی میرزا سمت میان جنوب ومغرب
که در او میرزا علیرضای مستوفی مهمانخانه تحویلخانه منقولات وتحویلخانه
محقری ساخته است ودر حقیقت این مدرسه فراشان که در هر دو از دار الحفاظ
حال حیاط کشیکخانه است در پهلوی آن است
کشیکخانه خدام وقهوه خانه وراه رو کشیکخانه
معروف بکنبد او پک میرزا وخزانه میباشد
که در آن از دار الحفاظ است

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثنا
محلی است مربع که در وسط اعلای آن ضریح منور حضرت امام علیه السلام است
چهار دیوار این بنای عالیمقدار از قرار معروف از بناهای اسکندر است
گویا روزی از زمین بهشت آئین عبور کرده و واقعه خارق عادتی مشاهده
فرموده سبب آنرا از برهمنی دانا جویا گشته از اخبار معلوم نموده که در زمین مکان

مدفن یکی از اولاد خاتم پیغمبران خواهد شد پس نذری بخاطر گذرانده و
بعد از وصول بمطلب چهار دیواری محکم در آن محل برپا نموده که تا کنون بهمان
اسم باقی است هارون در زمان خلافت که غالبان خراسان و ماوراء النهر را
مقر سلطنت میداشت و مرو و سرخس دار الخلافه بود هوای طوس را
ملائم حالت و مناسب اقامت دیده روزی از طوس بآن محل رفیع آمده
و این بنای منیع را مشاهده نموده از حقیقت آن جویا گشته حکایت گذشته
باز شنیدند گفت انیک منم آن شخص که از خانواده رسالت و خلیفه پیغمبرانم
و این مکان از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر آن چهار دیواری گنبد
عالی بنا کردند و چون بعالم دیگر رفت جسم او را درین محل دفن نمودند از آن
پس در زمان خلافت مامون روح پاک و گوهر تابناک امام علیه السلام در قریه
سناباد که هنوز بعضی از محلات شهر مشهد بآب آن فیات مشروب است
بعالم قدس و مرکز اصلی خرامید باشارت مامون الرشید جسد مطهر را درین گنبد
بجائی که بالای سر هارون است بخاک سپردند و غبار آن مکان را توتیای دیده
رضوان کردند و چون بمقبره هارون در وسط واقع بود لابد امیر ستی مرقد مطهر منور

بالاتر از آن باشد پس صندوق مبارک بقسمی واقع شد که وسعت سمت بالا سر
بسیار کم و نزدیک بدیوار گشت مرحوم مغفور شاه عباس صفوی رحمة الله علیه بالای
این گنبد مطهر را طلا نموده و داخل گنبد مبارک را در عهد شاهنشاه جمجاه عالمیان
پناه میرزا صادق قایم مقام آینه کاری کرده است کاشی ازاره وسط گنبد
که سرکوب چینی فغفور است دو قسم ساخته شده قسمی در کتیبه که خطوط رقاع
و اسلیمی برجسته دارد میتوان دعوی کرد که تا امروز چینی باین صفا و صنعتی باین
دقت نشده است دیگر خشتهای مسدس سفید است که با خطوط طلا بآیات
و احادیث تزیین یافته آنچه بتحقیق پیوست خمیرهٔ این کاشی اعلی از معدنی
که بالفعل در نواحی مشهد موجود است حاصل میشود حرم مطهر را از دو سمت یکی از
سمت پشت سر و دیگری از سمت بالا سر دو فضای شاه نشین مانند است
که اولی بمسجد زنانه و ثانی را که مرحوم محمد ولی میرزا ساخته است بمسجد ایشان
موسوم و معروفست و از این دو مسجد بیکدیگر راهی است که آینه کاری آنرا عباسقلیخان
میرپنجه پسیان نموده اکنون محل نشستن قراء کلام الله است ضریح مطهره مربع
طولانی است سطح آن از خشتهای بلور مفروش است و او را سه ضریح است

ضریح اول طلاست که مرحوم شاه عباس جنت مکان در سفری که پیاده باستان
ملایک پاسبان آمده برحسب نذر بمبلغ هفتهزار تومان انجام داده و ناصرقلی
میرزای نواده نادرشاه آنهارا دزدیده و بعد بحکم نادر میرزا بمحل خود عود
داده اند ولی طلای یکسمت آن در حمل و نقل مفقود شده است و حال
یک سمت آن نقره و سه سمت طلاست ضریح دوم فولاد مرصع است
که از قرار معروف نادرشاه برای قبر خود ساخته بوده است و چون
چنین ضریحی جز لایق امام نبود بعد از فوت نادرشاه بسعادت مصرف
سرکار فیض آثار رسیده است ضریح سوم فولاد است روی شیروانی
ضریح فولاد صفحه نقره و بر روی آن صفحه طلا استوار کرده اند
حرم مطهر را سه در است دری بدار الحفاظ و دری بپائین پا
و دری بتوحید خانه

دروب طلا و نقره رواق و روضه مطهره
نه باب

در طلا
دو باب

دروب نقره
سه باب

در ضریح طلا

		ایوان نادرشاهی	سایر
		۵ باب	۷ باب
در ضریح طلای مرصع	در دار الحفاظ	در کتابخانه	دری که از دار السیاده بدار الحفاظ می آید نواب حسام السلطنه سلطانمراد میرزا ساخته است و دور چهار چوب آنرا مرحوم عضد الملک طلا کرده
که خاقان مغفور	که مرحوم عضد الملک	در کفشکن اول	
خلد آشیان ساخته	برحسب امر قدر قدر	در توحید خانه	
بودند و سالار طلای	همایون طلا کرده است	در دار السیاده	در دار السیاده از ایوان ناصری که مرحوم عضد الملک ساخته است
آنرا دزدیده بعد برحسب		از سمت ایوان طلا	
امر خسروانه نواب			در پایین پا که طلا و مرصع بوده و در زمان طغیان سالار طلای آنرا برده اند و حال نقره زیر آن باقی است
سلطانمراد میرزا			
حسام السلطنه دوباره			
طلا و مرصع کرده است			

مقابر اشخاص معروف که در خدمت حضرت فیض آثار مدفون شده

هارون الرشید	مرحوم شاه طهماسب	شیخ بهائی علیه الرحمه بیرون رواق در محوطه معروف بپایین پاست	نایب السلطنه مرحوم در دار الحفاظ

حاجی مهرولی میرزا در مسجد خودش	محمد تقی میرزا حسام السلطنه	حاجی قوام الملک	فرمان فرما
آقای حاجی میرزا عسکری امام جمعه	حاجی میرزا موسی خان	ولیخان از جمله قبور قدیمه است	مرحوم آقا میرزا احمد
مشیر الدوله	عضد الملک	سپهسالار اعظم	نجفقلی خان قوچانی
امیر کونه خان قوچانی	شاهزاده ملک قاسم افغان	شاهزاده ملک حسین میرزا	عباسقلی خان میرپنج پسیان
میرزا محمد علی متولی باشی	میرزا ابوطالب		

دار الشفا و مهمانخانه

دار الشفا در خیابان واقع است	مهمانخانه زوار در خیابان بالا	مهمانخانه اعیان در پائین

اسامی علمجات و خدام آستان ملایک پاسبان بغیر از اعیان و ارکان و مقربان دربار اعلیحضرت شاهنشاهی که زیاده از هزار نفر در جزو خدام این آستان مشرف و هر زمان حاضر باشند در کشیک خود مانند سایر خدام از خدمت مستعدند

عمال و اعیان

جناب میرزا محمد صادق معروف بمیرزای ناظر که از جمله سادات است و بقول معروف و مشهور بیست و دو پشت بحضرت امام علیه السلام میرسد	عالیجناب میرزا محمد جعفر صدر	جناب میرزا بدرالدین نایب التولیه	عالیجاه میرزا حسینعلی وزیر اول
عالیجناب حاجی میرزا بابای مستوفی	عالیجناب میرزا داود ضابط	عالیجناب آقا سید ابوالحسن امین آستانه	عالیجناب میرزا ابوالقاسم وزیر دوم
نواب شاهزاده محمد هاشم میرزا ولد مرحوم محمد تقی میرزا	آقا میرزا عبدالحسین	میرزا محمد کاظم نایب ناظر	حاجی میرزا کریم نایب وکیل
عالیجاه میرزا شفیع سررشته دار	عالیجاه میرزا ذبیح الله مهردار	عالیجناب میرزا بابا	حاجی میرزا محمد علی ناظم املاک موقوفه
همقلم دفترخانه [illegible]	محررین [illegible]	حاجی میرزا شفیع منشی	

ارباب مناصب و غیره

ارباب مناصب			عمال دارالشفای مبارکه	عمله کارخانه مبارکه
خدام ضریح [illegible]	مدرسین [illegible]	کتابخانه [illegible]	نواب شیخ ابوالحسن میرزا ناظر دارالشفا ولد مرحوم حسام السلطنه محمد تقی میرزا	عالیجاه میرزا سید صفی ناظر
خزانه و تحویلخانه [illegible]	مباشر تعمیرات [illegible]	کشیک نویس و مباشر روزنامجات [illegible]		
باب الزیاره [illegible]	دربان باشی و نایب [illegible]	روضه خوان [illegible]	سایر ارباب طبیب و غیره	سایر
معلم اطفال [illegible]				

عملجات متفرقه — حفاظ

پیشخدمتان — سایر

ملا رضای سایر باشی

عمله کرناخانه — چراغخانه و شماعخانه

اهالی کشیک خمسه

کشیک اول — کشیک دویم

عالیجناب میرزا عبدالحسین سرکشیک — عالیجناب میرزا علی اکبر خادم باشی — حاجی میرزا جعفر سرکشیک — میرزا عبدالعلی خادم باشی

خدام — فراشان — خدام — فراشان

میرزا رضا باشی — سایر — میرزا داود فراشباشی — سایر

مؤذن — کفشان — مؤذن — کفشان

دربانان — دربانان

کشیک سیم — کشیک چهارم

عالیجناب میرزا عبدالکریم — میرزا عبدالوهاب خادم باشی — میرزا عبدالجواد سرکشیک — میرزا عبدالوهاب خادم باشی

خدام — فراشان — خدام — فراشان

حاجی میرزا صادق باشی — سایر — حاجی ملا عبدالعلی فراشباشی — سایر

دربانان — مؤذن و کفشان — دربان — مؤذن — کفشان

کشیک پنجم

کشیک پنجم — زیارت نامه خوان

حاجی میرزا ابوالحسن سرکشیک — حاجی میرزا حسین خادم باشی — سایر

خدام — فراشان — آقا سید محمد — آقا سید مصطفی — میرزا حسین

دربانان

علماء

علمائیکه در شهر بخاکپای همایون مشرف شده اند

جناب حاجی میرزا ذبیح الله برادر امام جمعه مرحوم — جناب میرزا هدایت الله امام جمعه — جناب میرزا بیت الله سلطان العلماء — حاجی میرزا حسن برادر مرحوم امام جمعه

ملا عبدالرحیم شیخ الاسلام — میرزا محمد تقی نواده مرحوم حاجی میرزا حسن مجتهد — حاجی ملا اسد الله پیشنماز — ملا محمد چولائی پیشنماز

علمائی که در طرق مشرف شدند

حاجی میرزا نصر الله مجتهد — آقای میرزا احمد پسر حاجی محمد قصیر — حاجی میرزا محمد جعفر پسر حاجی میرزا هاشم مجتهد

آقای میرزا بابای سبزواری مجتهد — شیخ ابو محمد قریب الاجتهاد — آخوند ملا کاظم همدانی ایضاً

جناب شیخ عبدالرحیم بروجردی مجتهد جلیل القدر که تازه از کربلای معلی آمده بودند	آخوند ملا آقا بزرگ طهرانی مجتهد	شیخ عبدالعزیز لنکرانی
ملا عبدالله کاشی	ملا هاشم صدر نیشابوری	آخوند ملا عبدالرزاق پسر شیخ الاسلام مرحوم
حاجی آخوند قندهاری فقیه	آقا میرزا حسن پیشنماز رضوی	آخوند ملا محمد قاضی هراتی

دروازه های مشهد مقدس

دروازه ارک	دروازه سراب	دروازه بالا خیابان
دروازه پائین خیابان	دروازه نوقان	دروازه عیدگاه

اسامی محلات

محله عیدگاه	محله سرشور و مسجد ذوالفقار	محله سراب و چهارباغ
محله نوغان	خیابان علیا	خیابان سفلی

مساجد وغیره

مساجد

معروف		مساجد محلات
مسجد گوهرشاد	مسجد شاه که از بناهای اوزبک و قدیم و حال مخروبه است	

حمام — [illegible]

حمام معروف — سایر

[illegible]

حمام لاچه موقوفه آستانه — حمام شاهوردیخان ایضاً — حمام شاه ایضاً

حمام سرسوق موقوفه مسجد — حمام امام جمعه — حمام پاچنار

حمام بازار — حمام حسینقلی — حمام حاجی صفر — [illegible]

حمام سالار — حمام میرزا ابراهیم — حمام عباسقلی خان

خانات — [illegible]

خان عباسقلی خان موقوفه حضرت — خان میر معین ایضاً — خان دارالزوار — خان امام جمعه

خان شاهوردیخان موقوفه اجداد میرزا بابا مستوفی — خان عبدالله خان — خان ذغالی — خان حسینیه موقوفه آستانه

خان سالار — خان قزوینی — خان سلطان موقوفه حضرت — خان دررودی

خان شیر برنجی — خان کاشانی

مدارس — [illegible]

مدرسه نواب — مدرسه حاجی حسین — مدرسه ملا محمد باقر — مدرسه فاضل خان

مدرسه میرزا جعفر — مدرسه خیراد خان — مدرسه عباسقلی خان — مدرسه بالاسر

مدرسه پریزاد — مدرسه دودر — مدرسه سلیمانخان — مدرسه پائین پا

مدرسه حاجی رضوان

اسواق معتبر

بازار بزرگ بازار بزازان بازار کفاشان بازار کلاه دوزان زرگران صحاران

دکاکین بازار و پس کوچها

باب ثالث

ارک مشهد محوطه ایست که در سمت غربی شهر واقع است و سمت آن بصحرا متصل است و دو سمت دیگر بشهر اتصال دارد و او را دو دروازه است و چندان وسیع نیست بلکه ثلث ارک طهران است در او یک سربازخانه و یک قورخانه و میدان اسبق واقع و توپخانه آن بدو متصل ولی از قلعه خارج است و عمارات دیوانی او را که در زمان حکومت مرحوم محمد ولیمیرزا نایب السلطنه طاب ثراه بنا شده و سایر حکام نیز هر یک تصرفی کرده اند مشتمل بدو دیوانخانه است یکی دیوانخانه بزرگ که بکمال مشابهت را بدیوانخانه ارک تبریز دارد و چنان مینماید که هر دو را یک معمار بنا کرده است و دیگری دیوانخانه کوچک که او را نیز تالاری است باضافه حوضخانه سرپوشیده دارد که در نهایت خوش هواست و در این ایام سرکار شاهنشاهی روزها در آن حوضخانه تشریف داشتند و همچنین در این

دیوانخانه بالا خانه چهار فصل بلندی است که مشرف بعمارات مشهد و صحرای
خارج شهر است بعد ازین دیوانخانه عمارت اندرونی است که عمارات پر یورد
عالی و دو خلوت و حمام دارد و در جنب او یکدست عمارت اندرونی و بیرونی
جداگانه است که درین اوقات سرکار جلال الدوله در او مسکن داشتند و
درین عمارت برجی است که کلب حسین خان امین نظام تعمیر نموده و نظر اندازی نیکو دارد

بلوکات

بلوک سرجام سمت جنوبی و غربی مشهد واقع است حدی بجام و حدی
به پیوه ژن و حدی ببلوک رخ ترتبت این بلوک قلعجات بسیار دارد ولی اکثر
آن مخروبه است و بعضی از آنها که دایر و آباد است از این قرار است

حسن آباد	سرقابه	احمد آباد سرحدات	فرهاد جرد ایضاً
کاریز زنه	رباط سفید	چرم و چمن معروف آن	بزجانی
جهان آباد	کافر قلعه	غور	کلاته خشک
قلعه نو			

بلوک

بلوک پیوه ژن سمت جنوب شهر واقع است در پشت کوه و محدود است
از سمتی بجبال و محال نیشابور از سمتی ببلوک سرجام و حدی ببلوک اَرْدَمَه
رودخانه این بلوک رودخانه کوچکی است که در دره پیوه ژن جاری است
و این بلوک ییلاقیت کلی دارد خاصه در پیوه ژن که قریب یکفرسنگ و نیم
با اشجار و انهار و در نهایت باصفاست در کوهستانات این بلوک
معدن مس و سرب و طلا یافت میشود و معدن سرب آن امروز دویست تومان
نقد و چهل خروار اجاره دارد و دهات معروف این بلوک بدین موجب است

پیوه ژن ملکی اولاد الله وردیخان	قاسم آباد	سلطان آباد متعلق بسرکار فیض آثار	دو سرخ متعلق بحاجی مصطفی قلیخان
بزمشک	شریف آباد	گنبد دراز	ملک آباد
کروج	استاج	فخر داود	دلبران
ده علیا	باغچه	باز حوض علیا و سفلی	سید آباد

بلوک اَرْدَمَه واقعه در جبال جنوبی مشهد است و او را چهار رودخانه است
دو تای از آنها که عبارت از بار و از قد باشد به بند گلستان میریزد و دو دیگر

که رود مج و رود مغان باشد بعد از سقایت دهات این بلوک فاضلات
آن بطرق میرسد و از جمله چیزهای غریب که درین بلوک بهم میرسد غاری است
که در نزدیکی قریه مغان در کمر کوه واقع است و دهنه دارد هشتالی ده ذرع
ازین دهنه تا یکمیدان اسب راه غار بحدی وسیع است که پنجاه سوار بسهولت
عبور میکنند و در ابتدای این مسافت از سقف غار آبی میچکد که فوراً منجمد میشود
بنحویکه یک نیم ستون در سطح غار و نیم ستون دیگر در سقف غار از آن آب
بهم رسیده و قلیلی مانده است که این دو نیم ستون بیکدیگر رسند و ستونی استوار
ازین سنگ سفید مایل بزردی در میان غار برقرار شود درین محل فضای
غار شعبهای مختلف پیدا میکند و در هر یک از آن شعبها فضاها و حوضها
و چاه عمیق است از جمله در یکی ازین فضاها که او طاقی وسیع است
دریاچه ایست بسیار عمیق که هر قدر خواسته اند عمق آنرا معین کنند ممکن
نشده است در وسط این دریاچه محلی است پاشویه مانند که یکذرع عرض و
یک چهار یک عمق بیشتر ندارد و اکثر اطاقهای این غار را کوه مخصوصاً
حجاری و مقرنس کرده اند اهالی ولایت در حق این غار تقصیلات عجیب

وغریب میگویند که بطرافسانه می آید و قابل نوشتن نیست

دهات معبر این بلوک ازین قرار است

بار	کلاغ آهن	ارقد	مایان	درماغ	مایان سفلی
حصار	مج	سربرج	مغان	خان رود	قصبه اردمه که بزقه معروفست

بلوک جاغرق از ییلاقات بسیار خوب مشهد است که درین سمت کردنه در رود واقع است و نزهت مکان و خضرت اشجار و صفای آب و هوای آن معروفست و دراو بندی است بسیار بزرگ از بناهای صفویه که آب آن از رود خانه بار بلوک اردمه و مایان و خود از جاغرق است و این آب از موقوفه سرکار فیض آثار است و قراء آن ازین قرار است

گلستان	حصار	ترقه به	عبزان	جاغرق

بلوک شاندیز در دامنه واقع است و محدود است از سمتی بگزبه نیشابور از سمتی بقصبه کاهو از سمتی بمیان ولایت و از طرفی بجاغرق متصل است

این بلوک بهترین ییلاقات دور مشهد است و قلعجات و دهات معروف آن ازاین قرار است

قصبهٔ شاندیز ششصد خانوار است و باغات بسیار دارد

نوقان در ده معتبریست و خالصهٔ دیوان اعلی و بتیول مصارف مقبرهٔ مرحوم نایب السلطنه است

خادر — کراخ — حسن آباد — زنگ

ابرده علیا — ابرده سفلی — سراسیا

کنک — ویرانی خالصه

قصبات معتبر که درین سمت واقع و جز هیچیک از بلوکات نیست

قصبهٔ کاهو از جملهٔ قصبات معتبر و میانه کل مکان شاندیز واقع است و در ملکیت آنحضرت فیض آثار و دیوان اعلی هر دو شرکت دارند و به بتیول سید ابو الحسن شاه مقرر است

قصبهٔ اسجیل این قریه نیز در همین حوالی واقع و در ملکیت آن هم حضرت فیض آثار و دیوان اعلی مشارکت دارند و او را رودخانه ایست که باین اسم معروف و به بتیول مراد علی خان مقرر است

قصبهٔ دولت آباد رودخانه دارد و خالصهٔ دیوان همایون و بتیول اولاد کامران شاه مقرر است

بلوک کلمکان که از سمتی باسجیل و دولت آباد و از سمتی بخاک چناران متصل است و از طرفی بنیشابور و چشمهٔ سبز درین بلوک است و کمال ییلاقیت را دارد و درین بلوک دو طایفه هستند که یکی از آنها را تاجیک گویند و همه آنها فارسی زبانند و در قصبهٔ کل ریز سکنی دارند و طایفهٔ دیگر ایلات کرد همزه کانلو هستند که در سایر قلعجات و مزارع کلمکان متوقفند آب این بلوک از یک رودخانه است

که از چشمه

که از چشمه سبز می آید و از وسط قصبهٔ کل ریز میگذرد و قنات متعدد دارد
و قراء معروف این بلوک از قراریست که نوشته میشود

تلخ آباد	آب قد	معوا	قصر هلال	کورده
عبدل آباد	سلوجرد	پی آباد	حسین آباد	فتح آباد
احمد آباد	ده نو هاشم خان فراشباشی	کترنا		

بلوک چناران محدود است از سمت شمال بخاک قوچان و از سمت جنوب
بمیان ولایت و در زآب سمت غربی و جنوب غربی کلمکان و شاندیز و از سمت
شرقی رادکان رود خانه چناران دو رشته است یکی رودیکه از سمت
نیشابور که منبع آن قریزی است دیگری از سمت نیشابور که منبع آن
خود اَخلَمد است درین بلوک از آثار قدیمه خرابه شهر منیجان است
که منیجه دختر افراسیاب آباد کرده است

قصبه و قراء سمت نیشابور سمت قوچان

اخلمد دزدره

اخلمد در دره کوه پایه واقع و قصبه ایست
که چهار صد خانوار دارد و رعیتی آن
سی و شش زوج است

عتیقی و علی شاهی متعلق بسرکار فیض آثار
ملک رعیتی
[illegible] زوج و فرد
[illegible] زوج و فرد
خالصه دیوان اعلی
[illegible] زوج

قصبه چناران مخروبه است و سیصد خانوار از آن باقی مانده و ساکنین آن فارسی زبانند

امیرآباد که مرحوم نایب السلطنه بقهر و غلبه در زمان طغیان رضاقلیخان قوچانی گرفته اند خراب است و آثار قلعه آن باقی است

فریزی در مقابل اخلمد واقع و اول رودخانه چناران است و ملک آن رعیتی است

کبیر	جوکار	قلقاچان
دستجرد غلامان	آصف آباد	خجه خراج
منیجان که باسم منیجه دختر افراسیاب موسوم است و اول شهری بوده است	چوب دشت	حسن آباد
سیرک	یورد چوبان	چنبر غربال
خیرآباد	آق قلعه عزیز کونه پاک	

سمت چولائی که به پیزکی معروفست محل اکراد پیزکی از اکراد زعفرانلو است

خون آباد	وکیل آباد	چوپایان
چشمه باران	پیری آباد	چشمه کیلاس وقف است و زراعت آن با چناران است و آب او را شاه عباس مرحوم بصحن مقدس آورده

رادکان حدی بچناران و حدی بچولانی و حدی بدرزاب و حدی بدره کتر و حدی بقوچان دارد و قراء و قصبات آن از این قرار است

قصبه رادکان	قزل حصار که اول خاک رادکان است	نمیکان	مغان	چه چه
سوهان	موچنان	خرچ	بترتیک	قلعه یوسف خان
یساقی	میاب	کوکن	کوباغ چمنی است میانه چناران و رادکان که دو فرسخ طول دارد و سرچشمه کشف رود است	

بلوک درزاب در زیر رادکان واقع است و یکسمت آن چولانی خانه یک سمت رادکان یک سمت میان ولایت و از یکطرف بتادکان این بلوک را رودخانه ایست موسوم بهزار مسجد که آب آن از هزار مسجد جاری است و آن کوهی است که از یک سمت آن جلگه مشهد است و سمت دیگر دره گز و صوفیان لاین خاکستر کلات این بلوک را که اغلب دهات آن متعلق بسرکار فیض آثار است بسه قسمت نموده اند

قسمت اول

قسمت اول بقمج رعیتی و قریب هشتاد خانوار رعیت دارد

قسمت دوم ارداک

قصبه ارداک که میان بلوک است و سی خانوار رعیت دارد	پیشان متعلق بسرکار فیض آثار	پیش ادک ایضاً
میامرغ	آبقد	پس پشته
شیرین	قلندر حصار خالصه	کوده رعیتی

قسمت سوم

کوارشک سپرده بحسن خان پسر حاجی محمد خان	کجان	ماریان
زاک	چاقد	آب دوان
امداد	نقاب	

بلوک چولائی خانه در کوه پایه واقع است حدی بکلات دارد و حدی بحنظل آباد بتادکان و حدی بدر زآب و حدی برادکان و او را چند قریه و مزرعه و قلعه است

کارده	اندرخ	ده سرخ	بلغور
مسیح	آل	کش	بهره

بلوک میان ولایت که در سمت مغرب و شمال شهر واقع است ابتدای آن از دروازهٔ بالا خیابان است و انتهای آن در سه فرسخی چناران که من حیث المجموع هشت فرسنگ طول آنست و در او رودخانه عظیمی است موسوم بکشف رود که منبع آن از چشمهای واقعه در جلگه چناران و رادکان است که همه جا تا دو فرسنگی شهر

بسمت جنوب آمده و درین محل از زیر پلی که به پل شاهی معروفست متحرفا بسمت
مشرق مایل است و از دربند و آق دربند از پل خاتون گذشته با رودخانهٔ هرات
متصل شود و بسمت سرخس و شمال رود مالکین این بلوک از اعاظم شهرند و اکثر
دهاتش معتبر و چهل قریهٔ آن موقوفه حضرت فیض آثار است جادهٔ چناران از
میان این بلوک عبور میکند و او را دو قسمت ساخته قسمی راست و قسمی چپ
چنانکه بعرض خواهد رسید منبع رودخانه که بداخل شهر مشهد می آید و عبور آن از بالا خیابان
و صحن کهنه و پائین خیابان است ازین بلوک است یعنی از چشمه کیلاس

قراء و مزارع رو بچناران از دست راست

سرده	نگاه	خایقان	فتح آباد	کشف
اسمعیل آباد	فریزی	باغ شلواران	لقمانی	اردن
خان عرب	نوری	باقوی مودتها	کوشک	جرمق
تخم انجیر	کمان گران	جوتاب	سراسیاب	اسفندیار
شوراب	قصر مهدی	حسینی	کلاته مشهد قلی	تخم مرز
پرکند آباد	باقوی ملا حسین	قهقهه با چمن معروف آن	خارستانک	عاشقان
امرقان	شبان کاره	کاظم آباد حاجی قاسم از قراء معتبر است قریب یکفرسخ باغات دارد و تا شهر سه فرسخ است و اکثر فواکه شهر از آنجاست	خان چماقی	سبد آباد

چهل حجره	آندرقد	مرغزار	سران	فتح آباد
حسن خوردو	سلطان آباد	ناظرآباد	دوست آباد	کلاته شرفخان
جوفروش	حاجی آباد	کلاته صفرعلی	مهدی آباد	چهار برج
چشمه سفید	سید علی	مقیم آباد	مردارکشان	دهشک
اسلامیه	شهر طوس که اول آباد بود و هنوز علامت شهریت آن باقی است نیم فرسنگ از جاده دور و چهار فرسنگ بشهر دارد	محمدآباد	محمدیه	کلاته علی
عسکریه	قولیان	شقا	راهیان	بزمرکی
اوچ دفتر	چهچهه	سنگ سیاه	سیروآباد	پائین ده
دوین	کلاته صفرعلی	تبادکان	توت درخت گویند نظر کرده است	کلاته حسن
ماهی خور	مسکران	جنابد قریه ایست بسیار معتبر قناتی دارد که چهل زوج زراعت از آن مشروب میشود	مقابل جنابد در دامنه کوه دره چشمه کیلاس است که منتهای ییلاقیت را دارد و متعلق بسرکار فیض آثار است	ناوخ
کمال آباد	شاه آباد	علی آباد	ولی آباد	موسی آباد
قوش آباد				
دست چپ				
اب کوه	پیلدار	قاسم آباد	سعید آباد	جلدک	ملکی
جاهشک	نوجاه	ده نو	منزل آباد	زرکش	ابراهیم آباد
شان قلعه	خراب آمین			

بلوک تبادکان که در سمت شمال شرقی شهر است از سمتی محدود است بچولائی
و بلوک درزاب و از سمتی بکلات از سمتی بطرق و از طرفی بشهر و یک سمت آن کوه
قراول خانه است و او کوهی که فاصله است میان صحرای خراسان و صحرای
تکه آب این بلوک از قنوات متعدده و شعب دو رودخانه است که یکی از آنها
رودخانه کشف رود است و شرح آن در بلوک میان ولایت معروض افتاد
و دیگری رود اندرخت قراء این بلوک قریب پانصد پارچه است و چند قریه
معتبر آن از این قرار است

قرائیکه زیر کوه و داخل جلگه مشهد است

اندرخ که در دامنه دربند چولائی واقع است ملکی با تبادکان است و خانواری آن با چولائی	رزان	معین آباد	قاض قریه	فارمد
اخنکان	قورقی یتول حاجی میر معصوم خان	فرخه ایضا	کنه کوش محل ایل جمشیدی	قصبه کنه بیش تقریبا چهارصد خانوار رعیت دارد و از آنجا بشهر سه فرسخ است و ملکی حضرت فیض آثار است
قورغان محل ایل تیمور	محمد آباد امام جمعه	هدایت آباد ایضا	نظریه	عنایت آباد
عیش آباد	حسین آباد	کریم آباد	بدرآباد	ابراهیم آباد

حلوائی	عطار	جوفروش	درآباد	پاوا
کلاته	شادکن	میامی	شاویشه	پناه بالا
قیچه زر	رباط ماهی محروبه است	قیاس آباد	سنگ در	مزدوران محل قراولست خانوار ندارد
باغ باغان	آق دربند خراب است وسکنه ندارد			
دهات واقعه پشت کوه				
کبکی	جعفری	قصبه تادکان صد خانوار است	احمدآباد	حنظل آباد

بلوک ناصریه که سابقا سنگ بست گفته می شد و داخل بلوکات جدید است که نواب سلطانمراد میرزای حسام السلطنه عم شاهنشاه آباد نموده و در سمت مشرق واقع است و تا شهر شش فرسنگ است اصل قصبه این بلوک قلعه ناصریه است که در او برج و باره و خندق جدید ساخته شده است و پانصد خانوار رعیت دارد که نصف آنرا از اهل مشهد برده اند و نصف دیگر مهاجرین هراتی هستند آب این بلوک از شش رشته قنات و از بندیست که نواب حسام السلطنه ساخته معروف به بند ناصری که آبهای کوهستان سرجام و تربت در او جمع شده بصحرای جیم آباد رفته زرع و کشت میشود و این آب شور و ناگوار است قلعجات جدید البنای آن ازین قرار است

جیم آباد	شکل شور	کیامی	جهل سنگ
سلمانی	اره	چنانک	کله منار

قصبه طرق در سر راه واقع است و تا شهر یکفرسنگ و نیم است و داخل هیچ بلوک نیست و متعلق بسرکار فیض آثار است و او را قلعه و خانی است که یکمیدان از یکدیگر فاصله دارند

کال یاقوتی در سه فرسنگی شهر کنار کشف رود در سر راه مزدوران و آق دربند سرخس واقع است و منزلگاه اردو است و او را چمنی است وسیع و از قرار مشهور در جبال آن یاقوتهای ریزه سیاه بسیار است بعید نیست اگر جستجو کنند معدن یاقوت نیز بیابند در کنار این چمن قلعه ایست معروف بسالار آباد و حال خرابه است

پانزدهم شهر صفر و دوم ورود موکب مظفر بارض اقدس و توقف اردوی همایونی در آن شهر مقدس

درین روز چون چاپار دار الخلافه در رسیده بود سرکار همایون شاهنشاهی جمیع وقت مبارک را صرف مطالعه عرایض وزراء و صدور دستخط و احکام با فتخار آقای مستوفی الممالک و وزیر امور خارجه فرموده و بامین الملک مقرر داشتند

که چاپار را

که چاپار را در همان روز معاودت دهد و معطل ندارد

هنگام عصر سپهسالار اعظم بحضور شرفیاب شده بعضی از عرایض ولایتی و مملکتی خویش را معروض داشته جواب صادر نمود و بموجب امر خسروانی صحن متبرکه حضرت رضوی علیه السلام را قورق نموده اهالی حرم محترم شاهنشاهی جمیعا بزیارت عتبه بوسی آستان عرش نشان فایض گردیدند میرزا مینای ملک الشعرای سرکار فیض آثار قصیده در مدح حضرت و ورود موکب مسعود انشا نموده محمد حسنخان محقق بعرض حضور مبارک رسانید و چون در نظر مبارک مقبول افتاد و خالی از فصاحت و شیرینی و لطف نبود آن قصیده را درین اوراق ضبط مینمائیم

قصیدهٔ میرزا مینا

ای خراسان یکجهان جان بایدت بهر نثار — در ورود موکب مسعود کیهان شهریار

ای خراسان جهد کن هی جان بیفشان در رکاب — شاه کیهان را که بودی سالها در انتظار

ای خراسان صبح اقبالت دمید آیدون که گشت — رایت شاه آفتاب آسا پدید از کوهسار

ای خراسان باید از ترکان تورانی اسیر — نزد شه چون بختیان بردن قطار اندر قطار

ای خراسان شاعران باید هزارت نغمه سنج — در گلستان ثنای شه چو دستان زن هزار

موکب شاهت فزاید خرمی بر خرمی — گرچه خود خرم بهشتی ای روان پرور دیار

تو بهشت جاودانی شاه یک فردوس جان — ای بهشت جاودان خوش دار شه را شادخوار

شاه پوید در تو شاید جبین بندگی — بر در شاهنشه دین شافع روز شمار

خسرو اقلیم امکان مظهر یزدان رضا — کز همایون ذات او فر خدائی آشکار

نور حق طور تجلی زاده موسی که هست — آستانش عرش و جبریل امینش پرده دار

سوده بر پاک آستانش نیر اعظم جبین — رفته از حالی رواقش خازن جنت غبار

ملک امکان بی وجود او نیامد منتظم — حصن ایمان بی ولای او نگردید استوار

پاک یزدان پیش از آن کایجاد هفت اختر کند — کرد جای حکم او بر خاک و باد و آب و نار

جمله در ملک وجود او طفیل خلقتند — عرش و فرش و جن و انس و وحش و طیر و مور و مار

با تولایش بساحل رفت و با عونش بچرخ — موسی عمران ز دریا عیسی مریم ز دار

هر کرا او غمگسار اندر دو گیتی شادکام — هر کرا او دستگیر اندر دو عالم رستگار

هم در ایوانش شهنشاهان کیهان خاکبوس — هم بدرگاهش خداوندان گیتی خاکسار

او خداوند است و شاهان جهانش بنده اند — خاصه خورشید و ملوک و سایه پروردگار

شهریار کشور ایران شهنشاه جهان — ناصرالدین شاه غازی خسرو خسرو شکار

شاه جم خرگاه و کسری تاج و کیخسرو کمر — میر کشورگیر و انجم جیش و گردون اقتدار

قهرمان بحر و بر کشورگشای شرق و غرب — شهریار دادگر کیهان خدای تاجدار

ابروی خطبه و خاتم طراز تاج و تخت — کز وجودش جاودان باید جهان را افتخار

مشرق و مغرب سرای دولتش را عرض و طول — شاهی و شوکت قبای حلقتش را پود و تار

در جمالش یک فلک فرّاست و یک مشرق فروغ — در نهادش یک جهان مجد است و یک گردون وقار

بر جلال و شوکت او میخورد گردون یمین — از نوال و همت او میبرد دریا یسار

با سموم قهر او گیتی خزان اندر خزان — با نسیم لطف او عالم بهار اندر بهار

موج زن دریا بود در آستینش گاه جود — بوسه زن دارا بود در آستانش روز بار

در سپهر از سطوتش بهرام راند الحذر — در کنام از صولتش ضرغام گوید الفرار

خنگ صرصر سیر او نایب مناب دلدل است — تیغ کافرسوز او قایم مقام ذوالفقار

یک سوار از جیش خون آشام او در روز رزم — کار صد رستم کند پیکار صد اسفندیار

خرمن نه خوشهٔ پروین بسوزد تیغ او — روز کین از وی نخواهد آسمان گر زینهار

دود خشم و ضربت تیغش بدشت دار و گیر — روی مه را تیره سازد پشت ماهی را فکار

چشم انجم کور سازد گوش گردون کر کند | گرد جیش و غرش کوسش بوقت کارزار
آیتی از عزم او گر بر زمین گردد رقم | صورتی از حزم او گر بر فلک گردد نگار
تا ابد بینی از آن آیت زمین را بی سکون | جاودان جویی از آن صورت فلک را بی مدار
دست او ابری که بارد روز بار از او درم | تیغ او آبی که خیزد گاه کین از وی شرار
کین او زهریست جان فرسا که دردش بی دوا | مهر او راحی است روح افزا که سکرش بی خمار
فارغ است از فاقه هر مسکین که او را در کنف | ایمن است از جور هر عاجز که او را در جوار
پیکر امن و امان در دور میمونش ثمین | ساعد آشوب و شر در عهد مسعودش نزار
گر حدود کشورش جویی برون از شرق و غرب | گر شمار لشکرش خواهی فزون از مور و مار
خدمتش کاری کزو جاوید خیزد فخر و فر | خصمیش کسبی کزو پیوسته روید عیب و عار
ای طراز تاج و تخت ای خسرو فیروز بخت | ای شهنشاه جهان ای شهریار روزگار
آستان شاه دین را آفتاب آسا ببوس | تا ببوسد آسمان پای سریرت بنده وار
جود کن با خانه زادان ضعیف بوالحسن | خاصه با مینا کمین مدحت سرای هشت و چار
دم فرو بند از ثنا مینا دعا بر گو که نیست | از دعای شه مبارکتر درین در هیچ کار
تا همی در طارم اخضر مدار است و مسیر | تا همی در توده اغبر ثبات است و قرار

باد هر روزت شکوه و شوکت شاهی فزون از مدار آسمان و گردش لیل و نهار

روز شانزدهم شهر صفر و سوم اطراق اردوی کیوان مقر در ارض اقدس

سرکار پادشاهی محض ظهور مرحمت و عنایت در حق سپهسالار اعظم بتفرج باغ آصف
الدوله که منزل ایشان بود عزم فرموده و در اول صبح سپهسالار و سایر اعیان
درباری ملتزم رکاب همایون گشته بباغ مزبور تشریف فرما شدند در خیابان
بالا که معبر همایونی بود سه نیزه سر و سه نفر ترکمان که در خاف دستگیر شده بودند
از نظر مبارک گذرانیده امر همایون شرف نفاذ یافت که سه نفر زنده را نیز بسزای
خود برسانند و سپهسالار اعظم در حق دست آورندهٔ ایشان بذل انعام
و احسان کرده از الطاف و مراحم خسروانه بهره ور و امیدوارشان گرداند
بعد از ورود بباغ و صرف نهار سپهسالار خوانین و سردکان و صاحبمنصبان
خراسانی را بحضور معدلت بنیان آورده و یکان یکان را بطور شایسته معرفی
کامل نموده رای جهان آرا را بصیرت کلی حاصل و بر وفق شان و مرتبت هر یکرا
مورد مرحمت و عنایت خاص فرمودند و نیز اعتضاد الدوله میرزا مسیح
وزیر مازندران و سایر صاحبمنصبان و بزرگان مازندرانی را بحضور مهر نشان

آورده

آورده در امورات مملکتی و سرحدیه اصغای فرمایشات ملوکانه نموده رخصت
انصراف یافته بمحل ماموریت خویش رفتند و حضرت شاهنشاهی ساعتی در باغ
تفرج فرموده و چهار ساعت بغروب مانده بزیارت آستان عرش بنیان
حضرت امام علیه السلام شتافتند و بعد از زیارت حضرت کامله در سمت بالای
سر مبارک نماز ظهر و عصر گذارده و در صحن جدید ایوان طلای ناصری قهوهٔ از قهوه خانه
خاص حضرتی میل فرموده و گنبد الله ویردی خانی را سیاحت فرموده
از درب مسجد گوهرشاد و راه بازار بارک مبارکه شرف ورود ارزانی داشتند
و چون سپهسالار فی الجمله در باغ بخاکپای همایون اظهار افسردگی و دلتنگی و ملال
نموده بود سرکار شاهنشاهی دبیر الملک را مامور فرمودند که معظم الیه را از مراتب
مراحم خسروانه و التفات کامل شاهنشاهانه اطمینان داده خوشنود و مفتخر سازد
و اظهار دارد که هرگاه میل بفرمان روائی مملکت خراسان ندارد در رکاب مبارک
بدار الخلافه آمده بخدمت دیگر سرافرازی حاصل نماید و الا بخدمت مرجوعه بخود
دلگرمانه مشغول شده و بدون اظهار دلتنگی بلوازم امر حکومت و سرحدداری
بپردازد دبیر الملک مرخص شد و حضرت شاهنشاه بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند

باغ اصفهان

باغ آصف الدوله یکی از باغهای نیکوی خوش هوا و پر گل و گیاه است
درختان میوه دار از هر قسم و هر جور بسیار و گلهای الوان بیشمار دارد اصل
باغ را مرحوم آصف الدوله بنا کرده و خبر املاک سالار بوده در اواخر دولت
شاهنشاه مغفور مبرور سالار محض جنون و خبط دماغ بنای طغیان و عصیان
گذاشت و دست تطاول باموال موقوفه حضرت فیض آثار گشوده مبالغ
خطیر از قنادیل طلا و نقره و جواهرالات خزانه حضرت را بغارت برده صرف
فساد و شرارت نمود در ابتدای این دولت روزافزون که سالار را بشیع شیراز
غازیان جلادت نشان بسزای عمل خود رسیده و طعم زهر خودسری و نادانی را
چشید این باغ و باغ دیگر را که متعلق بدو بود خدام آستانه متبرکه در عوض
خسارات وضرر وارده ضبط نموده و الآن خبر موقاتست مرحوم
حاجی قوام الملک شیرازی در اوقاتی که بخدمت تولیت حضرت مشرف بود
عمارت کلاه فرنگی ممتازی در وسط باغ بنا نموده که بنهایت بصفا و حسن
باغ افزوده است

هفدهم شهر صفر و چهارم ورود حضرت شاهنشاهی درین ارض میمنت اثر

امر در

امروز صبح در حالتیکه سرکار همایون شاهنشاهی هنوز در بستر راحت تشریف
داشتند میرزا محمد غلام بچه معروف بملیجک بحضور مبارک تشرف جسته و
عریضه سربسته از دبیر الملک بنظر انور رسانید بخاطر خطیر همایونی خطور نمود
که مگر جواب فرمایشات روز قبل است مفری الیه در عریضه مندرج داشته و خود
از شرفیابی متعذر شده چون عریضه را گشودند ابتدای آن همه از بیوفائی دنیای
دنی شرح و نگارش داده بود و در اواخر عریضه معروض داشته که سپهسالار
هنگام نماز صبح با آنکه هیچ آثار ناخوشی و مرضی در او مشاهده نمیشد بغتتاً
بمرض سکته مبتلا گشته برحمت ایزدی پیوست حضرت شاهنشاهی بلانهایه از این
خبر دلتنگ و افسرده شده بی اختیار فرمودند انا لله و انا الیه راجعون و این بیت
بخاطر همایون گذشت هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی از آنچه در آئینه تصور ماست
پس نظر بپاس حرمت شان و مرتبت آنمرحوم مقرر فرمودند که جمیع وزراء و اعیان
که در رکاب مبارک آمده بودند با خوانین و اعاظم خراسان بتشییع جنازه حاضر
شده و با احترام تمام جنازه او را بمحل مقبره و مدفنی که خود آنمرحوم در صحن مقدس
معین نموده بود حمل نمایند و مجلس فاتحه منعقد ساخته اطعام مساکین کنند

وخود سرکار پادشاهی باتاثر خاطر چهار ساعت از روز برآمده بدیوانخانه
مبارکه تشریف آوردند مقربان درگاه عظمت نشان ومخصوصان آستان
جلالت بنیان بزیارت خاکپای همایون مستعد گشته هریک بطریقی اسباب
خاطرهمایونرا بجای آورده وسلامتی وجود مقدس را شکرگذار بودند وازانجا
که تعویق وتاخیر در امور دولتی ومملکتی جایز نمینمود رای بیضاضیای شاهنشاهی
برآن قرار گرفت ومصالح دولت بدان اقتضا نمود که پیشکاری مملکت خراسان
بمحمدناصرخان ظهیرالدوله وایشیک آقاسی باشی که هم از قدیمی چاکران دولت
جاوید عدت ومقربان خاص دربار گردون بسطت واعیان ایل جلیل
قاجاریه است ومکرر در مملکت خراسان حکمرانی نموده مفوض ومرجوع آید
وسیرزا محمدخان دبیر مهام خارجه ووزیر وظایف سابق که سالهای تمام
در داخله وخارجه حسن صداقت وامانت وکفایت ودرایت خودرا مشهود
خاطر مبارک نموده بود بشغل جلیل متولی باشی گری آستان ملایک پاسبان
شاهنشاه سریر ارتضا علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثنا، ولقب بنیل
مجدالملکی مفتخر گشت ودرحق هریک خلعتی عالی از جبه شمسه دار وغیره مرحمت شده

در پی خدمات مرجوعه شتافتند و چون زیاده از حدّ فوت مرحوم سپهسالار
در خاطر مبارک متأثّر آمده بود چهار ساعت بغروب مانده بقصد تفرج خارج شهر
سوار شدند و اوّلا بقورخانه ارک که از بناهای سلطانمراد میرزای حسام السلطنه است
تشریف برده عمارت و باغ قورخانه در نظر مبارک پسندیده آمد و چون اسباب
و آلات و ادوات موجودهٔ در قورخانه را در کمال انتظام و تنقیح نگاهداشته
بودند قربان بیک یاور قورخانه مبارکه که متصدی و مباشر امر قورخانه مبارکه
بود مورد الطاف خسروانی گشته باعطای یکطاقه شال کشمیری سرافراز و مفتخر
آمد و حضرت همایونی از دروازه ارک بیرون رفته بکوه سنگی که در نیم فرسنگی
شهر واقع و مدفن اجداد میرزای ناظر و تفرجگاه اهل شهر است تشریف برده
از آنجا بمزرعهٔ موسومهٔ بذکریا توجه فرموده در بیدستان این مزرعه که مکانی با صفا
و خوش هوا بود فرود آمدند پیرمرد مستاجر مزرعه که از ایل تیموری و پیری
زنده دل و با ادب و حسن خلق بود مقداری از فواکه صیفی کار خود تقدیم
حضور مهر ظهور نموده و خاطر مبارک را از صحبتهای دهقانی خرسند داشته
انعامی شایان یافت و تا مقارن غروب میرزا هاشم خان امین خلوت و یحیی خان

اجودان مخصوص و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و محمد علی خان و این بنده
در حضور مبارک بودیم و عمدهٔ فرمایشات ملوکانه در طرز و طور و سبک و سلوک
مرحوم سپهسالار بود و حضرت شاهنشاه از فوت آن مرحوم اظهار تاسف میفرمودند
واضح است نوکر صدیق خدمتگذار و چاکر تربیت شده حقیقت شعار دیرا ز خاطر
و لینعمت خود محو شود خاصه چنین ولینعمتی مهربان و شاهنشاهی قدردان
که در مقابل اندک خدمتی هزار کونه نعمت دهد و پاس صداقت و حقیقت را
برشان و منزلت افزاید چنانکه مرحوم سپهسالار با اینکه بطور منظور و مقصود
همایون از عهدهٔ کفایت و کفالت وزارت عظمی برنیامد محض آنکه سالها
خدمت کرده و از رجوع خدمت کشیکچی باشی کری و سرداری و وزارت
جنگ صداقت و درایت خویش را مشهود خاطر خطیر خسروانی نموده بود
پس از خلع از صدارت عظمی با بالت و حکومت تمام مملکت شرقی مفخر و سرافراز
آمد و همه وقت باشان و احترام بزیست تا جهان فانی را بدرود کرد
باجمله سرکار پادشاهی هنگام غروب سوار شده و ببالای کوهی که در آن
حوالی بود تشریف برده واندک وقتی باد و بین باطراف و حول و حوش

شهر خاصه قراء و مزارع بلوک تبادکان را که در سمت شمال شهر واقع بود نظر فرموده
و از فراز کوه نزول نموده و بدرشکه نشسته نیم ساعت از شب رفته تشریف
فرمای دیوانخانهٔ مبارکه شدند و امین الملک را مقرر داشتند که در حفظ
اموال و اثقال مرحوم سپهسالار کمال اهتمام و جد و جهد را مرعی دارد که
بهیچوجه تفریط نشود تا بعد از مراجعت همایون بمقر سلطنت عظمی در میان
اولاد و احفاد موافق شرع انور تقسیم شود

هجدهم شهر صفر و پنجم توقف اردوی همایون در ارض فیض نمون

سرکار اقدس شاهنشاهی امروز پس از تشریف فرمائی بحمام تا سه ساعت
بشام مانده در دیوانخانهٔ مبارکه بصدور احکام و اصلاح امور مملکت و
حال لشکری و رعیت مشغول گشته محمد صالح خان کردبچه سرتیپ که از
سیستان بزیارت رکاب مبارک آمده بتوسط دبیر الملک شرف اندوز
حضور مهر ظهور گردید و خاطر مبارک را از اخبار امنیّت و آسودگی
آن سامان مسرور ساخته مورد مراحم و الطاف شاهنشاهانه گشت

هنگام عصر

هنگام عصر بعزم شرفیابی آستانه مقدسه عزم فرمودند و ابتدا بمدرسه
میرزا جعفر که در جنب صحن واقع است و از بناهای سابقه و عالیه است تشریف
فرما گشته چون بنای مدرسه را رو بانهدام یافتند بجد الملک مقرر داشتند
که موقوفه مدرسه را معین نموده ماحصل وقفیات را بمصرف تعمیر برسانند و هر قدر
کسر باشد از دیوان همایون دریافت دارد و از آنجا بحرم محترم مبارک
تشریف برده و از زیارت آستان قدس نشان فایض و بهره یاب گردیدند
و از درب مسجد گوهرشاد بارک مبارکه تشریف فرما گشته و چون این بازار جنب
صحن که معبر همایون بود سقف محکم نداشت و تمام آنها را با تیرهای کوچک و نی
پوشیده بودند و از برای مترددین خالی از مخاطره نبود و نیز از رونق بازار
کاسته امر همایونی بدان شرف نفاذ یافت که بتدریج سقف بازارها را اجرا
نمایند و تیرپوش را موقوف دارند و چونکه در روب خانهای مشهد خیلی کوچک و بد ترکیب است از جانب سنی الجوانب امر شد که درهای خانها را
مانند خانهای شهرهای بزرگ پای تخت بلند و عالی بنا کنند و در هر یک
ممکن است جلوخانها قرار داده بر رونق و تمیزی کوچها بیفزایند

سیونا تال فرانسوی چهل چراغی که از مفرق ریخته و نهایت استادی در او
بکار برده مشابه بقره ساخته بود تقدیم حضور مبارک نموده و با نعامی کلی مفتخر آمد
مقرر گشت آن چهل چراغ را با لاله های کار مشهد که کمال امتیاز را داشت
پیشکش چراغخانه مبارکه حضرت سازند

نوزدهم شهر صفر و ششم ورود موکب مسعود

درین روز جناب میرزا هدایت الله امام جمعه و حاجی ملا عبد الکریم واعظ
و سایر علماء مشهد بحضور مهر ظهور مشرف شده مورد توجهات خاص و
مراحم حضرت شاهنشاهی شدند و هنگام ظهر شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله را
امر و مقرر شد که تشریف برده مجلس فاتحه مرحوم سپهسالار را ختم نمایند
اقارب و بازماندگان آنمرحوم که در مشهد مقدس شرف حضور داشتند
مانند حاجی شریف خان بکلربکی و سلطان احمد میرزای عضد الدوله و سلطان
محمد میرزای پسر مغفری الیه و مصطفی خان امیر تومان شرفاندوز خاکپای
مبارک شده از الطاف مرحمت اتصاف همایون مفتخر و امیدوار گردیدند
رئوسای ترکمه یموت و کوکلان و غیره که بعزم عتبه بوسی و زیارت خاکپای

همایون آمده بودند بتوسط ظهیرالدوله بدین سعادت عظمی فیض یاب و برسمای
گشتند دو ساعت بغروب مانده حضرت فلک رفعت همایونی بفیض زیارت
مایل گشته از راه خیابان عازم کعبه مقصود گردیدند خان سوار خان هزاره
و پسر رحیم داد خان هزاره در خیابان بفرکاب بوسی مستعد آمده و هفت نفر
اسیر ترکمان تکه و یک نیزه سر که در جنگل تومان آغا دستگیر نموده بودند از لحاظ
نظر انور گذرانیده بعنایت خسروانه مفتخر شدند حضرت شاهنشاهی در دم
پیاده شده ابتداء تشریف فرمای کتابخانه مبارکه شدند و کتابهای خطی ممتاز
حضرتراکه از هر علم و فن در سالهای دراز سلاطین و خوانین و بزرگان
نیاز آستانه متبرکه کرده اند ملاحظه فرموده در خاطر مبارک خطی و افر داشتند
خاصه از زیارت قرآن مجیدی که بنا بر معروف خط مبارک حضرت ولایتمآب
صلوات الله وسلامه علیه است و نیز قرآن دیگر که از هند برسم هدیه آورده اند
و در تزیین و ترهیب او فروگذاشت نشده زیاده از حد وصف در نظر انور
جلوه گر آمد و الحق قابل هزار گونه توصیف و تمجید است بالاخره بعد از فراغت
از ملاحظه کتابها بمجدالملک امر مقرر شد که در نگاهداری و محافظت آنها

در نهایت

در نهایت دقیق و ساعی باشند و از کتابخانهٔ سرکاری باحدی برسم امانت ندهند
و مواقع ثبت هرکس کتابی برده باشد مسترد سازد و آنان را که بمطالعهٔ نسخه از
نسخ علوم احتیاج افتد بکتابخانهٔ مبارکه آمده و هرقدر بخواهند مطالعه و درک
مطلب نموده نسخه را از مکان خود حرکت ندهند چون از تنظیم و تنسیق کتابخانه
فراغت حاصل شد سرکار همایونی بزیارت فایض گردیده و نماز ظهر و عصر را
در بالای سر حضرت بگذاردند و از آنجا بکشیکخانهٔ مبارکه تشریف برده
از چای مخصوص قهوه خانهٔ مبارکه میل فرموده با میرزای ناظر و ظهیر الدوله و
مجد الملک مشغول صحبت بودند تا وقت شام و زمان خدمت خدام
و کدخدا شتن چراغ در رسید سرکار شاهنشاهی محض خلوص نیت و پاکی عقیدت
خواستند از این فیض بی بهره نمانند و مانند سایر خدام در جرگهٔ ایشان داخل صف
شده بایستادند بعضی از مقربان حضرت و اعیان دولت چون معیر الممالک
و اجودان مخصوص و آقا علی و عکاسباشی و میرزا صادق خان سررشته و دیگران
که جزء خدام سرکار فیض آثار نبودند بخدمت حاضر شدند همینکه خادم باشی چراغ ها را
روشن نموده یکیک برداشته چنانکه رسم معموله خدمه است دست بدست گرفته

بمکان خود می نهادند و سرکار همایونی نیز در کرفتن چراغ از خادمی رسانیدن
بخادم دیگر در نهایت خضوع و خشوع بدانحا تأسی داشتند تا تمام چراغها را
بگذاردند و هریک شمعی روشن در دست کرفته ردیف یکدیگر بایستادند خطیب باشی
خطبه غرا با مهابت و شوکت تمام باسم مبارک حضرت امام و شاهنشاه اسلام
تقریر نمود بعد از ادای خطبه یکبار تمام بسجده افتادند و سرکار پادشاهی نیز
در عین نیاز شکر وصول باین سعادت عظمی را در حضرت معبود بی نیاز بگذاردند
و نماز مغرب و عشا را خوانده از راه بازار مراجعت فرمودند

پیستم شهر صفر و هشتم ورود حضرت شاهنشاهی بارض عرش منزلت

از آنجا که امروز روز اربعین بود و جز سوکواری و تعزیت داری را
نمیشایست سرکار همایون شاهنشاهی نیز از جمیع مشاغل صرف نظر فرموده
و خاطر مبارکرا قرین تالم میداشتند و از مصائب وارده بخانواده
رسالت صلوات و سلامه علیه یاد آورده در نهایت افسرده خاطر بودند
و محض اینکه مردم با آسودکی و فراغت مشغول زیارت و دعاکوئی باشند

بحاجب الدوله مقرر شد که صحن مقدس را فورق بکنند و خادمان حرم
سلطنت نیز خود را امروز از فیض زیارت محروم دارند تا تمام روز و شب
مخصوص فیض یابی عامه باشد وچون فساد و شرارت و خیانت ترکمانان
که بدست خانسوار خان گرفتار گشته بودند معلوم گشت و محقق شد که
از جمله قطاع الطریق بودند و مال و جان مسلمین را حلال و مباح میدانستند
برحسب امر شاهنشاهانه ایشان را در بالاخیابان که محل ازدحام خلق بود
بپاداش عمل خود رسانیدند تا عبرت دیگران شود و تشفیه قلب مسلمانان گردد
و نیز چون یکی از اعیان مقیم مشهد مکرر در جوار روضه مطهره مرتکب شرب شده
و از جاده شرع انور تجاوز کرده و تجاهر بفسق را بجرئت مینمود امر همایونی
شرف نفاذ یافت که او را کرفته مغلولا و مقهورا بدار الخلافه برند و در میان
همکنان خفت دهند تا دیگری بدین نحو برخلاف شرع انور و حرمت
امام اطهر جسارت ننماید

بیست و یکم شهر صفر و نهم ورود موکب نصرت اثر

چون یکساعت از روز برآمد اعلیحضرت شاهنشاهی بر اورنگ پادشاهی

جلوس فرموده و خاصان و نزدیکان درباری بار حضور یافتند میرزا محمد رضای
مستوفی وزیر خراسان برحسب امر علیه آحاد و افراد خدام و چاکران مخصوص
شاهنشاهزاده اعظم را از سان حضور مهر لمعان همایون گذرانیده آنان که
بواسطه معقولیت و درستی و نجابت و اصالت متوجب این سعادت و شایسته
این خدمت بودند مورد مرحمت و عطوفت ملوکانه گشتند و آنها که جز این معنی از
ناصیه و رفتارشان مشهود بود بذلت معزولی گرفتار آمدند چون از سان
فراغت حاصل شد پسر وکیل طبس و امیر حسنعلی خان خافی و برادرش که مدتی
بود از خراسان فراری و بصفحات هرات و آنسامان متواری شده بودند
بتوسط ظهیر الدوله بحضور عطوفت دستور مشرف شده و از تلطفات
ملوکانه خرسند و نهال آمالشان برومند گردیده با امیدواری تمام متعهد
خدمت و چاکری شدند و هم درین روز مرتضی خان قوللر آقاسی باشی برادر
مرحوم سپهسالار که از دار الخلافه الباهره بعزم زیارت رکاب همایون آمده
بود بدین سعادت مستسعد گشته از عواطف ملوکانه کامیاب گردید و سرکار
همایون چهار ساعت بغروب مانده بملاقات علیا حضرت علیه عالیه مهد علیا

وستر کبری تشریف فرما گشته و از آنجا بزیارت آستان عرش نشان مشرف شده
و هنگام مغرب بدیوانخانه همایونی معاودت فرمودند و از آنجا که هوای
شهر فی الجمله از حد اعتدال بیرون و حرارتش افزون شده بود و اینمعنی باعث
زحمت وجود مسعود گردیده میل خاطر مبارک بر آن شد که چند روزی بجهة
تغییر آب و هوا بسمت ییلاق گلستان تشریف فرما شوند پس حاجب الدوله را
امر و مقرر شد که خیمه و خرگاه مختصری بدانسوی فرستد و معدود قلیلی از
چاکران دربار سپهر نشان را اعلام دهد که در این سفر ملتزم رکاب مهر لمعان گردند
و وزراء و اعاظم چون امین الدوله و دبیر الملک و معیر الممالک و امین الملک
و سرکردگان افواج و غیره را از این سفر معاف دارد که در شهر مشغول دعاگوئی
وجود مبارک و انجام خدمات محوله باشند و هم آقا رضای عکاسباشی را مقرر گشت
که در ایام غیبت وجود مسعود همایون مشغول برداشتن عکس حرم محترم و صحون
و عمارات مقدسه باشد مقرب الخاقان مشار الیه نیز بموجب امر خسروانه بدینخدمت
اشتغال ورزیده از هر مکانی که ممکن بود صفحه عکسی نیکو برداشت که
مقبول خاطر مبارک ملوکانه گشت

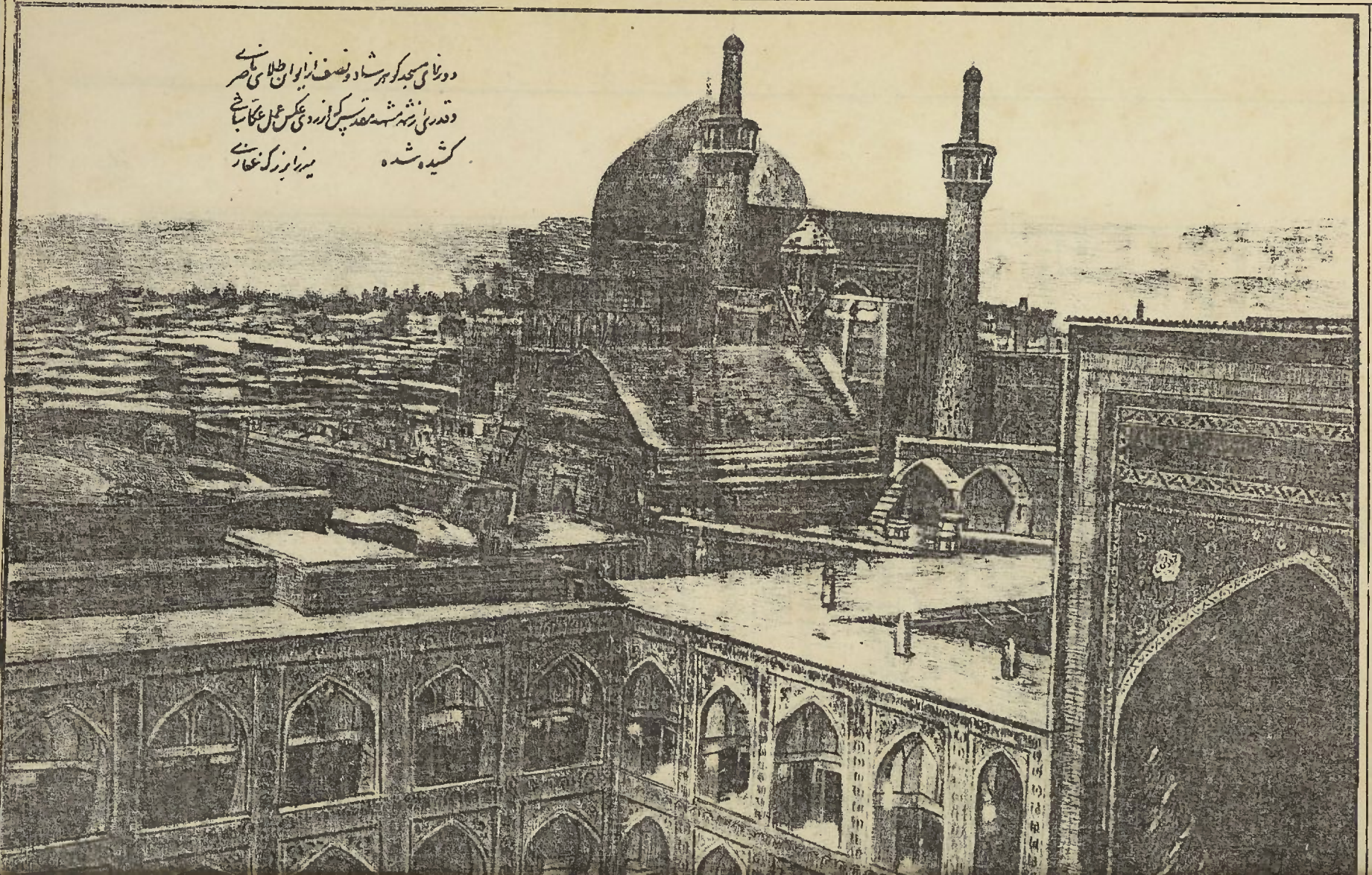

دورنمای مسجد گوهرشاد و نصف از ایوان طلای ناصری
و قدری از شهر مشهد مقدس که از روی عکس عمل عکاسباشی
کشیده شده میرزا بزرگ غفاری

بیست و دوم شهر صفر و تشریف فرمائی شاهنشاه معدلت گستر به ییلاق کلستان

چون هنگام صبح و طلوع آفتاب جهانتاب در رسید حضرت خسروانی
با لباس سواری بدیوانخانه مبارکه تشریف فرما گشته ظهیر الدوله و اعتضاد الدوله
و معیر الممالک بحضور مبارک تشرف جسته و از احکام و فرمایشات ملوکانه
مفتخر و مباهی گشتند و ذات والاصفات شاهنشاهی با سب کهر پیشکشی
عماد الدوله نشسته از دروازه ارک بیرون رفته از جاده دروازه نوغان رو
بمغرب توجه فرمودند اندکی گذشته محض اجتناب از حرارت و سورت هوا
از اسب بزیر آمده بدرشکه نشستند و اعتضاد الدوله تا یکفرسنگی از شهر گذشته
ملتزم رکاب بوده از آنجا رخصت انصراف یافت و حکیمباشی طلزان و
اجودان مخصوص در کنار کالسکه مشغول خواندن و ترجمه و عرض روزنامجات
فرانسوی و اخبار دول خارجه شدند تا موکب مسعود از کردنه مختصر کوچکی که
در نزدیکی کلستان است عبور فرموده وارد کلستان شده و در سراپرده مبارکه
که در مکانی با صفا برپای کرده بودند نزول اجلال فرمودند و صرف نهار کردند

بالاخره

باستراحت مشغول شدند دو ساعت بعد از آن تمام اهالی حرم خانه مبارکه از شهر
رسیده در سراپردها و خیام خویش فرود آمدند

از گلستان تا شهر سه فرسنگ است و این قریه مشتمل است بر چهل خانوار رعیت
و رودخانه آبی و باغات مشجر بسیار که در آنها از هر گونه فواکه بیشمار است
و هوای آن در لطافت و نیکوئی معروف و مشهور است ولی از آنجا که
در سر راه عابرین واقع است و منزلگاه قوافل است فی الجمله ناتمیز است
در طرف دست راست جاده گلستان قریهٔ معظمی است موسوم بآب کوه
که از جملهٔ موقوفهٔ حضرت فیض آثار است

چهارشنبه بیست و سیم شهر صفر و توقف اردوی مظفر در ییلاق گلستان

درین روز سرکار همایون شاهنشاهی بملاحظه سیاحت و تفرج جاغرق
بهنگام صبح امر بسواری نمودند و خود بر اسب غزل دیوزاد نشسته و کنار
رودخانه گلستان را بنظر آورده بسمت بالای رود توجه فرمودند و چون قدری
از راه طی شد بواسطه دهاقین معلوم گشت که این راه منتهی میگردد بقریه بار

المتعلق

که متعلق است باولاد میرزا حسینعلی زغنه و جاده جاغرق بغیر از این است
پس دهقانی برسم بلدی بجلو افتاده و موکب همایون از کردنه گذشت بدرهٔ
درود جاغرق رسیدند طرقه به و عنبران منظور نظر مبارک گشته و از آنجا بقریه
جاغرق تشریف فرما شدند و یکفرسنگ و نیم از جاغرق گذشتند در شبدرزاری
که درختان قوی و هوائی نیکو داشت فرود آمدند و پس از صرف نهار محقق بخواندن
کتاب روزنامهٔ همایون مأمور شد و شاهنشاه باستراحت مشغول گشتند سه ساعت و
نیم بغروب مانده بعد از صرف عصرانه و چای سوار شدند محمد خان کنه بلیسهٔ
بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید که در یکفرسنگی گلستان شکار قوچ و میش
دیده اند چون وقت از برای اینکار کافی نبود سرکار همایون قرار تشریف فرمائی
شکار را بروز بعد موقوف داشتند و از همان راهی که تشریف آورده بودند
بطرف منزل معاودت فرمودند و از قریهٔ عنبران گذشته دست چپ راهی بود
بدان راه متوجه شده از سمت بالای طرقه به عبور نموده و از وسط قریه گلستان
گذشته وارد سراپرده همایونی شدند دو ساعت از شب گذشته قورق بشکسته
و خواص چاکران از زیارت حضور مبارک بهره یاب گشتند محمد تقی خان

پیشخدمت افشار قدری از اشعار تذکره حاجی لطفعلی بیک معروض داشت و
بمیرشکار امر شد که در اول روز با شکارچیان بتفحص و تجسس شکار رفته اخبار نموده
منتظر تشریف فرمائی سرکار پادشاهی باشند و آقا یوسف نایب سرایدار
در حضور آتش بازی بسیار از فرنگی وغیره روشن کرده و حضرت خسروانی بآرامگاه
ملوکانه تشریف برده آقا محمد علی نقیب الممالک که در فن سخنوری و نقالی مهارتی
تام دارد برسم هر شب خاطر مبارک را باستماع حکایات شیرین و روایات
دلنشین مشغول داشت **طرقه به و عنبران** که هر دو قرائی معمور و آباد اند
متعلق اند بمحمد رضا خان برادر ظهیر الدوله قریهٔ جاغراق ازین دو آبادتر است و دارو
عمارات عالیه و اماکن مسکونه ممتاز بسیار است خاک این دهات تماما سیاه
و آبهای ایشان ناگوار و غلیظ است و جز ماهیان سیاه ناماکول تربیت
نمیکند ولی بحسب فواکه این بلوک نیز مانند سایر بلوک خراسان معروف است
و در هر دره و قریهٔ جنگلها و باغات از اشجار میوجات نیکو چون گیلاس و آلو بالو
وغیره بحدیست که بوصف نمی آید و از جمله حاصل این دهات موسیر است که
بسیار خوب میشود و آبدار باشی برحسب الامر سینه بمقدار کثیری از آن میوه اخذ نموده

که در سرکه

که در سر که بپرورانده و هنگام شام و نهار حاضر کنند

روز پنجشنبه بیست و چهارم شهر صفر المظفر

چون ساعت از روز برآمد فرستاده از نزد مصطفی قلیخان امیر شکار آمده معروض داشت که هنوز شکاری نیافته و گمان آن است که یافت نشود سرکار همایونی نیز قصد شکار را موقوف داشته و تفنناً طرح دورنمای جلگه گلستان که در نظر مبارک پسندیده آمده بود مشغول گشته و در اندک مدت دو صفحه دورنما از صفحه خاطر جهان نما بصفحه سفید انتقال دادند بطوری آن جلگه و دره وسیع را در آن سطح نمودند که هر کس او را ملاحظه نماید از تماشای گلستان مستغنی خواهد بود مقارن آن زمان چاپاران خلافه در رسیدند و عرایض مستوفی الممالک اعظم و مطالب دولتی از خارجه و داخله از لحاظ انور گذشته جواب هریک بدستخط مبارک موشح گشته و باز فرستاده شد بهنگام عصر میر شکار معروض داشت که هر قدر درین جبال تجسس نمودم از شکار اثاری نیافتم لهذا ساعت بغروب مانده قورق شد

روز جمعه بیست و پنجم و آخر توقف موکب منصور در گلستان

خدیو گردون اقتدار در اول روز که خورشید تابان از کنار افق نمود ار گشت
بعزم تفنن دره بار کمر خسروانی استوار بسته و باریافتگان مخصوص دربار را
امر بسواری و التزام رکاب نصرت شعار فرمودند چون ملتزمین حاضر گشتند
اسب کهر احمد خانی از سواری ذات والاصفات همایونی ممتاز آمده چون
شیرغران راه دره بار و آن سامان پیش گرفت و چون راه امروز که صفای
آن در حقیقت از حد وصف بیرون است بنحوی بود که در طرفین جاده اشجار
بار دار و بی بار از قبیل زردآلو و گیلاس و چنار و سپیدار وغیره شاخ
بر شاخ یکدیگر نهاده و سایه افکن جاده شده بودند و معبریکه از زیر آنها بود مانند
خیابان باغهای عالی در نهایت تمیز و بی گرد و غبار بود چنانکه با وجود جمعیت
ملتزمین رکاب ابداً غباری تصاعد نداشت و بدینواسطه خاطر مبارک قرین مسرت
و انبساط بود و با میرزا هاشم خان امین خلوت و دیگران صحبتهای نیکو و مفرح
میداشتند تا از قریه کلاغی که در وسط راه بود گذشته در سایه بیدستان فرود
آمدند بعد از صرف نهار میرشکار را مقرر داشته که از جلو رفته در جبال اطراف
در جستجوی شکار باشد و خود سرکار پادشاهی از قریه بارگذشته بپای کردنه صعب

سختی رسیدند جمیع سواران را در پای کردنه گذاشته و با امین خلوت و مهدی
قلیخان و آقا علی کرجی و آبدارباشی و با چند نفر تفنگدار از بالای کردنه بتشریف
فرما شدند در اینجا راه کوه منشعب بدو شعبه میشد و معلوم نبود که میرشکار
از کدام سمت رفته پس سرکار پادشاهی پیاده شده و اندکی از فواکه
میل فرموده از بالای دره بسمت منزل معاودت فرمودند و در قریه کلاغی
نماز گذارده چای میل نموده تشریف فرمای اردوی مبارکه شدند
انانکه در پای کردنه مانده بودند ساعتی بعد بارد و ملحق شدند میرشکار نیز
معاودت نموده شکاری نیافته بود از گلستان به بار پنجفرسنگ است
و جمیع این راه دو خیابانی است مسقف از اشجار پرثمر و گلهای ملمع و درختان
ارغوان جنگلی و سنگهای اطراف دره اغلب سنگ سماق است در وسط
جاده تا بارجر قریه کلاغی دهی نیست

شنبه نهم بیست و ششم و بازگشت اردوی کیوان پوی از ییلاق گلستان بشهر مشهد

در این روز که روز کوچ بود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زودتر از سایرین

سوار شده بسر بند گلستان تشریف فرما گشتند و در آنجا پیاده شده بدقت
بند مزبور را سیاحت فرموده و بکالسکه نشسته بسمت شهر عطف عنان نمودند
سمت السیر جاده دهی موسوم بقاسم آباد و باغی بنظر مبارک آمده بدان جانب
توجه فرمودند که شاید سزاوار توقف موقتی باشد و چون لایق استعداد
بدین مشرف نبود از فرود شدن در او صرف نظر کرده باغ و قلعهٔ امامیه
مرحوم امام جمعه که در نهایت باصفا بود نهار گاه همایونی گشته پنجساعت
بغروب مانده امین الدوله و ظهیر الدوله و دبیر الملک و سایر وزرا و اعیان
در درب دروازه ارک بزیارت رکاب قمر امشاب مشرف شده بعواطف
ملوکانه مفتخر و مباهی گشتند پس از ورود بعمارت مبارکه چاپاردار الخلافه در رسید
و عرایض مستوفی الممالک و سایر وزرا ملحوظ نظر مبارک گشت هنگام
غروب برنهج معمول فورق شد و خادمان حرم جلالت بزیارت خاکپای
همایون تشرف یافته بند گلستان بندی در نهایت محکم و استوار است
که تمام آنرا با آجر و گچ و آهک در زمان قدیم بنا کرده اند و در پهلوی بند چاهی است
مشتمل بر پله های متعدد که در انتهای آن زیر آب بند است آب این بند

ازجمله موقوفات حضرت رضوی علیه السلام است وطرق وغیره ازان
مشروب میکردد

بیست وهشتم شهر صفر وچهاردهم ورود موکب نصرت اثر بارض اقدس

دراین روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی تمام اوقات شریف را
ازصبح الی شام بغور رسی امورات دولتی وصدور اوامر ونواهی مصروف
داشتند ابتدا ظهیر الدوله ومیرزا محمد رضای وزیر کتابچه جمع وخرج خراسان را
بعرض حضور مبارک رسانیده واعلیحضرت شاهنشاهی یکان یکان درمفرد
ومن ذلک آن توجه نموده مخارج بیمصرفه را نقصان داده ومصارف لازمه را
فزودند تا جمع وخرج یکسان کشت وحصول اینمعنی کاری درنهایت صعب و
دشوار بود زیرا که درسوابق ایام همه ساله رسم برآن بود که مبالغی خطیر از خزانه عامره
ازبرای کسر جمع خراسان ومصارف قشونی آن سامان حمل میدادند ودراین کتابچه
جدید باوجود انکه برمواجب ومرسوم اغلبی ازاهالی عسکریه افزوده کشت میزان
جمع وخرج مساوی آمده ومبلغی جمع برخرج فاضل آمده مقرر کشت که حاکم خراسان

از قرار قسط بدار الخلافة الباهره فرستند چون از این امر خطیر فراغت حاصل
گشت محمد حسین خان مامور بکلات گشت و در انتظام امور سواره هزاره و از اسفراین
احکام خسروانه شرف صدور یافته یوسف خان هزاره و پسر او که در اسفراین
مرتکب بی حسابی و بی نظمی و در انتظام امور سوار و رساندن مواجب و مرسوم ایشان
بی مبالاتی کرده بود مورد غضب و سخط ملوکانه شده از شغل و منصب خود
معزول گشته بتنبیه و تادیب شدند و محمد خان هزاره که براستی و درستی موصوف
بود بایل بیگی گری ایل هزاره مامور و سرافراز آمد و هم درین روز حیدر قلیخان
سهام الدوله که بر ترکمانان تاخته بود شصت نفر اسیر و سی نیزه سر و گوسفندی
بیرون از حساب و مر مصحوب سواران و کسان خویش به پیشگاه حضور عطوفت
دستور فرستاده الطاف مهر اتصاف همایونی شامل حال وی شده
بصدور فرمان و احکام قضا جریان و خلعت آفتاب نشان بر شان و مرتبه اش
بیفزودند و نیز فرستادگان حکام کرمان و طبس تهنیت ورود موکب مسعود را
پیشکشهای لایقه از شالهای اعلی و نقود و سایر اقمشه آن ولایات تقدیم
نموده مورد مراحم خسروانی گشته یکساعت بغروب مانده از امورات مزبوره

فراغت حاصل

فراغت حاصل شده و اعلیحضرت شاهنشاهی شکرانه نعمات الهی را در آستان
عرش نشان حضرت سلطان امامت و اخیر برج خلافت بجای آورده بمآ
مغرب وعشا گذارده بارک مبارکه معاودت فرمودند

بیست و هشتم صفر و پانزدهم توقف مشهد مقدس

درین روز چاپاردار الخلافه در رسید و عرایض وزارت علوم و وزارت عدلیه اعظم
و وزیر امور خارجه را در آستان مهر نشان تبلیغ نموده از قرار یکه میرزا بزرگ
خان کارپرداز دولت علیه مقیم بغداد بوزارت امور خارجه اطلاع داده بود
علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه همایونی که حامل خشتهای طلا از برای
امامین همامین عسکریین علیهما السلام بود در پانزدهم شهر محرم الحرام بشهر بغداد
وارد گشته و از جانب حکومت بغداد و کارپرداز خانه دولت علیه و علما
و تجار و تبعهٔ ایندولت قوی شوکت در تشریفات ورود خان معظم الیه و رعایت
احترام هدایای شاهنشاه ایران کمال اهتمام و دقت را مرعی داشته در تسریع
استقبال از هیچ چیز فروگذاشت نکرده اند بنحویکه تاکنون دران صفحات عالی
برکات چنین تشریفات و پذیرائی از برای احدی صورت تمشیر نپذیرفته

با لاخره سرکار اقدس شاهنشاهی باوجود شدت حرارت و گرمی هوا که اسباب زحمت وجود مبارک همایون بود تا هنگام عصر بمطالعهٔ عرایض وزراء و صدور احکام اشتغال داشتند

بیست و نهم شهر صفر و شانزدهم ورود بارض اقدس

سرکار اقدس همایون شاهنشاهی درین روز اول صبح بصدور بقیهٔ احکام مشغول گشته امر برجعت دادن مسرعان فرمودند بهنگام ظهر چاپاران دیگر از دارالخلافه و استرابا د در رسیدند و نوشتجات ایشان متضمن عرض وقایع و حوادث چند بود از جمله از استرابا د معروض داشته بودند که مراد نامی از افاغنه که بهنیرنج و شعبده بازی متصف است در میان طایفه ضالهٔ جعفربای با دیدگشته و بعضی شعبده و نیرنجات این بی عقلان وحشی را فریفته و بگمان انداخته است که مگر پیغمبر است و اطاعت او لازم و بهمین واسطه بلقب ایشانی که لقب پیشوایان ترکمان است معروف گشته و خلقی انبوه بر دور خود گرد کرده در آن نواحی بنای طغیان و شرارت و تاخت و تاز گذارده اند و نیز از سرحد مکری و لاهیجان معروض افتاده بود که حمزه آقای شکور بلباس که یکی از اشرار است

غفلتا تاخت آورده از ایل قراپاپاق بسیاری را کشته و زخم دار نموده و سر دشت
و یک دو قریه دیگر را غارت کرده بخاک روم گریخته و هم از عربستان و خوزستان
بعرض رسانیده بودند که مرضی مشابه طاعون در صفحات محمره و بصره و نهر هندیه
ظاهر گشته و اسباب اتلاف و وحشت مردم شد بالجمله از این اخبار خاطر مبارک حضرت
خسرو کامکار متألم و متأثر گشته دستخطهای متعدده و احکام شدیده بافتخار
مستوفی الممالک و سردار و دیگر وزراء شرف صدور یافت که در علاج این
وقایع و حوادث ساعی و جاهد باشند ملک آرا حکمران استراباد را سواره و
پیادهٔ زیاد باعانت فرستند و حمزه آقا را از حکام و سرحدداران دولت
علیه عثمانیه مطالبه دارند و بحشمة الدوله حمزه میرزا فرمانفرمای خوزستان
و بختیاری و غیره اعلام سازند که هرگاه خدای ناخواسته این مرض
بداخله مملکت سرایت نماید در جمع آوری اطباء و بذل دوا و رعایت حفظ صحت
و التفات و احسان بلشکری و رعیت خودداری ننمایند و حقیقت این مرض
وافده را بعرض رسانند و چون ذات والاصفات همایون را از صدور این
احکام فراغتی حاصل شد بزیارت آستان عرش نشان مشرف گشته و ساعتی منفردا

در آن بقعهٔ منوره بنماز و عرض نیاز مشغول بودند چون از حرم مطهر بیرون
تشریف آوردند با کمال بشاشت و خرمی با قوت قلبی که مخصوص این وجود
مبارک است بعمارات مبارکات رجعت فرمودند

سلخ شهر صفر و روز هفدهم توقف حضرت پادشاهی در مشهد مقدس

درین روز خاطر مبارک بتفرج خارج شهر و فاتحه مزار خواجه ربیع علیه الرحمه
مایل گشته در اول صبح بعد از تشریف فرمائی بحمام سوار شدند ابتدا بباغ
سمرقند که باغی نیکو و از موقوفات حضرت فیض آثار است شرف ورود
ارزانی داشتند و در آن باغ صرف نهار فرموده بخواجه ربیع تشریف برده
بعد از فاتحه حکم بتعمیر عمارات آن بقعه که هم مدفن مرحوم فتحعلی خان قاجار جد
حضرت شاهنشاهی است اندک وقتی استراحت نموده چای و عصرانه میل کرده
و بدبیر الملک که وکالت استراباد محوّل و مرجوع بدو بود برخی فرمایشات
لازمه را مقرر داشتند که با سواری مخصوص بملک آرا اطلاع دهد و بعد بکالسکه
نشسته از دروازه نوغان داخل شهر گشته و از میان شهر بارک مبارکه مراجعت

خواجه ربیع از تابعین و اخلاص کیش حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده و از اقران و امثال اویس قرنی و هرم بن حیان و طاهر بن عبد قیس بوده فضایل او بسیار است از جانب حضرت امیر المؤمنین ع در ری و عراق ریاست لشکر عرب متعلق باو بوده در جنگ صفین با چهار هزار مرد جنگی از ری بامداد حضرت بکوفه رفته و کمال جان فشانی نموده قبر شریفش در کنار رودخانه طوس واقع است در بعضی کتب مسطور است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه و علی آله التحیة و الثنا وقتی که با مامون عباسی بطوس رسیدند مکرر قبر او را زیارت فرمودند و این دلیل بزرگیست بر بزرگی قدر و جلالت شان او والعلم عند الله

فرمودند

فرمودند در اینوقت اعتضاد الدوله بحضور مبارک آمده معروض داشت
که ایشان ملعون با ترکمانان بسمت آق قلعه تاخته و با ملک آرا جنگی در انداخته
جناب حاجی ملا رضای رئیس العلماء در آن جنگ بدرجه شهادت فایز گشته
و خود ملک آرا با معدودی قلیلی در خانه آدینه خان که از خدمتگذاران دولت است
متحصن گشته و محمد میرزای پسر نواب معظم الیه را جراحتی از شمشیر و گلوله رسیده
خاطر همایونی از این خبر برآشفته و قلع و قمع طایفه ضاله را بر ذمه همت والا
گرفته باعتضاد الدوله مقرر داشتند که با چاپاران سریع السیر بمازندران و حوالی
آن صفحات اعلام دهد و احکام صادر نماید که عساکر منصوره در استرآباد
جمع آیند و چون جمعیت ملک آرا اندک بود و ترکمانان زیاده از شش هفت
هزار و تا رسیدن لشکر مدتی لازم بود سرکار پادشاهی خبر فتح ملک آرا
و استخلاص نواب معظم الیه را از آن بلیه عظیم از خداوند خواستار شدند
دو ساعت از شب رفته چاپاری از دار الخلافه در رسید که سه روزه طی این
منازل نموده و حامل عرایض مستوفی الممالک و سردار و مژده فتح ملک آرا
و کشته شدن ایشان ترکمان بود حاجی آغا یوسف خواجه باشی این مژده را

در حرمخانه مبارکه بعرض عاکفان حضور عطوفت دستور رسانیده باعطای
خلعتی فاخر طلعت و پانصد تومان انعام مفتخر و بهره ور گردید

از قراریکه ازدار الخلافه و استراباد بعرض آستان مبارک رسانیده بودند
تفصیل این حادثه و وقوع جنگ و گرفتاری ملک آرا و شهادت مرحوم رئیس
و کشتن ملک آرا ایشان بدنشانرا بدین نحو است که چون در اوقات
توقف ملک آرا آنحوالی و صفحات در نهایت امن و امان بود و مدتها از طوایف
مختلفه ترکمان سوء ادبی ملاحظه نشده ملک آرا فوج لاریجانی که مدتها بود
مقیم آق قلعه بود مرخص خانه کرده و مصطفی قلیخان میرپنج قراگوزلو را بجای ایشان
مامور نموده بود و فوج طهران و عبد الرزاق خان سرهنگ را بگوهبار روانه داشته
و خود با سیصد سوار خواجه وند و سوار کتول و صدم رستاقی در داخل شهر توقف
داشت در هفدهم صفر مصطفی قلیخان میرپنج و حسینعلی خان شیخ که یکی از سرکردگان
از آق قلعه سواری نزد ملک آرا فرستاده اعلام میدهند که ایشان ترکمان
با سیصد سوار قراچی و چاروای اترکی از برای آق قلعه حرکت کرده در آق
زبیل که محل تلاقی دو رود خانه و تا آق قلعه سه فرسنگ است فرود شده اند

و از برای قلعه کیان آذوقه چند روزه لازم است تا هرگاه ایشان بدنشان
بدیشان تازد خودداری توانند نمود چون این خبر معروض ملک آرا گردید
فورا یکصد بار آذوقه از آرد و جو و برنج وغیره مهیا ساخته و از آنجا که صاحب منصبی
کاردان و باشان در خدمت نداشت خود یکصد نفر از سوار خواجه وند و صد کتول
و صد دیگر از پیاده صدم رستاقی همراه گرفته بسمت آق قلعه عازم گشت تا با لشکریان
آذوقه رساند و هم آنها را از آسیب ترکمان محفوظ دارد هنگامی که از پل سیاه آب
گذشته بجلگه رسید سواری از جانب قلعه کیان آمده اظهار داشت که ایشان ترکمان
از اُلُم جعفربای گذشته و بالُم حاجی آقا که در نیم فرسنگی آق قلعه است نزول کرده اند
ملک آرا ببالای تپه که بنرگس تپه موسوم است برآمده با دوربین سواری زیاد ملاحظه
نمود که بآق قلعه نزدیک شده اند پس در همانجا توقف نموده سواری بشهر فرستاده
از جناب رئیس توپ و امداد طلب نمود هنوز اندکی نگذشته که سواران ترکمان
بیکدفعه اسب انداز بر سر آق قلعه تاختند مصطفی قلیخان میرپنج و حسینعلیخان شیخ
بباره قلعه برآمده با گلوله و ساچمه توپ سوارانرا باز پس نشانده و سه نفر از ایشانرا
هدف گلوله توپ ساختند سواران بیکدفعه از دور قلعه پراکنده و منهدم شدند

و پیاده بنزد ملک آرا معروض داشت که ایشان و ترکمانان فرار بمیان ایل
دار شدند صحرا و اطراف قلعه را بگذاشتند ساعتی بر نیامد که جناب رئیس با یک
عراده توپ و چهار صد نفر شهری بسواران ملک آرا ملحق گشتند نواب معظم الیه
چون دشمن را فراری دید و میدان را خالی یافت جمعیت شهری را رجعت داده یک عراده
توپ را همراه گرفته از جناب رئیس نیز ملتمس شدند که بشهر رجعت فرمایند آنجناب
بدین معنی رضا نداده خود با معدودی قلیل بهمراه ملک آرا بقلعه در آمدند و آذوقه را
در میان لشکریان تقسیم نموده توپچیان را بانعامی شایان بنواختند صبح بیست و
یکم سه نفر ترکمان بنزدیک قلعه آمده و مذکور داشتند که ایشان ترکمان با هزار سوار
بسرخ کلاده عبد الصمد خان تاخته برادران عبد الصمد خان را مقتول نموده پسر او را
با چهل نفر از دهاقین اسیر کرده با اغنام بسیار در شُرف مراجعت اند ملک آرا
فوراً با سواران خود و چهار صد سرباز از قلعه بیرون آمده خواستند تا سر راه بر خصم
بگیرند و اسیران را مسترد سازند هنوز ملک آرا بکنار رود نرسیده معلوم کردند که ترکمان
از یلم رد شده و از پشت سلطان دُوِین گذشته اند ملک آرا را از تعاقب
ایشان یاس حاصل گشت و عبد الصمد خان و سواره مقصود لو را بخانهای خود فرستاده

و در کمال افسردگی بجای آنکه بشهر رود دوباره بآق قلعه رجعت نمود و شب را
در قلعه بماندند صبح پست دوم خبر آمد که ترکمان در داراجق بسقو کرده اند
و نواب ملک آرا هر قدر باد و بین باطراف ملاحظه نمود آثاری از ایشان
نیافت و چون رجعت بشهر لازم بود کریم خان ترکمانرا از برای تحقیق حال
از دشمن و تعیین مکان ایشان مامور داشت کریم خان در مراجعت بر خلاف
امانت و دیانت مذکور نمود که ترکمانان بمکان و منازل خویش شده اند و ملک
صد سوار ایشان بقراولی مانده است ملک آرا بدین حرف مطمئن گشته بصنوبر
جناب رئیس با دویست سوار و دویست پیاده و از آق قلعه بیرون آمده راه شهر
پیش گرفتند هنوز دو هزار قدم از آق قلعه دور نشده بودند که ناگاه سواران
بسقو کرده از هر طرف بیست نفر سی نفر بیرون آمده اطراف ملک آرا را احاطه
نمودند مصطفی قلیخان میرپنج از بالای بارهٔ قلعه کثرت سواران دشمن را ملاحظه نموده
شتابور رجعت زد جناب رئیس پیاده شمشیر در دست گرفته برجعت رضا نداده
شروع بجهاد نموده و هر قدر خواستند او را سوار نمایند قبول نکرده و چون شیر
غران بر آن دشمنان اسلام حمله داد در حوالی نرکس پته تعداد سواران دشمن بسه هزار

رسید و کار بر مسلمانان تنگ شد در آن هنگام آدینه خان با پنجاه غلام ترکمان
در رسید و ملک آرا را بمتحصن شدن در خانه خود که در هزار قدمی نرکس تپه واقع است
ترغیب و تحریص نمود درین حین جنگ در افتاد و شاهزاده جز رفتن بخانه آدینه خان
چاره نیافت پس خود شمشیر کشیده از مقدم سپاه جنگ کنان بسمت خانه روان
شد و در کنار خندق بایستاد تا تمام سپاه بخانه اندر شده در قلعه را بسته
متحصن گشتند و معلوم گشت که جناب حاجی ملا رضا در آن گیرودار بشربت
شهادت فایز گشته و پسر نواب معظم الیه زخمی منکر برداشته و ملا محمد نصرآبادی
اسیر و پانزده نفر از سایر سواران شهید و زخمدار شده اند بالاخره نعش
مرحوم آخوند را از میان دشمن بیرون آورده و تمامی در درون قلعه رفته
از پشت دیوار قلعه بنای تیراندازی گذاشتند معدود کثری از سواران ترکمان
به نیران شتافتند و دیگران سر از جنگ برتافته بسمت نرکس تپه شدند
و چون در آنحالت ماندن امری در نهایت صعب بود محمود خان قاجار داوطلب
شد که یک تنه بشهر رود و جمعی از اهل شهر باعانت و کمک با خود آرد ملک آرا
اگرچه این معنی را بیفایده میدانست ولی محض قوت قلب قلعه گیان محمود خان را

بشهر گذارد

بشهر کسیل نمود و آن سوار دلیر در کمال جلدی و چالاکی خود را بشهر رسانده مردم را
از این واقعه عظمی اطلاع داد درین بین هنگام شام در رسید ملک اراد و سمت
از داخل خانه را بنوروزخان و نصیرخان کتول و سمتی را بمحمد میرزا سپرده خود بتیز
در سمت مقابل نشسته مشغول محاربت شدند ترکمانان جبور در ان ظلمت
شب بهیئت اجتماع بخانه آدینه خان یورش بردند و دلیران و شجعان اسلام
همچنان سخت بایستاده از هر طرف ایشان را بهدف گلوله ساختند تا جمعی کثیر مقتول
شدند و از آن یورش صرفه نبرده رجعت کردند و چون از غلبه مایوس شدند
آدینه خان را خواسته قرار بر صلح گذاشتند و از ملک آراد رخواست کردند که مبلغ
شش هزار تومان از بابت خون شصت نفر ترکمان مقتول بکسان ایشان بدهد
و یکصد طاقه شال بصد نفر سرکردگان ترکمان برسم خلعت عطا نموده بدون
نزاع بشهر استرابادرود چون آدینه خان این خبر را معروض ملک اراد
شاهزاده محض مصلحت وقت و حفظ جان مسلمانان این مبلغ را قبول نمود
که بعد از رفتن بشهر بفرستد آدینه خان نزد ایشان رجعت نمود که امر مصالحه را
بگذراند و هنوز نگفته بود که مردم شهری از دور نمایان شدند ترکمانان چون

چنان دیدند حرف مصالحه را گذاشته یکدفعه پنج شش هزار سوار تاخته و آن
بیچاره ها را در جنگل و باطلاق محاصره نموده شش هفت نفر کشته سر بقیه را اسیر کرده
بنزد ایشان آوردند آن ملعون محض خباثت طبیعت حکم داد تا تمام آنها را
بقتل رسانند ترکمانان بدان رضا نداده گفتند از کشتن ایشان ما را فایده
متصور نیست و از غضب دستخط شاهنشاه ایران رهائی نتوانیم داشت بلکه چون اسیر
باشند از رد کردن آنها منافع کلیه خواهیم برد و راه استخلاص خواهیم داشت
اینک اینان ما را باشند و آنها که در درون قلعه بودند مخصوص تو مانند ایشان
مجبورا بدین معنی رضا داد و حرف مصالحت پیش آورد در امر مصالحه نیز طایفه
شرف و چونی که دو تیره مختلفند در قبول مصالحه با یکدیگر متنازع شدند و از در خصومت
برآمده هر طایفه بیکطرف تپه منزل گزیدند آدینه خان مراجعت نموده مراتب را
بملک آرا اظهار نمود و معروض داشت که چون شب در رسد طایفه جعفربای
یورش خواهند آورد و خود رخصت حاصل نموده بمیان آتابای رفت سه ساعت
از شب رفته جعفربای قریب هزار سوار بخانه یورش بودند و همچنان جمعی از ایشان
کشته گشته بی نیل مقصود مراجعت نمودند و از آنجا که ایشان شخصی در نهایت

مذکور و مدبر بوده اختلاف شرف و چونی را از برای خود مضر دانسته در میان
ایشان اصلاح داد و چون صبح در رسید همه متفق گشته بر سم ترکمانی بهم عهد
گشتند فاتحه خوانده خود با علم و بیدق و تمام سواران بر سر خانه تاختن کردند
ملک آرا از هر طرف مایوس گشته پناه بالطاف حضرت ذوالجلال و اقبال
شاهنشاه پهمال جسته دست از جان شسته جنگ را آماده شدند چون سواران
نزدیک شدند و چند تیر تو ب و تفنگ از جانبین رد و بدل شاهزاده محمد میرزا
علمدار ایشان را از نظر آورده با یک گلوله تفنگ بدار بوار فرستاد و علم نگونسار
گشت ایشان آستین برزده با شمشیر برهنه در مقدم سواران برای درخانه روان شدند
ملک آرا خود او را از نظر آورده گلوله بر شانه چپش زد و هم یکی از غلامان کتول
تیر دیگر بشانه دیگرش رسانده تا بر زمین خورد بناگاه ترکمانی فریاد برآورد که ایشان
بمرد و جمیع سواران از این خبر هزیمت شدند ساعتی برنیامد که خبر نعش زیاد
اثاری از آن نابکاران در آن بیابان نماند ملک آرا بسجده افتاده شکر
خداوندیگانه بجای آورده و یکساعت بعد با تمام همراهان نعش مرحوم آخوند را
برداشته بشهر استرآباد آمده و مژده این فتح و آمدن رؤسای ترکمانان را

از درج تضرع و خدمتگذاری باچاپاری مخصوص بعرض عاکفان حضور معدلت
دستور همایون رسانیده بالاخره چون سرکار شاهنشاهی از وقوع این فتح
که محض از توجه امام هدی علیهم السلام و اقبال پیروال همایون شهریاری صورت
تسپذیرفته بود خورسند و دلشاد گشته شما بدان اکتفا نفرموده و استرداد سرا
و تظلم کلیه صفحات استرابادو حدود بحر خضر و تنبیه کامل طایفه ضاله را تصمیم
عزم ملوکانه داده هم دران شب باعتضاد الدوله در اجرای این مهم فرمایشات
لازمه و تاکیدات مؤکده فرمودند

غره ربیع الاولی و هیجدهم توقف موکب همایون اعلی در آستان عرش نشان معلی

از آنجا که تولیت خاص و ریاست خدام آستان عرش اساس باختصاصیه
مخصوص ذات والاصفات همایون شاهنشاهی است بر ذمت همت ملوکانه
لازم و واجب بود که خدام آن آستان مبارک را جزو کل سان دیده
و بکتابچه جمع و خرج موقوفه آستانه امعان نظر و صرف دقت فرمایند
تا چیزی برخلاف واقع بمصرف نرسد و خادمی من غیر استحقاق بدین فیض

عفی عنه

عظمی مستعد نگردد پس در این روز از اول صبح محض اجرای این تکلیف
بزرگ که حق نایب امام و سلطان اسلام است از ارک مبارکه بیرون تشریف
آورده و تشریف فرمای آستانه مقدسه منوره شدند ابتدا بدار الشفای
جدید حضرت که از بناهای مرحوم مشیر الدوله است تشریف برده وضع باغچه ها
و حجرات مرضاء و البسه و بستر و تخت و اغذیه و ادویه جات مریضخانه مقبول
طبع ملوکانه گشته و مبلغی بخدام و مستحقین دار الشفا بر سبیل انعام احسان فرمودند
و از آنجا داخل صحن متبرکه گشته اول بزیارت آستان امامت تشرف جسته و
از آن پس برسم بازدید علمای مشهد که در دار السعاده مجتمع بودند اندکی در آنمکان
توقف فرموده و با هریک از علماء اظهار مرحمت و مکرمت نموده و از برای
صرف نهار که از کارخانه مخصوص حضرت فیض آثار آماده و مهیا ساخته بودند بکنند
الله ورد یخان تشریف بردند

اعتضاد الدوله و معیر الممالک و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و هم دیگران
از چاکران را مقرر داشتند که رقعه محض تیمن و تبرک از خوانهای نعمت حضرت
امامت که زیاده از اندازه بودند قسمت کیرند و معدودی از چاکران ادنی و اعلی

باقی نماند که در آن روز در آن آستان مبارک تعذیه ننمود حتی قسمتی از برای
بازماندگان و اقربای خویش نگرفت چون سرکار پادشاهی را از صرف نهار
فراغتی حاصل گشت بدار السعاده تشریف برده و بر کرسی تولیت و نیابت
جلوس فرموده میرزای ناظر و جناب صدر را که از جمله سادات و رؤسای قوم
اذن جلوس داده امر باحضار خدام شد مجد الملک مونسیانی از روی ثبت در سر رشته
دفتر خانه مبارکه حضرتی یکان یکان رؤسا و مرئوسین کشیک خمسه را از نظر
آفتاب اثر همایون گذرانده و معرفی نموده تا تمام از سان گذشته منظور
نظر مبارک گشت جمعی کثیر از اعاظم و رجال دولت و چاکران دربار همایونی
نیز مانند اعتضاد الدوله و معیر الممالک و اجودان مخصوص و آقا علی و حاجی محمد
صادق خان سرتیپ و عکاسباشی و امثال ایشان حتی محمد خان کنه پسه و اغلبی
از صاحبمنصبان جزو که در آستانه مقدسه حضرت سمت خدمتگذاری و خادمی
هر یک در کشیک خود از سان گذشته پس از سان کتابچه جمع و خرج آستانه
ملحوظ نظر ملوکانه گشت و در جزو کل جمع و خرج آن دقت خسروانه مصروف
آمد تا جمع که معادل پنجاه هزار تومان بود قریب شش هزار بر خرج فزونی نموده و مقرر شد

که جناب متولی باشی همه ساله اینمبلغ را باستحضار کارگذاران دیوان اعلی صرف
تعمیر عمارات و توسعه و آبادی موقوفات سازد از جمله مصارف زیاد آستانه
که خارج از قاعده بود و متروک گشت آن بود که بمرور دهور جمعی کثیر از شاهزادگان
عظام و چاکران دربار سپهر احتشام در آستانه مقدسه بخدمتی سرافراز شده
از دیوان حضرت فیض آثار مواجب و مرسوم داشتند و چون خود در سر خدمت
حاضر نبودند آنمبلغ را بنواب خویش واگذار مینمودند و در سال مبلغی گزاف بدین
اسم بخرج منظور می گشت پس سرکار همایون شاهنشاهی محض اجتناب از چنین
مصارف بیمعنی از امروز بموجب حکم صریح مقرر داشتند که من بعد هر کس محض تیمن
و تبرک و حصول افتخار دنیوی و اخروی متمنی آنست که جزء خدام آستان عرش
نشان باشد وصول بدین موهبت عظمی را فرمان افتخار حاصل کند و خود از عهده
مصارف و مخارج نایب خویش براید و اسراف در مال امام جایز ندارند تا آنچه همه ساله
بدین اسم بخرج میرفت در آینده بمصرف اوجب و الزم رسد چون ذات والا
صفات همایون از انتظام و اصلاح این امر مهم بپرداخت با امین الدوله و اعتماد
السلطنه و دبیر الملک بکتابخانه مبارکه تشریف برده بقیه کتب را ملاحظه فرموده

وراق قرآن عظیم که بخط میرزا بابای سنقراست در نظر انور زیاده از حد جلوه گر
آمده و مقرر داشته که مخصوصا بهم جا بسپارند تا هر کس از بقیه اوراق این قرآن
بیابد آورده بکتابخانه مبارکه بدهد مستحق انعام و احسان جزیل شود سه ساعت
بغروب مانده حضرت همایونی در روضه مطهره نماز گذارده تحلویخانه و کشکیخانه
و سایر اماکن آستانه مبارکه را نیز بروی دقت امعان نظر فرموده از راه بازار
بمقر سلطنت عظمی عود فرمودند و با آنکه مزاج مبارک همایونی را بواسطه اندک دردد ل
وتب کسالتی تمام بود تا شام مشغول انجام احکام دار الخلافه گشته و نزدیک شب
بخانه نواب جلال الدوله تشریف برده از آنجا بحرمخانه مبارکه رقبه یاسودند
خادمان حرم محترم شاهنشاهی که بزیارت مقبره خواجه ربیع علیه الرحمه مشرف شده
بودند هنگام مغرب بارک مبارکه رجعت نمودند آقا ابراهیم آبدارباشی که چند
روز قبل بمرض ذات الجنب مبتلا شده بود ازین مرض صعب صحت یافته و خاطر
مبارک شاهنشاهی از صحت مزاج این چنین چاکر صدیق جان نثار خورسند گشت
وهم حاجی محمد بیک خان قهوه چی باشی را که همی مطبقه تولی گشته بود حکما
واطبا سرکار پادشاهی مشغول معالجه شدند و نهایت اهتمام را در علاج او مرعی داشتند

دوم ربیع الاول و نوزدهم توقف اردوی کیوان پوی

درین روز سرکار همایون پادشاهی بواسطه بقیه کسالت مزاج روز سابق
خود را از مشرف شدن بآستانه مقدسه معاف داشته ولابا امین الملک
در برخی مطالب دولتی و مملکتی فرمایشات و احکامات لازمه فرموده بعد
قلیل غذائی تناول کرده اندک وقتی بغنودند محمد تقی خان افشار و محمد حسن خان
محقق بعرض تاریخ روضة الصفا مشغول گشتند تا سرکار پادشاهی از خواب
برخواستند و بحمد الله تعالی از برکت توجه امام علیه السلام از کسالت مزاج مبارک
همایونی آثاری نمانده بود

حکیمباشی طلزان بحضور مبارک مشرف گشته سرکار شاهنشاهی از نیکوئی و بهوائی
و اعتدال شبهای مشهد خاصه نایاب بودن جانوران موزی و قلت حشرات
الارض بحکیم اظهار تعجب و خوشوقتی میفرمودند حکیمباشی نیز از سلامت هوای
این شهر شریف در نهایت توصیف میکرد و معروض میداشت که یکی از محسنات
هوای این شهر عدم بادهای سخت سیاه کرد آلود و اعتدال کلیه هوای سبهات
و بهمین جهت یقین میتوان کرد که هر گاه جزئی مراقبت و مواظبت در تنظیف داخله

شهر نمایند اهالی آن از اغلب امراض وافده و غیر وافده مصون و محروس مانند
بالاخره حکیم باشی از روزنامجات فرانسوی بعرض حضور مبارک میرساند که خیال
و گفتگوی جنگ که سابق براین در میان دول یوروپا بر هر خیال و حرفی
سبقت داشت اکنون من حیث المجموع بگفتگوی صلح و آرامی تبدیل یافته مردم را جز هوای
تفرج بساط عرض هنر پاریس خیالی نیست و در این بساط که باصطلاح فرنگیان
اکس پزی سیان مینامند جمیع سلاطین یوروپ چون امپراطور روس و پادشاه
پروس و ولیعهد دولت انگلیس و دیگر سلاطین و پادشاهان حتی اعلیحضرت سلطان
آل عثمان نیز حاضر شده اند و از قراریکه روزنامه نویس نوشته بود مردم کمال
افسوس را داشته اند از اینکه شاهنشاه مملکت ایران بواسطه سفر خراسان نتوانسته اند
دعوت اعلیحضرت امپراطور را قبول نموده درینموقع نیک بدان صفحات تشریف
فرما شده و سیاحت فرنگستان فرمایند یکساعت بغروب مانده حکیمباشی مرخص
شد و سرکار پادشاهی بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شده آقا یوسف نایب سرای
دار را مقرر فرمودند که شب در بالای برج امین نظام که مشرف بعمارات ارک
و خارج است آتشبازی ایرانی و فرنگی کند بموجب فرموده سه ساعت از شب گذشته

اتشبازی بس نیکو کردند که اسباب حیرت اهالی شهر و غربا بود

سوم ربیع الاول و پنجم توقف ارض اقدس

درین روز خاطر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بتفرج باغ خلج که در خارج شهر واقع است عزم فرموده و در اول روز بعد از حمام از دیوانخانه مبارک بیرون تشریف آورده از کنار باغ خونی که یکی از باغات معروف مشهد است عبور فرموده بباغ خلج که در سمت جنوبی شهر واقع است تشریف فرما شدند و در باغ مزبور امیرزاده محمد حسین میرزا و حاجی محمد قلی بیک و ابراهیم خان نایب اصطبل خاصه همایونی اسبان عربی و ترکمانی مرحوم سپهسالار را که در حیات خود از برای پیشکش حضور همایون مهیا نموده بود از حضور مبارک گذرانده باصطبل خاصه بردند یکی از آنها که اسب عربی ممتازی بود بمحمد حسن خان محقق مرحمت شد سرکار پادشاهی بعد از تفرج و صرف نهار باستراحت مشغول گشتند و این بنده تا چهار ساعت بغروب مانده بعرض کتاب ناسخ التواریخ اشتغال ورزید در اینوقت محمد صادق خان سررشته عریضه بحضور مبارک فرستاد متضمن رقعه که حاجی حسین خان شهاب الملک بدو نوشته بود

مبنی برآنکه فوج زرندی که برحسب امر اولیای دولت مامور باخلوکلات بودند
بتحریک چند نفراز مفسدین بانسبه بمحمد مرادخان سرپیچی خودبنای نافرمانی
گذارده و بی احترامی کرده اند و یکدسته ایشان که اهالی مزدقان چای و معادل
دویست و پنجاه نفر بودند درزاویه مقدسه نسبتی شده اند خاطر مبارک خسروانی
ازین خبر برآشفته ملک منصور میرزا و آقا علی آشتیانی را مامور فرمودند که بشهر رفته
بتحقیق این مسئله را نمایند و سبب بستی شدن سربازرا معلوم کرده اولیای
دولت و وزرا حضرترا در دیوانخانه مبارکه حاضر زیارت خاکپای همایون
و اصغای فرمایشات ملوکانه سازند و خود سرکار پادشاهی بعد از نماز
سوار شده با میرشکار و محمدعلیخان این بنده بربالای کوهی که در آن حوالی
و در سر راه زغنه و هم بندطرق از آنجا نمایان است برآمده لحظه بادوربین شهر
و اطراف را سیاحت فرموده از کوه بزیر آمده بدرشکه نشسته و نیم ساعت
بغروب مانده بشهر تشریف فرما گشتند امین الدوله و اعتضاد الدوله و وزیر الملک
واجودان باشی در دیوانخانه درک فیض زیارت خاکپای همایون نمودند
شاهنشاه از واقعه حادثه مستفسر گشته چون معلوم حضور مبارک گشت که این حرکت

سربازمحض فساد ونزفتن بکلات وبدون حقانیت بوده است مقرر شد
یک فوج رفته دورایشانرا بگیرد واولا اولیای دولت ایشانرا به نصیحت وموعظ
اطمینان دهند وازعواطف ملوکانه امیدوار ساخته درصورت خلف از غضب
دستخط خسروانی بیاگاهانیده وتحریص دربیرون آمدن کنند هرگاه مخالفت
نمودند تمام راگرفته بمعرض عذاب وسیاست آرند امین الدوله واجودانباشی
نیزموجب فرموده بزاویه مقدسه شتافته وباسربازان ازدرپند ونصیحت برآمدند
وسرکار شاهنشاهی درنهایت تغیرخاطربحرم خانه مبارکه تشریف فرماگشتند

چهارم ربیع المولود وبیست ویکم ورود موکب مسعود

بهنگام صبح امین الدوله واجودانباشی بعرض عاکفان حضورعطوفت
دستور رسانیدند که سربازان بستی ازغضب ملوکانه آگاه گشته نصایح وموعظ
اولیای دولت رابگوش قبول اصغانموده شبانه ازنسبت زاویه مقدسه بیرون
آمده وازین عمل ناصواب خویش نادم وپشیمان گشته امیدعفوواغماض دارند
سرکار شاهنشاهی نظربعنایت وگذشت کامله ملوکانه قلم عفوبرجرایم اعمال ایشان
کشیده وازاین جرم عظیم درگذشتند چهارساعت ازروزبرآمده ظهیرالدوله

و میرزا نصرالله مستوفی و حاجی میرزا محمد رضای وزیر بحضور عطوفت تخمیر
تشرف جسته کتابچه جمع و خرج خراسان را که در ثانی بموجب امر همایونی نوشته
شده بود از لحاظ انور ملوکانه گذرانده بصحن مبارکه موشح ساختند محمد ابراهیم خان
مظفرالدوله که مدت زمانی مامور خدمت سیستان بود از شهر جدید ناصری
که در آن سامان بنا کرده اند با سواره و پیاده ابوالجمعی خویش برکاب همایون
آمده بحضور مبارک مشرف گشته خود و پسرش از مراحم گوناگون ملوکانه کامیاب
و مفتخر گردیدند امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان احمد خان حاکم هرات
با عبدالله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کذائی و خرزائی و دیگر طوایف
افغان از راه سیستان بهمراه مظفرالدوله بزیارت آستان کیوان پاسبان
مشرف شده مورد الطاف و عنایات بی پایان خسروانی گشتند و چون
ایشان رخصت انصراف یافتند نور محمد خان پیشخدمت خاصه و امین دیوانخانه
مبارکه برسم معهود کتابچه عرایض دادخواهان و متظلمان را بعرض حضور مبارک
رسانیده هر یک از عرایض را بموجب دستخط قضا نهمت جواب حاصل نمود
آنانرا که از فقرا و مساکین بودند مقرر گشت اجودان مخصوص تحویلدار وجه صرف

جیب مبارک

جلیب مبارک هریک را بقدر خور حال انعام شایسته دهد و آنانکه از طلاب
وسادات بودند باعطای ستمری و وظایف بهره ور گشتند متظلمین و داد
خواهانرا که مظلوم واقع شده بودند از هر مملکت بودند بمدیر و وکیل آن مملکت مقرر
گشت که غور رسی در عرض ایشان نموده احقاق حق نمایند و هم نور محمد خانرا
امر اکید و بلیغ مقرر آمد که بعد از اجرای احکام ملوکانه عرایض بانجام رسیده
و مطالب تمام شده را در ثانی بعرض خاکپای همایون برساند تا عرضی بلاجواب
نماند و اتمام مطلبی برخلاف صواب واقع نشود چه سرکار شاهنشاهی را بالطبع در دادرسی
مظلومان و احقاق حق رعایا و برایا رغبت و مراقبتی تام است و محض آنکه
دران سفر مبارک رعایای جزو و کل هیچیک از زیارت جمال بینومثال محروم
نباشند و عرض عارضی غیر معروض نماند هم ملوکانه بران قرار گرفت که هم چند روزی
بسیاحت و تفرج ییلاقات شاندیز که از دهات خوش هوا و آباد و پر جمعیت و
پر حاصل مشهد است تشریف فرما شوند و حاجب الدوله و دیگر چاکرانرا مقرر
گشت که پیشخانه بدانجانب فرستند و معدود قلیلی از چاکران خاص چون شیکچی باشی
و ساری اصلان و حاجی سعد الملک و حاجی شهاب الملک از برای

الزام

التزام رکاب مبارک اختیار نمایند

پنجم شهر ربیع الاول و بیست و دویم توقف شاهنشاه معدلت گستر

درین صبح که هم از ایام تعطیل بود سرکار پادشاهی بقانون هر هفته از برای
شست و شوی بدن مبارک بحمام تشریف برده پس از استحمام بخلوت
دیوانخانه آمده تا چهار ساعت بغروب مانده بمطالعهٔ نوشتجات مرحوم سپهسالار
مشغول بودند میرزا علیخان منشی حضور همایون مختصر روزنامهٔ اردوی کیوان
شکوه را که از بدو حرکت موکب منصور همایون در دار الطباعهٔ اردو چاپ می
متضمن ورود ارض اقدس و بعضی وقایع و اتفاقات بعرض حضور مبارک
رسانده مقبول خاطر مبارک همایونی گشت بدین تقریب در حضرت خسروانی
سخن از نظم دبیر میان آمد طبع منیر مبارک ملوکانه که محیط هر علم و دارای هر گونه کمالات
بدان مایل گشت که این ذره بیمقدار و غلام جان نثار را مخاطب بفرمایشات علیه
فرموده مقرر داشتند حکیم مدتهاست هیچ شعر نگفته ایم و جز صحبت سخن نداشته ایم
هم اکنون خاطر مبارک ما مایل است که بالبداهه قطعه در حق تو انشاد فرمائیم
و بدون تامل و تخیل این چند شعر را بالبداهه فرمایش فرموده و بدان تفریح نمودند

و چون این اشعار از برای این عبد مایهٔ کمال افتخار بود و مینمود که طبع وقاد شاهنشاهی
چه قدر در انشا و اشعار قادر است همان چند بیت فرمایش ملوکانه را که در حقیقت
شرح حال ماست آن درین اوراق مندرج ساخت

فرمایش علیه ملوکانه

ای حکیم الممالک سلطان — که بشاگردیت سزد لقمان
ای فلاطون ترا کمینه غلام — ای ارسطو بنزد تو نادان
لیکن اوصاف حکمتت را من — نکنم بر جهانیان پنهان
نسخه‌ات را چو میبرند بروم — زیره گوئی برند بر کرمان
گر بگیری تو نبض بیماری — روز محشر بگیردت دامان
گر معالج شوی بمسکینی — ندهی فرق گوش از دندان
زعفران گر دهی بگریه شود — آنکه بودی بصبح و شب خندان
خواهی ار داروئی نمائی سحق — جای هاون بیاوری سندان
اثر ملح خواهی از شکر — خشکی معده جوئی از ریحان
صاحب ثقل گر بود نجدی — می کنی شاف بر نبی همدان

هست دوائی که میدهی بمریض — واجب است استخاره قرآن

چون بعجز آئی از علاج کسی — مدد و بخت جوئی از شیطان

گر شفا یافت از تو بیماری — داد عمر دوباره اش یزدان

گر تو باشی طبیب یکدو سه سال — کس نماند بخطه ایران

این چنین بوالعجب فلاطونرا — شاید ار شه نوازد از احسان

چون قطعه بانجام رسید این بنده شکر این مرحمت خاص بجای آورده در رکاب رفعت اساس بزیارت آستانه مقدسه بشتافت ذات والا صفات خسروانی بعد از استفاضه و استمداد زیارت در روشن کردن چراغها نیز مانند نوبت گذشته رسم خدمت بجای آورده نماز مغرب و عشا گذارده بارک مبارک عودت فرمودند

روز سه شنبه ششم شهر ربیع الاول و تشریف فرمائی موکب مظفر به ییلاقات شاندیز

چون یکساعت از روز برآمد شاهنشاه عالم پناه از دیوانخانه مبارکه بیرون آمده بعزم قصبه شاندیز از خیابان علیا عبور فرموده بدرشکه نشستند ظهیر الدوله حاجی سلیمانخان حاکم نیشابور را که بملاحظه داد رسی دعاوی رعایای

آن سامان از محل حکومت خویش احضار شده بود بحضور مهر ظهور مشرف شتافت
مقرر گشت که باطلاع امین الدوله و حاجی محمدرضای وزیر و چند نفر از رؤسای
سفیدان و بزرگان خراسان در میان ایشان و عارضین غور رسی نموده و حقیقت
عمل را بعرض عاکفان حضور باهر النور اعلی رسانند تا هرگاه جانب حق مرر عایا را
و صدق قول ایشان معلوم افتد حاجی خان مشارالیه را بمعرض عتاب و خطاب
آرند و هرگاه اقوال اینان از روی خودسری و نافرمانی باشد بر عرض
ایشان وقعی ننهند و حاجی سلیمان خان را بدار الحکومه خود رجعت دهند
و را قتدار و اعتبارش بیفزایند بالاخره ظهیر الدوله و دیگران از رکاب مبارک
مرخص شده و پنجاعت از روز گذشته موکب مسعود بقریه ویرانه نزدیک
گشت حسن خان خورد ایماق که هم این قریه بسیورغال او مقرر است با کسان
و سواران خویش باستقبال رکاب مهر انتساب پیش رفته مورد عواطف ملوکانه
گشت و سرکار پادشاهی برحسب استدعای مشارالیه از برای صرف نهار
در باغیکه دران قریه بود شرف ورود ارزانی داشتند و بعد از صرف نهار
مجددا در درشکه قرار گرفته از قریه لنگر و سواران و حصار سرخ و سراسیا

وشای ده عبور فرموده چهار ساعت بغروب مانده در قصبه شاندیز بباغی
خوش آب وهوا که مخیم خیام زرین قباب بود نزول اجلال فرمودند وقت
وقتی باستراحت مشغول گشته تا اهالی حرمخانه مبارکه نیز در رسیده و باغ دیوانخانه
قورق شد شب بعد از شام قورق بگذشت این خلوت و اجودان مخصوص و
آقا علی و حکیمباشی طلزان و میرزا علیخان و محمد علیخان و دیگر مقربان بار یافته
خاطر مبارک را بصحبت اشعار و حکایات و اخبار روزنامجات مشغول و مشعوف
داشتند

از مشهد بشاندیز پنج فرسنگ است و اغلب آباد و معموره است سمت راست
بلوک میان ولایت است که قراء و مزارع متعدده آن خاصه کاظم آباد ملکی
حاجی قاسم طهرانی از دور نمایان است سمت چپ نیز دهات متعدده است
که از آنجمله امام آباد و صفی آباد و ملکی و قاسم آباد وغیره است و در وسط جاده
یکفرسنگ از ویرانه گذشته بارلقان عظیم وسیعی واقع و بعد از ان لنگر و سرا
قراء مسطوره فوق است که تا شاندیز بیکدیگر پیوسته قصبه شاندیز قریه ذرهنهایت
آباد و معمور و صاحب یکصد خانه و باغات و عمارات عالیه است از آنجمله

عمارت [illegible]

عمارت ملا صادق صدوق شاندیزی است که مشرف است برود خانه و باغات

چهارشنبه هفتم شهر ربیع الاول

ذات والاصفات همایون شهریاری در این روز از برای تفرج قریه
نوغان در هنگام صبح بر اسب کهر عربی شجاع الملکی سوار گشته با معدودی
چند از خواص از باغ شاندیز بیرون شدند این خانه زاد سرکار شاهنشاهی بر سم
معمول با بلدی از اهل بلوک و ابراهیم خان نامبه جادر مقابل اسب همایونی
بلدی مینمود و اسامی و احوال مزارع و قراء را بعرض میرسانید در این تفرج
اول قریه که بنظر مبارک آمد قریه خادر بود که باغات آن بباغات قصبه شاندیز
وصل است از خادر گذشته دره است طولانی که اطراف آن تمام از نهالهای
صاف کوار او اشجار بید و چنار و فواکه بیشمار مزین و مغرس است و چنان
مینماید که در هر گوشه باغی است از روضات جنان که پای آدمیان در روی راه
نیافته و نسیم کل و شمیم سنبل او جز از حور و غلمان خبر نمیدهد چون دو فرسنگ
از مسافت آن دره طی شود قریه نوغان در بادی آید که بحیثیت خضارت و صفا
و نضارت و هوا بهشتی را ماند عنبر سرشت همانا مزارع و کشتش از جویبار سلسبیل

آبیاری شده و در صحاری و براری آن باغبان قدرت تخم زندگانی کشته
رود عظیمی از وسط آن قریه چون آب زندگانی در جریان و خانهای دهقانان
از دو سمت رود نمایان در مقابل هر خانه نثار قدم حضرت شهریار ادخری پیرو
دسته گلی در دست و جوانی خوش قد و موی سبد میوه بر کف سعادت چنین
روز را مغتنم شمرده و هریک بزبانی بدعای وجود مسعود مترنم بودند شاهنشاه
رعیت پرور عادل نیز با هریک از جوان و کامل اعنایت و توجهی شامل
فرموده از میان قریه گذشته بامتداد دره در چمن زاری نیکو فرود آمدند
حاجی میرزا علی مشکوة الملک در نهارگاه بلتزمین رکاب مبارک پیوسته
و پیوسته از چنین مکانی شگفت در شگفت مانده اظهار تعجب و حیرت مینمود
و معروض خاکپای همایون میداشت که خداوند متعال این چنین مکانها بدان
خلق فرموده که بنی نوع بشر را از بهشت جاودان نمونه مجسم باشد و انسان را
از بهترین خلقتهای خویش متنعم سازد بالاخره بعد از صرف نهار شاهنشاه کامگار
بقصد تفرج تمام دره مجدداً سوار گشته و چون مسافت دو میدان از آن
باغ بی پایان طی شد معروض خاکپای همایون افتاد که این دره همچنان

سه فرسنگ دیگر طول دارد تا بقریه کنک و زشک رسد و از آنجا بجبال
پر برف شمال مغربی منتهی گردد پس از آنجا که وقت برای طی تمام دره کافی
نبود حضرت همایونی در کنار نهر آبی فرود آمدند محمد حسن خان جزایری جوان
خاصه نسخه از کتاب ناسخ التواریخ میرزای سپهر که بخطی نیکو نوشته بودند و شایسته
حضور مبارک بود بحضرت همایونی تقدیم نمود و هم محمد حسن خان محقق احوالات
شاهنشاه مرحوم مغفور را از آن کتاب مستطاب معروض میداشت و حضرت
پادشاهی قدری راحت فرمودند و اندکی از میوجات کوهستان کون آن
باغات تناول کرده از راهی که بالادست دره بود مراجعت فرمودند در نیم
فرسنگی شاندیز چشمه صاف و حوضی که اطراف آن درختان چنار کهن و کاج
قوی کاشته شده بود مشهود نظر مبارک گشت و چون مکانی قابل توجه ملوکانه
بود خاطر مبارک بدان مایل شد که در روز آینده بدانجا تشریف فرما شوند
تمام روز را بعیش و طرب گذرانند پس آقا ابراهیم آبدارباشی را مامور و مقرر
که قبل از تشریف فرمائی سرکار همایونی بدانجا آمده آفتابگردانهای
زرین برپای کند و بر طراوت و نظافت اطراف چشمه بیفزاید

وحضرت پادشاهی از آنجا عطف عنان فرموده از بالای قلعهٔ قدیم شاندیز
عود بمنزل نموده بحرمخانهٔ مبارکه تشریف فرما شدند و شب بعد از شام
قارق بشکست و آقا علی پیشخدمت خاصه و محمد علیخان و این بنده و دیگر چاکران
مشرف اندوز حضور مبارک شدیم

قلعهٔ قدیم شاندیز در بالای تپهٔ واقع است و او را خندقی و حصار و باره محکم
و سخت بوده که اکثر اسباب شرارت و جسارت و تحصن اهالی آنجا میشد از آنجمله
در اواخر ایام شاهنشاه مرحوم در حادثهٔ طغیان سالار نابکار اهالی این قلعه که اغلب
ایشان از اشرار بوده اند بپای نافرمانی گذاشته و در قلعهٔ مذبور متحصن شده
بودند چون سلطان مراد میرزای حسام السلطنه فرمانفرما و سردار مملکت
خراسان شد هر قدر از در پند و نصیحت برآمد آن بیخردان و خودسران را سودمند
نیفتاد پس بناچار عساکر منصوره قلعهٔ مزبوره را محاصره نموده برج و بارهٔ او را
بضرب گلوله توپ منهدم ساخته رعایا از در ضراعت و خدمت برآمدند
و از قلعه چنین سخت جز آثاری بجای نماند

پنج شنبه هشتم شهر ربیع الاول

اعلیحضرت همایون

اعلیحضرت همایون شهریاری چنانکه در روز قبل مقرر شده بود دو ساعت از روز برآمده
بسر چشمه حاجی غلامعلی قندهاری تشریف فرما شده در کنار حوض و سایه درختان
و آفتاب گردانهای لوان تمکن نموده از حقیقت این چشمه معلوم فرمودند از قراریکه
از پیران و کهن سالان و دانشمندان شاندیر تحقیق شده بود و بعرض اعاکفان حضور
رسید حاجی غلامعلی قندهاری در بدو امر مردی بازرگان و جواهر فروش و صاحب
مکنت فراوان بود و در کمال عزت و جلال زندگانی مینمود در اواخر عمر نسیم
سعادت بر پرچم اقبالش وزیده و رایحه محبت و طریقت بمشامش رسیده دست
از تجارت و مکنت شسته در جوار این چشمه منزوی گشته و این درختان و سایه گاهها را
از برای خویش مهیا ساخته بریاضت و عبادت مشغول گشت تا روزگارش
بپایان آمد و از جمله غرایب آنکه این چشمه یا قنات را که در زیر کوه واقع است قدمی
وسیع است بحدیکه شخص میتواند بسهولت ایستاده در او گذر کند تا بفسحتی رسد که
میدان چوگ را ماند و رود در وسط آن میدان چنانچه میلی باشد سنگین که آب چشمه از اطراف
آن جریان دارد آقا ابراهیم ابدار باشی تحقیق صحت و سقم این مدعا را چند نفر از
مقنیان و سقایان با هوش با شمع و فانوس بدرون قنات فرستاده

بعد از مدتی که مراجعت کردند همچنین بر صحت این مدعا گواهی دادند بالاخره سرکار
همایونی بعد از صرف نهار و ملاحظه غرایض امرا که از مشهد رسیده بود محض مرحمت
مبلغ یکصد تومان بعلمه خلوت همایونی انعام فرموده مقرر داشتند در حضور مبارک
بازی نرد اشتغال ورزند خاطر مبارک را بمصاحبت مشغول دارند بعد از ساعتی
طبع همایونی براحت مایل گشته اندک وقتی بغنودند و مغنیان خاص چون
حاجی حکیم و آقا علی و آقا غلام حسین و آقا محمد صادق با نغمات خوش و دلکش
بساز و نواز مشغول گشتند و ساعت بغروب مانده حضرت پادشاهی نماز
خوانده و عصرانه میل فرموده سوار شدند سواران و ملتزمین رکاب را در دره گذاشته
و خود با تیمور میرزا از بالای قلعه همه جا تفرج کنان تشریف فرما شده در بعضی
مزارع نظر کرده بسهولت امر زراعت آن صفحات توجه و تعجب داشتند که از همان
قنات نیم سنگ آب جریان کند و از یک تخم پنج تخم حاصل آید نیم ساعت
بغروب مانده بشاندیز تشریف فرما شده و شب را در حضور همایون آتش بازی
نیکو کردند و چون منظور خاطر مهر مآثر همایون تفرج و سیاحت قصبه اسپیل و چشمه
بود مقرر گشت که چادر محشری بدانجای برند و خیام مشیخانه و فراشان

وچند دسته از غلامان وسربازان درشاندیز توقف داشته منتظر مراجعت
موکب منصور باشند چه عزم مبارک بدان بود که مراجعت از اسحیل نیز شبی درشاندیز
مانده از آنجا بشهر معاودت فرمایند

جمعه نهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار پادشاه بقصبه اسحیل

درین روز سرکار همایون پادشاهی در اول روز از حمام بیرون تشریف آورده
باسب سرخنگ پیشکشی حیدرقلیخان ایلخانی سوار گشته بسمت اسحیل تشریف فرما
شدند کشیکچی باشی وحاجی شهاب الملک و ساری اصلان وحاجی سعدالملک
و دیگر چاکران ملتزم رکاب بودند وچون قدری از شاندیز گذشته راه صاف
و مسطح بود خاطر مبارک میل بسواری درشکه فرمود و تا قصبه کاهو که از شاندیز بمسافت
دو فرسنگ بعد دارد با درشکه تشریف برده و در ابتدای دره و باغات کاهو
باسب رجوع فرموده سید ابوالحسن خان افغان امین آستانه مقدسه که هم این قریه
به تیول ایشان مقرر بود با تمام اهالی قریه که زیاده بر سیصد نفر بودند قدوم میمنت
لزوم را استقبال کرده و بشکرانه این سعادت پیشکش و قربانی لایق
پیش گذرانیدند سرکار ظل اللهی سید مغری الیه را مورد نوازشات و عواطف

ملوکانه فرموده و بانات و ذکور قریه اظهار مکرمت و ملاطفت فرمودند و از جناب
سید احوال آن صفحات را جویا بودند تا از قریه کدشت شد این بنده آستان
شاهنشاهی در خارج قریه و کنار رود خانه باغی دلجو و چمن زاری نیکو نظر آورده
معروض عاکفان حضور داشت تا هر کاه رای مبارک اقتضا فرماید شرف نهار
در آنجا کنند پس آنکان مقبول خاطر مهر نشان کشته فرود آمدند امین خلوت
عریضه جات و مطالبی را که امین الدوله از شهر معروض خاکپای همایون داشته
بود از لحاظ انور اقدس کذرانده جواب هر یک را صادر نموده با تفنکداری
مخصوص روانه داشت و حضرت پادشاهی از نهار کاه حرکت فرمودند و همه جا
از میانه باغات و سایه درختان پر ثمر و آبهای صاف کوارا کذر میفرمودند تا بقصبه
دولت آباد و از آنجا بقصبه اسحیل که منزلکاه بود تشریف فرما کشتند مهدیقلیخان
خرکوشی در راه صید کرده بحضور آورده مورد انعام ملوکانه کشت شب بعد از شام
قورق شبکت اجودان مخصوص و میرزا علیخان و آقا علی و محمد حسنخان و محقق و ما
چاکران بحضور مشرف شدیم مغنیان خاص ساعتی تغنی کردند و میر شکار از
چشمه سبز مراجعت کرده از نیکوئی هوا و کثرت شکار شرحی معروض داشت و خاطر

مبارکشان

مبارک بدان مایل گشت که فردا بچشمه سبز تشریف فرما شوند صفحات کاهو از
بلوکات بسیار آباد و خوش آب و هوای مشهد است از شاهدیزالی کاهو دو فرسنگ و
نیم است دو فرسنگ آن صحرا و مسطح و بقیه آن باغات و ابتدای دره است
و این دره و باغات تا قصبه دولت آباد و اسجیل که چهار فرسنگ است امتداد
دارد و همچنین ممتد است تا قصبه گلمکان که در نیم فرسنگی اسجیل واقع است
دولت آباد و اسجیل هر دو قصبه بزرگ و هر یک سیصد الی چهار صد خانوار
رعیت دارد در این خط علاوه بر این قصبه قراء و مزارع چند است که اسامی
بعضی ایشان بدینموجب است کلاته شمع علی گزاخ که هم منصرآباد معروف

شنبه دهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار پادشاهی بتفرج چشمه سبز

درین روز سرکار خسروانی با اسب کهر احمد خانی سوار گشته از برای سیاحت
چشمه سبز تشریف فرما شدند محمد علی بیک شکارچی و ابراهیم خان نایب و محمد خان
کنه پشه به بلدی در مقابل اسب همایون روان گشته تا یکفرسنگ همه جا از میان
درختان پربار و جنگلهای بسیار گذشتیم و در اول کوه سرکار پادشاهی اسب کهر را

تبدیل فرموده باسب سرخنگ عربی پیشکشی عماد الدوله حکمران کرمانشاهان
که از اسبهای بسیار ممتاز است سوار گشته بقصد شکار ببالای کوه برآمده و چون
مقصود خاطر مبارک شکار قوچ و میش بود بکبک و فره بسیار که درین دامنه بود
اعتنائی نفرموده در قله کوه حاجی شکارچی مشرف شده معروض داشت که شکارگاه
نزدیک است و یک گله قوچ و میش در محلی مشغول چرا هستند که باصطلاح اهل
شکار در نهایت مستعد مارق است سرکار پادشاهی تمام سوارانرا در آنجا
گذاشته و خود با قهرمانخان و آقاکشی خان و چند تفنگدار دیگر و مهدیقلیخان
بتعجیل تمام بسمت شکار توجه فرمودند چون قدری گذشت بادی تند
وزیدن گرفت و میر شکار در خوابگاه شکار اشتباه کرده سرکار شاهنشاهی را
بسمتی اشاره نمود که مخالف جهت مقصود بود و هنوز اعلیحضرت پادشاهی
چند قدمی تشریف نبرده شکاران از سمت دیگر در نهایت سرعت و چابکی فرار نمودند
و از آنجا که مقصود اصلی تفرج چشمه سبز بود حضرت همایونی از تعاقب شکار صرف
نظر فرموده و همه جا از قله کوه تشریف فرما شدند تا در حوالی چشمه رو به نشیب فرموده
و در کنار چشمه در آفتاب گردان همایونی فرود آمدند سه ساعت بغروب مانده

از چشمه سوار شده از میان دره و جاده که کلمکان میرود بسمت منزل تشریف
فرما شدند و درین راه دو کبک و یک قمری در روی هوا صید فرمودند
و هم تیمور میرزا و امین خلوت با بازان شکاری کبک و فرهٔ زیاد بچنگ آوردند
مقارن غروب موکب مسعود از بالا سرارد و بمنزل شرف ورود ارزانی داشت
در نیوقت چاپاردار الخلافه در رسید عرایض مستوفی الممالک و دیگر وزرا را
در پیشگاه حضور مبارک بگذرانیده از آنجا که سرکار پادشاهی همه وقت توجه
و مراقبت امورات دولتی را بر هر نوع تفرج و لذت راجح میدارند زیاده برین
وقف در ییلاقات را جایز ندانسته مقرر داشتند که اردوی مسعود فردا بسمت شابز
و شهر حرکت کند چشمه سبز عبارت از فضائی است که در دره بسمت شمال
شرقی نیشابور واقع است و از آنجا تا نیشابور هفت فرسنگ است این محوطه
تقریبا پنجهزار قدم دور دارد و در وسط آن دریاچه ایست که هزار قدم دور آن
و آب چند چشمه کوچک از اطراف در او جمع شده و هم در وسط دریاچه چشمهای
متعدد دارد که آب از آنها غلیان و فوران کند ولی نه بقسمیکه در ظاهر معلوم
گردد و زیاده بر چهار سنگ آب از این دریاچه بسمت کلمکان جاری است

که این قریه و مزارع آنرا مشروب میدارد در این دریاچه ماهیهای بزرگ سیاه
و مرغابیان کوناکون بسیار است اطراف او چمن زار و نیستان است راهی
که از چشمه بکلمکان میرود چهار فرسنگ طول دارد و همه بیدستان و باتلاقهای
سرخ و مشکیجه سفید است و کوههای مشرقی و مغربی این راه تمام کوههای
سبز پر کیاه و پر علف است خاصه مشک تر امشه و اویشم و گلهای زرد
و زیره معطر اعلی در آنها بسیار است بنحویکه تمام دره را از نسیم خوش معطر ساخته اند

پانشنیه یازدهم و مراجعت سرکار اقدس شاهنشاهی بشاندیز

در این روز از برای صدور جواب عرایض وزراء سرکار پادشاهی تا مقارن
ظهر در منزل توقف فرموده تمام وقت را مشغول بودند تا عرایض باتمام آمد
امین خلوت چاپار را معاودت داد پس ذات والاصفات شهریاری
بعزم مراجعت بشاندیز سوار شده بعد از گذشتن از قصبه کاهو در سطر خیکه
در آنحوالی واقع و بیدستانی نیکو داشت چای و عصرانه میل فرموده از راه
قریه کراخ تشریف فرمای شاندیز شدند و از آنجا که رعایای این بلوک
عریضجات متعدده بخاکپای همایون داده از جور و تعدی اربابان تیول شاکی

بودند و این معنی در نهایت مخالف قصد عادلانه و فتوت شاهنشاهانه بود
و دستخطی مؤکدا باشخار ظهیر الدوله صادر گشت که هر کس در این بلوک بلکه تمام
بلوک خراسان تیول داشته باشد او را از آن تیول خارج دارند و هر قدر حواله
و مرسوم داشته باشد از خزانه خراسان عاید سازند و نیز مالیات و متوجهات
دیوانی هر قریه و قصبه و مزرعه را از روی ثبت دفتر خانه مبارکه معین نموده بملاکین
و دهقانان فرامین و سرخط دهند تا دیگر کسی نتواند از رعیت شاهنشاه دیناری
زیاده بمطالبه کند یا مقدار جبر و تعدی ننماید این حکم ملوکانه که محض عدل و رعیت
پروری صرف بود مایه آسایش و رفاه رعیت و دعای وجود مسعود همایون گشت

دوشنبه دوازدهم ربیع الاول معاودت حضرت همایون بشهر مشهد

چون بحیاعت از روز برآمد اعلیحضرت شاهنشاهی بعزم معاودت بدر شکه سوار شده
و در قریه ویرانه صرف نهار فرموده بحیاعت بغروب مانده تشریف فرمای
شهر شدند امین الدوله و اعتضاد الدوله و ظهیر الدوله و معیر الممالک و دبیر الملک
و امین الملک در بیرون دروازه ارک بزیارت رکاب مبارک مشرف گشتند

حسنعلیخان فوجردی که از استراباد حامل عرایض ملک آرا بود بتوسط دبیر الملک
شرف اندوز حضور مبارک گشته و عرضیجات مصحوبی و ملحوظ نظر همایون گشت
ظهیر الدوله معروض خاکپای همایون داشت که سردار یعقوب خان حاکم هرات
با بزرگان افاغنه عتبه بوس آستان ملایک پاسبان شده زیارت حضور و عطوفت
دستور را منظر حکم همایونست و بر حسب الامر سنیه مقرر آمد که در روز آینده بدین سعادت
مستعد آید و هم چاپاری دیگر از دار الخلافه در رسیده نوشتجات و عرایض متعدده
وزراء و نواب امیر آخور و دیگر چاکران را مشهود نظر ملاطفت اثر ساخت اعتضاد الدوله
بعرض حضور مبارک رساند که جمعی از سادات و علماء استراباد بتظلم و داد خواهی
برکاب مبارک می آیند این معنی در خاطر مبارک ناپسند آمده اعتضاد الدوله را
مقرر آمد تا شخصی فرستاده ایشان را از عواطف و مراحم ملوکانه امیدوار حشا
مقرر دارد که عرایض و مطالب خود را باد و نفر امین بحضور مبارک فرستند و خود
ایشان بشهر استراباد رجعت نمایند

سه شنبه سیزدهم شهر ربیع الاول و بیست و نهم توقف
اردوی کیوان شکوه همایون در مشهد مقدس

تصویر پسر دار یعقوبخان حاکم هرات و افغانستان
که عکاسباشی عکس برداشته میرزا بزرگ غفاری

درین روز بواسطه امورات متعدده دولتی که انجام آن موقوف بصرف دقت و فطنت
ذات والاصفات همایونی بود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی زودتر از سایر
ایام بدیوانخانه مبارکه تشریف فرما گشته اولا عرایض ملک آرا و مطالب حکومتی
استرابادی ملحوظ نظر مهر اثر گشته و در جواب هریک بمقتضای مصلحت دولت و ملت
اوامر ملوکانه شرف صدور یافته دبیر الملک را مقرر گشت که احکام پادشاهی را
معجلا بملک آرا ابلاغ دارد و چون ازین مهم فراغت حاصل آمد امین الدوله
و اعتضاد الدوله و دبیر الملک و جود ابناشی باشا نهزادگان عظام و جمعی از
خدام و غلام پیشخدمتان بزیارت حضور اعلی فیض یاب گشته هریک در مقام
خود بایستادند و ظهیر الدوله بارجسته سردار یعقوب خان والی هرات را
که بعتبه بوسی آستان مهر لمعان آمده بود با تمام بزرگان و اعیان هرات
و افغانستان بحضور مبارک مشرف ساخت سردار بطالارخسروانه احضار شده
بعد از ادای تعظیم و تکریم زبان بدعا و ثنای وجود عالی جود ملوکانه گشوده معروض
عاکفان حضور اقدس شهریاری داشت که سبب ازین شرفیابی اظهار چاکری
و اطاعت و انقیاد و ارادت است هرگاه رای بیضا ضیای خسروانی اقتضا فرماید

که این بنده را در رکاب انور بخدمت دیگر مفتخر فرمایند در نهایت شاکر و مسرور خواهد بود
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سردار معزی الیه را مورد توجه و تفقد خسروانه
داشته چنین مقرر داشتند سردار خاطر همایون ما همواره از ملاقات امثال شما
چاکرزادگان حقیقی و دولتخواهان صمیمی خورسند و محظوظ است و در نهایت
مشعوف و مسرور هستیم که سردار امیر شیرعلیخان را مانند شما پسری عاقل و رشید و خیرخواه
و صدیق است که شایسته رجوع هر خدمت و مستحق اعطای هرگونه نعمت باشد
و اگرچه همه وقت طالب آن هستیم که شما را حاضر حضور بینیم و مورد الطاف موفور
داریم ولیکن از آنجا که ولایت هرات را همیشه چون شما والی ذی شان و حاکمی
کامل و کاردان لازم است خاطر خطیر مبارک را بدان راضی میداریم که شما از رکاب
دور باشید و در انتظام امور سرحد و آسودگی رعیت و ملت آن صفحات بکوشید و
باعث آسایش دعاگویان و چاکران دولت گردید سردار بشکرانه این خطاب
لطف آمیز شکر مراحم و عنایت شاهنشاهانه را بجای آورده و اعلیحضرت پادشاهی
بجانب ظهیرالدوله و محمد رحیم خان قاجار توجه فرموده مقرر داشتند خوانین
و اعاظم افاغنه را در خاکپای همایون معرفی نمایند پس ایشیک آقاسی باشی ایشان را

بدینموجب در حضرت همایونی معرفی نموده هریک بفراخور حال خویش توجه و عنایت

از اندازه پیش بهره یاب و مفتخر آمدند

اعیان و اعاظم افغان و هزاره			خوانین و سرکردگان		
مهدیقلیخان پیکلربیکی جمشیدی	دلاورخان پسر والی یمنه	عبدالطاهرخان باریک زائی	مومنخان سردار	محمدصدیقخان باریک زائی	عطامحمدخان ایضاً
سیرمحمدخان فوفلک زائی	عبدالعزیزخان هزاره	یارمحمدخان خمشیدی	بهادرخان		

مخصوصان سردار یعقوب خان — از همراهیان سردار اشخاصیکه بحضور

بابا خان هزاره	منصورخان تیموری	جهانداد خان قپچاق	مبارک تشرف جسته از قراریکه
حیدرقلیخان جمشیدی	نایب فتح الله فیروزکوهی	حکیم خان باریک زائی	که معروض افتاد و اگر در ذکر اسامی ایشان
فتی خان ایضاً	محمدزمانخان عاکوزائی	محمدعمرخان ایضاً	تقدیم و تاخیری واقع شده باشد
محمدصدیقخان جمشیدی	محمداکرم خان ایضاً	بهرام خان ایضاً	بدان سبب است که این بنده را چندان
عبداللطیف خان ایضاً	میرزاهاشم خان عاکوزائی	محمدعمرخان ایضاً	معرفتی در حق ایشان نبوده همراهیان
محمداعظم خان زورکی	حاجی عطاءالله خان	فقیراحمد خان	سردار اضافه برآنانیکه معروض افتاد
محمودشاه خان اقاچیک زائی	امیرجان کماندان یعنی یاور فوج		معادل هشتصد نفر سواره و پیاده بودند

که یکصد نفر ایشان سربازهای خوش لباس آراسته ملبس و موضع ملباس

انگلیسی بودند که تعداد اسامی ایشان لزومی نداشت

چون سردار یعقوب خان از حضور مبارک مرخص شده بمنزل خویش رفت سرکار همایونی عصرانه خواسته و نماز گذارده بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند سردار یعقوب خان جوانی بسن بیست سال آراسته بعقل و کمال است سیمائی نیکو و وضعی مؤدب دارد مهدیقلی خان بیگلربیگی مردی بسن پنجاه سال و صاحب اخلاق پسندیده و از همه جا آگاه است

چهارشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول

درین ایام چون حرکت موکب مبارک از ارض اقدس نزدیک شد اشتغال خاطر خطیر همایون بزیادت شده همه روزه بی آنکه ساعتی وجود مسعود ملوکانه بیاساید با تمام نواقص مهام اوقات شریف مصروف میشد درین روز نورمحمد خان امین دیوان آنچه از عرایض مطلومانرا که حسب الامر انجام داده و اصلاح نموده بود بموجب کتابچه جداگانه معروض خاکپای همایون داشت و عرایضی که معروض نگشاده بود ملحوظ نظر مبارک گشته احکام آن شرف صدور یافت دو ساعت بغروب مانده ذات والاصفات شاهنشاهی شرف اندوز

روضه مطهره گشته لوازم زیارت و خدمت بجای آورده بارک مبارک رجعت
نموده نظر بازدیاد امیدواری و افتخار سردار یعقوب خان یک ثوب سردار
مشمول و زاعلی از جامه خانه خاص در حق ایشان مرحمت شده و محض عطوفت
ملوکانه بتوسط محمد تقی خان پیشخدمت خاصه از مشار الیه احوال پرسی کرده عکاسباشی را
مقرر داشتند که عکس سردار و همراهانش را انداخته بحضور مبارک بیاورد
امین الدوله برحسب امر علیه توپخانه مبارکه رفته سان توپچی و اسبان توپخانه را
دیده اهتمام مصطفی قلیخان سرهنگ و انتظام امر توپخانه را معروض خاکپای
همایون داشته مقرر گشت سرهنگ و سایر صاحب منصبان را از عواطف
ملوکانه خورسند و بهره ور سازد

پنج شنبه پانزدهم شهر ربیع الاول و سی و یکم توقف موکب منصور

سرکار اقدس شهریاری امروز را تا شام در خلوت سپری شیده دیوانخانه نشریف
داشته در جزء غالب روز عرضیجات بسیار را که نورمحمد خان بحضور عدالت
نشان آورده بود این بنده آستان شاهنشاهی بعرض میرساند و امین خلوت

در صدر

در صدر هر یک حسب الامر حکم آنرا صادر میفرمود الحق گویا خداوند متعال تشریف
فرمائی حضرت سایه ذوالجلال را بدین صفحات محض آن مقدر فرمودند که جمعی بے
بضاعت صاحب مکنت و ثروت مشوند و خلقی تمام از رفع شر ظالمان آزار
و ذلت بدر آیند چه در اینمدت مسکینی نماند که با عریضه عرض حاجت ننمود و ستمدیدے
یا وظیفه یا انعام نیافت و مظلومی در مقام تظلم برنیامد که بر جا بر قادر و قاهر نگشت
حتی عطا و سخای ملوکانه بدان اکتفا نفرموده مبلغ یکهزار تومان وجه نقد نیز
از برای بذل بعموم فقرا و ضعفای مشهد مرحمت فرموده مقرر گشت این بنده
مساکین و محتاجین را اناثا و ذکورا در خارج شهر مجتمع ساخته بتوسط حاجی میرزا علے
مشکوة الملک بدیشان تقسیم نمود بالاخره بهنگام ظهر امین الدوله و ظهیر الدوله
و دبیر الملک با سرار یعقوب خان و بهادر خان ثانی مشرف گشته پیشکش والے
هرات را که ده راس اسبان ترکمانی ممتاز و دو دست یراق تیپ طلا و ده طاقه
شال کشمیری و چند توپ آقاری اعلا وغیره بود بنجا کپای مبارک تقدیم نمود
مقبول خاطر مرحمت مظاهر ملوکانه گشت و بهادر خان بعواطف خسروانه
مفتخر و سرافراز آمد حاجی میرزا محمد رضای مستوفی خراسان که در این ایام

شرفیاب حضور مبارک گشته چون ایشان مرخص شدند بهادر خان هم

خاطر مبارک خسروانی را از اهتمامات خویش در خدمات دولت خورسند
داشته بود بلقب مستشار الملکی ممتاز و باعطای یک ثوب جبه کرمانی حاشیه دار
قرین امتیاز گشت و نیز حاجی محمد باقر خان وکیل طبس که بخاکبوسی عتبه اعلی آمده بود
نظر بخدمات سابقه و مراتب خدمتگذاری او که قدیما و جدیدا ظهور یافته بود مشمول
عواطف علیه آمده بلقب عماد الملکی و یکثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار مباهات
حاصل نمود و محمد حسین خان پسر مشار الیه بمنصب سرهنگی سرافرازی جست و چون
اطبا و مهندسین که بریاست میرزا محمد حسین رئیس الکتاب نایب وزیر علوم از مدرسه
مبارکه دار الفنون مامور و ملتزم رکاب نصرت نمون بودند هر یک در تکالیف
مقرره از عم از معالجه چاکران دربار جهانمدار و رسم نقشه قلاع و مسافت عرض راه
بطور شایسته از عهده برآمده بودند رئیس الکتاب باعطای شال کشمیری و دیگران
از خلاع کرمانی و انعام و احسان شاهنشاهی مفتخر و مباهی گشتند در این شب
امین الدوله برحسب امر علیه والی هرات و سران و بزرگان افغان را میهمان طلبیده
لوازم میزبانی را بنحویکه درخور و در نهایت لایق و سزاوار بود معمول داشت

جمعه شانزدهم ربیع الاول و سی و دوم ورود بارض اقدس

حاجی جبار تاجر تبریزی که غالبا متصدی معاملات دیوان اعلی و ایصال وجوه دولتی بعضی خدمات مرجوعه بود بتوسط امین الملک بحضرت همایون بار جسته مشمول بعواطف و مراحم شد و بعلامت عنایات شاهانه یک قطعه نشان از درجه سیم خارجه و یکطاقه شال کشمیری بمشار الیه مرحمت گردیده

درین روز نیز سرکار همایون شاهنشاهی تا شام مشغول انجام امورات دولتی و ملتی
متعلق بخراسان بودند و با وجود شدت حرارت هوا از صبح تا عصر اندکی نیاسودند
و محض ترویج صناعت و تشویق کسبه و اربابان صنایع مقرر داشتند از هر قسم
اجناس خراسان اعم از حریر یا پشمین بحضور مبارک آورده مقدار کثیری از آنها را
بقیمتهای گزاف خریداری فرموده بظهیر الدوله و مجد الملک مقرر گشت که
شال بافان و سایر صنعتگران را بالطاف و اشفاق همایونی امیدوار ساخته ایشان را
در ترقی صنعت خود و ازدیاد کارخانه جات ترغیب و تحریص نمایند و یکساعت بغروب
مانده حضرت همایونی بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند چون سرکار علیه عالیه انیس
الدوله را تب و سوء مزاجی عارض شده بود حاجی آقا بابای ملک الاطباء را
امر و مقرر شد که در اصلاح مزاج ایشان کوشند و نهایت اهتمام و دقت را
بجای آرند درین شب که شب عید مولود حضرت محبوب خداوند ودود بود و هر عیش
و جشن را میشایست قربان بیک یاور توپخانه مبارکه آتش بازی بسیار اعلی از
هر جور و هر قسم در ارک همایونی فراهم کرده مورد مرحمت و خلعت گشت و نقاره خانهای
حضرت فیض آثار و شاهنشاه اسلام شعار را تا هنگام صبح بمبارکی این عید سعید

بتوسط حاجی جبار تاجر تبریزی

غلغله افکن

غلغله افکن طارم اعلی ساخته و هم امشب اعتضاد الدوله خوانسالار بزرگان
هراتی و افغانرا میهمانی در نهایت عالی نمود و بر قدر و منزلت ایشان بفزود

شبنه هفدهم ربیع الاول و آخر توقف سرکار شاهنشاهی درین شهر والا و مشهد معلی

درین روز که روز عید سعید مولود حضرت خاتم انبیاء و سید اصفیاء علیه
آلاف التحیة والثناء بود اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه و خسرو صافی
طینت شریعت دستگاه پاس حرمت و رعایت شان و عظمت حضرت امامت
علیه السلام را چنان مقرر داشتند که سلام این عید را در حرم مطهر برپای دارند
و خود سرکار پادشاهی با تمام اعیان و اشراف در مقابل امام علیه السلام تهنیت
گویند پس بموجب فرموده ایشیک آقاسی باشی تمام علماء و وزراء و شاهزادگان
و اعیان و سرکردگانرا از هراتی و افغان و سیستانی و اهالی خراسان و آنچه
از بزرگان ایران که شرف ملازمت رکاب همایون داشتند همه را اخبار نمود
بیارعام حاضر ساخت و مجلس سلام در دارالحفاظ منعقد گشته شاهنشاه جمجاه
بهنگام ظهر بدانجا تشریف فرما شدند و درین مجلس که فی الحقیقه محضر امام

و مرجع انام بود و شکوه و رونقی بیرون از حد قیاس از آستانه جلوس فرموده
علما را نیز اذن جلوس داده سلام منعقد گشت نقاره خانه سرکار فیض آثار
بشرافت این عید نواخته گشته و از ابتدای ورود و وجود مسعود بصحن مقدس
تا اختتام مجلس بوتیرچیان بشلیک توپ اشتغال داشتند امین الدوله
بخاطبات سلام که مبنی بر ذکر عظمت و شرافت عید مولود حضرت سید الانام
و اظهار عقاید نیک و مقصودات خیر حضرت شاهنشاهی در تعظیم صفحات خراسان
و آبادی مملکت و رعیت بود مخاطب و مفتخر گشت خطیب خاصه همایونی خطبه
فصیح و بلیغ معروض داشت و میرزا امینای ملک الشعرا قصیده غرا بعرض رسانده
سلام اختتام یافت سردار یعقوبخان و مهدیقلیخان و سایر همراهان ایشان
که درین روز بخلاع مهر شعاع ملوکانه مباهات یافته و در سلام عام شرف اندوزی
حاصل کرده بودند بعد از انجام مجلس و اصغای فرمایشات علیه از خاکپای
مبارک رخصت انصراف یافته با خاطری شاد مصمم عود بمقر حکومت و ولایات
خویش شدند شاهنشاه دین پناه نیز آستان عرش نشان امام همام علیه السلام را
وداع نموده و با حاد و افراد خدام و چاکران آستانه هر یک علی قدر مراتبهم

اعطا خلاع کشمیری و کرمانی و بذل و انعام و احسان بی پایان فرموده در کمال
ملال از مفارقت چنین آستان فیض بنیان بارک مبارکه رجعت نمودند
و حسب الامر مشیخانه اردوی همایون از شهر بچمن قهقهه نقل و تحویل نمود

یکشنبه هجدهم ربیع الاول و تشریف فرمائی اردوی همایون شاهنشاهی بچمن قهقهه

بحمد الله تعالی بالیمن و السعاده اعلیحضرت اقدس شاهنشاه دین پناه
خلد الله ملکه و سلطانه درین روز بابخت فیروز سعادت و اقبال از ارض
اقدس و مشهد مقدس علی ساکنیها الف التحیه و الثناء کوچ داده و اردوئی
که زیاده بر یکماه باقامت خو کرده و قبول حالت تمدن نموده بود یکبار در حرکت
آمده و بدان نظم و نسق که سابقا معمول و مسلوک بود باشکوهی کامل عازم شدند
در خارج شهر سردار یعقوب خان که با تمام سواران و همراهان صف کشیده
بودند یکبار دیگر رکاب ظفر انتساب را زیارت کرده و شکر عنایات و مراحم اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی را بجای آورده بسمت مقصد و اوطان خویش معاودت نمودند
ظهیر الدوله پیشکار مملکت خراسان تا یکفرسنگ ملازم رکاب نصرت توامان

شده در رسم مملکت داری و رعایت حال لشکری و کشوری و روا نه داشتن
بعضی از افواج قاهره بدار الخلافه طهران از جانب سنی الجوانب ملوکانه دستور
العمل یافته بشهر مراجعت نمود و هم مقرر گشت که بعضی از خوانین سیستان از آباء فوج
دماوندی بدار الخلافه فرستند شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله فرمانفرمای
خراسان که ملزم رکاب بود مستدعی آن شد که تا اینمنزل از خاکپای همایون
دوری نجوید و استدعای او بدرجه اجابت مقرون گشته مقرر شد که در روز
آینده مراجعت فرماید اعلیحضرت شاهنشاهی در مزرعه موسوم بکلاته حاجی
محمد رضا صرف نهار فرموده و چهار ساعت بغروب مانده تشریف فرمای
چمن قهقهه گشته بهنگام عصر امین الدوله بار یافته در خصوص افواج متوقف
مشهد و غیره فرمایشات علیه شرف صدور یافت که بظهیر الدوله اطلاع دهد
چمن قهقهه در سمت شمال و چهار فرسنگی شهر مشهد واقع و موسوم است باسم
قریه قهقهه که از توابع ارض اقدس و قریب است باراضی شهر طوس که اکنون
از آن بلد جز علامت نباو قلیلی از آثار عمارات هیچ باقی نمانده و تمامی آنها مانند
مزرع و مرتع قراء حول و حوش گشته و آبادی آن بشهر مشهد نقل و تحویل یافته

که سوء نیت و خیانت انها در خاکپای مبارک سمت وضوح یافته بود ص

دوشنبه نوزدهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی بچشمه کیلاس

درین روز چون سرکار پادشاهی با اقبال و مبارکی سوار شدند شاهنشاهزاده معظم جلال الدوله از حضور مبارک رخصت معاودت یافته بمقر حکومت خویش تشریف فرما گشتند پرویز میرزا حاکم سبزوار که این اوقات در ارض اقدس و ملتزم رکاب نصرت شعار بود ازین منزل اجازه عزیمت محل حکومت خود یافت و مشمول عطوفت ملوکانه آمده بلقب نیرالدوله سرافرازی جست چون قدری از راه طی شد سرکار اقدس همایون شاهنشاهی در باغیکه در ارض راه واقع است و در نهایت باصفا و شلیلهای ممتاز اعلی داشت برای نهار فرود آمده با غبان و صاحب باغ انعامی شایان مرحمت فرموده مقرر داشتند بدارباشی از شلیلهای باغ مقداری برای عصرانه همایونی خریداری نماید

سه ساعت بغروب مانده اردوی کیوان پوی بقلعه وکیل خان که قریب بچشمه کیلاس واقع است نزول اجلال نمود امین الملک عرایض و پیشکش ظهیر الدوله را از لحاظ انور همایون گذرانده معروض داشت که فوج امیریه از سرتیپ خود شاکی شده اند

حسب الامر امین الدوله و حاجی شهاب الملک و حاجی مصطفی قلیخان شرفیاب شده
درین باب اوامر ملوکانه شرف صدور یافت و بحاجی مصطفی قلیخان مقرر گشت احکام
خسروانه را بظهیر الدوله رسانیده در اجرای آن تاخیر جایز ندانند

از چمن قهقهه بچشمه کیلاس پنجفرسنگ است و راه مسطح ولی بواسطه انهار و فتوحات
بسیار که در آن تقاطع کرده اند عبور کاسکه خالی از اشکال نیست اطراف جاده
همه جا قرا و مزارع متعدده است و در این بیابان زراعت بی پایان میشود و محصول
آن جو و گندم و شلتوک و صیفی است و استعداد این اراضی بدرجه ایست که آنچه را
از فتوحات و آب و دمشروب میدارند تخمی چهل الی پنجاه تخم حاصل میدهد و آنچه زراعت
دیم است از یک جبه پت جبه عاید میگردد سمت راست راه بمسافت چهار فرسنگ
اندک پشتیر یا کمتر منتهی میشود بیک شعبه از جبالیکه متصل بجبال کلات است سمت چپ
با همین قدر فاصله کوههای چشمه سبز و کل مکان وغیره است چشمه کیلاس در فضای
دامنه کوه واقع است و قریب ده سنگ آبی ناگوار و غلیظ از او جریان دارد
که موقوفه حضرت فیض آثار است و در نواحی شهر باب ستد گلستان ضمیمه شده
از خیابان داخل صحن مقدس میگذرد و قرا و مزارع بسیار در شمال و جنوب

از آب آن مشروب میکردد و در چشمه نی زار و از بعضی نباتات آبی پوشیده و قعر
آن عمیق و در اولای بسیار است که هر کس نداند و پای در او نهد فرو رود و بهلاکت
رسد چنانکه از قراریکه حاجب الدوله بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید شخص
ساربانی از برای استحمام بمیان آب رفته چون عالم بعمق و کل چشمه نبوده فورا ناپدید شده
سه ساعت بعد جسد بیجان او را در روی آب یافته اند

سه شنبه بیستم ربیع الاول و تشریف فرمائی اردوی همایونی بچمن کوباغ

درین صبح یکساعت بدسته مانده اعلیحضرت همایون شهریاری بر اسب سمند
پیشکشی سپهسالار سوار گشته امین الدوله را بفرمایشات علیه ملوکانه مخاطب فرمودند
ابتدا بتفرج چشمه کیلاس تشریف بردند و بعد از ملاحظه چشمه بکاسکه رجوع فرمودند
و در سر تپه که مشرف باطراف است صرف نهار فرمودند محمد رضا خان حاکم رادکان
با اقوام و عشیره و سواران رادکانی بزیارت رکاب قمر اشتباب شتافته مورد
مراحم و عواطف ملوکانه گشته خاطر مبارک را از اسامی قراء این بلوک و جبال و
حدود و ایلات آنسامان مستحضر میداشت پنجساعت از روز مانده موکب مسعود

بخیام زرین بود شرف ورود دارزانی داشت حاجی میرزا علی مشکوة الملک و
دیگر چاکران تا مقارن غروب در حضور همایون مشغول صحبت و خواندن کتاب
بوده بسچادرهای خویش رفتند

از چشمه کیلاس تا چمن کوباغ چهار فرسنگ است سمت راست شعبه کوهی است
پست و سخت که نیم فرسنگ از راه فاصله و تا سه فرسنگ امتداد یافته پس از آن
کوهی مرتفع و سخت ابتدا میکند و در دامنه این جبال قرائی چند واقعند که از آنجمله
ابتدا قلعه کوچکی است مشهور بنجون آباد که در دهنه دره واقع است و از کنار آن
راهی است که از میان دره بمحال درزاب و کوارشک میرود پس ازین هاشم آباد
متعلق بهاشم خان فراشباشی حسام السلطنه است و از آن گذشته قریه رضا آباد
ملکی محمد رضا خان و اوّل خاک رادکان است سمت چپ راه که عبارت از سمت
مغربی باشد بلوک چناران است که خاک آن بواسطه قریه کون آباد از میان والا
مشهد منفصل گشته قراع و مزارع و باغات پر اشجار و اثمار آن از دور نمایان
و پس از پنجهر سنگ سلسله کوهی عظیم منتهی میشود از چشمه کیلاس تا کوباغ این صحرا
تمام مسطح و سبز و خرم و مرتع و موقف ایلات کیوانلو است که زیاده بر پنجهزار خانه

وسپرده بمحمد رضا خانند وسیاه چادرهای ایشان درین بیابان پراکنده است
چمن کو باغ خمینی است وسیع پرآب وعلف که در فاصله خاک رادکان وچناران
واقع وسرچشمه کشف رود است واورودی است فی الحقیقه زاینده رود که از امکان
بقرب شهر مشهد رسد زیاده برپانزده سنگ آب دراو جمع شود وقراء بسیار
ازآن سیراب کردند

چهارشنبه بیست ویکم ربیع الاول وتشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی ببلده رادکان

ازآنجاکه مسافت ازانیمتر تا رادکان زیاد نبود درین روز دیرتر ازسایرایام
شیپور سواری کشیده وشاهنشاه جمجاه بافروشکوه هرروزه ازسراپرده مبارکه
بیرون تشریف آورده براسب بخت جلوس فرموده ازمیان چمن بامین الدوله
وسایروزراء فرمایش کنان تشریف فرماشدند نیمفرسنگ برادکان مانده
چون اهالی آن بلدآوای زنبورک ونقاره خانه را استماع نموده نزدیک شدن
موکب همایونرا دریافت نمودند اناثاً وذکوراً ازوضیع وشریف صغیروکبیر برون
شتافته درسمت راست وچپ راه بانظمی تمام ایستاده زبان بدعا وثنای

وجود مبارک گشودند سرکار همایون پادشاهی نیز بانظر ملاطفت و مرحمت
بدیشان نظر فرموده در باغ محمدرضاخان که در خارج شهر واقع است نهضت افزا
گشته و وزرا و سایر چاکران از رخصت آن دادند که بمکانهای خویش روند
ذات والاصفات همایون شهریاری پس از صرف نهار اندکی استراحت کرده
هنگام عصر بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند شب بعد از شام قورق نشست و
معتمد الممالک و امین الملک و سایر مقربان حضرت بخدمت شتافتند

از کوباغ برادکان یکفرسنگ است و راهی مسطح در جوار جاده جزو قریه قیس آباد
دهی نیست ولی در سمت غربی قراول مزارع متعدده است و در وسط راه برجی
عظیم از آثار قدیم شبیه ببرج یزید شهری که با آجر و گچ ساخته شده و چون موکب
همایون بدان برج رسید سرکار پادشاهی محض تفرج آن بنا از یک سمت برج بالا
تشریف برده از سمت دیگر بیرون آمده از کیفیت بنای آن استفسار فرمودند
امین الدوله بعرض رسانیدند که آنچه از تواریخ معلوم میگردد سلطان سنجر در هنگام مراجعت
از روم درین مرز و بوم اردو زده چندروزی توقف داشته و در این ایام پرسطوئی
چند بارد آمده و در سرای پرده سلطانی از برای خویش مامن و مقامی ساخته‌اند

نقاصله دو فرسنگ
سه فرسنگ در
دامنه جبال
ع

چون زمان حرکت شد و حالت این جانوران که در روی تخم خفته در تشریف
بیرون آوردن بچگان بودند معروض حضور گشت محض رأفت و مروّت مقرر داشتند
سرای پرده را همچنان بعد از حرکت اردو در جای بدارند تا آمزغان بچگان خویش
بپرورند و حسب الامر چنان کردند مقارن اینحال خواجه نظام الملک که بصدارت
عظمی مفتخر بود از پس اردو برسید و از حقیقت حال جویا گشته بملاحظهٔ آنکه از رحم و
عدالت ملوکانه آثاری در امکان بماند حکم به بنا و ساختن این برج فرمود و الله اعلم
بحقایق الامور

قصبهٔ رادکان قلعهٔ بزرگ و محکم دارد که هزار خانوار در و مسکن دارند و بازار
و دکان و حمام عالی در او بنا شده اطراف این قلعه خندقی است عمیق که غالب بر
از آب است در کنار قلعه باغی است متعلق بمحمد رضا خان که خیابانهای منظم و بیدستانها
و حوضخانه نیکو دارد هوای رادکان در نهایت معتدل و آب آن بشدت کوارا
و از درهٔ شمال مشرقی جاری است

پنج شنبه بیست و دوم و اوطراق در رادکان

سرکار همایون پادشاهی محض ملاحظهٔ عرایض وزراء که بتوسط چاپارازدار الخلافه

رسیده بود وصدور جواب واحکام دراین روز در رادکان امر باوطراق فرموده
در اول روز از خرمخانه مبارکه بیرون تشریف آورده وتا هنگام عصر مشغول
مطالعه عرایض وصدور احکام بودند تا از انجام آنها فراغت حاصل آمده حکم
بروانه داشتن چاپارفرمودند شاهزاده تیمور میرزا در اطراف قلعه چندفره بلدر چین
باقوش صید کرده بحضور مبارک آورد ومعروض داشت که دراین دامنه چشمهای
بسیار است خاصه در دره مشرقی که آبی در نهایت صاف وگوارا در آن جاری
وبیدستانی بس منزه وباصفا در طول دره امتداد یافته غلامان رادکانی تکه
آهو وتکه بزبزرکی صید کرده بخاکپای مبارک آورده انعام واحسان زیاد یافتند
ومعلوم عاکفان حضور شد که دراین نواحی هرگونه شکار بسیار است ولی چون
وقت کافی ومساعد نبود وگویا حضرت شاهنشاهی صیدی شایسته تر منظور نظر داشتند
بصید افکنی دران ناحیه میل نفرموده وزیاده از دو روز توقف را جایز ندانستند
محمد رضاخان حاکم رادکان که در پذیرائی مقدم مبارک وتبشیر نفات ورود
مسعود وتمهید موجبات راحت ملتزمین رکاب جهدی مشکور ظاهر ساخته بود
مورد مرحمت ملوکانه شد باعطای یکثوب جبه ترمه ودو جعبه تفنگ وطپانچه

سر فخر و مباهات بر آسمان سود و نیز اکثری از خوانین کیوانلو که شایسته مراحم
ملوکانه بودند خلاع شایسته یافته قرین اعزاز و افتخار آمدند

جمعه بیست و سیم تشریف فرمائی اردوی همایون از رادکان بمنزل سوهان

درین روز چون اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعزم سواری از باغ محمد رضاخان
بیرون تشریف آوردند محمد خان حاکم چناران و محمد رضاخان حاکم رادکان
و خانلرخان رادکانی که مردی سالخورده و وضع لباس و طرز سلوک و هیئات و
حالات و نمونه و آثاری از قدمای قوم بود با تمام سران و خوانین کیوانلو که هریک را
بفراخور حال خلعتی مرحمت شده بود بزیارت خاکپای همایون تشرف جسته
اعلیحضرت شاهنشاهی با هریک بنحوی که درخور شان او بود خاصه خانلرخان را مظهر
مرحمت و مکرمت فرموده و با سب ترکمانی غوغا که اسبی بی همتاست نشستند و
از جنب قصبه رادکان عبور فرموده تشریف فرمای کاسکه گردیدند و چون در اطراف
راه مکانی که صفای آن مستحسن و شایسته فرود آمدن باشد ملحوظ نظر مبارک نیفتاد
و تا سوهان چندان بعدی نداشت سرکار پادشاهی نهار را در منزل میل فرموده

خواستند اندکی بیاسایند حرارت هوا مانع شد پس تمام روز را باستماع کتب تواریخ
و نوشتن روزنامه و خواندن روزنامجات فرانسوی مشغول گشتند حکیمباشی طلزان
دندان حیوانی که در نهایت سطبر و عظیم بود و عجب مینمود بحضور مبارک آورده
معروض داشت که اهالی رادکان در زمانی قبل برین هنگام حفر چاهی دو پارچه
استخوان یافته اند یکی از آنها درینمدت مفقود شده و دیگریکه باقی بود نزد امین الدوله
آورده بودند و من چون درست تأمل کرده از آثار علم طبیعی او را دندان یکی از حیوانات
علف خوار عظیم الجثه یافتم که قبل از طوفان نوح درین سمت از کرهٔ ارض متمکن بوده اند
و چون خالی از غرابت نبود بنظر مبارک رساندم و این پارهٔ استخوانها که بندرت
در اراضی معمورهٔ قدیم یافت میشود دلیل بر آنند که در سوابق ایام حیواناتی چند درین
سمت کره بودند که این اوقات ببزرگی آنها هیچ حیوانی دیده نمیشود و حکما و طبیعت
شناسان فرنگی بدین آثار و علامات چنان قیاس می کنند که در میان مخلوقاتی
که در اول خلقت بدرجهٔ شهود رسیده اند یا آنانیکه امروز در روی زمین نشو و نما مینمایند
بحسب جثه و قوت و قدرت فرقی کلی است بالآخره حضرت همایونی هنگام
شام بحرمخانه مبارکه تشریف فرما گشته و چون برخلاف روز هوای شب را

اعتدالی بود در کمال راحت بیاسودند

از زادگان الی سوهان سه فرسنگ است و راه شمال مغربی و در جلگه واقع است
که از یمین و یسار آن رشته کوهی امتداد دارد که سمت راست آن نیم فرسنگ
زیادتر از راه بعد ندارد و قلعه کلات در سمت مشرقی و انتهای شعبه این کوه واقع است
و در دامنه آن آسیاهای زیاد نمایان است و کوه دیگر که در سمت چپ است
چهار فرسنگ از راه دور و اغلب مکانهای آن بدون سنگ و سهل المسلک است
دهاتیکه درین راه ملاحظه میشوند اول قریه **چنبر غربال است** که در دامنه کوه واقع
گشته و پس از آن قریه **خرج** که ملک سرکشیکان حضرت فیض آثار است و
ده اخیر **مهمن کان است** قلعه سوهان که از قلاع قدیم است اکنون خراب
و بایر مانده و سکنه آن در اندک مسافتی از قلعه مسکن گزیده و آبادی نموده اند و از قرار تحقیق
در میان اهل آبادی مذکور است قلعه سوهان در زمان سلف قلعه معمور و پر جمعیت
بوده است و طوایف اوزبک ایشان را کوچ داده بخاک ترکستان برده اند و چند
خانوار از آنها فرار کرده پس از مدتی دوباره بوطن خویش عود نموده و در حوالی
قلعه تمکن جسته اند و الله اعلم

شنبه بیست و چهارم تشریف فرمائی اردوی همایون بعلی آباد که اول خاک قوچان است

درین روز هوا در نهایت معتدل و نیکو بود و خاطر مبارک خسروانی را ازین معنی بکمال مسرت حاصل در اوّل سواری تیپ همایونرا مقرر داشتند که از جاده روان شوند و خود با معدودی قلیل تفرج کنان و صید افگنان از دامنه کوه تشریف فرما شدند و ملازمین رکاب بشکار مشغول گشته هریک صیدی مینمودند از جمله شاهزاده تیمور میرزا و محمد تقی خان پیشخدمت هریک آهوئی صید نموده و از انعام و احسان شاهنشاه بهره ور آمدند چون اندک مسافتی از راه طی شد در سمت راست بالای سر قریه موچنان تپه نمودار گشت و در فوق آن مزاری قدیم بنظر آمد حسب الامر در صدد تحقیق برآمدند و بعرض حضور همایون رسانیدند که قبر باباساهاست و او مردی از اهالی ترکستان و طایفه جانی قربانی بوده است که با جمعی از ایل و الوس خود از ترکستان در زمان قدیم بدین سامان آمده و در آنجا و موچنان منزل گزیده و چون زمان وداع جهان رسیده اولاد خویش را که اکنون نسلاً بعد نسل ملاکین ساهاستند وصیت نموده که قبر او را در بالای این تپه قرار داده

محترمش دارند و اورا و پسر بوده یکی موسوم بقرا اوغلان و دیگری بسنر اوغلان که هم
تا کنون قنوات این قرا باسم ایشان موسوم و معروفست و از قراریکه مذکور میدارند
سواران این طایفه در واقعه عظیمه کربلای معلا از آنها بوده اند که با امام همام علیه السلام
مخالفت و معاندت ورزیدند و الله اعلم موکب منصور از حوالی پته مذکور عبور فرمود
و در سه فرسنگی موچیان درخت آورسی عظیم و کهن نمودار گشت که عوام قوم متصور
آنکه این درخت نظر کرده است بامید برآوردن حاجات و متمنیات بر هر شاخ
پارچه یا ریسمانی بسته اند بحدیکه چون شخص نظر کند گمان نماید که اوراق این درخت تمام
از ریسمان و پارچهای الوان است بالاخره اندکی از درخت گذشته امیر حسنخان
ایلخانی زعفرانلو بادیدگشت که برسم استقبال در کنار جاده با پانصد سوار زعفرانلو صف
بسته و خود با سران سپاه و خوانین زعفرانلو پیاده در جلو صف ایستاده منتظر زیارت
رکاب نصرت انتساب حضرت همایون شهریاری ایلخانی را از دیک طلبیده مورد
الطاف و اشفاق ملوکانه ساخته مقرر داشت سوار شده ملتزم رکاب گردد
و الحق از جلادت و رشادت جبلی و از آستکی اسب و یراق سواران مزبوره انظار
خیره شده مایه مزید تلطف حضرت همایونی نسبت بایلخانی مشارالیه گشت و امیر حسنخان

مخاطب بفرمایشات علیه آمده جواب را از روی بصیرت و اطلاع کامل معروض میداشت
از جمله سرکار همایونی از احوال طایفه بغایری و عدد خانوار ایشان سئوال فرمودند
ایلخانی معروض داشت که بغایری دو طایفه اند که در سمت جنوب قوچان بفاصله
هشت فرسنگ در بام و صفی آباد مسکن دارند طایفه که بغایری فقط معروف است
و مقصد خانوار ایل دارند در بام مسکونند و رئیس ایشان الله یار خان اولاد محمد خان
بغایری است و پانصد خانوار دیگر را که در میان خود جز بغایری مینامند در صفی آباد
متمکن و از جانب دولت علیه لطفعلی خان بسرکردگی و ریاست ایشان سرافراز است
و در میان این دو طایفه اغلب خصومت و عناد است کوه جهان ارقیان که از جبال
معروف خراسان است در میان این طایفه و ایلات زعفرانلو واقع شده و خاک
ایشان را از یکدیگر منفصل ساخته بدین معنی که شمال آن کوه در تصرف زعفرانلو و جنوب
آن متصرف فیه طایفه بغایری است و هر دو طرف این کوه آباد و حاصل خیز است
بالاخره اعلیحضرت همایونی در کنار راه در مکانی باصفا از برای صرف نهار فرود آمدند
و در ثانی باسب کهر عربی حاجی قوام الملکی سوار گشته همه جا از دامنه کوه با تمام
سواران و ملتزمان رکاب نصرت نشان از دره ماهور و پست و بلند راه عبور فرمودند

تم التحریر

شش ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند و چون امتداد و پست
و بلندی راه بوجود مسعود زحمت داده بود شب را زودتر از سایر لیالی استراحت فرمودند
از سوهان الی علی آباد هفت فرسنگ است سمت راست در اول منزل قریب
بکوهی سخت و پر سنگ و اندک اندک مسافت راه باصل کوه زیاد گشته و تا جلگه علی آباد
تمام این سمت دره و ماهور و از تپه های خاکی پست و بلند است و قراء و مزارع واقعه
این سمت راه بدینموجب است

مزرعه ابراهیم آباد	موچنان	یاساقی	شال باف مخروبه است	دولت آباد یا دوست آباد
داودلو	کلاته قاسمانلو	دیزوند	کلاته قربان	علی آباد

سمت چپ جاده بمسافت پنج فرسنگ اندکی کمتر یا زیادتر رشته کوهی است
که از خراسان گذشته همه جا همراهی دارد از سوهان تا مسافت سه چهار فرسنگ
درین سمت آبادی نیست و پس از آن در میان دره ها و دامنه کوه مزارع و دهات چند از
دور نمایان است که جزء بلوک سر ولایت قوچانند و اسامی آنها بدینموجب است

رضا آباد متعلق بمیرزا حسنعلی وزیر آستانه مقدسه	بیک نظر	شورچه	کلاته قراشور	جعفر آباد

یکشنبه بیست و پنجم تشریف فرمائی اردوی کیوان

سکوه

شکوه همایونی بقوچان

درین روز اول صبح اردوی همایون از علی آباد کوچ کرده و سرکار همایون شاهنشاهی
با شوکت و اجلال سوار شده با امین الدوله فرمایش کنان بسمت قوچان توجه فرمودند
و پس از طی مسافتی اندک در قلعه فتح آباد که مشهور بقلعه کلب آقاسی است صرف نهار
فرمودند پنجساعت از روز برآمده موکب مسعود بشهر قوچان نزدیک شد علمای بلد
و اعیان و اشراف و رعایا و برایای شهر وضیع و شریف صغیراً و کبیراً برای
زیارت جمال مهر مثال همایونی در خارج شهر در نهایت نظم و آرامی صف بسته
زبان بدعا و ثنای وجود مبارک ملوکانه کشودند امیر حسین خان علما و اشراف را
در خاکپای همایون معرّفی نموده و هر یک از ایشان بفراخور مرتبت و شان خویش
مورد الطاف و اشفاق شاهنشاهانه شدند و اعلیحضرت پادشاهی از کالسکه بزیر آمده
بر اسب یراق الماس سوار گشته از کنار قلعه رضا قلیخان که بقلعه امیرآباد موسوم
و بگرد محله اشتهار دارد و در خارج شهر قوچان واقع است عبور فرمودند در سمت
غربی شهر بباغ نظر امیر حسین خان که برای تشریف فرمائی ذات والاصفات
همایونی معین شده بود عزّ ورود ارزانی داشتند ایلخانی نثار مقدم مبارک

همایونرا پیشکشهای لایقه از نقود و شالهای کشمیری و سایر اقمشه تقدیم نموده هدایای
ایشان پسند خاطر مبارک افتاد و از شالها یکطاقه را بمحمد علیخان پیشخدمت خاصه
و یکطاقه بمحمد حسن خان محقق مرحمت فرموده بقیه را نیز بدیگران بذل فرمودند
از علی آباد بقوچان سه فرسنگ است سمت راست و چپ جاده بفاصله دو فرسنگ
الی سه فرسنگ امتداد دو رشته کوه است که در منازل سابق ذکر یافت در وسط
این دو کوه جلگه آباد خوش هوای حاصل خیز قوچان واقع است و قراء و مزارع
واقعه در یمین و یسار جاده بدینموجب است

قرا سمت راست جاده

ناوخ	قیطاقی	چالکی	حسن آباد	پیش باغان	هی بی
نظر آباد	یزرج	آق کاریز	فرخان	صبح آباد که بقلعه کلب آقا شهرت دارد	قیلو
قوچان					

قرا سمت چپ جاده

قلعه شفیع	قلعه سدو	ازون قوی	دوغای	بنوید	قلعه عباس
قلعه دولو	آب ارک	کبرآباد	کهنه فرود	نوروزی	محب سراج
کلکچه	جنود آباد	دربندی	کلاته میرزا	فیروز آباد	یزدان آباد

قلعه کلب آقا سی که امروز نظارگاه حضرت همایونی واقع شد یکی از قلاع
قدیم و بسیار محکم است و بنا بر معروف مرحوم نادرشاه افشار را در سمت شرقی

قلعهٔ مزبور در تپه که موسوم بمرواریدتپه شهید کرده اند قلعهٔ امیرآباد در نزدیکی قوچان
واقع و از بناهای مرحوم رضاقلیخان ایلخانی زعفرانلوست چون در ایام خاقان
مغفور مبرور رضاقلیخان پا از جادهٔ اطاعت بیرون نهاده بنای طغیان و فساد
گذاشت مرحوم عباس میرزای نایب السلطنه جد شاهنشاه غازی که در آن هنگام
از جانب شاهنشاه مغفور فرمانفرمای ترکستان داشت این قلعهٔ محکم بنیاد را
که مشتمل بر برج مشید و حصار سخت و خندق عریض عمیق است بقهر و غلبه بتصرف
فرموده رضاقلیخان را باطاعت آورده حکم بویران ساختن قلعه فرمود تا دیگر باره
مأمن و مقر طاغیان نشود

محال قوچان سمت مغرب شمالی مشهد واقع است و از اول خاک آن که بطاس تپه
و قلعه بیک نظر معروف است تا شهر مشهد پانزده فرسنگ است جلگه قوچان که
صحرائی حاصل خیز و فرح انگیز است در میان دو سلسله کوه واقع شده یکی از سمت
جنوب که معروفست بکوه شاه جهان و جهان ارقیان و میان قوچان و بغایر
و صفی آباد و جلگه اسفراین فاصله است و دیگری شمالی که جلگه قوچان را از دره گرد صحرای
اتاک منفصل و جدا کرده خاک قوچان محدود است از سمت مشرق بخاک مشهد از مغرب

باول یوردشادلو از سمت جنوب بچناران و اسفراین و از شمال بدره گز و
صحرای ترکمان طول خاک این محال شانزده فرسنگ و عرض آن نیز از دوازده
الی شانزده فرسنگ است درین وسعت اندک دهات و مزارع و باغات و
کشت زارها بیکدیگر پیوسته خاک آن حاصل خیزترین محالات مشهد است و زراعت
دیمی و آبی این بلد در سال کفیل معاش غالب بلاد خراسان میگردد بنحویکه هرگاه
وقتی بزرع آنجا آفتی وارد آید در تمامی بلاد خراسان تفاوت نرخ حاصل گردد
و عمدهٔ تجارت و کسب رعایای قوچان از غلات و حبوبات و فواکه است
این مملکت را دو شهر است یکی شهر قوچان که معروفست و او را برج و باره
و خندقی عظیم است ولی عمارات داخلی آن اکثر خراب و بتازگی درین عهد جاوید مهد
و ایام حکومت امیر حسین خان رو بآبادی گذاشته درین شهر حمام و مسجد متعدده است
از جمله مسجدی است که در نهایت قدیم است و اگرچه تاریخ بنای آن معلوم نگشت
ولی آنچه از آثار نمایان است گویا زیاده از هشتصد سال است که بنا شده و نیز
قوچان را بازاری طولانی است که ابتدای آن دروازهٔ مشهد و انتهای آن دروازهٔ
بجنورد است و درین بازار همه نوع متاع یافت میشود و هم این محال را شهری دیگر است

که بشیروان معروفست و تفصیل مدینت آن در موقع خود ذکر خواهد یافت هوای
قوچان قریب باعتدال و خشک است و آب آن در نهایت گوارا و مردمانش همه
باهوش و ذکاوت و شجاعت و فراست و از طایفه زعفرانلو اغلب آنها صاحب
خانه و املاک و باغات و مزارع هستند و هزار سوار جزار مکمل و مسلح پیوسته
از ایشان برای خدمت دولت حاضراست و در هنگام ضرورت هزار و پانصد
سوار و هزار و پانصد پیاده نیز ممکن است با اسلحه حاضر خدمت شوند

تفصیل بلوکات و رودخانها و قلعجات قوچان بدینموجب است

بلوکات و محالات

بلوک سرولایت دهات و مزارع بسیار دارد و معتبرین آن ازین قرار است

شورچه	عباس آباد	قلعه عباس
چالاکی	نوروزی	

بلوک پشت کوه که در فاصله جبال در کرد قوچان واقع است دو سه محال است معروف بدولتخانه و قارو اینجه

بلوک میان ولایت دهات معروف آن ازاین قرار است

فارج	داغیان	اسفیجر	
دویت	کرتو		

بلوک پایین ولایت

شیروان	جوشان	دوالدرم معروف
حسین اباد	زیارت	بزاورم

محال کیکانلو سمت شمال وغیره

بلوک شمالی که قلعجات آن هر یک علیحده علیحده و مزرعه های متعدد دارد و محال محسوب میشود

اوقاز — ترخان — جیفان — کرم اب — خرستان — قوشخانه

فیروره

محال کی پان چهار صد خانوار و چند مزرعه دارد

بلوک جنوبی او نیز قلعجات متعدده دارد که هر یک میتوانند محالی جداگانه محسوب شوند

قرامان لو و محال شادکان لو — محال استاد و خرده — محال جلیان که آب و هوای ممتاز دارد و رودی عظیم در وسط آن میگذرد و باغات زیاد نا محصور دارد

محال بیدوار که طایفه میلانلو در آنجا مسکونند — قاسم اباد و دولت اباد

رود خانها

رود بترک که بقوچان می آید و منبع آن سمت شمال و کوه دره گز است — رود خانه واغیان از جبال جنوبی جاری است — رود استاد و خرده از جبال جنوبی جاری است — رود جلیان ایضاً جنوبی است — رود چری

این رود از قوچان که گذشت اسم آن بدول خاک بجنورد که رسید و از بجنورد که گذشت سوم بار میشود و از بجنورد رفت اترک مینامند و بگرگان رفت

رود اسفیجر از جبال شمالی جاری است — رود ذورم از کوه درفیان جهان و بخت میرزا — رود هونه مایه رودی است که بشیروان می آید — رود قولچوق او نیز بشیروان می آید

قلعجات و قراولخانهای قوچان که در سر راه ترکمان واقع است ابتدا از حد رادکان و در کزالی حد شادلو

چودنیلی اول سرحد قوچان و دربند است و قلعه ایست که سی خانوار دارد و سه راه باین قلعه منتهی میشود و در هر یک قراول است

قلعه در بادام او نیز سی خانوار دارد و سه راه بدو منتهی میشود

راه تابان — راه چوجان — راه کارخانها — کرکاولق — ونقر بولی — توقلی بولی

دربند سال کوه چهار برج فقط دارد

راه کل بو بدون قلعه است و سه برج دارد که قرمسین است و در اینجا سکون است

قلعه بردرکه تا ترکمان سه فرسنگ است و چهار برج قراولخانه دارد

راه زکریا قراولخانه دارد

راه بیدلی ایضاً

راه زیلان ایضاً بدون قلعه

راه شبانه دو قراولخانه دارد

ره کوه کلیل سه قلعه دارد

ماال لو — زندین لو — زقر

راه جنگل

راه پیاده راه

راه چرستان راههای متعدده دارد که همه از کوه کلیل آید

خالد کبر — شهباز — شبانه عزیز

راه ترک — ترکمان بزولان — راه کول

راه ترناب

راه خیرآباد دربند است و امیر حسین خان سدی بزرگ در برابر آن بسته خود خیرآباد قلعه ایست که سی الی چهل خانوار رعیت دارد و پنج برج در او ساخته اند و راهها که بدو منتهی میشود بسیار است

راههای

راههای معروف دیگر که قلعه ندارند

گزرجب — برج آق کر — امین یلی

قرقشلاق — تکه قرلن — راه کتل دربند است

راههای بی قلعه

برج قلی — چوب بست — زاغ آشیان — ایزمان

راه قلی — راه عرب در — راه یکه شاخ — راه قورد باغ

راه قره چنگه

راههای فیروزه که بترکمان از همه نزدیکتر است و زیاده از یکفرسنگ و نیم مسافت ندارد و خود فیروزه دو قلعه است و در هر قلعه پنجاه خانوار رعیت است و راهها که معبر ترکمان است و بدان وصل میشود ازین قرار است

بازار — دربند ایزقند — راه مندوا — قوشه امام

دربند کله کله — راه چهار تخته — راه کار عوض بیک

راههای جیفان خود قلعه جیفان و توابع آن چهار صد خانوار دارد

اسمعیل بولی — چلبی — کلاته

میان رو — کندرف — امیرآباد

راه حصاره

راههای قوشخانه که بقلعه قوشخانه و مزارع آن منتهی میشود

دربند سرائی کار بلقیس قلعه معتبری دارد — راه سر دو قلعه است بیست خانوار دارد

کار کلاته قلعه است و چند خانوار دارد — راه کچی داغ

راه الله قلی — یادکار بولی

راههای تیکمران که در شمال شادلو است

راه شاه پته — راه کردیولی — راه پسر زینل خان

راه قزل چنگه

راه کرناب خود کرناب صد خانوار است و متصل باو قلعه قلقلو است که سی خانوار رعیت دارد و راههای متعدد باو منتهی میشود

کودر — آت یولی — کوره

سقربولی — راه زاب آب — دوه کیسی

قرشمال دره — قوری چای — راه اوچ پته

راه باش پته — راه قزل قیه — راه عرب دره و قره نیکان

دوشنبه بیست و ششم توقف موکب منصور در قوچان

درین روز هوا را اعتدالی کامل حاصل شده و از اول بامداد بارانی ملایم کرد
و غبار از روی زمین بستر دو کلها و درختان باغ را صفائی تازه و نظافتی بی
اندازه حاصل گشته خاطرها را ازین مسرت و بشاشت داشت سرکار اقدس همایون
شاهنشاهی بهنگام صبح استحمام فرموده و پس از پرده دیوانخانه مبارکه تشریف
فرما شدند این خانه زاد علیحضرت شاهنشاهی که چند روز بود کرفتار تب و نوبه بود
از یمن توجهات ملوکانه و مراحم شاهنشاهانه صحت یافته بزیارت خاکپای همایون
شتافت و صورت اماکن متبرکه و روضه منوره را بعرض عاکفان حضور رسانده
سرکار شاهنشاهی در کتابچه روزنامه مخصوص که اصل این کتاب مستطاب است
ثبت فرمودند مقارن ظهر چاپاردار نخلافه از راه نزدین و جاجرم در رسیده
عرایض وزیر مالیه اعظم و سردار کل عساکر منصوره که مبنی بر احوال مملکت و مطالب
دولتی و وصول مالیات و امنیت بلاد و نیکی حال رعیت و لشکری بود از لحاظ
نظر انور همایون کذشته جواب هریک شرف صدور یافت و مقرر کشت
چاپار را معجلا عود دهند یکساعت بغروب مانده علیحضرت شاهنشاهی بعزم ملاقات

حضرت

حضرت مهد علیا و ستر کبری بباغی که منزل سرکار ایشان بود تشریف فرما شدند
بعد از صرف عصرانه و چای مراجعت فرمودند و ساعت از شب رفته مقربان
دربار معدلتمدار بحضور مرحمت ظهور همایونی مشرف گشته تا ساعت چهار و ربع
سعادت و افتخار بودند عکاسباشی چند صفحه عکس ایلخانی و قلعه قوچان و غیره را
که حسب الامر برداشته از لحاظ انور همایون گذرانده در نظر مبارک پسند آمد

سه شنبه بیست و هشتم و سوم توقف سرکار پادشاهی در قوچان

از آنجا که طبع منیر حضرت همایون شهریاری همواره بتفرج و سیاحت مایل است
درین روز بعزم سیر و گشت خارج قوچان حکم سواری فرمودند و محض آنکه سواران
نصرت نشان را راحتی باشد و اسبان ایشان را آسایشی حاصل آید که در هنگام
ضرورت و خدمت از پای نمانند سوار را از التزام رکاب مبارک معاف داشته
شها بعضی از چاکران خاص چون معیر الممالک و حاجب الدوله و امین خلوت و
اجودان مخصوص و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و مهدیقلی خان و میرزا علی خان
و نور محمد خان و ابو الحسن خان پسر ایلخانی و ابراهیم خان نایب اصطبل و معدودی
از تفنگداران و فراشان سوار در رکاب مبارک ملتزم گشته و سرکار اقدس همایونی

بسمت جنوب توجه فرموده و ابوالحسن خانرا که عالم محل و بلد بود از پیش روی
و خدمت بلدیت معاف فرموده و خود بنفس نفیس مدون بلدوراه نما چون اقبال
و نصرت پیشرو و ظفر همعنان رکاب شدند و قدری از صحرا تشریف برده کوهی را منظور
نظر مبارک فرموده و بقیاس و قرینه مرکوز خاطر مبارک گشت که پشت آن کوه
محل آبادی و زراعت خواهد بود پس بجانب آن کوه روان گشتند تا جادهٔ معتبر
و سیعی بادید گشت همان جادهٔ میسر موکب گردون سیر گردید و از دره ماهوری
چند عبور فرموده کردنه نمایان شد چون از فراز کردنه بنشیب آمدند صحرا و جلگه وسیعی
نمودار گشت که اطراف آن کوههای نرم پر گیاه و تمام سطح جلگه از کثرت قراء و باغات
و مزارع صیفی و شتوی رشک جنان بود منظر این بوستان باعث سرور خاطر
همایون گشته در کمال شادکامی بصید افکنی مشغول شدند یک قطعه فاخته و چهار
قاز الاغ بدست مبارک صید کرده از جوار قلعهٔ بکار آقا گذشته در کنار نهر آب و
بیدستانی از برای صرف نهار فرود آمدند و مقرر شد تا آنچه صید شده بود کباب
سازند و بلاحظه آنکه سرکار شاهنشاهی را در هیچ وقت و هیچ موقع از کارهای دولت
و ملت غفلت نیست معیر الممالک را مامور و مقرر شد که افراد جمع و خرج اقساط ممالک

محروسه

محروسه و نوشتجات کیلانزاکه درین صبح از دارالخلافه رسیده بود مشروحاً بعرض
حضور مبارک رسانده و در جواب هریک احکام و اوامر ملوکانه صادر نمود و حضرت
همایونی پس از فراغت ازین مهم سوار انرا در نزدیک قلعه گذاشته و خود با چند نفر از خدام
کوهی سخت راکه جنگل بادام تلخ و چشمه سارها و بیدهای تک تک داشت بنظر آورده
بسوی آن روان شدند درین حال دهقانی از اکراد که بلباس مندرس و کلاهی
بزرگ داشت در نهایت آسایش خاطر با تانی و متاعی تمام دستی بر کمر زده
و دستی در پشت سر گرفته رو بآنحضرت روان شد و از آنجاکه منبای امور شاهنشاه
بر عدالت و رعیت پروریست مقرر داشته احدی را مانع از آمدن نشود
تا مقصود و منظورش معلوم کرد مرد دهقان چون مانع و عایقی نیافت با همان طمانینه
بدون تکلم نزدیک رکاب همایون گشت سرکار اقدس شاهنشاهی نیز بجانب او
توجه فرموده در کمال ملاطفت فرمودند عموا این کلاه و قبا را از کجا یافته دهقان
جوابی نداده و به پشت سر خویش نظر کرده باز بان کردی چیزی بکسان خود که دور ایستاده
بودند بگفت و مفهوم آن گویا در امر زراعت و آبیاری کشت شلغم بود این حالت
استغنا و بیخبری دهقان که در چنین وقتی کار خود را فراموش نکرده خبر کشت

گزر و شلغم خیالی در سر نداشت در حضرت همایون مستحسن آمده او را نزد بکتر خوانده
و از برای مزاح بوی فرمودند کلاه خود را بمن ده تا اسبی ترا دهم دهقان کلاه
از سر گرفته با یکدست پیش برد که بگیر و بده حضرت همایون را اینحالت در نهایت
خوش آمده و تبسم فرموده مبلغی گزاف بدو انعام فرمودند دهقان چون آن
زرهای سرخ بدید در نهایت متعجب مانده در کمال سادگی سؤال نمود که این زرها
از چه راه بمن میدهید پس حضرت شاهنشاه از حالت رعیت و سلوک ایلخانی
جویا شدند دهقان عرض کرد که بحمد الله تعالی در زیر سایه پادشاه بما خوش میگذرد
و سالهاست چنین آسودگی و امنیت از برای خود ندیده بودیم در سابق مدام را
بجنگ و جدال و اکنون تمام را بفلاحت و زراعت مشغول هستیم و شکر خداوند
و دعای پادشاه میگذاریم اعلیحضرت همایون در نهایت ازین تقریر صادقانه
دهقان مسرور گشته شکر خداوند متعال را از آسوده خاطری رعیت بجای آورده
و بسمت کوه تاختن فرمودند در بالای کوه مزاری بنظر آمد از صاحب آن جویا
شدند معروض داشتند قبر پیر عابدی است که اهالی حول و حوش آنجا آنرا
بزرگ میشمارند و نذورات بدانجا برده استمداد می طلبند سرکار پادشاهی از آن مکان

گذشته

گذشته از تفرج چشمه سارها و درختان بید و بادام جنگلی و دورنمای اطراف تفریحی
کامل داشته تا محلی که از برای اسب صعود از آن ممکن بود پس از اسب فرود آمده
مسافتی نیز پیاده بر سنگهای سخت برآمدند تا غاری پدید آمد و در جوار آن تخته سنگی
ایوان مانند منظور نظر همایون گشت و سرکار پادشاهی در روی تخته سنگ مزبور
نماز خوانده و با دوربین تماشای اطراف و جبال سرحد آخال که محل عبور
ترکمانان است مشغول گشتند و ساعت بغروب مانده از کوه بزیر آمده و در حلقه
بدرشکه نشسته از راه دزبند که راهی مسطح است تشریف فرمای منزل شدند
برسم هر شب در ساعت معین قورق بگشت و در حضور مبارک آتشبازی بس
نیکو و عالی کردند

چهارشنبه بیست و هشتم و روز آخر توقف موکب همایون در قوچان

درین روز چون فی الجمله کسالتی در مزاج همایون راه داشت میل بسواری و تفرج
نفرموده و همه روز را در باغ دیوانخانه با مورات داخله و صدور احکام توجه داشتند
امیرحسین خان ایلخانی دو راس اسب ممتاز اعلی و دو قطار شتر نر و مایه تقدیم
آستان مبارک نموده از پیشگاه حضور مهر ظهور همایون بگذرانیدند و چون عنان اسبان

یکی در دست ابو الحسن خان و دیگری در دست خان بابا خان پسر مرحوم سام خان
ایلخانی بود در زمان حضور آوردن آنها اسب شمشاد بر خان بابا خان که طفلی
دوازده ساله عنان او را در دست داشت حمله برده وی را بر زمین افکند ولی از یمن توجه
ملوکانه آسیبی بدو نرسید و این طفل صغیر که شجاعت و جرئت را از پدر خود ارث دارد
همچنان عنان اسب را از دست نداده و هیچ اظهار خوف و بیم ننمود این معنی در نظر
مبارک خسروانی در نهایت پسند آمده و او را باعطای یک قبضه کارد مرصع مباهی
و مفتخر فرمودند مقارن اینحال سربازی در خارج باغ بقصد صید طیری تیری بینداخت
و گلوله آن در حضور مبارک بر زمین آمده باعث تغیر خاطر همایون گشته علیقلی خان
اجودان باشی را مقرر داشتند که او را تنبیهی باندازه کند تا دیگری مرتکب چنین اعمال
ناشایست نشود و از آنجا که خدمات سابق و لاحق امیر حسین خان ایلخانی منظور نظر
و مشهود خاطر مرحمت گستر همایون بود او را بلقب جلیل شجاع الدوله و باعطای
یک قبضه قمه مکلل بالماس سرافراز و مفتخر فرمودند و بابو الحسن خان پسر وی شمشیری
کل مرصع مرحمت شده مقرر گشت قهرمان خان و سایر کسان ایلخانی را نیز
بخلاع مهر شعاع مفتخر و مباهی فرمایند

شبیه شجاع الدوله امیر حسین خان

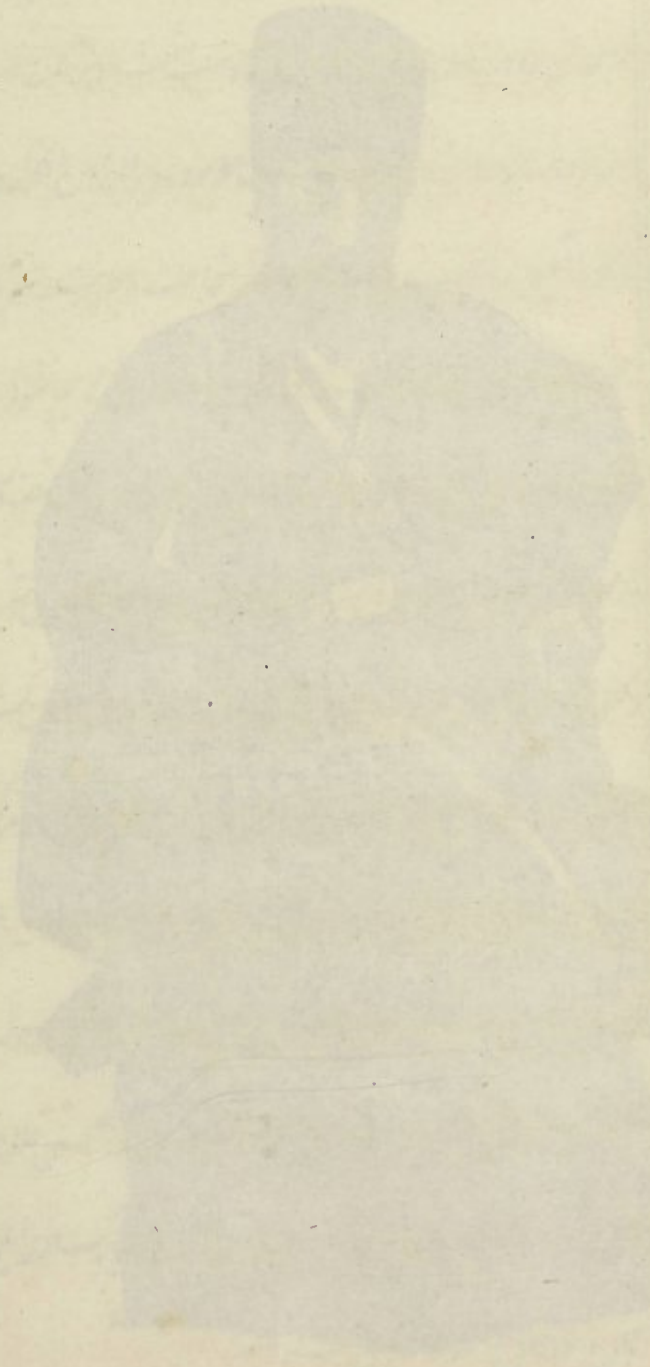

شجاع الدوله درین سه روز که موکب منصور همایون در قوچان اقامت داشت
بشکرانه این شرف که سالیان دراز موجب افتخار و امتیاز او ست توی داده ملتزمین
رکاب را از عالی و دانی میزبانی کرد و ما یحتاج اهالی اردو را از نقد و عسل تا قوم و
کفالت کرد و غالب اعیان حضرت را از اسب و شتر هدیه و یادگار فرستاد

پنجشنبه بیست و نهم ربیع الاولی نهضت اردوی همایون از قوچان بچمن لیلی

اردوی همایون در کمال نظم و آراستگی و با شوکت و عظمت تمام درین روز
از قوچان کوچ نموده بسمت چمن لیلی عازم شدند و سرکار همایون شاهنشاهی
یکساعت از روز برآمده سوار شده امین الدوله و سایر وزرا را مخاطب بفرمایشات
علیه گشته قراخان برادر الله یار خان حاکم دره جز که با اردوی همایون احضار شده
بود با دویست سوار مکمل و مسلح دره جزی باستلام رکاب نصرت انتساب
مشرف و مورد عواطف خسروانه آمده بدیگر سواران پیوست و هیچکس را بر مکنونات
خاطر دریا مقاطر شاهنشاهی و سبب احضار سواران خراسانی اطلاعی حاصل نگشت
هر کسی از ظن خود حدسی میزد و اعلیحضرت شاهنشاه عزم ملوکانه را که بر تنبیه و سیاست

طاغیان وسرکشان میوت وکوکلان مصمم بود همواره در پرده اخفا وضمیر منیر همایونرا
مستتر میساختند تا دشمن بر هلاک خویش واقف نشود و روی بفرار نگذارد هر وقت
بتقریب از سواران خراسانی واحضار ایشان درخاکپای همایون عرضی میشد شب
احضار راسان سوار واطلاع براحوال ایشان میفرمودند وکسی را قدرت آن نبود
که جز این تصور کند بالاخره بجماعت از روز برآمده موکب منصور تشریف فرمای
منزل شده وصرف نهار نموده اند وقتی استراحت فرمودند وهنگام عصر محمد
حسین میرزا وابراهیم خان نایب بعضی از اسبان خاصه اصطبل مبارکه را در فضای
سراپرده مبارکه که چمنی وسیع بود بنظر مبارک رسانده یکی از آنها که اسب شماد
بسیار ممتازی بود با عتضاد الدوله مرحمت شد

از قوچان بچمن لیلی دو فرسنگ ونیم راه است سمت راست جاده بمسافت
هفت فرسنگ الی چهار فرسنگ منهی بکوه میگردد ودرین دامنه قراء ومزارع
بسیار واسامی آنها بدین موجب است

اسپای چهار باغ	یوسف اباد	اوتار اباد	اسما وباغات وامامزاده
پته حسکم اباد	مرغزار	قلعه حاجی تقی	

سمت چپ راه نیز بمسافت پنج الی شش فرسنگ کوه است و قرا معروف
واقعه درین سمت ازین قرار است

یزدان آباد — قلعه آلطفعلی — داغیان — شیرین — جعفر آباد — کلاته متعلق جعفر آباد که اشجار بسیار دارد — معرق آباد

چمن لیلی که مضرب خیام زرین قباب واقع شد چمنی است بسیار وسیع و سبز
و با صفا و روح که از هر سمت آن چشمها و نهرهای آب گوارا جریان دارد و هوا
و صفا و خضارت و نضارت آن در نهایت مایه بشاشت و سرور اهالی اردوی همایون گشت

جمعه غره ربیع الثانی تشریف فرمائی اردوی همایون بمنزل فیض آباد

چون دو ساعت از روز برآمده اعلیحضرت همایون شهریاری از سراپرده مبارکه
بیرون تشریف آورده سوار شدند و اعتضاد الدوله و اعتماد السلطنه را نزدیک
طلبیده تا نیم فرسنگ سواره با ایشان فرمایش کنان تشریف برده پس از
اتمام فرمایشات بکالسکه نشستند در قرب قصبه خریج که معبر همایون بود قریب
بهزار مرد و زن از اهالی قصبه بیرون آمده صف بسته در برابر کالسکه علی الرسم قربانیها
کرده و دعای وجود مبارک گفتند آبادی این قصبه و زیادی جمعیت آن در خاطر
مبارک زیاده از حد پسند افتاد و اندکی از برای تماشای قصبه و هیئات و لباس

اهالی آنجا که بلباس ترکمانان شباهتی تام داشت مکث فرموده و از آنجا گذشته
چهار ساعت از روز برآمده بمنزل تشریف فرما شدند از قراریکه بعرض خاکپای
همایون رسید معیر الممالک از روز قبل بستری شده و هم حاجب الدوله را تب
و نوبه عارض گشته بود سرکار پادشاهی از ناخوشی این دو نوکر بزرگ دلتنگ شده
حاجی آقا بابای ملک الاطباء را مقرر داشتند تا در علاج ایشان سعی و جهد بلیغ
نماید چون هوای این منزل برخلاف سایر منازل قوچان فی الجمله گرم بود
و بادی پر گرد و غبار وزیدن داشت سرکار شاهنشاهی میل باستراحت نفرموده
تا عصر مشغول مطالعه نوشتجات مرحوم سپهسالار بودند و هنگام عصر قورق شده
بعد از شام قورق بشکست و تا ساعت چهار اعتضاد الدوله و امین الملک و ما
چاکران در حضور مبارک مشرف بودیم از چمن لیلی تا فیض آباد سه فرسنگ است
و راهی پست و بلند که عبور کالسکه از آنجا خالی از اشکال نیست سمت یمین و یسار امتداد
رشتهای جبال سابق الذکر است که بعضی جاها سه فرسنگ و در برخی چهار فرسنگ از
راه بعد دارند و درین فاصله همه جا آبادی و دهات و باغات و زراعت است
از جمله قصبهٔ خریج ملکی امیر حسین خان شجاع الدوله است که قریب بهزار و پانصد خانوار

رعیت دارد و باغات توت بسیار که از برای ابریشم کاری آباد نموده اند

اسامی قرار و مزارعیکه در دست راست جاده دیده میشد بدینموجب است

پام	دوین	برکر	کلاته برازان در دامنه کوه است	تی تی کاربو ایضا در دامنه است
قوجه کندی ایضا	آقاباغ ایضا	حصار ایضا	نجف آباد	علی آباد

اسامی دهات طرف چپ از این قرار است

حصار قارچ در وسط جاده است	سیاه دشت	فیض آباد	میوان در دامنه است
سنکلی ایضا	استی ایضا	خرده ایضا	کیکلیان ایضا

قریه فیض آباد قلعه محکم بزرگی و قریب سیصد مسکون دارد

شنبه دویم ربیع الثانی و نزول موکب مسعود بشهر شیروان

درین روز برسم هر روزه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بعد از حمام سوار شده مسافتی از راه را سواره با وزرا صحبت کنان طی فرموده بعد بکالسکه نشستند و در یکفرسنگی شیروان در کنار جاده در مکانی سبز و خرم از برای نهار فرود آمدند و بعد از نهار مجدداً بکالسکه نشسته بشیروان تشریف فرما شدند در حوالی شهر امیرگونه خان برادر شجاع الدوله که حاکم شیروان است با اعیان و علما و تمام خلق بلد بزیارت رکاب مبارک مشرف گشته مورد مراحم ملوکانه آمدند

وحضرت شاهنشاه درباغی که مخیم سراپردهای همایونی بود شرف ورود ارزانی
داشتند دبیرالملک بحضور همایون مشرف گشته عرایض ومطالب استراباد را
بعرض رسانیده جواب از مصدر جلالت صادر نمود از قراریکه جمعی از چاکران
صدیق بعرض عاکفان حضور رسانیدند شخصی مجهول الاصل وقوی الجثه که معلوم
نبود از چه طایفه وصاحب چه پیشه است از اول حرکت موکب مسعود از دارالخلافه
همه جا با اردو همراهی کرده ودر کوهها وشکارگاهها از نزدیک ودور منتهز فرصتی
بوده که خود را باسب همایون رساند وهر قدر از او سؤال نموده بودند که چه
منظور ومقصود دارد جوابی درست نداده وهر وقت بعذری ناموجه متعذر
شده بود حتی در شب قبل قراولان خاصه او را در گلخن حمام مخصوص شاهنشاهی
یافته ماخوذش داشته بودند چون معلوم ومحقق شد که خیال شر وقصد ضرر دارد
حسب الامر بسزای خود رسید

از فیض آباد بشیروان چهار فرسنگ وراه مغربی ومسطح وتمام جلگه قراء ومزارع
وباغات ومحل حاصل است سمت راست تا نیم فرسنگی شیروان بفاصله
دو فرسنگ سه فرسنگ امتداد سلسله کوه قوچان است ویکفرسنگی شهر تپه بدید است

که متدرجاً

که متدرجاً تا نزدیک شهر امتداد و عظمت یافته کوهی بلند و سخت میشود که بلدهٔ شیروان
در دامنهٔ آن واقع است سنگهای این کوه سفید و خاک آن سرخ است و در پشت آن
قلل جبال دیگر که بمراتب مرتفع ترند از دور نمایان است

قراء و مزارع واقعهٔ درین راه ازین قرار است

قراء شمالی

برزواباد در کنار راه واقع است	سولکه در دامنه کوه واقع است	الله آباد قصبه معتبری است در کنار راه واقع است و او را امامزاده است موسوم بشیخ مقدم	قلندرآباد در دامنه واقع است	قولجوق	خانلق

از قراء جنوبی آنچه در کنار راه است قریه سرچشمه است بقیه قراء و مزارع در پشت
کوه واقع هستند و تعداد اسامی آنها لازم نیست

بلدهٔ شیروان شهر دوم قوچان است ولی بحسب بنا شهر اول است زیرا که قبل از
آبادی شهر قوچان این بلد مسکن آباء و اجداد رضاقلیخان ایلخانی زعفرانلو بوده
امروز این شهر را هزار و پانصد خانوار مسکون است و دور او قلعه ایست که از روی
قاعدهٔ هندسی و بهیأت هشت غیر منظم ساخته شده و خندق و خاکریز محکم دارد
و در درون قلعه در مکانی که مرتفع تر از سایر امکنه شهر است ارک بلد واقع شده است
که او را نیز برج و باره محکم بوده که اکنون رو بانهدام و ویرانی گذاشته است

رودی از وسط شهر جریان دارد که اسباب نزهت و نظافت آن است سمت
شمال این قلعه دو فرسنگ باغات دمتوالی است که فواکه بسیار دارد خاصه انگور
وسیبی در نهایت ممتاز از اطراف شیروان مثل قوچان تمام صحرای حاصل خیز است
که از قرار معروف بمزری صد الی صد و بیست تخم ارتفاع محصول آن میشود هوای
روز شیروان از هوای قوچان گرم تر است ولی در شبها چندان فرقی ندارد

یکشنبه سوم تشریف فرمائی سرکار پادشاهی بمنزل عبدآباد

سرکار اقدس همایون شهریاری بحیاعت بسته مانده سوار شده تپه مرتفعی را که در
مقابل شیروان بود منظور نظر ملوکانه فرموده و ببالای تپه که موسوم بچمانی است رفته
ساعتی باد و بین بساحت شهر و قراء و مزارع اطراف نظر افکندند بعد از تفرج و مشاهده
حالت این شهر از تپه بزیر آمده بکالسکه نشسته و چهار ساعت از روز برآمده تشریف
فرمای منزل شدند نهار را در سراپرده میل فرموده اندک زمانی استراحت فرمودند
و محمد حسن خان محقق تعرض کتاب تاریخ روضة الصفا مشغول گشت چهار ساعت بغروب
مانده انقلابی شدید حادث شده رعد و برق و طوفانی در هوا پدید شد سرکار
اقدس همایون از خواب برخواسته ساعتی در چمنیکه سراپرده همایون بر آن واقع بود

تفرج فرموده و بعد از نماز و صرف چای بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند شب
بعد از شام حکیمباشی طلزان و دیگران بحضور مبارک احضار شدند حکیمباشی از
روزنامجات فرانسوی بعرض میرساند و شاهنشاه خود بنفس نفیس همایون ترجمه میفرمودند
تا پنجساعت از شب بگذشت مقربان دربار رخصت انصراف یافتند و سرکار همایون
در آرامگاه خسروانی براحت مشغول گشتند هوای این منزل در نهایت سرد و ملایم
بود بنحویکه شخص محتاج ببالاپوش خز و سنجاب میشد

از شیروان بعبدآباد سه فرسنگ است و راه تا یکفرسنگ مایل بجنوب و پس از آن
مجدداً مایل بمغرب میگردد و تمام این مسافت از دو طرف دره و ماهور است تا از مزرعه
مشدرقی گذشته گردنه پدید آید که قریه زورم و عبدآباد در سمت غربی آن و بفاصله
اندکی واقع است و اردوی همایون در فاصله این دو قریه در چمنیکه در دره عریضی است
واقع شده بود رشته جبال از دو سمت درین راه بسیار نزدیک است و دهات واقعه
در سمت راست و چپ جاده بدینموجب است

سمت شمالی

حسین آباد — توته

سمت جنوبی

تن شوان — زرمقان — بزآباد — زورم

مزرعهٔ مشدرقی که در وسط جاده واقع است قلعهٔ خراب و چهار خانوار سکنه و سه درخت

و امامزادهٔ دارد موسوم بسلطان محمد که بنا بر معروف برادر حضرت امام ثامن علیه السلام است

دوشنبه چهارم تشریف فرمائی سرکار همایونی بقریهٔ نوده

شاهنشاه اسلامیان پناه درین روز اول صبح بحمام تشریف بردند و بکیفیت

از روز برامده از سراپردهٔ مبارکه بیرون تشریف آورده براسب سفید پیشکشی حیدرقلیخان

ایلخانی سوار شده دبیر الملک و امین الملک را مخاطب بفرمایشات علیه نموده

بسمت نوده توجه فرمودند چون یکفرسنگ از راه طی شد محمدخان بیگلربیگی

و خانسوارخان سرکردهٔ هزاره با مقصد و پنجاه نفر سواران جرار مکمل و مسلح با

اسبان ترکمانی آلاقایش دار برکاب همایون پیوسته و صف بسته در کنار

راه بایستادند از آستکی سواران پسند طبع همایون کسته بزرگان و سرکردگان ایلات

بعواطف ملوکانه نبوا خشند و درینوقت پیادهٔ از قوشخانه قوچان آمده مذکور

داشت که طایفهٔ ضالهٔ ترکمان غلبت شجاع الدوله را مغتنم شمرده دست بردی

بدان صفحات زده چند نفر اسیر برده اند این معنی اگرچه مکتوبی نبود و صحت و سقم این

بوضوح نه پیوست محض اطلاع بتوسط نورمحمدخان امین دیوان بعرض خاکپای

همایون رسید در ثانی معلوم شد که ترکمانان چنین تصوری کرده ولی این جسارترا
جرئت ننموده اند یکفرسنگ نبوده ماندهٔ سهام الدوله ایلخانی با هزار سوار شادلو
که هریک باده سوار برابری داشتند در کنار راه ایستاده بزیارت مقدم توسن
همایون مشرف گشتند اعلیحضرت شاهنشاهی سهام الدوله را نزدیک طلبیده
مورد مراحم خسروانه داشتند و تا ورود بمنزل مخاطب بفرمایشات علیه بودند چون
موکب مسعود بنوده شرف ورود ارزانی داشت سرکار پادشاهی نهار میل فرموده
اندک زمانی باستراحت مشغول شدند هنگام عصر مجدداً سهام الدوله را احضار
فرموده از مکنونات ضمیر منیر مبارک که مبنی بر تادیب و تنبیه طایفهٔ ضالّه بود او را
آگاهی داده مقرر داشتند که قصد ملوکانه را در پردهٔ اخفا محفوظ داشته در تهیّه و
تدارک این مهم کوشد و هم چاپار خراسان وارد شده عرایض ظهیر الدوله که مبنی بر مطالب
مملکتی و امنیت سرحدات بود ملحوظ نظر مبارک گشته احکام لازمه در جواب هر یک
شرف صدور یافت معیر الممالک بواسطهٔ شدت مرض یک روز در شیروان
توقف کرده امروز بار دوی همایون پیوست حکیمباشی طلزان حسب الامر بعیادت
وی رفته مرض را در حالت ازدیاد یافت و خاطر مرحمت مظاهر اقدس شاهنشاهی

از یمغنی درنهایت افسرده گشت سه ساعت از شب گذشته قورق شکست
و مقربان حضرت گردون بسطت بخدمت شتافتند حاجی میرزا علی مشکوة الملکت
منظور نظر ملوکانه گشته تا ساعت چهار با او مطایبه و صحبت اخبار و اشعار مشغول بودند
از عبدآباد بنوده چهار فرسنگ است وراه همه جا مغربی و در دره واقع است
که طرفین آن جمیعًا دره ماهور و پته ها متکی بشعب جبال عظیم میگردد و درین راه
آبادی و قریه ملحوظ نیست

قریه نوده اول خاک بجنورد و قریه آباد دویست و پنجاه الی سیصد خانوار سکنه دارد

سه شنبه پنجم شهر ربیع الثانی ورود موکب مسعود ببلدهٔ بجنورد

صبح این روز سرکار شاهنشاهی زودتر از سایر ایام برخاسته و استحمام فرموده
سوار شدند حیدرقلیخان ایلخانی حسب الامر ملازم رکاب گشته جزء اعظم از راه را
از اصفای فرمایشات علیه مفتخر و سرافراز بود و از قراریکه بعد معلوم شد سرکار
شاهنشاهی در آن روز سهام الدوله را مامور بتصریح داده و از وضع خیال و
حرکت ایشان در انجام این خدمت جویا شده بودند سهام الدوله چون تخصیص از
امور آن ساحات استحضاری وافی داشت بطرزی که همیشه متداول و معمول قشون

شبیه مقرب الخاقان امیر الامرا العظام حیدرقلیخان سهام الدوله المخانی و حاکم بجنورد و جاجرم و جوین و هزاره

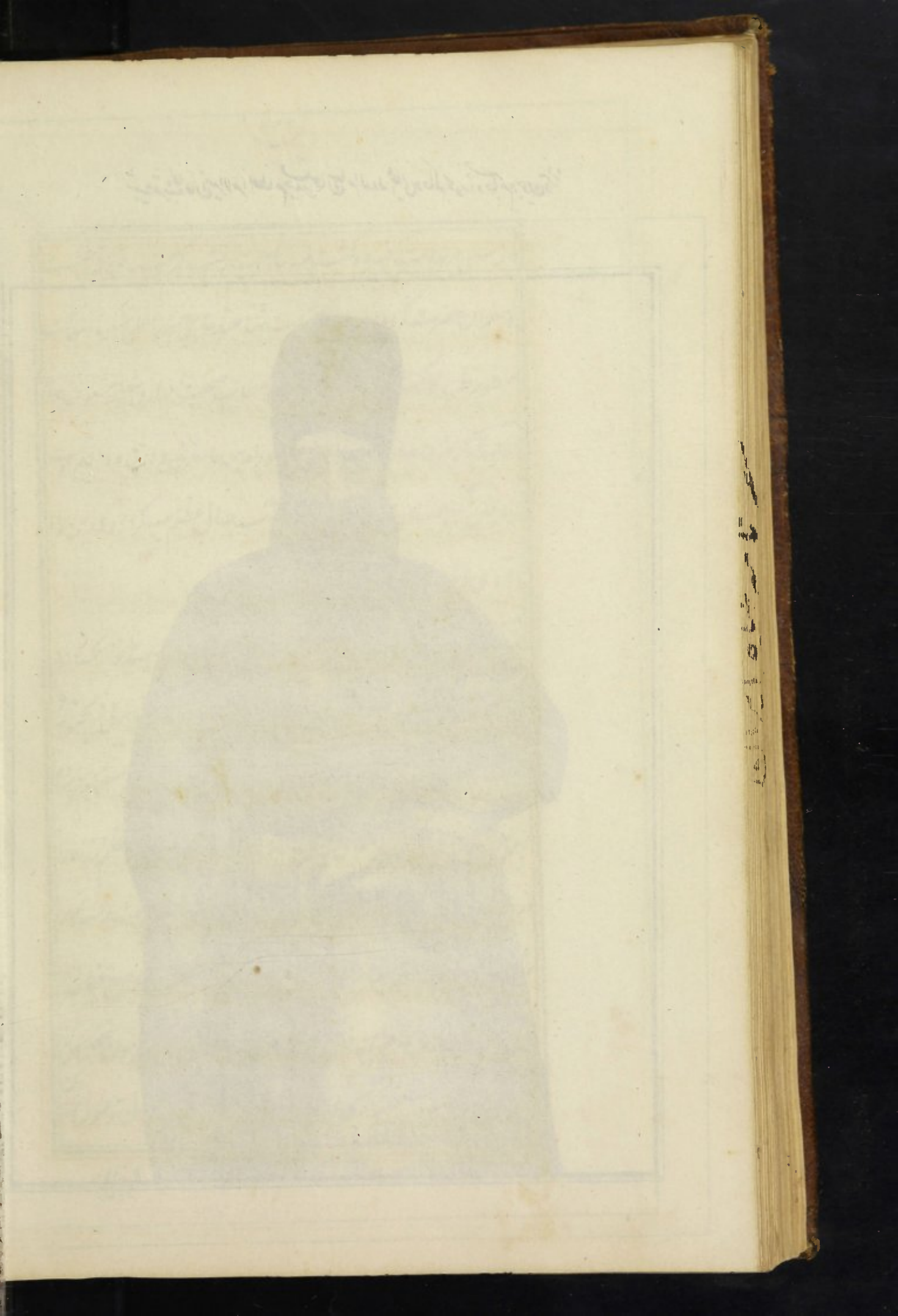

ظفر نمون است بخیال خود ترتیبی معین کرده معروض داشته بود بدین نحو که از
جاجرم و نردین سوارهٔ مامور از اردوی همایون جدا نشود و با ملاحظهٔ اطراف و
آداب حرب حرکت کرده بمسکن و مأمن طوایف ضالّه تاخت نماید رای مبارک
باقتضای الهامات غیبی و تائیدات الهی و علم وافی این عقیده را امضا نفرموده مقرر
داشتند که طوایف ضاله قومی اشرار و دزدند که در غفلت غارت کنند و در مقابله
و مقاتله فرار و غیبت گزینند تا بنظم و رعایت رسوم و آداب تاختی شود آنها خود را
بکناری کشیده و سقناقی گزیده اند پس بهتر آن باشد که تا از عزم ملوکانه و عزیمت
قشون مطلع نشده اند قشونی منتخب و معین شود که بدون انتظار پیاده و توپ ایلغار
کرده جزای عمل را محسوس و مشهود بروزگار ایشان عاید دارند و هم حرکت قشون
از دهنهٔ اول و طریق اقرب باشد که تاخیر موجب آفت است و بعد مسافت مستلزم
ماندگی و زحمت سهام الدوله ازین نوع اطلاع و علم اعلیحضرت شاهنشاهی در شگفت
مانده رای مبارک را تحسین گفت و بر همین رای و عزم بماندند ولی همچنین نیّت
ملوکانه وضوحی نداشت و مکنون خاطر مبارک در پردهٔ اختفا باقی بود بالآخره
چون موکب مسعود از کتلی که در دو فرسنگی بجنورد واقع است گذشتند سراپردهٔ

نهارخوری سرکار مهد علیا نمودار گشت که در خارج جاده برپا کرده بودند اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی محض اظهار مرحمت و احوال پرسی شهابسمیکه علیا حضرت ایشان
فرود آمده بودند توجه فرموده و اندک زمانی توقف نموده براه معاودت فرمودند
و در اول دره ماهورراه از برای صرف نهار فرود آمدند درحین نهارچاپاردار خلافه
در رسید و حامل مستوفی الممالک و سردار کل و دیگر وزراء را در خاکپای همایون
تبلیغ نمود چهار ساعت بغروب مانده موکب منصور نزهت افزای جلگه بجنورد شده
تمام صحرا و دشت از سواران و پیادگان پرگشت و از صدای شیپور و نقاره خانه
و شهیق اسبان و غلغله سواران شور شی عظیم دران بیابان پدیدار شد در نیم فرسنگی
شهر قریب باغ ایلخانی که محل نزول موکب همایون بود اهالی بلد بزرگ و کوچک
صف بسته بزیارت رکاب مبارک مشرف گشتند و با آواز بلند دعای وجود همایون
گفتند و سرکار شاهنشاهی اظهار مرحمت و عنایت بعلماء و اعاظم شهر فرموده
در باغ مزبور شرف ورود ارزانی داشتند ایلخانی نثار مقدم همایونی پیشکشهای
لایق گذرانیده مقبول طبع ملوکانه گشت و از اعطای یکراس اسب عربی ممتاز از
اسبان خاصه سواری همایون بایراق تمام طلا قرین افتخار و اعزاز آمد اعتضاد الدوله

که در اول صبح برحسب اجازهٔ علیه بصید افکنی رفته بود چند قطعه کبک و تیهو
و یکدسته کل سرخ تازه بحضور مبارک آورده خاطر همایون از مشاهدهٔ کلها شگفته
گشته معلوم فرمودند که در حوالی بجنورد بفاصلهٔ دو فرسنگ ییلاقاتی است که در ماه
اوّل و دوم تابستان کل سرخ آنها تازه بظهور رسد و در همنگام شدت حرارت
توقف در آنمکانها در نهایت دلپذیر باشد یکساعت بغروب مانده دیوانخانه مبارکه
قورق شد و دو ساعت و نیم از شب گذشته آقا علی و عکاسباشی و میرزا علیخان
و این بنده شرفیاب حضور ساطع النور اعلی شدیم عکاسباشی را امر و فرمایش شد
که عکس سپهام الدّوله و پسرش و شهر بجنورد را برداشته بنظر مبارک برساند و همچنین
مصطفی قلیخان میرشکار احضار گشته مقرر گشت که در اول صبح از برای تفحص و
تجسّس شکار سوار شده و هر جا شکاری یابد بعرض عاکفان حضور مبارک برساند
از نوده الی بجنورد پنج فرسنگ است راه تا یکفرسنگ دره و ماهور و پست و بلند است
که در جنبین آن کوههای سخت کشیده است بعد از یکفرسنگ وارد دره عریض میشود
که مابین مغرب و شمال واقع و پانصد ذرع عرض آن و در دو سمت بدو جبال مرتفع
منتهی گشته دامنهٔ این جبال تمام زراعت دیم و در میان دره محصول شلتوک

وصیفی است نیم فرسنگ از دره کدشته قریه چناران است این قریه در دامنه کوهی
موسوم باق مشهد واقع و دهی معتبر و آباد و باغات و اشجار بسیار دارد و نیم فرا
چشمه ایست که قریب پنج سنگ آب از او جریان نماید این آب با آبیکه از سمت
نوده می آید جمع شده همه جا از امتداد دره بمحال کرم خان رفته و در آنجا موسوم
برود شوم مار میشود کوه آق مشهد در میان بگذرد و اسفراین واقع است سمت جنوبی
آن قریه رومیان و اول خاک اسفراین است و سمت شمالی خاک بجنورد پس از قریه
چناران بمسافت نیم فرسنگ در سمت چپ قریه بغو واقع است و این قریه
در دامنه کوهی است که او را در خان آورس و کاج جبلی بسیار است از بغو گذشته
بفاصله اندک در سمت راست قریه کوک کمر است و چون از باغات کوک کمر
بگذرد بفاصله یک میدان راه مایل بجنوب مغربی شود و از دره که بسمت محال
کرم خانه امتداد دارد منحرف گشته بتل کوچکی منتهی میگردد و از این تل تا نیم فرسنگ
در دره ماهور عبور کرده بجلگه بجنورد متصل گردد جلگه بجنورد جلگه ایست مدور مستطیل
اطراف آن تمام کوه و در دامنه و وسط جلگه قراء و مزارع متعدد واقع است
بنحویکه این جلگه را شباهتی تام بجلگه کلاردشت مازندران دارد فقط در ان جلگه

کوههای اطراف تمام جنگل است و درین جلگه بجز درخت جبال مغربی که مانند
جبال مازندران پر درخت است جنگلی نیست و کمتر از اشجار جنگل مزبور در جلگه یافت میشود
باغ ایلخانی که در نیم فرسنگی شهر بجنورد و متشرف ورود موکب همایون میزبان
بود باغی است آراسته مشتمل بر اندرونی و بیرونی در باغ بیرونی حوضخانه بنا کرده اند
دو مرتبه با چهار صفه و حوضی خوش قطع و ماهیتابی و بالاخانه باروح و منظری عالی
باغ اندرونی فقط کلاه فرنگی ظریف کوچکی دارد

بجنورد که در تواریخ به برنجرد مضبوط است در سمت شمال کوه البرز و در فاصله
دو سلسله این کوه واقع است شعبه شمالی که بنجیر کوه موسوم است و شعبه جنوبی او
نیز بدو شعبه منشعب گشته شعبه بالادات و شعبه دیگر سهلوک معروف است آلاداغ
کوهی است مرتفع و سبز و خوش هوا که قوش طرلان در او مسکن کرده اند و این مرغ
شکاری که مطبوع طبع سلاطین است در کمتر کوهها یافت کردد بعد بجنورد از دریای
خضر بخط مستقیم تخمیناً چهل فرسنگ و بخط منحنی از راه کرکان شصت فرسنگ است
و تا صحرای اتک که مسکن طایفه تراکمه است از اقرب طرق دوازده فرسنگ و از ابعد
زیاده از بیست فرسنگ مسافت ندارد و خاک بجنورد که دوازده فرسنگ طول

وهشت فرسنگ عرض دارد و محدود است از سمت مشرق بخاک قوچان و از
مغرب بدشتی بایر و غیر مسکون که فاصلهٔ مابین کرکان و بجنورد است و کوهستان
معبر ترکمان بسمت عباس آباد وغیره و رباط عشق و اینچه سوقی و شاباد
و کتری و قاریقلعه درین دشت واقعند سمت شمال صحرای اتک و سمت جنوب
جاجرم و اسفراین است

بلده بجنورد شهری کوچک با قلعه و حصاری محکم مشتمل بر چهار هزار خانوار و بازار
و حمام و مسجد و خیابانی راست و مسطح و عریض که ابتدای آن از دروازه ارک تا
انتهای شهر است و ارک آن حصاری است کوچک با برج و باره که زمین آن از
سطح شهر مرتفع تر و اکنون موقف سهام الدوله و کسان ایشان است

بلوکات و رودخانها و قراولخانهای بجنورد بدینموجب است

بلوکات

بلوک چهارده چناران که سمت مشرق بجنورد واقع است

چناران	نوده	اسفندان
ترمی	بیغو	کوک کمر

بلوک سیمبارخانه از بند سی ساب تا کلاین که بکرمخانه معروفست و مابین شمال و مشرق بجنورد واقع است

کرمخانه	اغلو	دونکل	قوردانلو
نجف آباد	سوروک	عبدل آباد	آق پته
قارلوق	قراخان بندی	بندیغمور	قوچ قلعه
سی ساب			

بلوکول

بلوک حول و حوش اطراف بجنورد

بابا امان — ایجور — حمید — ینکی قلعه

ضمرانلو — رشوانلو — بارخانه — پای قلعه

ترقی — کی کی — امامویردها — مهتان

فیروزه — ارک محمد خان — قلعه الله ویردیخان — قلعه عزیز

حصار شیر علی بیک — ارکان — نوردده — خان بلاغ

باغجق — علی آباد — قلعه باقرخان — کلاته

لنکه

بلوک کسه بایر که مابین مانه و سملقان و بجنورد واقع است

حسن سو — ده کاه — ترکسلو — بدرانلو

عرب شیخ تموری — کلاه دار — خندقلو — سیمجه

تاتار — قراجه — سریوان علیا — سریوان سفلی

کلاته — کودری — سلاخ — قره قانلو

قلعه عمو — فخر الدین — قلعه بربر — آق قیه

قراجنکل — دراقانلو — قره چای

بلوک مانه بین مغرب و شمال بجنورد واقع است

برج زنکانلو — پس قلعه — چشمه کاو — الله داد

حصه کام — قلعه چلو — کلانتر — اسفندان

اینجانلو — بازاره — سامان دره — کشک آباد

چوپلو — قلعه اقچه ها — قلعه اوشادها — کلاتن

بلوک سمنکان که سملقان نیز گویند سمت مغرب بجنورد واقع و جنگل بجنورد درین بلوک است که منتهی بجنگل استراباد میشود

قلعه خان — حیدرآباد — شهرآباد — غازی

لنکر — کشانک — مهانک — شاه آباد

قلعه ملا حسن — قرا مصلی — قلعه نجف — آشخانه

بیار — کرک — دربند

بلوک رخشیان و حصار

کریوان — درتو — نیستانه

حصار — رخشیان — تخته باشقه و چشمه خان

محال راز دو قصبه است میانه شمال مغرب بجنورد و کنار اتک واقع است

راز چهارصد خانوار است — قاتلیش یکصد خانوار است

بلوک شوغان مابین جنوب و مغرب بجنورد واقع است

قصبه شوغان — طور — برزانلو — چاربند

کوشغان — پشت بان — بامی — دوبرجه

حصار — چپه — جغدی — دربند

بلوک چاروه که سمت جنوب بجنورد واقع است

سن خاص — خود آشا — اندخان

حربه — کرفه — قلی

جعفرآباد — قلعه سفید

رباط جی محروبه است و اصل محل عبور تراکمه است

رود خانه‌ها

رود خانه عین اللطف رود خانه ایست که منبعش کوه سهلوک از مابین اسفراین و بجنورد بسمت شمال جاری و در حلکه بجنورد مصرف میشود

رود خانه چهارمغان منبعش از بش قارداش از جنوب بسمت بجنورد جاری و از مشرق بشمال رفته برود خانه سمّار داخل میشود که سیمبار نیز مینامند

رود بارخانه منبعش مابین جنوب و مشرق از کوه آق مشهد جاری و بسمت بجنورد آمده از مشرق بجنورد گذشته بسیمبار داخل میشود

رود خانه چناران که از سمت مشرق بمغرب جاری و منبعش از جنوبست داخل سیمبار میشود

رود خانه سیمبار منبعش از شیروان قوچان از پشت کوه شمالی بجنورد جاری است

رود خانه نمانه منبعش از قوشخانه زعفرانلوات از شیرین دره و شمال بجنورد بسمت جنوب جاری و ملحق بسیمبار میشود

رود خانه سملقان از جنوب کوه الاداغ بشمال جاری و داخل سیمبار میشود

رود خانه درکش از الاداغ جاری و بسمت جنوب آمده داخل سیمبار میشود

رود خانه شاه آباد منبعش از الاداغ بسمت مغرب آمده و بعد بشمال مایل شده بسیمبار رو مانده داخل میشود

رود خانه اینچه که آب او بهترین آبهاست منبعش از کوه قورخد که جنوب سملقان است از آنجا رو بشمال میریزد و باینچه میرود اینچه خراب است سملقانی از او زراعت می کنند

قراولخانهائیکه در خاک بجنورد و در محل عبور تراکمر ساخته شده است و اغلب با مستحفظ و قراولند بدینموجب است

راهها و قراولخانها که در سمت مشرق و شمال بجنورد مابین خاک زعفرانلو و شادلو واقعند

خاتونک سفلی	میان زا و قریب بقاتلش است	پسندر	باش پته	دهنه کلیدر قریب راز
رزندر قریب راز	باچیدر سمت راز	جلف در ایضاً	کوینک ایضاً	تنکه
شاه یولی	کوتوا ورولان	قشقه علیا و سفلی	دشتک	جوریز
تکه یولی	چاتاق	علی زوی	درکش	قرابیل
چارچوبه	تنکه جاجرم			

این معابر اغلب مخصوص طوایف تکه است که هرگاه قراول و مستحفظ نداشته باشند میتوانند بدزدی بخاک بجنورد وارد شوند و هرگاه از خاک بجنورد بخواهند بگذرند لابد باید از مانه عبور نمایند

معابر ترکمان بصحرای شوغان از سمت شمال مغربی و مغرب و مغرب جنوبی که بعضی از جلگه و کوهستان فاصله کرکان و سملقان میگذرند

دیزکند در فاصله سملقان و شوغان واقع است	آق زو	دربند بید	چالباش	آق بابا
یاق توکلن	الوچلکو	جند عباس	قرایکان	تنکران
قراول				

معابر

معابر مسطوره که از شمال تا جنوب خاک بجنورد امتداد یافته قراولخانهای مغربی و
مغرب جنوبی آن در صحرای مابین بجنورد و جاجرم و نردین است و عبور طایفه ضاله
بسمت استراباد و عباس آباد و غیره لابد باید ازین قراولخانها باشد و طایفه
یموت را عبور ازین معابر ممکن نگردد مگر هنگامیکه با کوکلان معیت داشته باشند

روز چهارشنبه ششم ربیع الثانی و دوم تشریف فرمائی سرکار پادشاهی بجنورد

درین روز تمام اوقات مبارک سرکار همایونی مصروف صدور احکام و امورات
دولتی بود در اول روز جواب عرایض وزراء را صادر فرموده امر برجعت دادن
چاپار فرمودند و پس از آن سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرکردگان را
با حضور امین الدوله و اعتضاد الدوله احضار فرموده و همه را از مکنون خاطر مبارک
اطلاع داده نظر ببصیرت و علم و اطلاع سهام الدوله مشار الیه را در انجام این
خدمت بریاست کل مامورین معین فرمودند که بلد راه و مراقب نظم سوار باشد
و سرکردگان و صاحبمنصبان مفصله را مقرر داشتند درین خدمت و مأموریت
از صوابدید ایشان غفلت ننمایند و هر یک سواران ابوالجمعی خود را حاضر ساخته
بدون آنکه احدی از اصل مقصود اطلاع یابد در شب هشتم بهنگام سحر باقبال

پیزوال همایون از صحرای شوغان بسمت مقصود روان شوند

رؤسا و سرکردگان و صاحبمنصبان	سواره ماموره		
سهام الدوله	شجاع الدوله	کلب حسین خان	سواره ملشرم رکاب
حیدر قلیخان ایلخانی	امیر حسین خان ایلخانی	امین نظام و	غلامان مخصوص
سردار قشون ماموره	سرکردگان نصرت		غلامان نصرت
حسینقلیخان سردار	صفرعلیخان	زین العابدین خان	سواره مهاجر
مخصوص	سرمنیب	سرمنیب	سواره دوبران
صادقخان سرمنیب	جاداللهخان غلام	حسینقلیخان سرمنیب	سواره اینانلو
	پیشخدمت	قورت پیکلو	سواره قورت پیکلو
			سواره خراسانی
سبحانقلیخان	شیرمحمدخان برادر	علیقلیخان یوزباشی	شادلو
برادر سهام الدوله	ایضا	غلامان مخصوص	زعفرانلو
قراخان سرکرده	محمدخان پیکلر	خانسوار اسرکرده	دره جزی
سواره دره جزی	هزاره	هزاره	هزاره
			جوینی
			جاجرمی

چون سرکار همایون شاهنشاهی را ازین مهم عظیم فراغت حاصل آمد و صاحبمنصبان و سواران در پی اجرای امر ملوکانه شدند بهنگام عصر محض تفنن بدست مبارک چند شیشه عکس انداختند میر شکار از سواری رجعت نموده معروض خاکپای همایون داشت که در کوه بالا سر بجنورد شکار دیده اند حسب الامر مقرر آمد که در روز آینده قبل از سوار سرکار همایونی بطرف خوابگاه شکار ها رفته منتظر تشریف فرمائی سرکار شاهنشاهی باشند مقارن غروب دیوانخانه مبارکه قوارق شده و علیا حضرت مهد علیا

وسرکار عزت الدوله العلیه بفیض حضور مرحمت ظهور همایون مشرف گشته

پنجشنبه هفتم ربیع الثانی و سیم توقف موکب همایون در بجنورد

درین روز سرکار اعلیحضرت همایون شهریاری بعزم شکار و تفرج خارج شهر
سوار شده و ابتداءً بباغ مخصوص سهام الدوله که در یکفرسنگی و دامنه جبال
شمالی واقع است تشریف فرما گشته و در کلاه فرنگی وسط باغ که مشهور بخوشخانه
ظریف منقحی بود صرف نهار فرمودند مصطفی قلیخان میرشکار از بالای کوه برزآمده
معروض حضور مبارک داشت که مرکچیان سهام الدوله ندانسته خود را بشکارگاه
نموده و آن جانوران وحشی را متواری بهاحشه اند سرکار شاهنشاهی بواسطه کرمی
هوا این معنی را مغتنم شمرده و از شکار رقوچ و میش صرف نظر کرده اند ک وقتی
باستراحت مشغول گشته و حاجی حکیم و غلام حسین که از مطربان خاصند در طرب
و شادی بر روی عاکفان حضور گشودند بنحباعت بغروب مانده حضرت
پادشاهی از خواب برخواسته و از آنجا که لازم بود یکنفر از مقربان خاص با اردوی
غازیان دولت جاوید مناص همراه باشد علیخان کرچی بشخدمت خاصه را
که سالها در رکاب همایون تربیت شده بود محرمانه احضار فرموده مقرر داشتند

تا ۲۶ فر

تا از طرف قرین الشرف ملوکانه بهمراهی اردوی مامور روانه گردد و در تنظیم حرکات
وسکنات آنها بصوابدید سهام الدوله مراقبت نماید و هم از جانب سنی الجوانب
بملاحظه حالات وشهادت خدمات هریک و تشویق و ترغیب ایشان مواظبت
داشته باشد علی خان حسب الامر در پی خدمت مرجوعه رفت و سرکار همایون
از باغ به بیرون تشریف آورده با اعتضاد الدوله و امین خلوت و دیگر مقربان
بسمت مشرق که شکارگاه قرقاول بود توجه فرمودند آزاد خان و محمد قلیخان
برادران المخانی در رکاب همایون بلدی و راهنمائی نمودند تا موکب مسعود
از دو مزرعه گذشته بچمن و نیزاری رسیدند که سهام الدوله مخصوص ترتیب قرقاول
ترتیب داده و تقریبا نیم فرسنگ طول آنست بمحض ورود سرکار شاهنشاهی
دربنی زار مزبور قرقاول بسیار از میان نیها خارج شده بپرواز آمدند و اعلیحضرت
همایونی شش قطعه از آنها را در روی هوا حین پرش سواره با تفنگ صید فرمودند
تیمور میرزا و امین خلوت نیز هریک قطعه با قوش گرفتند و ذات والاصفات
خسروانی محض اعلان مرحمت و مزید افتخار سهام الدوله بسمت شهر و خانه منوره الیه
متوجه گشتند در خارج دروازه شهر سهام الدوله با کسان و منسوبان خود باستقبال رکاب

مبارک شتافتند و چون موکب مسعود در خانه ایلخانی که از بناهای اجداد ایشان است
شرف ورود ارزانی داشت ایلخانی سر افتخار بطارم افلاک سود و حتی المقدور
از شالهای کشمیر و نقود و اسبان ترکمانی و کنیزان خوب روی و بازان
شکاری تقدیم خاکپای همایون نمود و اعلیحضرت پادشاهی را طرز ادب و خدمت
ایلخانی پسندیده آمده و خان بابا خان پسر مغفرت آلیه را که سن دوازده سال و آثار
رشادت و صداقت از ناصیه احشش پیدا بود بالطاف ملوکانه نواخته و باعطای
یک قطعه کلگی مکلل بالماس سرافرازش فرمودند و ساعتی در باغچه و اطاقهای
ایلخانی تفرج فرموده سلیقه او را در تجمیع اسبابهای نیکو از قبیل تفنگهای اعلی و
شمشیرها و ساعتهای مجلسی و حتی برمتر و تصویرهای فرنگی در نهایت پسندیده
و از هر مقوله فرمایشات فرموده و ایلخانی را بعواطف ملوکانه امیدوار ساخته مقارن
غروب از خیابان وسط شهر تشریف فرمای منزل شدند از قراریکه بعرض خاکپای
همایون رسید حالت مرض مغفرت آلممالک رو باز دیاد گذاشته بود و خاطر مرحمت
مظاهر همایونی از این معنی در نهایت افسرده گشته یحیی خان اجودان مخصوص و این
بنده را مقرر آمد که حکیم باشی طلزان و سایر اطبای رکاب مبارک را در بالین مریض

حاضر نموده کنکاش نمایند و قراری در امر معالجه داده هر کس را سزاوار دانند
در نزد ایشان بگذارند ما ملازمان نیز حسب الامر بباغ منزل معزی الیه رفته و در حضور
حاجی رشید خان مستوفی که از دوستان مخصوص مریض مشار الیه بود با حکیمباشی
طلزان و ملک الاطبا و میرزا محمد حسین دکتر و آقا میرزا سید علی مجلس کرده مشاوره
نمودیم عاقبت بصوابدید همه چنان قرار شد که ملک الاطبا و آقا میرزا سید علی متفقاً
در بجنورد مانده و بعون الله تعالی مشغول معالجه شوند و حکیمباشی طلزان سید مشار الیه را
که طبیب عالم و مخصوص شخص معیر الممالک بود از جانب خود برینکار گماشت و اینمعنی را
اجودان مخصوص بعرض عاکفان حضور رسانده از جانب سنی الجوانب ملوکانه
بملک الاطباء و سید حکیم و غیرها التفات و نوید مرحمت داده خاطر مبارک را
از اهتمام و مراقبت ایشان مطمئن ساخت و هم درین شب یکساعت بصبح مانده
اردوی سهام الدوله و شجاع الدوله از بجنورد بسمت شوغان حرکت نمود

جمعه هشتم ربیع الثانی حرکت موکب منصور از بجنورد بفیروزه

درین روز سرکار اقدس شاهنشاهی یکساعت از طلوع آفتاب گذشته با نصرت
و اقبال همعنان گشته قبل از عزیمت از جلگه بجنورد محض شمول مرحمت درباره معیر الممالک

وبهبودی حال ایشان از فیض قدوم مرحمت لزوم خسروانی بباغیکه منزل مشارالیه
بود شرف ورود ارزانی داشتند امیر دوست محمد خان و حاجی رشید خان
وسایر کسان ایشان در خارج باغ بتقبیل رکاب مبارک شتافته وشاهنشاه با رحم
چاکرپرور به بستر مریض توجه فرمودند حکیمباشی طلزان وملک الاطباء که در بالین
معزی الیه حاضر بودند ابتدا هر قدر خواستند اورا ازین مرحمت خاص خسروانی
اطلاع دهند شدت مرض واغماء وبیهوشی مانع آمد تا بعد از اندکی که توجهات خاطر خطیر
شاهنشاهانه مؤثر آمده ودیده گشوده سعادت وعزت وصحت را در بالین خود دید طبیعت
مقهور را قوتی تازه پدید گشته وبر مرض منصور آمده آثار صحت در سیمای مریض مشاهده
گشت وباشارات وکلمات چند شکر این مرحمت ومکرمت عظمی را بجای آورد وخاطر
خطیر همایون شاهنشاهی ازین معنی خرسند گشته وچون حرکت دادن مشارالیه
با این حالت برخلاف حکمت بود مقرر داشتند چند روزی با عیال ومتابعان
در بجنورد متوقف باشند وملک الاطباء وسید حکیم در کمال دقت در استعلاج ایشان
کوشند تا انشاءالله صحت حاصل شده باردوی همایون ملحق شوند وهم محمد قلیخان
شاطرباشی را که مردی باکفایت وموثق اعتماد همایون بود امر ومقرر گشت

که با دو دسته سرباز و چند نفر از غلامان خاصّه بپرستاری و نگاهبانی معیر الممالک
مشغول باشد و جمیع لوازم صحّت و راحت ایشان را فراهم آورد و چون خاطر
مبارک را از امور معیر الممالک آسودگی حاصل گشت بکالسکه نشسته و تیپ
همایون رو بمقصد راه نمون شد و پنجساعت از روز برآمده در حوالی قلعهٔ فیروزه نزول
اجلال گشت سرکار همایون شاهنشاهی نهار میل فرموده ساعتی باستراحت مشغول
گشتند و چون از خواب برخواستند دبیر الملک احضار شده عرایض و مطالب
استرابادرا معروض داشته در جواب احکام صادر نمود

از بجنورد بفیروزه دو فرسنگ و راه مایل بجنوب در میان دو سلسله کوه
سخت واقع و اغلب دره و ماهور و پست و بلند است و رودخانهٔ از وسط آن
جاری است مشهور بعین اللّطف که سرکار همایون شاهنشاهی در روزنامه همایون
بعین اللّطف یا عین اللّطیف تصریح فرموده اند چه این اسم عربی مینماید و از عین اللطف
معنی مفهوم نمیگردد علی ایّ حال رود مزبور از کوه الآداغ جاری است و آبی
در نهایت صاف و گوارا دارد و یکنوع ماهی سفید تربیت میکند که ظاهرا خالی
از لطافت نمینماید ولی چندان ماکول نیست قلعهٔ فیروزه قلعهٔ مستحکم

وقریب هفتاد خانوار رعیت دارد

دهات واقعه در عرض راه ازین قرار است

سمت راست جاده

ارکان در دامنه است — ارل محمد خان در وسط جاده واقع است — باغات زیاد هم در کنار راه موجود است

سمت چپ جاده

قلعه الله ویردیخان و باغ بزرگ سجاعلیخان — مهنان قریه ایست بزرگ و باغات بسیار دارد

شنبه نهم شهر ربیع الثانی تشریف فرمائی موکب مسعود از فیروزه بچهار بد

هنگام

درین روز چون سرکار همایون شاهنشاهی علی الرسم قبل از عزیمت بحمام تشریف فرما شدند فرستاده از نزد سهام الدوله در رسیده حرکت اردوی ایشان از شوغان معروض خاکپای همایون داشت و نیز بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید که سهام الدوله فرستاده میر علیقلی خان قندرسکی را بموجب دستخط همایون ماخوذ داشته با خود همراه دارد خاطر خطیر همایونی ازین معنی در نهایت خرسندگشته و این کار را بفال نیکو گرفتند چه بعضی از اهالی قندرسک را بواسطه قرب جوار با طوایف ترکمان دوستی

وخصوصیتی درمیان است واز آنجا که این شخص قندرسکی بدون اطلاع
از اردوی همایون هجرت نموده بود خاطر خطیر همایون شاهنشاهی که محیط
بر نکات جمیع امور است بر این معنی ملهم گشت که ممکن است طوایف ضاله را از عزم
ملوکانه آگاهی دهد و اسباب فرار ایشان شود پس دستخطی بافتخار سهام الدوله
صادر نموده معجلاً روانه نمودند که هر کجا باشند با اردوی خود همراه دارند سهام الدوله
نیز در اطراف راه قراول گذاشته و شخص مزبور را که همه جا از قلل جبال سیر مینمود
دستگیر نموده بعرض رسانید بالاخره ذات والاصفات شاهنشاهی
یکساعت از دسته گذشته با سب رخش پیشکشی امیرحسین خان سوار گشته
از کنار رود خانه عین اللطیف تشریف فرما گشتند تا یکفرسنگ که تمام راه
از زیر سایه درختان و کنار رود بود امین الدوله و اعتماد السلطنه را بفرمایشات
ملیه مخاطب داشتند تا مجرای رود بدره سمت چپ منحرف گشته وارد
از دره مغربی شد همچنان سرکار همایون از این دره که از حیثیت کوههای
بلند شباهتی تام براه توچال مابین دار الخلافه و جاجرود داشت تشریف فرما
بودند تا کتلی نمودار گشت و موکب منصور از کتل مزبور صعود و نزول فرمود

راه را اندک وسعتی بهم رسید و آورس و کاج جبال اطراف زیاده گشت
و حضرت همایون از برای صرف نهار بکوه سمت چپ که درختان سرو
و کاج کهن داشت توجه فرمودند و در روی پارچه سنگی که منظری عالی داشت
فرود آمدند و بعد از صرف نهار با دوربین تماشای راه میفرمودند تا تمام اهالی
حرم با سواران و غلامان با نظم و ترتیب از راه گذشتند و حضرت پادشاهی
سوار شده از میان جنگل کاج و از بالای کوه بسمت راه مایل گشتند نیم فرسنگ
گذشته محاذی قلعه تیلی اردو و جلگه نمودار گشت و قراء طور و شوغان
و چهار بید که درین جلگه واقعند از دور و نزدیک ملحوظ گشته موکب مسعود
بچهار بید شرف ورود ارزانی داشت و مقارن این حال چاپار استراباد
در رسیده عرایض ملک آرا معروض خاکپای همایون گشت و هم پاشاخان
مظفر الدوله باردوی ظفر نمون ملحق گشته از زیارت حضور همایون بهره یاب
و مفتخر آمد شب بعد از شام برسم معمول قورق بشکست و پیشخدمتان خاصه
بحضور فیض گنجور شرفیاب شده اجودان مخصوص و حکیمباشی طلزان
بعرض روزنامجات فرانسوی مشغول گشتند

از فیروزه الی چهاربید چهار فرسنگ است وراه چنانکه ذکر شد از میان
دره و فاصله دو شعبه جبال است که بعضی از ایلات شاد تو در آنها مسکن
ویلاق دارند

روز یکشنبه دهم تشریف فرمائی اردوی انجم شکوه از چهاربید بچهارده سنخاص

درین روز چون خاطر خطیر همایون شاهنشاهی مایل بصید افگنی و شکار
کوربود و رحمت الله خان ساری اصلان با جمعی از سواران هزاره و شکارچیان
خاصه درشب گذشته بموجب امر مقدر قدر بطلب و تفحص شکار و کوردوانی
رفته بودند بهنگام صبح که اردوی کیوان پوی از چهاربید کوچ نمود حضرت
همایون شاهنشاهی وزراء و اغلب ملتزمین رکاب را امر و مقرر داشتند
که از جاده روان شوند و خود با معدودی قلیل از ملازمان خاص بسمت شمال
شرقی که جلگه و شکارگاه بود توجه فرمودند پس از طی اندک مسافتی از کردنه
کوچکی بزیر آمده داخل جلگه شدند و درین صحرای مسطح که بسمت شمالی
آن صحرای شوغان و معبر ترکمان است خاطر خطیر همایونی باسب تازی

مایل گشته وهمچنانکه اسب کج اورد تک وپوی بود با قرقرانی که مرغی شد پرست
در هوا منظور نظر مبارک گشته بایک تیر از اوج آسمان بزمین افکنند
سواران ازین تیر اندازی در شگفت مانده وجود همایون شاهنشاه را دعا گفتند
مقارن اینحال روباهی محاذی سم اسب همایون بیرون آمده از سمتی
بسمتی رفت وچنانکه از قدیم ترین ایام تاکنون رسم است ومکرر تجربه شده است
حرکت روباه دلیل بر آن شد که مامورین نصرت نشان بر آن روباه صفتان
ودشمنان دولت ودین غالب خواهند آمد وچون این تفأل سالخوردگان
وبزرگان سپاه بعرض خاکپای همایون معروض افتاد بفال نیک گرفته
وخاطر مبارک را سروری حاصل آمد وهم در آن صحرا آهوئی از چراگاه
خویش رمیده سرکار همایون شاهنشاهی با میر شکار رو بر تعاقب کرده تیری
بود بدو انداختند وچون فاصله بسیار بود وتفنگ از چهار پاره پرتش کار کر
نیامده آهو تخلص شده وسرکار پادشاهی از تعاقبش صرف نظر فرمودند
درین حال سوارانیکه بهنگام شب مامور شده بودند ملحوظ نظر همایون
گشتند که بطور صف از دامنه کوه می آیند واز وضع وسیر ایشان معلوم گشت

که هر قدر جد و جهد کرده بودند مرایشان را ممکن نشده بود که گوری بدوانند
یا باصطلاح شکارچیان شکاری بچرانند پس حضرت همایون شاهنشاهی را
که بواسطهٔ اسب تاختن و حرارت هوا عطش مستولی شده بود در صحرا فرود آمدند
و بصرف هندوانه مشغول گشتند و هنوز از کمی از زین میوه که در طبع ملوکانه
در نهایت مطبوع و سازگار است میل نفرموده بودند که میر شکار معجلاً مشرف
شده معروض داشت که گوری از دور نمایان است سرکار پادشاهی بلا تامل اسب
خواسته و پها در پی او تاختن کردند گور چون چنین سواری در پی خود دید در نهایت سرعت
بجست و خیز آمده و خود را در دره و ماهور دامنهٔ کوه پنهان کرد و هر قدر
تفحص کردند او را نیافتند پس حضرت همایونی با آفتاب گردان نهار خوری
معاودت فرموده بعد از صرف نهار بسمت جنوب که روی بمنزل بود
عطف عنان فرمودند تا بقریهٔ دربند که در میان دو سلسله کوه عظیم واقع
و فی الحقیقه دربند است تشریف فرما گشته قریب نیم فرسنگ از این معبر تنگ
عبور فرموده تا راه را وسعتی بدید گشت و ارتفاع جبال سمت راست روی
بپستی گذاشته درهٔ مزبور بجلگه منخاص که جلگه ایست وسیع منتهی گشت

و اعلیحضرت همایون شهریاری پس از ملاحظهٔ معابر و مسالک این جلگه
که یکی از معابر معروف الامان طوایف ترکمان است و تعیین مکانی مخصوص
برای بنای قراولخانه که میتواند راهی را که غالبا باعث زحمت
رعیت و عابرین سبیل است مسدود و محفوظ نماید بکالسکه نشسته باردوی
سنخاص شرف ورود ارزانی داشتند درین روز بعد از ظهر
بادی سخت برخواست و طوفانی شدید در هوا حادث شد چنانکه
چادرها از جای کنده میشد و دیده ها بخاک آگنده می گشت همانا طوفانی
که اینطرف ظهور کرد علامتی از صرصر قهر ملوکانه بود که دران سمت وزیدن
داشت چه قشون ظفرنمون درین روز مشرف بورود و قریب بتحصیل مقصود
بودند بالاخره چون از شدت باد اغلب از خیام حتی بعضی از تجیرهای
سراپردهٔ همایون از پای درافتاد حاجی محمّد خان حاجب الدّوله
و محمد حسین خان نایب محض آسایش وجود مسعود همایون الاچیقی برپا
کرده و اطراف آنرا با تجیرهای بلند و طنابهای محکم حیاطی کوچک
مهیّا ساختند و سرکار پادشاهی شام را بیرون میل فرموده

شب را در پیمان لاچیق بغنودند

از چهاربیدالی چهارده پنج فرسنگ است و شاهراه تا جلگه سنخاص

درمیان دره و فاصله دو سلسله جبال واقع است که جبال سمت راست

آن تا دهنه قراول امتداد دارد و مشتمل است بر جنگلهای آورس وغیره

و جبال سمت چپ نیز جنگلهای آورس دارد ولی متدرجا مماثل به

تپه‌های خاکی بوته دار میگردد

محال اسفراین در دامنه این جبال واقع و اکثر قراء و مزارع آن از دور

نمایان است

دهات واقعه سمت راست

شوغان	چپته	یامی	پشت بان	دوبرجه
لوشقان	طور	برزانلو	دربند	قلع

از آنجا که یکی از معابر حقیقی ترکمان که بسمت عباس آباد و سبطام

وغیره میرود از دهنه سنخاص و ازین بیابان فاصله جاجرم و اسفراین است

که منتهی به کبابها و کلاتها گشته از دهنه زیدر بسمت بیارجمند میرود

ویا از دهنه ایازد وکلن بمیان دشت وعباس آباد ویا از شیخ مرتضی علی
میدان عبور نموده بمغز وکیلان واز آنجا بخیرآباد ودهات زیرستاق
میرود چنانکه ما اسامی اکثر از کدارهای اولیه آنها را در شرح بجنورد وغیره
مذکور داشته ایم که متدرجا در تمام آن کذرها قراولخانها وقلعه جات
بنا نمایند خاصه در سه دربند وکذر معروف که بصحرای شوغان می آیند
وعبارتند از دشت ورباط عشق وآرمدلو مقرر آمد که در هذه السنه قلاع
وقراولخانهای معتبر بنا نموده خانواری چند در آنها مسکون سازند
تا متدرجا بقیه قلعجات ساخته شود والبته زمانیکه در ظل عطوفت شاهنشاهی
این قلاع وقراولخانها باتمام رسند تمام راه خراسان از شر طایفه ضاله
مصون ومحروس خواهد ماند

چهارده سنخاص عبارت از چهار قلعه بزرک است که بفاصله اندک
در جلکه سنخاص واقع کشته یکی از آنها قریب الانهدام وسه قلعه دیکر آباد
ودر هر یک پنجاه الی شصت خانوار رعیت دارد واسامی ایشان در روز
آینده مذکور خواهد کشت

از جانب سنی الجوانب همایون مقرر کشت

روز دوشنبه یازدهم تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب از چهارده بجاجرم

درین روز اگرچه خاطر خطیر همایون اعلیحضرت شهریاری مایل بتوقف چهارده و صید افکنی و شکار کوه در آن اطراف بود شدت باد بطوری بملازمان رکاب نصرت نشان زحمت داد که سرکار پادشاهی فتح عزیمت فرموده در اوّل بامداد حکم بشیپور کوچ دادند و از آنجا که از چهارده الی جاجرم راه هشت فرسنگ طول دارد و اغلب کویر و بی آبست محض آنکه ملتزمین رکاب از پیاده و سواره بواسطهٔ قلت آب سخت نگذرد آقا ابراهیم آبدارباشی را مقرّر شد که از برای ایشان تدارک آب نماید مشارالیه نیز علاوه بر چهل قاطر راویه کش که با سقایان باهر دسته و فوجی همراه نمود مشکهای بسیار پر آب کرده و بر شتران حمل داده با خود همراه داشت که هر هنگام سقایان را آب تمام شود راویهای خویش را از بار شتران پر آب کرده بمردم رسانند و نیز چون راه امروز راهی طولانی و دزدگاه بود بملاحظهٔ آنکه شاید از دزدان ترکمانی بیکی یا دو نفر از جلودهگان یا پس ماندگان اردو اسیبی رسد

محض حزم و احتیاط رحمت الله خان ساروی اصلانز امقرر شد که با یک
فوج در مقدمه اردو باشد و فرخ خان امین الدوله را مقرر آمد که بعد از حرکت
تمام اهالی اردو با یک فوج برسم چندا ولی حرکت نمایند و خود سرکار همایون
شاهنشاهی برخلاف معمول بعد از رفتن حرمخانه مبارکه سوار شده
با تیپ و پدق بسمت جاجرم تشریف فرما شدند و فرسنگ از چهار ده گذشته
میرزا رحیم سرکرده سوارجاجرمی و میرزا فتحعلی نایب الحکومه جاجرم و یکصد نفر
سوار جاجرمی به تقبیل رکاب مهر انتساب مشرف گشته و مورد الطاف
ملوکانه آمده مقرر گشت بسمتی که مهدیقلیخان غلام بچه باشی و میرشکار بطلب
کورر رفته اند رفته بدیشان ملحق شوند و خود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی کیوکر
از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار چون هوا بسیار گرم
و مسافت بعید بود از خیال شکار منصرف گشته کس بطلب مهدیقلی خان
و میرشکار و سایر سواران فرستادند یک فرسنگ بمنزل مانده سواری
از امین الدوله در رسیده معروض داشت که آب تمام شده
آبدارباشی را اشارت رفت که اعانت نماید مشارالیه فورا بمنزل رفته

وسقایان پیش خانه را با راویهای متعدّده معجلاً بسرباز و سوار چند اول
رساند و تمام را سیراب نموده احدیرا از قلّت آب زحمتی وارد نیاید
چهار ساعت بغروب مانده ذات والاصفات شاهنشاهی تشریف فرمای
جاجرم شدند و چاکران و ملازمان هریک در خیام خویش بیاسودند
جهانسوز میرزا حاکم شاهرود که درینوقت در نردین بود بزیارت
آستان همایون مشرف گشته مورد الطاف خسروانه آمده مقرر شد
شب با اعتماد السّلطنه که وکالت ایالت شاهرود و بسطام و نردین
و جاجرم بدو مرجوع بود بحضور مهر ظهور مشرف شده در خصوص انتظام
امور آنساحات و سرحدات اصغای فرمایشات علیّه نمایند
یکساعت بغروب مانده دیوانخانه مبارکه قورق شد شب در هنگامیکه
سرکار پادشاهی مشغول صرف شام بودند صدای شنلیک توپی
از دور برخواست حضرت همایون محض استفسار از واقعه امین الملک را
حکم دادند که از شنلیک اطلاعی حاصل نموده بعرض رساند جناب مغری الیه
نیز محمّد نظر خانرا با چند سوار به تجسس فرستاد و هم میرشکار با چند نفر سوار

از

از شکارچیان خاصه که هریک در جرئت و رشادت باده سوار برابری
دارند در کمال شتاب روان شدند بعد از صرف شام قورق بشکست
اعتماد السلطنه و امین الملک و جهانسوز میرزا و سایر چاکران بحضور همایون
شاهنشاهی مشرف شدند در تظیم امور الصفحات و ساحتن بعضی قلعجات
فرمایشات لازمه علیه بعهدهٔ اعتماد السلطنه و جهانسوز میرزا شرف صدور
یافت محمد نظر خان مراجعت نموده معروض داشت که چون بمسافت
نیم فرسنگ پیش رفته چند نفر از سواران چنداول رسیده مذکور داشته
بودند که شنلیک توپ از توپچیان خاصه بوده است که هنگام شب
بجهة اخبار رود انداخته بودند و هم میرشکار معاودت نموده بعرض عاکفان
حضور مبارک رسانید که تمام اهالی اردو با امین الدوله وارد شده و از حقیقت
شنلیک خبری معلوم نشد آقا ابراهیم ابدارباشی معروض داشت که حاجی حسن
ده باشی سقاخانه مبارکه و سایر سقایان که متعاقب اردو می آمدند در دامنه شمالی
چند تیر شنلیک تفنگ شنیده اند و هیچ استبعاد ندانشت که در دان طایفه ضاله
که اغلب اوقات در دره های آن نواحی پنهانند شنلیکی کرده و جرئت نزدیک شدن

نیافته اند میرشکار امروز هنگامیکه با مهدیقلیخان در جنگلهای سمت
کلاتها و رباط سونج در تفحص شکار بود خورجینی مشتمل بر سه شب کلاه ماهوتی
آستر پوست و جعبه استیکان بلور و اسباب چای و دوازده طاقه شال مشهدی پست
و سرداری و دیگی یافته بود از لحاظ نظر انور ملوکانه گذرانیده معلوم شد که اولجه سارقین
ترکمان بوده که در آن جنگل بسقو داشته اند و چون سوارانرا مشاهده کرده اولجه خود را
گذاشته فرار نموده اند بالاخره پنج ساعت از شب گذشته سرکار همایون پادشاهی
بیاسودند و مقربان حضور رخصت انصراف یافتند

از چهارده بجاجرم هشت فرسنگ بلکه نه فرسنگ راه مایل بمغرب و تمام صحرای مسطح و کویر
و جنگل کز و طاق است سمت راست بفاصله یکفرسنگ نیم فرسنگ سلسله کوهی
واقع است پست و سخت و مهیب و درین کوه راه ها و دربندهاست که طوایف تکه
و یموت پس از گذشتن از رباط عشق وغیره و ورود بصحرای شوغان از برای گذشتن
بجلگه سنخاص و صحرای فاصله مابین جاجرم و اسفراین و رفتن بسمت شاهرود لابد باید
ازین معابر عبور نمایند و اسامی آنها بدینموجب است ابتدا از سمت چهارده

راه تشنوه راه رفته رفته اسم قریه بوده است که حال منهدم گشته راه کلاته خان از بالای مزرعه جرید میگذرد

راه خیابان

راه خیابان
بچکو منتهی میشود و چکو چشمه ایست که انجور نزکان است

کدار کزی
در دو فرسنگی جاجرم واقع است و انجور این کدار زمان آباد خرابه ایست که آب قلیلی دارد

قراء و قلعجات تا مین سنخاص و جاجرم بدینموجب است

سمت راست نیم فرسنگ از دهنه سنخاص گذشته قلعه اندغان و بفاصله اندکی قریه خواشا است این دو قریه هر دو از دهات چهارده اند ده دو فرسنگ گذشته مزرعه جُربُد است که در دامنه واقع و موسوم است باسم شهر یکه در زمان سلف درین جلگه واقع و جُربُد نام داشته است و اکنون از عمارات آن جز ارکی باقی نیست چنانکه در شرح قراء سمت چپ خواهیم دید پس از مزرعه جُربُد زمان آباد خرابه ایست که در او جز دو برج و چشمه آبی قلیل آثاری نیست از زمان آباد گذشته درین سمت راه جاجرم قریه و مزرعه نیست مگر در نیم فرسنگی جاجرم که قلعه و کاریز آبی و چند درخت توت وغیره است سمت چپ اولا در ابتدای راه قریه سنخاص است و او قصبه معتبر و با سکنه و باغات است نیم فرسنگ از سنخاص گذشته قلعه جعفرآباد است و او قلعه ایست محکم با باره و خندق که سابقا ارک شهر جُربُد بوده حیدرقلیخان ایخانی شادلو او را تعمیر نموده باسم خود موسوم ساخته است و سه چهار خانوار رعیت

در او سکنا داده اندک زراعتی دارند که از آب سنخاص مشروب میشود و در حوالی
خود این قلعه دو رشته قنات است که این اوقات حیدر قلیخان سهام الدوله
یکی از آنها را تنقیه نموده آبی اندک دارد و محتمل است که پس از چندی از این دو رشته
قنات دو سنگ آب جاری شده باعث ازدیاد آبادی و معموریت قلعه شود و نیز
در نزدیکی قلعه چشمه ایست که از آب آن یک بنه الی دو بنه زراعت میشود و چون
هرگاه درین قلعه همواره پنجاه سوار باشد میتواند مانع از ورود و عبور ترکمان شود از جانب
سنی الجوانب همایون شاهنشاهی حکمی بعهده سهام الدوله شرف صدور یافت که حتی الامکان
در صدد آبادی این قلعه کوشیده پنجاه خانوار در او سکنی دهد پس از جعفرآباد بفاصله
یک فرسنگ در زیر دست جاده قلعهٔ بلاسکنه است موسوم بقلعه سفید این قلعه
در تواریخ به دز سفید معروف است و چون از محاذات او بگذرند تا جاجرم دیگر
آبادی و قلعهٔ لمشهود نیست ولی این صحرا خیلی مستعد است که در او حفر قنوات و
بنای کشت و زرع گذارند قصبهٔ جاجرم قلعهٔ بزرگ و شباهت بقلعهٔ ارادان
خوار دارد که در وسط واقع و اطراف آن تمام باغات و زراعت است اهالی این قصبه
که قریب چهارصد خانوار هستند تماماً در میان قلعه ساکن و اغلب مردمان آن

بفتکچی

قشلقی قابلند محال جاجرم مشتمل بدین قصبه و سه قریه دیگر است که عبارتند
از کرمه و ایور و دره و در هر یک از آنها نیز پنجاه الی صد خانوار رعیت مسکون است
هوای جاجرم گرم و محصول آن جو و گندم و اندکی شلتوک است و بهمین سبب
اسم جاجرم جای گرم بوده جاجرم معرب است

روز سه شنبه دوازدهم توقف موکب منصور در جاجرم
از آنجا که در روز گذشته بواسطه بعد مسافت و شدت و سورت حرارت
هوا مشقتی بالی اردو و ملتزمین رکاب نصرت انتساب وارد آمده بود محض آسایش
چاکران درین روز از جانب سنی الجوانب همایون ملوکانه در جاجرم امر باطراق
شد تا ملازمان را راحتی باشد و بندگان اقدس همایون را در مطالعهٔ عرایض مختلفه که از
طهران و سیستان و خراسان بپیشگاه حضور مهر ظهور رسیده و در صدور احکام ملوکانه
و اصدار جواب مطالب فرصتی بدست آید پس در اول بامداد شاهنشاه باعدل
و داد از حرم خانه مبارکه بسرای پردهٔ دیوانخانه تشریف فرما شده ابتدا عرایض
مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم ملحوظ نظر مرحمت اثر گشته در جواب هر یک
از مطالب آن دستخط مهر لمعان شرف صدور یافت و همچنان جناب معظم الیه را از

از بهبودی حالت معبر الممالک که درین روز با چاپاران بجنورد اخبار شده بود اطلاع
دادند و هم صورت عرایض سیستان و خراسان را از برای آگاهی جناب ایشان
بدار الخلافه فرستاده و مراجعت اردوی همایون را از راه چشمه علی دامغان و فیروز
کوه اخبار نمودند تا از جانب حکومت دار الخلافه در مسیر موکب گردون سیر هر کجا
لازم دانند قبل از وقت تهیه و تدارک آذوقه و سیورسات نمایند و مراقبتی تمام
در این کار داشته باشند که از رعایا دیناری و حبه گرفته نشود بلکه تمام سیورسات
و آذوقه را در هر شهر و قصبه خریداری نموده انبار نمایند و چون احکام دار الخلافه
با تمام رسید عرایض حکمران خراسان و سیستان از لحاظ نظر انور گذشته احکام
مقتضانشان در جواب هر یک شرف صدور یافت و مسرعان فوراً مراجعت نمودند
مبلغ ده هزار تومان وجه نقد و یک بوقچه شال کشمیری که مرحوم سپه سالار در
امام آباد دامغان بدست شخص امینی سپرده بود شخص مزبور چون از وفات آن مرحوم
اطلاع یافته نقد و شال مزبور را بتوسط امین الملک بحضور باهر النور همایون تقدیم
نمود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمام آنها را با امین الملک سپردند که چون موکب
مسعود بدار الخلافه شرف ورود ارزانی دارد تمام پول و شال را بورثه و کسان
ایشان

ایشان تقسیم نمایند و هم میست راهی اسبان تازی از اسبان مرحوم مزبور
که در دامغان گذاشته بود بحضور آوردند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمامًا را
با جلوداری بدار الخلافه الباهره نزد میرزا مهدیخان کشیکچی باشی که پسر ارشد مرحوم
معظم الیه بود فرستاده مقرر داشتند که از روی قانون شرع مطاع با سایر املاک
و اوضاع در میان خود و سایر ورثات تقسیم نمایند چهار ساعت بغروب مانده ذات
والاصفات همایونی ازین مهمات بپاسودند و یحیی خان اجودان مخصوص بتحریر
روزنامهای فرانسوی مشغول گشت و سرکار شاهنشاهی عصرانه میل فرموده نماز
گذارده دیوانخانه مبارکه فورق شد دو ساعت از شب رفته ما چاکران و ملازمان
بزیارت حضور مبارک شافتیم و تا ساعت پنج از شب رفته بدین فیض عظمی مستعد
بودیم

روز چهارشنبه سیزدهم تشریف فرمائی اردوی همایون از جاجرم
بقریه ایور و دره

درین روز برخلاف رسم هر روزه اراده سنیه ملوکانه بر آن اقتضا نمود که اهالی
حرمخانهٔ مبارکه قبل از عزیمت موکب مسعود عازم شوند پس در اول روز حاجی

آغا یوسف آغاباشی و سایر خواجه سرایان کالسکه و اسباب حرم را حاضر ساخته
و اطراف سراپردهٔ مبارکه را قورق نموده تپ اهالی حرم عازم شدند و سرکار همایون
شاهنشاهی تا سه ساعت از روز برآمده در سراپرده مبارکه تشریف داشته حاجب
الدوله و سایر مقربان خاص خاطر خطیر همایون را بعضی عرایض بدیع مشغول میداشتند
تا ذات والاصفات ملوکانه بکالسکه نشسته بسمت شمال مغرب تشریف فرما شدند و
پنج ساعت از روز برآمده موکب مسعود بمنزل شرف ورود ارزانی داشت و حضرت
شاهنشاهی نهار میل فرموده باستراحت مشغول شدند و محمدتقی خان پیشخدمت باشی
بعرض کتاب تاریخ روضة الصفا اشتغال نمود بهنگام عصر سوارهٔ نزدینی که برکاب
همایون احضار شده بودند در مقابل سراپردهٔ مبارکه سان داده امر و مقرر شد که بر یابات
محمد صالح خان سرتپ کرد بچه چندول اردوی همایون باشند و هم علینقی خان که
از ماموریت کرمان مراجعت نموده بود بتوسط امین الدوله شرفاندوز آستان
مهر لمعان شده خاطر مبارک را از احوالات آنصاحات مستحضر ساخت یکساعت
بغروب مانده دیوانخانه مبارکه قورق شد و شب بعد از شام قورق تشکسته ها
چاکران بجاگیای همایون مشرف گشتیم و از آنجا که شدت و سورت حرارت

هوای

هوای روز مزاحم وجود مبارک شد زود تر از سایر شبها بارامگاه تشریف فرما
شد نماز جاجرم الی درّه دو فرسنگ و راه مابین شمال و مغرب است سمت راست
جاده تمام دره و ماهور و پست و بلند و بفاصله دو فرسنگ اندک کمتر یا زیاد تر سلسله
کوهی است بلند و سخت که بسمت مغرب امتداد یافته درین سمت مزارع چند
و دو قریه است که اوّلی به کرّمنه و ثانی که اردوی همایون در قرب آن واقع بود به اَیُوَر
معروف و موسوم است و هم درین سمت تپه ایست که در فوق آن از زمان
سلف قلعه بنا کرده اند موسوم بقلعهٔ جلال الدین که تاکنون از بنای محکم آن آثاری کلّی
باقیست و از قرار یکه چکیمباشی طلزان که بسیاحت قلعه رفته بود در استان همایون
مذکور میداشت در میان این قلعه آب انبار بسیست مشابه چاهی که در قعر آن آبیست بس
گوارا که بواسطه پله های چند که در میان چاه قرار داده اند وصول بدان در نهایت
آسان است

+ تا سمت چپ راه نیز دره و ماهور و پست و بلند و بفاصله نیم فرسنگ منتهی بکوهی میگردد
که در دامنه آن مزارعی چند است و هم درین سمت در مقابل قریه اَیُوَر کوهی سخت و بلند
متکوّن میشود که بسمت مغرب امتدادی یابد و در اکمنه سخت خود بزرگوهی و دیگر جانوران

وحشی مسکن میدهد

پنجشنبه چهاردهم ربیع الثانی تشریف فرمائی اعلیحضرت شهریاری بنزدین

بندگان اقدس همایون شهریاری درین روز یکساعت از طلوع گذشته بکالسکه نشسته

واز کنار قریهٔ دره گذشته با اعتضاد الدوله فرمایشات میفرمودند و مقرر میداشتند که امروز

باید از اردوی سهام الدوله خبری برسد چون فرسنگی بدینمنوال طی شد شدت گرد و غبار

بوجود مبارک زحمت داده و حضرت شاهنشاهی از کالسکه باسب رجوع فرموده تیپ

و بیدق و جمعیت ملتزمین رکاب پی سپر راه شدند و ذات والاصفات ملوکانه از خارج

جادّه تشریف فرما شده در جلگه نیکو صرف نهار فرمودند و در اینمکان از دور درختانی

چند ملحوظ نظر مبارک گشته از حقیقت آن سؤال فرمودند معروض افتاد که درختان

مزبور در دور چشمه واقع شده است که بگور چشمه معروف و آبخور ترکمانست بالاخره

بعد از صرف نهار در ثانی حضرت پادشاهی بکالسکه نشسته و تا ابتدای گردنه با کالسکه

تشریف برده چون دیگر صعود کالسکه امکان نداشت سواره ببالای گردنه آمده

ایستاده مقرر داشتند تا خادمان حرم نیز با اسب بگذرند و تمام کالسکه ها را از راه

کبابها بکلاته خیج برده منتظر حکم باشند زیرا عبور کالسکه ازین گردنه اشکال کلی داشت

وچون

وچون سرکار شاهنشاهی از کردنه بزیر آمده وارد جلگه نردین شدند ابراهیم خان نایب
اصطبل معروض خاکپای همایون داشت که دراینده غلامی از کرکان از نزد صادق
خان سرتپ رسیده وحامل مژدهٔ فتح برای شهاب الملک بود خاطر مبارک حضرت
شهریاری از نیمعنی خرسند گشته مقرر داشتند شخصی نزد شهاب الملک رفته حقیقت
حال را بعرض برساند چون موکب مسعود بنردین شرف ورود ارزانی داشت
شهاب الملک بحضور مهر لمعان شتافته معروض داشت که بحمد الله از میامن اقبال
بیزوال همایون قشون مأمور فتحی نمایان کرده وهزار و پانصد خانوار از شش طایفهٔ
یموت چاپیدهٔ مردان ایشان را کشته واسیر وزنان را کلاً دستگیر نموده احمال و اموال
ایشان را تماماً بغارت برده بنحویکه منظور نظر مبارک همایون ملوکانه بود
در تلافی جسارت وخودسریهای طایفهٔ ضالهٔ داد مردی و مردانگی داده اند
وهم دراین شب محمد قلیخان برادر سهام الدوله با عرایض هردو الیخانی
وسایر سرکردگان وتفصیل فتح وصورت سر واسیر باردوی همایون پیوسته
از زیارت خاکپای همایون ومراحم والطاف ملوکانه مفتخر گشته شرح حرکت
اردوی نصرت نمون را از بجنورد تا مراجعت از تاختن ترکمان بدین تفصیل

معروض

معروض خاکپای همایون داشت سواران نصرت توامان شب اوّل بشوغان
که در نُه فرسنگی بجنورد است نقل مکان نموده روز دوم برباط عشق که شش
فرسنگی شوغان و در او کاروانسرا خرابهٔ و دو چشمه است رفته و روز را
در پناه تپّهٔ که در جنب کاروانسرا و مامن و راحت گاه سوار ترکمان است
آرام گرفته شب سوّم به ارمودلی رفته اند که هم شش فرسنگ و در او چشمه آب و باغی
بی دیوار و جدار و چند برج قراولخانه است شب چهارم هفت فرسنگ
طی کرده و بکالپوش رسیده اند شب پنجم نیز هفت فرسنگ طی کرده و از مقابل
فرنگ و فارسیان گذشته در دهنه گرگان منزل کرده اند درین شب تمام
سرکردگان و رؤسا در یک محل جمع شده با حضور علی خان پیشخدمت بخداوندان
و نمک شاهنشاه هم قسم شدند که باتفاق کلی شب دیگر بسر دشمن تاخت آرند
و هیچ از غیرت و شجاعت فروگذاشت نکنند و ختم سخن نموده بعد از نماز مغرب
و عشا سوار شده اند و هم دران تاریکی شب از چهار فرسنگ جنگل گذشته وارد
صحرای گرگان گشته از محاذی گنبد قابوس عبور نموده هنگام نماز صبح باوبهای
ترکمان نزدیک شده از اسب فرود آمده نماز گذارده در حینی که شیاطین مارد

گنبد قابوس شمس المعالی در کنار
رود گرگان و هشت فرسنگ
استراباد واقع آن گنبدیست
از بناهای قدیم که بنا بر
معروف قبر قابوس
شمس المعالی حکمران استراباد
و مازندران بوده است
منه

بعقیده

بعقیدهٔ فاسد خود را از پاداش عمل فارغ فرض کرده و در حواب غفلت
گرفتار بودند یکبارهٔ جان نثاران دولت و سواران شجاع با غیرت بر سر
ایشان تاختن آوردند و همچنان در خواب بودند که سوار تا بالاچیقهای ایشان
رسیده مشغول سر و نهب و غارت شدند جمعی از مردان ایشان از میان ابها بیرون
رفته و بر اسبان خویش نشسته در وقتیکه تمام عساکر منصوره هر یک پیاده
یک یا دو اسیر گرفته و مشغول تاراج و یغما بودند چهار صد سوار ازین فرار بها
و از سوار انیکه بتاخت و تاز رفته مراجعت نموده بودند مجتمع گشته بر سر ایشان
تاختن آوردند سهام الدوله و شجاع الدوله چون چنین دیدند خود با سر کردگان
و چند سوار فتیل که در زیر بیدق بودند بر ترکمانان تاخته و مردم را نهیب داده
فریاد کردند که دست از غارت برداشته و از او بها بیرون آمده در حفظ جان
کوشند همچنان سواران ترکمان زور آور شده و دلیران و شجعان اسلام
خود داری می نمودند که ناگاه از دور تپی نمایان شد علیخان پیشخدمت بسمت
تپ تاخته معلوم نمود که کلب حسین خان امین نظام با سواران نصرت شد
که در ظلمت شب راه را گم کرده و یک ساعت فاصله رسیده اند پس علی خان

امین نظام را از حادثه مطلع ساخته این سرکردهٔ غیور با سواران دلیر خود بدون
مکث و تحمل بکمک دوالیخانی شتافته تا چهار و نیم از آفتاب برآمده مشغول جنگ
و کشش و کوشش بودند تا از سواران نرکمان مردی و از آثار او به والاچیقهای ایشان
جز گردی نماند سهام الدوله ابتدا اسیر و اولجه را از در بند گذرانده و خود با
سواران متعاقب ایشان نبوده رسیده و بحمد الله تعالی از هر آسیبی ایمن
مانده صورت فتح را بعرض رسانیده معروض عاکفان حضور همایون داشته بود
که از چند طایفه قوچوق و تاتار و قان تخمز و چاروا و چمور زیاده
از هزار اسیر و دویست نیزه سر با خود بارودی همایون خواهند آورد خاطر دریا
مقاطر همایون از این مژده فتح در نهایت مسرور و مشعوف گشته و شکر حضرت
خداوندی بجای آورده در کمال راحت و فراغت بحرم خانه مبارکه تشریف فرما شدند
از دره بزدین هشت فرسنگ است شش فرسنگ تا اول کردنه و دو فرسنگ
از کردنه بزدین در سمت شرقی کردنه در راست و چپ جاده قریه و آبادی جز
آب انبار خرابه نیست و از هر دو سمت کوههاکه یکفرسنگ الی دو فرسنگ فاصله
دارند در یکفرسنگی دو فرسنگی راه در جلگه تمام میشود و در انتهای ایشان کوهی

دیگر

دیگر دور تر و پست تر ابتدا میکند و همچنان آن سلسله نبرد رجلگه باز مین یکسان
شده در پشت سر شعبهٔ دیگر میرود که تا کردنه امتداد دارد در پای کردنه چشمه ایست
موسوم بسنگ سوراخ و از ابتدای کردنه که بالا میرود بمسافت نیم ونسنگ
دره ایست که در سمت راست آن چشمه و مزرعه کوچکی واقعست از دره گذشته
سمت غربی کردنه جلگهٔ نردین است و او جلگه ایست پر بوته و گیاه و بارو ح و صفا
که قلعهٔ نردین در وسط او واقع و در اطراف آن سه قریه دیگر است بدین ترتیب
اوّل نانینگ که در ابتدای کالپوش و سمت چپ واقع است ثانی
کلستان و سوّمی پولیتن

قلعهٔ نردین قلعه ایست محکم و طولانی که چهار صد خانوار در او مسکن دارند و نیم
سنگ آب دارد که در خارج قلعه زراعت میشود

جمعهٔ پانزدهم توقف موکب منصور در نردین و سیاحت
کالپوش

از آنجا که شدت صفا و نیکوئی هوای چمن کالپوش مکرّر بعرض حضور همایون
رسیده بود خاطر خطیر مبارک ملوکانه که همواره طالب سیاحت امکنه تازه است

بتفرج این چمن که در تمام ممالک ایران مانند و نظیر ندارد مایل گشته درین
روز با جمعی از مقربان خاص بدون سوار و جمعیت زیاد بسمت شمال توجه فرمودند
یکفرسنگ از زرد بن گذشته گردنه کالپوش پدید شد که گردنه کوچک و سهل المسلک
بود ذات والاصفات همایونی از گردنه گذشته بابتدای جلگه کالپوش رسیدند
درین مکان هنوز تمام چمن نمودار نبود و تپه درمیان چمن و گردنه حایل ولی چون
سرکار پادشاهی ازین تپه گذشت جلگه کالپوش نمودار گشت که گویا قطعه از
بهشت بود سوار انرا یکدفعه فرح غالب آمده و بی اختیار بنای اسب تازی و بازی
گذارده بنداز هر سو چشمه ساری چون سلسبیل روان و نهر آبی چون ماء معین در جریان
پای آدمی کو یا بر صفحه اش نرسیده و طیور و وحوش جز از سایه در خانش نرمیده
در هر طرف خرمنی از گل رسته و شدت سبزه و گیاه راه حرکت بر سواران بسته
درها سبز و خرم و در سطح ها انواع گلها با فواکه جنگلی درهم تمشک و چیالک از اندازه
فزون و طیور و وحوش از قوه و هم بیرون در هر گوشه نغمه سازان چمن در آواز
و در هر کناری دسته دسته مرغان عجیب و غریب در پرواز کله های آهو و مرال در
جست و خیز و دسته های کور و غزال از هر سو بگریز تماشای چمنی چنین و باغی

بدین

بدین شدت دلنشین خاصه اختلاف اراضی و تفاوت وضع و حالت مواضع
آن که در هیچ چمنی و بوستانی دیده نشده بلا نهایه مایه مسرت و انبساط خاطر همایون
گشته بصید افکنی مشغول گشتند و پنج مرغ رنگوله بال که مرغی در نهایت خوش خط
خال است در همنگام طیران پی در پی صید فرموده و بفراز تپه تشریف برده بصرف
نهار مشغول گشتند و بلا فاصله به تپه دیگر که قصبهٔ فرنگ از آنجا نمایان بود توجه نموده
و اندکی بادر پین تماشای آنساحت فرموده بقصد شکار مرال و کور از رود خانه گذشته
بجنگل تشریف فرما شدند و رحمت الله خان ساری اصلان و دیگر سوار از برای
شکار دوانی گذاشته و خود ببالای تپهٔ دیگر که مشرف بجنگل بود رفته منتظر بیرون آمدن
شکار بودند که از پشت سر کله خوکی نمودار گشت همه بدانسوی تاختند و اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی نره خوکی بزرگ را با یک تیر از پای درانداختند و هریک از سواران
نیز گرازی صید کرده انعامی یافتند و حضرت همایونی در جنگلی دیگر که در نهایت
باصفا بود فرود آمده و چای میل کرده نماز بگذاردند و چون عزم مراجعت فرمودند
یک کله خوک دیگر از جنگل بیرون آمده ملتزمین رکاب و سواران نصرت انتساب هریک را
هدف گلوله تفنگ نموده و انعامات شایسته یافتند و میر شکار را مقرر شد که با سواران

خود

خود در طلب کورشتافته جرگه کند چون میرشکار بسمتی از جنگل روان شد یکی از سواران
معروض داشت که آهوئی چند از میرشکار رم کرده بدین سمت می آیند حضرت
همایونی بسمت ایشان توجه فرموده و در وسط درّه تاخته آهوئی را صید فرمودند
یکی از سواران میرشکار و پاشاخان پسر مظفرالدوله نیز هریک بره آهوئی صید
کردند و سرکار پادشاهی از گردنه بزیر آمده و بدرشکه نشسته بنمساعت بروز بمنزل
نزول اجلال شد شب بعد از شام قورق بشکست و تا مدتی در حضور مهر ظهور از آب
و هوا و خضرت و صفای چمن و سیر و تفرج روز و کثرت شکار صحبت بود و هم
چاپاردار الخلافه درین شب در رسیده عرایض وزیر استیفای اعظم و وزیر علوم
و تجارت از لحاظ نظر انور گذشته صدور احکام و جواب آنها مرجوع بروز آینده گشت
و همچنین مطالب و عرایض خراسان بتوسط امین الملک بعرض رسیده در جواب
هریک از مطالب احکام ملوکانه شرف نفاذ یافت
چمن کالپوش در سمت شمال و دو فرسنگی نردین واقع از سمتی بکرکان و از
سمتی بفرنک و فارسیان و از سمتی بجاجرم و از سمتی بنردین محدود است و او
چمنی است وسیع که در هنگام بهار و تابستان پنجاه هزار سوار میتوانند
در او

در او ییلاقمیشی کنند درین چمن دو رود عظیم است که علاوه بر آب انها
که از کوه می آید و در نهایت گوارا است آبهای چشمه سارها نیز بدانها داخل
شده از دربندی که بدربند کرکان معروف است بصحرای کوکلان و کرکان
میرود درین چمن وسیع آبادی نیست جز اینکه در سمت چپ آن مزرعه کوچک
موسوم بنانک واقع است که متعلق است بنردین

روز شنبه شانزدهم تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی از نردین بمنزل کاشی دار

یکساعت از روز برآمده شیپور و کرنای اخبار سواری دادند وزراء و اعیان
و سرکردگان و صاحب منصبان در در سراپردهٔ همایون بانتظار زیارت
جمال مبارک صف زده بایستادند و سرکار همایون شاهنشاهی با دولت
و اقبال بیرون تشریف آورده بکالسکه نشسته و رو بمغرب شمالی تشریف
فرما شدند بعد از طی یکفرسنگ و نیم تیپ همایون بپای کردنه کاشی دار رسیده
سرکار همایون شاهنشاهی از کالسکه بزیر آمده بر اسب نشسته ببالای کردنه
تشریف بردند و از آنجا که بالا بردن کالسکه عسرت داشت این چاکر را مقرّر

داشتند

داشتند که کالسکه و درشکه مخصوص سلطنت را بهر وسیله که هست سالا
برساند این بنده آستان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز حسب الامر
در پای کردنه بایستاده با یک دسته سرباز و چند نفر از غلامان ایلات قرونین
ابوالجمعی حاجی سعد الملک امیر تومان کالسکه ها را بدون عیب و نقص سالای
کردنه رسانده و مراتب را بعرض حضور همایون رسانید از برای سربازان و سواران
انعامی شایان گرفت و ذات والاصفات همایون شهریاری قدری از کردنه
گذشته در سمت راست جاده در دامنه کوه در سایه درخت آوری از برای
صرف نهار فرود آمدند و در مدت میل نهار محمد حسن خان محقق بعرض تاریخ
ناسخ التواریخ مشغول بود و چون در مقابل نهارگاه همایونی از دور اشجار چند
نمایان بود مهدیقلی خان غلام بچه باشی بدانسوی رفته و در مراجعت بعرض رساند
که درختان در اطراف چشمه آبی خوش هوا و باصفا واقع شده اند پس اعلیحضرت
شاهنشاهی بتفرج چشمه توجه فرموده و از آنجا گذشته در عرض راه قریب
بقریه کلستان متعلق بافراسیاب خان نزدیک چشمه دیگر در سمت راست
بدیدگشت که آبی زیاده بر دو سنگ و در نهایت صاف و گوارا از آن جریان داشت

داشت و در طبع ملوکانه نیکو آمده اندک وقتی در سر چشمه ایستاده بعد از قریه
کلستان عبور فرموده وارد جلگه کاشی دار که اوّل خاک فندرسک استرآباد است
شدند قریب باردو سهام الدّوله و شجاع الدّوله و سایر سرکردگان و رؤسای
قشون ظفر توامان که در شب قبل بدین منزل رسیده بودند بهنگام ورود موکب
مسعود همایون باسواران ابواجمعی خود در سر راه ایستاده هر دسته رؤس
و اسرائی را که از طایفه ضالّه بدست آورده بودند در محاذات معبر ملوکانه حاضر
ساخته بودند تا ملحوظ نظر مرحمت اثر گردد و ناظرین و عابرین را مجازات شرارت
و مکافات تمرّد احکام مشهود نظر آید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سهام الدوله
و شجاع الدّوله و سایر سرکردگان را بحضور طلبیده مورد اشفاق ملوکانه ساخته و بسرا
پردهٔ همایونی شرف ورود ارزانی داشتند بهنگام عصر اعتضاد الدّوله و امین الدّوله
و دبیر الملک و سهام الدّوله و علی خان و سایر سرکردگان و رؤسا بحضور همایون
احضار گشته ابتداء سهام الدّوله و سرکردگان هریک بفراخور شان و مراتب
خدمت از الطاف بی پایان حضرت ولینعمت کُل بهره یاب آمده حسب الامر مقرر
آمد دفاین و ذخایر یکه غنیمت غازیان شده بود از نقود و طلا و نقره و غیره که میتوان

بطور

بطور یقین تا دو کرور تومان بل متجاوز قیمت آنها را تخمین نمود مخصوص خود ایشان
باشد و هرکس هرچه بدست آورده خود از و بهره مند گشته دیگری حتی سرکردگان
را در او حقی نباشد و اسرا را بحضور همایون فرستاده هرکس باندازه اسیر یکه
بدست آورده مستوجب اعطای نشان و انعام و اضافه مواجب شود و میرزا علیخان
منشی حضور را مقرر شد که صورت این فتح را مختصراً در صفحه نوشته و در بابسمه خانه
اردو بچاپ رسانیده نسخهای متعدده نزد مستوفی الممالک انفاد دارد که جناب
ایشان با چاپاران بتمام ممالک محروسه فرستند تا باعث استشفای قلب مسلمین
از دفع شر این طایفه شود پس سرکردگان مرخص شدند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
در باب حکومت و انتظام استراباد با وزرا و اعیان و سهام الدوله مشاورت کرده
رای همایون بدان قرار گرفت که اعتضاد الدوله را بحکومت آنصاحات سرافراز
دارند و جهانسوز میرزا به نیابت جناب ایشان منفخر گشته معجلاً باستراباد
رود و خود اعتضاد الدوله از منزل خوش ییلاق ازاردوی همایون هجرت گزیده
با فوج خاصه و یکصد غلام و یکصد نفر از آقایان قاجار و یکصد نفر سواره نظام
بمقر حکومت روان شوند یکساعت بغروب مانده زنان و دختران و کودکان

ترکمانرا

نزکمانازدر سراپرده همایونی بحضور مبارک آوردند از آنجا که رافت وعطوفت
ملوکانه شامل حال دوست و دشمن ورحم ومروت خسروانه برسر هر مرد وزن
پرتو افکن است باسراظهار ملاطفت فرموده چند نفراز ایشانرا باقاعلی پیشخدمت
خاصه وعکاسباشی ومحمدعلیخان پیشخدمت واگذار نموده وهم زنی راکه
بپایش جراحت کلوله وارد آمده بود باین بنده آستان همایون واگذار
فرمودند که معالجه نماید وچون وقت کافی نبود بقیه اسرارا بامین الملک سپردند
که در روز آینده بوزراء واعیان وسایر مقربان حضرت بذل فرمایند
شب بعدازشام قورق لشکست اعتضادالدوله وسایرچاکران خاص بحضور
مبارک مشرف گشته حضرت همایونی اعتضادالدوله را بفرمایشات علیه
مخاطب ساخته ودرامور استرابادوسورالعمل کافی واطلاعی وافی بایشان
داده وپنج ساعت ازشب گذشته باستراحت مشغول شدند

از نزدین بکاشی دارچهار فرسنگ است یکفرسنگ وینم آن جلگه نزدین
واز کردنه گذشته تاکاشی داراطراف کوههای بلند سبزاست ودرّه های متعدد
که ازهر درّهٔ چشمهٔ جاری گشته درو سط جلگه برودی منتهی میگردد

یکشنبه

یکشنبه هفدهم تشریف فرمائی اردوی منصور از کاشی دار به تیلاور

درین روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی در اوّل بامداد با سب کرنک برگ ترکمانی پیشکشی سهام الدّوله سوار گشته و اعضاد الدّوله و سهام الدّوله را بفرمایشات علیه مخاطب فرموده تا بکردنه تیلاور رسیدند کالسکه ها و عرّاده های توپ بنظر مبارک رسید که در پای کردنه مانده و سربازان و توپچیان و کالسکه چیان بازحمت تمام آنها را حرکت میدادند سرکار همایونی با آحاد و افراد ایشان اظهار مرحمت فرموده اجودان مخصوص تحویلدار صرف جیب همایون را مقرر گشت که مبلغ یکصد تومان بدیشان انعام دهد و سرکار اقدس از کردنه گذشته اردو نمایان گردید و موکب مسعود پس از طی مسافتی اندک بمنزل شرف ورود ارزانی داشته و اعلیحضرت شاهنشاهی نهار میل فرموده مشغول صدور جواب عرایض آقای مستوفی الممالک وزیر علوم شدند سه ساعت بغروب مانده از نوشتن دستخط و روانه داشتن چاپار فراغت حاصل شده امرا حضار بقیه اسرا فرمودند و تمام آنها را یک یک و دو دو بخادمان حرم و وزراء و اعیان

وارکان

ارکان عنایت فرموده مقرر داشتند کمال رعایت را از ایشان بنمایند
از جمله در میان اسرا ضعیفهٔ هندیه بود که چند سال قبل در راه عباس آباد کشش
مقتول و خودش گرفتار طایفهٔ ضاله شده و در بندت در میان این قوم پی مروت
بزحمت و مشقت تمام روزگار گذرانیده و از وجنات حال او کمال تقدس
و پرهیزکاری آشکار بود و چنان از استخلاص خویش اظهار وجد و سرور مینمود
که شاهنشاه را وضع و حالت او در نهایت پسندیده آمده او را بانیس الدوله
که از بزرگان پردگیان حرم سلطنت بود عطا فرمودند تا از یمن الطاف سرکار
ایشان آسایش کلی حاصل کرده بدعای وجود همایون مشغول گردد اسرای
ترکمان که بمنازل ارکان رسیدند از قید خستگی و زحمت رهیدند و چون آن نوع
احسان و محبت دیدند بالمره زحمت اسر را فراموش کرده و بتعجب
داشتند که چه قدر اختلاف در میان وضع سلوک ایشان با اسرای ایران
و سلوک ایرانیان با ایشان است چه آن همه زجرت است و محنت و این همه
رافت است و مروت بالاخره چون بتقسیم اسرا بپایان آمد میرشکار که امروز
حسب الامر از برای تفحص و تجسس شکار بصحرای زرد ابه رفته بود مراجعت کرده

معروض

معروض عاکفان حضور همایون داشت که در آنصحرا شکار گورو آهو موفور است
پس امر و مقرر شد که تدارک جرگه کرده و بهنگام صبح بصحرای مزبور رفته منتظر ورود
حضرت همایونی باشد

از کاشی دار به تیلاور سه فرسنگ و راه شمال مغرب است اطراف راه بی آبادی
و از طرفین کوههای سخت بلند امتداد دارد که اغلب قلل آنها جنگل بادام تلخ و کاج
کوهی و از هر گوشه چشمه آبی جاری است که در وسط دره بارود خانه کاشی دار تلاقات
کرده رود خانه عظیمی میشود که برود خانه تیلاور مشهور است

تیلاور قریب پنجاه خانوار رعیت دارد و در محوطه واقع است که اطراف او
تمام کوههای بلند پر جنگل است

دوشنبه هجدهم ربیع الثانی تشریف فرمائی سرکار همایون
پادشاهی از تیلاور بنخوش ییلاق

درین روز هنگامیکه هنوز سرکار همایون شاهنشاهی از سراپردهٔ مبارکه بیرون نیامده
و مشغول تلاوت قرآن بودند کبک بسیاری غفلةً بسراپردهٔ اندرون و بیرون
ریخته و در چادرها کریخته تماماً بی زحمت تیر و تفنگ و کلوله و سنگ بدست خادمان

حرم

حرم و غلام بچه کان و آغایان و دیگران کرفتار شدند دو ساعت از دسته کذشته
تپ حرمخانه مبارکه از شاهراه بسمت خوش ییلاق راهی شد و سرکار اقدس
همایون شاهنشاهی بقصد شکار بسمت جنوب و جلکه زردابه تشریف فرما کشته و چون
از کردنهٔ زردابه که راهی در نهایت صعب و سخت و مرتفع بود صعود فرمودند در
ابتدای جلکهٔ زردابه از برای صرف نهار فرود آمدند و تا هنکامیکه آبدارباشی
مشغول تهیهٔ نهار بود باد و رپین باین جلکه وسیع پرکیاه نظاره داشته و خاطر
مبارک را از تفرج چنین مکانی عجیب و مهیب که بهیچ قسم اثری از عبور و مرور
و صنعت بنی نوع بشر بر او مترتب نبود قرین فرح و انبساط آمد امیرحسین خان سپهدار
الدوله که بخلعت آفتاب طلعت همایونی قرین اعزاز و افتخار آمده بود در اینمکان به
تقبیل رکاب مهرانتساب مشرف آمده و مورد عواطف ملوکانه کشته رخصت
انصراف بمقر حکومت خویش یافت و سرکار همایون پادشاهی با سب عربی تیمور
میرزائی سوار شده این خلوت و اجودان مخصوص و ماچاکر از ابردیف در ابتدای
جلکه کذاشته مقرر داشته که چون سواران و جرکه چیان از اطراف حرکت کنند
ما نیز از این سمت تا خت آریم و آهوان را در وسط دایره جمع نمائیم هنوز ذات

والاصفات

والاصفات همایونی یکفرسنگ و نیم از مابندکان دور نشده بودند که بموجب اشاره
سنیه سواران از اطراف بحرکت آمدند و زیاده از یکصد آهو در میان دایره جرکه جمع
شده از هر سمت بصید آنها مشغول شدند و خود سرکار همایون شاهنشاهی بنفس نفیس مبارک
هشت راس از آنها را در تاخت اسب صید فرموده سران و سرکردکان نیز هریک
از یک الی دو آهو صید کردند و قریب چهل آهو دران صحرا صید شد و چون از صید
غزال فارغ البال شدند شاهنشاه پیمال از جلگه زرد آبه بابتدای دره و دربند
زرد آبه تشریف آورده پیاده شدند و میر شکار بامید یافتن کور داخل دربند
شده بعد از ساعتی بعرض عاکفان حضور رسانیدند که ازان جانوران وحشی اثری
بظهور نرسید شش آهو یافته و هرشش آن زنده بدست پاشاخان پسر مظفر الدوله
و سواران خمسه دستگیر شده بودند که بحضور مبارک آورده امر بآزادی ایشان و
بذل انعام و احسان در حق سواران شد چهار ساعت بغروب مانده موکب منصور
از دربند مزبور که راهی پرخطر و غالب اوقات معبر ترکمان است عبور فرموده رو
بمغرب و شمال تشریف فرما شدند و از صحرائی طولانی عبور فرموده بجاده خوش
ییلاق رسیدند در بنموضع راه منشعب بدو شعبه میشود شعبه بخوش ییلاق و شعبه بکلاته خیج

بکلاته خیج و معزو کیلان میرود واین همان راهی است که سوار ترکمان ازاو
عبور کرده بصحرای شاهرود و بسطام میگذرد اندکی از دوراه گذشته دو دربند است
دربند اول پراهه دربند ثانی بسمت خوش ییلاق است حضرت شاهنشاهی
بدان دربند صعود فرموده داخل درهٔ شکم آب شدند که سطح آن تمام
باگلهای الوان وچمنهای گوناگون مفروش بود و چشمه گوارا از میان آن
جریان داشت واعلیحضرت همایون از برای نماز و صرف عصرانه درکنار آن چشمه
فرود آمدند از منبع آن سؤال فرمودند معروض افتاد که ابتدای جریان آن از کوه سرخ
و بهم این چشمه بدان اسم موسوم و آبگاه و علف چر ترکمان است چون سرکار
همایونی از نماز فراغت حاصل فرمودند هوا بطوری مه گرفت و تیره و تار شد که
یافتن راه در نهایت دشوار آمد و تیپ خسروانه با زحمت بسیار از دره بالا آمده
واز کردنه زرد آلو فرود آمد که ماپین خوش ییلاق و خاک بسطام واقع است نزول
فرموده یکساعت بغروب مانده باردوی همایونی شرف ورود ارزانی داشتند
اگرچه قصد ملوکانه در آن بود که روز آینده نیز در این منزل اطراق شود ولی از شدت
برودت هوا و قلت آذوقه مقرر شد که اطراق را موقوف داشته روز آینده

بکلانه خیج بروند شب در همنکام شام غلام بچه کان وخواجه سرایان معروض خاکپای
همایون داشتند که یحیی خان اجودان مخصوص همنوز باردو نرسیده خاطر مبارک
از نیمعنی افسرده گشته بملاحظه انکه مبادا اجودان مخصوص از راه دور افتاده آسیبی
بدو رسد جمعی از سوار ازا مقرر داشتند که در تفتیش وتجسس حال وی شتابند
وزود تر باردوی همایونش رسانند سه ساعت از شب رفته همنکامیکه قورق
شکسته اعتضاد الدوله وامین الدوله شرف اندوز حضور همایون بودند
خزانه دار صرف جیب همایون باردو رسیده از زیارت خاکپای همایون بهره
یاب ومفتخر آمده معروض داشت که در سر دو راه جاده راگم کرده بسمت کلانه
خیج رفته ومجددا باعانت بلدی باردوی همایون رسید خاطر خطیر جاکر نواز
ملوکانه آسوده گشت وپنج از شب گذشته بپاسودند

از تیلاور بخوش ییلاق از راه معمول چهار فرسنک است ولی از راه زردآبه که مسیر
موکب فیروزی کوکب بود زیاده برده فرسنک است

جلگه وصحرای زردآبه که شکارگاه همایونی واقع شد جلگه ایست مسطح وپر بوته اطراف
آن تمام کوه واصل محوطهٔ جلگه تقریبا یکفرسنک طول ویکفرسنک عرض دارد ومشابه

جلگه

جلگه دوشان تپه دار الخلافه است

اما چمن خوش ییلاق در سمت شمالی خاک بسطام واقع است جلگه ایست چمن اندک پست و بلند که قریب سه فرسنگ دور آنست اطراف آن تمام کوههای سخت و بلند که از آنجمله کوه شمالی از همه مرتفع تر و صحرای ترکمان از بالای آن نمایان ولی چون اغلب اوقات در قلل این جبال حتی در دامنه و خود چمن مه و ابر است ممکن نشد که سرکار همایون پادشاهی ببالای کوه تشریف برده باد و رین صحرای ترکمان وغیره را تفرج فرمایند بالاخره خوش ییلاق مکانی مرغوب و مطلوب و خوش آب و هوا با جمعیت قلیل توقف چند روز و شکار و صید افکنی را شایسته و مطلوب است

روز سه شنبه نوزدهم ربیع الثانی تشریف فرمائی موکب مسعود همایون از خوش ییلاق بکلاته خیج بسطام

درین روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بحمام تشریف برده حاجی آغا یوسف آغاباشی را امر و مقرر شد که اهالی حرم خانه مبارکه را قبل از عزیمت موکب منصور راهی سازد و ذات والاصفات همایون شاهنشاهی از حمام بیرون

تشریف آورده اعتضادالدوله و اعتمادالسلطنه و دبیرالملک و سهام الدوله
بحضور مبارک احضار شده و اصغای فرمایشات علیه نموده و هم امین الملک
میرزا علی نقی خان فندرسکی و حسینعلی خان شیخ را که از استراباد بعزم
زیارت آستان مهر لمعان آمده بودند بجا کپای همایون مشرف ساخته مورد
الطاف حضرت شهریاری شدند میرزا علینقی خان دو راس اسب ترکمانی
ممتاز و چند بله جُزه قوش طرلان از پیشگاه حضور همایون گذرانده مقبول
عاکفان دربار معدلتمدار گشت و سهام الدوله بعرض حضور رسانید که زن آقچه
ملاّ و دو اسیر دیگر ترکمان که در منزل نوده مفقود شده بودند حسب الامر همایونی
در ثانی بدست آمده اند ولی صاحبان ایشان در هنگام تاخت خارج از اوبها
بودند و بقید اسر مقید نگشته آقچه ملا زن خود را بسه هزار تومان خریداری
مینماید و در آینده متعهد خدمتگذاری میشود پس رای صوابنمای همایون مقتضی آن
شد که بنابر استدعای سهام الدوله او را با صاحبش رد کرده و سه هزار تومان
قیمت را صرف بتعمیر قلعه رباط عشق نموده و آن قلعه را آقچه ملاّ موسوم دارد
تا اسم آن بعلامت این فتح عظیم در تواریخ باقی ماند سه ساعت از دسته گذشته

موکب

موکب همایون از خوش ییلاق حرکت فرموده و سرکار همایونی از کردنه زده الو
فروش صعود فرموده معلوم شد که کالسکه و عرادهای توپ و قوپوز در پای
کردنه مانده اند امین الدوله و اجودان باشی را مقرر شد که در پای کردنه ایستاده
سربازان و توپچیان را بکمارند که کالسکه و عرادها را بالای کردنه برسانند و خود بکمر
شاهنشاهی و تیپ از کنار راه گذشته در سمت جنوبی کردنه که جلگهٔ باصفا بود از برای
صرف نهار فرود آمدند و ساعتی مشغول تحریر روزنامه مخصوص همایونی شدند تا
کالسکه ها رسیده و بکالسکه نشسته از دره که طرفین آن کوههای سخت بود بسمت
منزل تشریف فرما شدند و بعد از طی مسافت دو فرسنگ بجلگه کلاته خنج وارد گشته
باغات کلاته خنج وارد و نمایان شد و پنج ساعت بغروب مانده موکب مسعود
بمنزل شرف ورود ارزانی داشت و چون شرارت و فساد و راهزنی یکی
از ترکمانان محبوس که از طایفه قوجوق و ریش سفید و قطور و هیکلی عجیب داشت
با دوازده نفر دیگر از همدستان او در خاکپای همایون محقق گشت و معلوم شد
که در سوابق ایام جمعی از زوار مسلمین بدست ایشان کشته و اسیر گشته اند از
جانب سنی الجوانب ملوکانه مقرر آمد تا جزای اعمال ناشایسته را عاید حال

ایشان

ایشان ساخته بسزای خود کرفتار ساخته یکساعت بغروب مانده حیدر قلیخان
سهام الدوله که بکلیجه تن مبارک مخلع و بانشان امیر تومانی الماس نشان عزافخار
یافته بود بحضور همایون شرفیاب کشته واز خاکپای مبارک رخصت انصراف
یافت که ازراه مغرو کیلان وکباها به بجنورد رفته کما فی السابق بخدمتکذاری وجان
نثاری پردازد شب بعد از شام امین الملک وامین خلوت ودیکر مقربان
بحضور مبارک شرفیاب کشته امین الملک عرایض حاکم خراسان را معروض
حضور مبارک داشته احکام سنیه درجواب آن شرفصدور یافت

از خوش ییلاق بکلاته خیج چهار فرسنک است وراه اول جنوبی و بعد مغرب جنوبی
میشود بعد از کردنه زرد الو فروش جلکه سبزی است که منتهی بدره میکردد که دو فرسنک
طول آنست ودرمیان آن چشمه آبی است صاف وکوارا که در وسط دره جاری
وبتدریج آب آن زیاد کشته در انتهای دره قریب دو سنک بسمت کلاته خیج
جریان دارد پس از دره مزبور جلکه کلاته خیج وخاک بسطام است

کلاته خیج جزو بسطام وقصبه ایست معتبر که در بالای تپه واقع و در دور آن حصاری
محکم وپست ساخته اند تا طایفه ضاله بدو دست نیابند وامروز قریب

بسیط

بسیصد خانوار رعیت دارد که اغلب آنها تفنگچی و مردمان رشید هستند
چهارشنبه بیستم تشریف فرمائی موکب انجم شکوه از کلاته خیج مکرمه قلعه نو
درین روز نیز اماکن مخانه مبارکه را مقرر شد که قبل از تشریف فرمائی موکب همایون
عازم گردند اعتضاد الدوله و امین الملک و اجودان مخصوص را مقرر شد که زودتر
بمنزل رفته تهیه و مواجب قشون مامور استراباد را از سواره و پیاده باحاد
و افراد ایشان از روی ثبت و سررشته باطلاع میرزا مصطفای وکیل لشکر بپردازند
و لوازم سفر ایشان را از هر جهت آماده و مهیا دارند و خود سرکار پادشاهی دوساعت
از روز برآمده بکالسکه نشسته در مقابل قلعه کلاته خیج که در سمت چپ راه واقع
بود پیاده شده اندکی ببرج و باره قلعه تفرج فرموده و امر بتعمیر آن نموده و مجددا بکالسکه
تشریف برده بعد از ساعتی در سمت چپ از برای صرف نهار فرود آمدند بعد از
صرف نهار امین خلوت معروض داشت که هرگاه سرکار شاهنشاهی از جاده صرف
نظر فرموده و از تپه های سمت راست بگذرند راهی اقرب وارد و نزدیک باشد
حضرت همایونی نیز سوار شده و بالای تپه برآمدند دو صحرای لبطام نمایان شد
و حضرت شاهنشاهی اندک وقتی بادوربین باطراف سیاحت فرموده از تپه بزیر آمده

بکالسکه

بکالسکه نشسته پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند و یک
ساعت بغروب مانده قورق شد درین شب از جانب سنی ایجوانب
ملوکانه مقرر آمد که اردوی کبیر همایونی قسمت شده قسمتی را که مرکب بود
از جمعیتی که همواره اوقات در شکارگاهها و سفرهای کوچک بشرف التزام
نایل بودند در رکاب همایون از راه شاهکوه و چشمه علی دامغان و فیروزکوه روان
کردند و قسمتی دیگر را که اردوئی از توپخانه و افواج وغیره بموجب شرح ذیل مرکب
بود مقرر گشت که در رکاب حضرت مهد علیا از راه شاهرود و سمنان و دامغان
روان شوند قسمت اخیر قشون مامور استراباد بود که میبایستی در منزل آینده
باعتضاد الدوله از اردوی همایون هجرت گزیده بمقر مامورتیت خویش روند
اردوئی که بشرف ملازمت رکاب سرکار مهد علیا نایل بود بدینموجب است

ملک منصور میرزا	حاجی رحیمخان صندوقدار	حاجب الدوله	مظفر الدوله
	واماکی صندوقخانه مبارکه	باجزء اعظم از فراشان وسراپرده چیان و فراشخانه وغیره	

افواج خمسه	توپخانه	کالسکه خانه	زنبورکخانه و نقارهخانه

میرزا

میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله امیر تومان چون در خاکپای همایون بعقل
و رشادت و کفایت و درایت مشهود بود بریاست و حفظ نظم این اردو مامور
گردید باعطای یکثوب کلیچه ترمه سنجاب از جامه خانهٔ خاص قرین مباهات گشت
از کلاته خیج بکرمه و قلعه نوچهار فرسنگ است دو فرسنگ آن رو بجنوب و پس
ازان مغربی و بالاخره مغرب شمالی میشود سمت چپ بفاصله نیم فرسنگ
کوه مرتفع بدهیات سیاه سختی واقع و چشمهٔ دردامان آن از دور نمایان است
سمت راست بمسافت یکفرسنگ و نیم امتداد سلسله جبال خوش ییلاق است
که در عقب آن محال چناشک واقع است و این محال سپرده بمیرزا علیشی خان
قندرسکی و از محال استراباد است

پنجشنبه بیست و یکم توقف موکب منصور در کرمه

درین روز اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی از برای انجام بعضی امورات
دولتی و روانه فرمودن چاپاردار الخلافه و صدور جواب عرایض وزراء در منزل
اطراق فرمودند و چون از صدور احکام فراغت حاصل شد اعتضادالدوله ملا
باقر شهیر بستون استرابادی و حاجی ملا نصرالله شیخ الاسلام که سابقا اسیر شده

بود

بود و بعضی از علمای دیگر استراباد را که از زیارت آستان ملایک پاسبان
امام ثامن ضامن علیه الاف التحیة والثنا معاودت نموده بود ند بحضور
مهر ظهور همایونی مشرف ساخته هریک مورد الطاف و اشفاق ملوکانه آمده
خرسند و مسرور بسمت استراباد روان شدند پنج ساعت بغروب مانده امیر
خان سرتیپ فوج خاصه شریفه را که مامور استراباد بودند از سان حضور همایون
گذرانده و افراد و آحاد تا پین وصاحبمنصب فوج بعواطف ملوکانه خوشدل و امید
وار گشته باردوی اعتضاد الدوله رفتند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بسرا
پرده سرکار مهد علیا تشریف فرما شدند امین الدوله وزیر حضور همایون که
در این سفر خجسته اثر ایاباً و ذهاباً در تعهد انتظام اردو اعم از نظام و غیر نظام
و خدمات و فرمایشات مرجوعه بخوبی از عهده برآمده خاطر بهناء مظاهر ملوکانه را از
خود خرسند و مشعوف ساخته بود محض ازدیاد اعتبار و افتخار مغزی الیه از
جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی باعطای یکثوب جبه ترمه کشمیری اعلی
سرافراز آمد اعتماد السلطنه وزیر وظایف و اوقاف نیز باعطای یکثوب جبه ترمه
کشمیری حاشیه دار از جامه خانه خاص مخصوص مفاخرت و اعزاز گشت دبیر الملک وزیر

وزیر رسایل محض مرحمت و عطوفت خدیوانه و خدماتیکه از او درین سفر خیریت
اثر مشهود و معلوم افتاده بود باعطای یکثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار
از جامه خانهٔ خاص که تن پوش مبارک بود مباهات و افتخار حاصل نمود
امین الملک که از بدو حرکت موکب همایون از دار الخلافه الباهره تا مراجعت
اردوی منصور از خاک خراسان علاوه بر خدمات سابقه معینه مستمره خود در تهیهٔ
سیورسات قشون و راحت وجود مسعود مساعی جمیله معمول داشته و بمحاسن
خدمتگذاری و چاکری خاطر مبارک را قرین رضامندی و خوشنودی داشته بود
باعطای یکقطعه کل کمر مکلل بالماس سرافراز و مباهی گشت و هم علیقلی خان
اجودان باشی که لیلاً و نهاراً از خدمات مرجوعهٔ خود تغافل نورزیده بود و خاطر
خطیر خسروانه در نهایت از خدمات او راضی و خرسند بود باعطای یکثوب کلیجهٔ
ترمه بطانه خز از ملبوس خانه خاص قرین عز اختصاص آمد و نیز امراء بار و چاکران
دربار کردون مدار که در اثر رام رکاب منصور و تحمل مشقات سفر و وقوع فتح حسن
خدمت و زحمت ایشان مقبول رای جهان آرا شده بود هر یک بدینموجب باعطای
خلاع مهر شعاع سرافرازی جستند

رحمت الله

رحمت الله خان بیاری اصلان سرداری ترمه تن پوش مبارک	حاجی حسین خان شهاب الملک امیر تومان سرداری ترمه تن پوش مبارک	امین نظام کلیجه ترمه تن پوش مبارک
حاجی قنبر علیخان سعد الملک سرداری تن پوش مبارک	علی خان پیشخدمت کلیجه ترمه تن پوش مبارک	صفر علی خان سرتپ کلیجه ترمه
قاسم خان جارچی باشی جبه ترمه	عبد الفادر خان سرتپ مهاجر جبه ترمه	زین العابدین خان سرتپ سواره ورن کلیجه ترمه
محمد صادق خان سرتپ جبه ترمه	حسینقلی خان سرتپ جبه ترمه	عباد الله خان غلام پیشخدمت جبه ترمه
حسینقلی خان سرتپ سواره مورد سکلو جبه ترمه	علیقلی خان بوزباشی غلامان مخصوص جبه ترمه	

جمعه بیست و دوم توقف اردوی همایون در کرمه و تشریف فرمائی ذات والاصفات خسروانی بتفرج قریهٔ ابر

درین روز بندگان اقدس همایون شاهنشاهی محض تفرج و سیاحت قریه ابر که موطن اصلی حاجی محمد خان حاجب الدوله است دو ساعت از روز برآمده با جمعی از خواص چاکران

چاکران دربار جهان مدار و عمله خلوت همایونی ملتزم رکاب نصرت انتساب گشته
و چون موکب منصور از وسط قریه خرقان عبور فرموده در شمال قریه مزبور بجلگه مسطح
و وسیع رسیده ساری اصلان یکصد نفر سواره نظام را که بهمراهی اعتضاد الدوله
مامور استراباد بودند از سان حضور گذرانیده سواران مرخص شده و ساری اصلان
ملتزم رکاب شد محمد قلیخان حسام الدوله که در تمام مدت سفر ملتزم رکاب نصرت
اثر بود در اینجا از خاکپای همایون رخصت عزیمت دار الخلافه یافته باعطای یکثوب
کلیجه ترمه تن پوش مبارک قرین اعزاز و افتخار آمد و همچنان سرکار اعلیحضرت
شهریاری درین جلگه که با انواع ریاحین آراسته و باقسام گلها پیراسته بود
تفرج کنان تا قریه ابر تشریف فرما شدند علماء و اعالی قریه وضیع و شریف
اناث و ذکور تماماً در خارج قریه باستقبال رکاب مهر انتساب شتافته ملتزم
دعاگویی و قربانی و جان نثاری را معمول داشته مورد عواطف ملوکانه آمدند و
حضرت همایون شاهنشاهی از کنار قریه بسمت پائین شمال و مغرب توجه فرموده در
بالای کردنه از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار بجلگلی که در آن نواحی
بود تشریف برده و در سایه درختان جلگلی قریب بدو ساعت استراحت فرمودند

وچون از خواب برخواستند ملحوظ نظر مبارک گشت که همه تمام کوه وجنگل را
بنحوی فراگرفته و هوا چنان تیره و تار شده بود که توقف امکان نداشت وسکار
همایونی فوراً اسب خواسته ومعجلا نزول اجلال بپای کردنه فرمودند قریب
بابرابرهای همه ناپدید گشته هوا راطراوتی تمام حاصل بود ودرخود قریه چنان خضارت
وصفائی که ذات والاصفات خسروانی میل بسیاحت داخل قریه کرده واز وسط
قریه گذشته در دره پائین قریه از برای نماز فرود آمدند بعد از نماز در حینی که مشغول
صرف چای وعصرانه بودند در خاکپای مبارک صحبت از زراعت ورعیتی بمیان آمد
وحضرت همایون شاهنشاهی قصبهٔ مجن را که در حوالی بسطام واقع است واز
دهات مخصوص بدیوان اعلی بآقا محمد نقی آبدار خاصه که هم اغلبی از قصور وباغات
مخصوص همایونی سپرده باوست سپرده وابواجمع فرمودند که در رعایت رعایا
واسودگی حال ایشان وتجمیع منال دیوانی کمال اهتمام وسعی را مرعی دارد وسکار
همایون بعد از نماز از همانراه که تشریف فرما شده بودند بسمت منزل معاودت
فرموده ویکساعت بغروب مانده بحوضخانه مبارکه تشریف فرما شدند شب بعد
از شام قورق بشکست ومقربان خاص شرفاندوز حضور مبارک شده

حاجی

حاجی رحیم خان صمند و قدار و حاجب الدوله بخلاع مهر شعاع منفخر آمده رخصت
آن یافتند که در روز آینده با اردوی سرکار مهد علیا بسمت دار الخلافه عازم شوند
از کرمه تا برسه فرسنگ است و ابر قریه ایست آباد که در او دو طایفه ساکنند
طایفهٔ از اهل خود قریه که از قدیم الایام بابری معروف و در بالای قریه در دامنه کوه
سنگنی دارند و طایفهٔ دیگر کوداری که در ثانی در اینمکان منزل گزیده و در سمت پائین
قریه در دره مسکونند و خانوار این طایفه زیاده از طایفه ابر باینند در دره زیر دست
قریه چمنی است مشهور بچمن ابر بقیهٔ صحرا و دامنه محل زراعت و حاصل است بالای
کردنه ابر جاده معتبری است که بمحال فندرسک و استراباد میرود و از ابتدای
این جاده تا استراباد زیاده بر هشت فرسنگ نیست و در پای کردنه دهی است
موسوم بزرین کل که از دهات معتبر فندرسک است و در فاصلهٔ کرمه و ابر برجی است
معروف ببرج حاجی شعبان که در سوابق ایام ساخته و تا کنون بجای مانده است
و از جملهٔ غرایب که در حوالی آبرده میشود چشمه ایست چون چشمهٔ بادخوان دامغان
که بنا بر معروف چون چیزی ناتمیز و کثیف در آن فرو برند فوراً هوا منقلب شود
و از آنجا که فرصت امتحان و یقین سقم و صحت این مطلب نبود در شرح آن همین

محضر

مختصر اکتفا نمود

شنبه بیست و سوم تشریف فرمائی موکب مسعود از کرمه بقریه ابر سپیح بسطام

درین روز یکساعت از دسته گذشته اعلیحضرت همایون شهریاری با فر و اقبال شاهنشاهی سوار گشته امین الدوله و دبیر الملک را بفرمایشات علیه مخاطب فرمود و همه جا در دامنه کوه تشریف فرما بودند که ناگاه خرگوشی پدید شد که روی بدشت و سرازیری فرار مینمود طبع منیر ملوکانه بصید آن مایل گشته اسب کنج آور را که از اسبان عربی پیشکشی حسام السلطنه و اسبی در نهایت پردو است در پی آن برانگیختند سواران بتماشا ایستاده بودند که اسب همایون در آن سرازیری و سنگلاخ از خرگوش گذشته شاهنشاه بپشت سر توجه فرموده و با یک تیر کلوله خرگوش را بزمین خاک ساختند تمام ملتزمین رکاب ازین چابکی و چالاکی در حیرت و تعجب ماندند دعای وجود مبارک گفتند و اعلیحضرت شاهنشاهی از برای صرف نهار در کنار چشمه صاف و گوارا که در دامان کوه بود فرود آمدند اسدالله خان پیشخدمت که از خراسان از راه سبزوار آمده بود در پنجا برکاب مبارک پیوست پس از نهار خرگوشی دیگر در مقابل اسب

همایونی برخواسته وبضرب یک گلوله باجفت خود قرین شد وسرکار پادشاهی از
اسب فرود آمده بگالسکه نشستند سواره نانکلی که مامور استراباد بودند واز دار
الخلافه رسیده در پنجاصف گشیده ازسان حضور همایون گذشته بمقر ماموریت
خویش رفتند وتیپ همایون بسمت منزل پی سپر شدو درین بین آهوئی ازمقابل
سواران پرون آمده سازی اصلان اورا درجلو تیپ صید نموده بحضور مبارک
آورده مورد عواطف ملوکانه گشت وسرکار شاهنشاهی درثانی باسب کنج آور
سوار شده همچنان خرگوش دیگر درتاخت پیک تیر صید فرموده وارد قریه ابر سپیج
شده وازوسطده عبور نموده بسراپرده همایونی که درخارج قریه واقع بود نزول اجلال
فرمودند واردوی حضرت مهد علیا بشاهرود تشریف فرماشد

ازکرمه تا ابر سپیج سه فرسنگ وراه مغرب جنوبی ودرامتداد آن چیزی نیست
که شایسته تذکار باشد

یکشنبه بیست وچهارم تشریف فرمائی موکب مسعود از ابر سپیج
بتاش

درین روز بواسطه بعد مسافت منزل حضرت همایون شاهنشاهی زودتر ازسایر

ایام

ایام سوار شده ذوالفقار خان بسطامی و علی اکبر خان سرتپ پسر مشار الیه
بتوسط اعتماد السلطنه بزیارت حضور مبارک مشرف گشته از تفقدات و
فرمایشات ملوکانه بهره یاب و امیدوار گردیدند و بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی
براهی که ما بین مغرب و شمال بود توجه فرموده از دامان جبال سمت راست
تشریف فرما شدند هنوز فرسنگی طی نشده در میان راه نهر آبی بدید آمد که زیاده بر
سه سنگ آبی صاف و گوارا در او جریان داشت حضرت پادشاهی اندکی در سر
نهر توقف فرموده و کذشتند یک فرسنگ و نیم از ابر سیچ کذشته در صحرائی سمت
چپ از برای میل نهار فرود آمدند پس از صرف نهار میر شکار که قبل از وقت بتفحص
و تجسس شکار آمده بود معروض عاکفان حضور داشت که شکار درین کوه و دشت
بسیار است ولی چون مقدمه اردوی همایون ازین راه عبور کرده است تماماً
فرار کرده و بقلل این جبال پناه جسته اند و وصول بدشان خالی از زحمت و اشکال
نیست پس بندگان پادشاهی از شکار و صید افکنی صرف نظر فرموده بکالسکه
نشسته بسمت منزل عطف عنان فرمودند مقارن اینحال آهوئی چند
از دامان دشت پدید کشت که بسمت کوه فرار میکردند حضرت همایونی فوراً

فورا از کالسکه برزیر آمده بر اسب عربی تیمور میرزائی نشسته با میر شکار و معدودی
قلیل قریب دو فرسنگ در پی آنها تاختن کردند از آنجا که دامنه دره و ماهو
و سنگلاخ بود در حین تاخت بپای اسب همایونی جراحتی وارد آمده حضرت
شاهنشاه محض رعایت حال اسب و صعوبت راه از تعاقب شکاران درگذشته
از بلندی دامنه بسمت دره که روبشمال و منزل بود آمده از کنار رودی که در دره
واقع و قریب شش سنگ ابداشت رو ببالا تشریف فرما شدند و چون موکب
مسعود بدو آب رسید که محل تقاطع رود شاهکوه و رود تاش است اردو پدید
گشت و ذات والاصفات خسروانی از کنار رود تاش صعود فرموده پنج ساعت
بغروب مانده بسراپرده همایونی شرف ورود ارزانی داشتند و ساعتی راحت
فرموده بعد از ادای نماز و صرف چای دیوانخانه مبارکه فورق شد

از ابر پنج تاش پنج فرسنگ است و طرفین راه بکوههای عظیم مرتفع محدود است
که در کوههای شمالی آن اغلب مکانها جنگلهای کوچک با روح و صفا است
دره تاش قریب یکفرسنگ طول دارد و در دو سمت کوههای کشیده سخت
و درین دره دو کاروانسرا است که در زمان سلف بنا کرده اند و قریه نکارمن

بسطام

بسطام که از قراء معتبره و ملک شیخ الاسلام است در سمت راست جادهٔ
تاش واقع است

دوشنبه بیست و پنجم تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب از تاش بشاهکوه

در ابتدای این روز چون بندگان حضرت شاهنشاهی بعزم سواری از سراپردهٔ
مبارکه بیرون آمدند دیوان الملک آقاخان کنول را که یکی از سرکردگان معتبر در پیش
رکاب مبارک آمده بود بحضور همایون مشرف ساخته و شرحی از رشادت
و صداقت مشارالیه و سواران کنول در خاکپای همایون معروض داشتند
از جانب سنی الجوانب ملوکانه تفقدات شاهانه شامل حال وی گشته مقرر آمد
که معجلا با سواران کنول بچهارباغ رفته باردوی اعتضادالدوله ملحق شود و خود کامگار
پادشاهی از درهٔ که بسمت شاهکوه میرفت بطرف منزل روانشدند و همچنان
تا دو فرسنگ درین درهٔ تنگ که جنبین آن تمام جنگلهای کوچک و چمن زار و بساط
ریاحین بود تفرج کنان در کمال انبساط خاطر تشریف فرما بودند تا بپای کردنهٔ
عظیم شاهکوه رسیده و از کردنهٔ مزبور صعود فرموده در چمنی که در فوق کردنه واقع است

. ازبرای

از برای صرف نهار فرود آمدند و در اینوقت صادق بیک شکارچی بعرض رسانید
که قبل از تشریف فرمائی موکب مسعود یک دسته آرقالی و یک دسته
خوک در بن حوالی بچرا مشغول بودند و چون همهمه سواران بشنیدند فرار کردند
و هم اکنون میر شکار با شکارچیان در قله کوه سمت راست خوکی خوابانده منتظر
تشریف فرمائی حضرت پادشاهی است سرکار همایون دورپین طلب فرموده
و میر شکار و سواران را ملاحظه فرمودند که در بالای کوه در پشت سنگی پنهان
شده خوکی چند بارامی تمام در مقابل سنگ مشغول چرا بستند و چون میر شکار
از بالای کوه مشاهده نمود که سرکار اقدس از صرف نهار فراغت حاصل نموده اند
از کوه بزیر آمده در رکاب همایون از کردنه بزیر آمده در دره که محتمل بود خوکها بعد از
رم کردن از آنجا عبور کنند بایستاده و باقرخان شکارچی را گفتند تا تفنگی
بیندازد خوکها از صدای تفنگ رم کرده از جای خود حرکت کردند و برخلاف
معمول بجای آنکه بسمت دره فرار نمایند خود را بقله کوه کشیده بدر رفتند
و در همین حال رحمت الله بیک و ولی بیک شکارچی خوکی دیگر در بغل کوه
یافتند که در پناه سنگی خوابیده است حضرت شاهنشاهی پیاده از بغله بالا رفته

با یک تیر تفنگ از سیصد قدم فاصله خوک مزبور را از پای درآوردند گرازی
عظیم الجثه و بدهیات بود و با اینکه زخمی منکر برداشته و از بغله کوه تا میان دره
غلطیده بود هنوز رمقی داشت و بسوار اینکه در طلب او بپائین دره رفته بودند
حمله میکرد بالاخره سرکار پادشاهی از بغله کوه که در نهایت سخت بود با زحمت
تمام پیاده بپائین تشریف آورده و سوار گشته از همه جا از میان
دره و کنار رودی که بسمت شاهکوه جاریست تشریف فرما شدند
و تیمور میرزا و محمد رحیم خان سرتیپ زند با بازان شکاری در حضور همایون
صید کبک و تیهو مینمودند تا موکب مسعود بشاهکوه سفلی که مقر سراپردهٔ
همایونی بود شرف ورود ارزانی داشت آقا محمد نقی آبدار از انتظام عمل
قصبه مجن فراغت حاصل نموده درین منزل برکاب مبارک پیوست و یکصد و
پنجاه تومان از بابت مالیات قریهٔ مزبور و مقداری کره و پنیر و غیره که کمال
امتیاز را داشت تقدیم حضور مهر ظهور نمود دو ساعت بغروب مانده سرا
پردهٔ مبارکه قورق شد و شب را حضرت شاهنشاهی زودتر از سایر لیالی
براحت مشغول گشتند از تاش بشاهکوه چهار فرسنگ و راه همه جا شمال

مغربی

مغربی واز میان دره است شاهکوه عبارت از دو قریه است که یکی
بشاهکوه علیا و دیگری بسفلی معروف است و در میان این دو قریه نیم فرسنگ
فاصله است دامنه شاهکوه و نواحی آن به ییلاقیت معروف و هوائی در
نهایت سردونیکو دارد چنانکه درین اوقات که اواخر تابستان بود
هنوز زراعت و کشت آن سبز و نارس و خرمن ناشده بودند

سه شنبه بیست و ششم تشریف فرمائی موکب همایون از شاهکوه بچهارده کلاته

درین روز چونکه یکساعت از طلوع آفتاب برآمد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
بر اسب سفید ترکمانی پیشکشی امیرحسین خان الیخانی سوار گشته بجانب
مغرب شمالی تشریف فرما شدند و چون اندک مسافتی از راه طی شد در سمت
راست دره بادیدگشت که بسمت زیارت خاصه رود استرآباد امتداد
دارد و تا زیارت خاصه رود چهار فرسنگ است از وسط این دره آبی در
نهایت صاف و گوارا جریان دارد که برود خانه شاهکوه ملحق میشود در
جوار دره راه منحرف گشته بدره دیگر می افتد که متمایل بمغرب جنوبی است

و آبی اندک از وسط آن جاری و در انتهای دره کتلی مرتفع و سخت است
که عبور کالسکه و تخت ازان در نهایت صعوبت است چون موکب مسعود
ازین کردنه عبور فرمود این بنده آستانهٔ شاهنشاهی را مقرر آمد که کالسکه
و تختها را با عانت غلام و سربازان کردنه عبور دهد تا ذات والا صفات
همایونی در فوق کردنه در سایه درختان اورس بصرف نهار مشغول بودند
این چاکر با بداد غلامان ابوالجمعی حاجی سعد الملک و دسته از سربازان
سواد کوهی کالسکه و تختها را بفوق کردنه رسانده و غلامان و سربازان را از
انعام و احسان خسروانه بهره ور خرسند ساخت و هم در اینوقت خادمان
حرم جلالت با اسب از کتل مزبور گذشته و همچنان بواسطه صعوبت
راه بدون آنکه رجوع بکالسکه نمایند بسمت منزل روان شدند و اعلیحضرت
همایون پادشاهی صرف نهار فرموده بنوشتن کتاب روزنامه مخصوص
مشغول شدند نورالدهر میرزای نایب ناظر که بمشایعت اعتضاد الدوله
رفته بود مراجعت نموده یک بهله قوتش طرلان از جانب سردار استراباد
با عرایض و مطالب ایشان از لحاظ نظر انور همایون گذرانیده سرکار

همایونی

همایون جواب عرایض را در همان محل نهارگاه صادر فرموده با غلامی
مخصوص نزد اعتضادالدوله روانه داشته وخود بسمت منزل راهی
شدند واز سر اشیبی کردنه نزول فرموده داخل دره جنوبی گشتند
حضرت اطراف دره وصفای آب رود مایهٔ فرح وانبساط خاطر مسعود گشته
ودر کمال مسرت از کتل انتهای این دره ببالا برآمده داخل صحرائی
مسطح شدند که نیم فرسنگ منجاوز امتداد طول آن بود واز این جلگه
بدره دیگر که ما بین مغرب وجنوب ودرهٔ شک مشابه باغ شاه جاجرود
دار الخلافه بود شدند واز کردنه این دره عبور فرموده واز سر اشیبی آن
که راهی سخت ومطول بود نزول فرموده داخل جلگه چهارده کلاته گشتند
در ابتدای جلگه وکنار رودی که از مشرق بسمت مغرب وچهارده
کلاته جریان دارد میر شکار معروض داشت که درین کوهها از هر قبیل
شکار بسیار وقوچ ومیش از اندازه بیش است ولی چون تمام کوهها را امنه
فراگرفته ووقت مقتضی نبود اعلیحضرت پادشاهی از شکار صرف نظر فرموده
سه ساعت بغروب مانده ببباغ شاه چهارده که مخیم خیام زرین قباب بود

تشریف

تشریف ورود ارزانی داشتند و بمحض ورود به مثبه چند نفر از علمجات
قاطرخانه خاصه که در راه دو مرتکب شرارت و دزدی شده بودند اشارت رفت
تا عبرت دیگران شده کسی را دیگر قدرت بارتکاب خلاف نظم نباشد
یکنفر از سربازان خلج درین روز بمرض ذوسنطاریا وفات یافته بود امر قدر
قدر شرف نفاذ یافت که بکسان و بازماندگانش از جانب دیوان اعلی
مستمری و وظیفه دهند

از شاکموه بچهارده کلاته شش فرسنگ است و راه چنانکه ذکر یافت
ابتدا مایل بمغرب شمالی و پس ازان مغرب و مغرب جنوبی میگردد
و مسیر آن از سه دره و سه کردنه است بنحویکه معروض افتاد چهارده کلاته
عبارت از چهار قریه است که به ورزن ورزدوان و قلعه وخرابه ده
موسوم و معروف است و سپرده بمیر الممالک و قرائی آباد و خوش آب
و هوا و حاصل خیز ند و جزء ولایت هزارجریب است و آباواجداد رضاقلیخان
امیر الشعرا مشهور بلله باشی از آنجا بوده و بواسطه بستگی اینطایفه بسلسله
علیه قاجاریه و ارادت کیشی بمحمد حسین خان قاجار شهید زکیخان زنگنه

ماموریت

ماموریت باستراباد چهل نفر از رؤسای آن ولایت را که یکی جد رضاقلیخان
بوده بقتل رسانیده از سر آنها کله منار ساخته آثار آن اندکی باقی است
باغ شاه از باغهای احداثی خاقان خلد آشیان و باغی در نهایت باصفا
و روح است که از حسن مراقبت و اهتمام معیر الممالک تاکنون دایر و آباد مانده
و در او درختان صنوبر عظیم الجثه و طویل القامه است که در کمتر جا
دیده شده است

چهارشنبه بیست و هفتم اطراق و توقف اردوی همایونی در چهارده کلاته

درین روز محض آسایش وجود مسعود همایون و ملتزمین رکاب در چهار
ده اطراق شد و سرکار اقدس شهریاری هنگام صبح بحمام تشریف برده
و تا عصر در دیوانخانه مبارکه تشریف داشتند در ابتدای روز عرایض مشروح
و مبسوط از اعتضاد الدوله بحضور مبارک رسید متضمن آنکه رؤسا و ریش
سفیدان طوایف یموت وغیره از در ضراعت درآمده قدم بندگی و
اطاعت پیش نهاده اند و از جناب معزی الیه متمنی شده اند که در

خاکپای همایون متعهد ادای مالیات و ترک خودسری و سرکشی ایشان
شده از آستان معدلت بنیان مستدعی عفو و اغماض شوند و از فرار نکنند
رؤسا و ریش سفیدان مزبور مذکور داشته بودند هنگامیکه قشون ظفر
نمون اوبهای طوایف بموت را تاخت زن و مرد ایشان که از میان
هنگامه وکیرودار فرار کرده خواسته بودند جانی سالم بیرون برند بجکین و
جنگل کنار رود کرکان مخفی شده اند از اثر سوء رفتار خود و شیمه مخالفت
با دولت علیه بکرسنگی و آوارگی تماماً بمعرض تلف درآمده مامن خود را
مدفن ساخته بودند جمعی از سایر طوایف که برای آوردن آب دور و نزدیک
بکنار رود خانه رفته بودند اجساد ایشان را در کنار رود خانه یافته اینحالت را
در مجازات خلاف و خودسری اسباب عبرت خود کرده بودند بالاخره
چون سرکار پادشاهی از ملاحظه عرایض اعتضاد الدوله و صدور جواب و
احکام فراغت حاصل فرمودند امین الدوله بحضور عطوفت دستور با رفیق
زین العابدین خان سرهنگ و صفرعلی خان سرهنگ شاهسون با سواران
خود بحضور مبارک سان داده و مورد عواطف و مراحم ملوکانه گشته

مرخص

مرخص دار الخلافه و اوطان خویش شدند و هم عبد القادر خان سرتیپ مهاجر
بزیارت حضور مشرف گشته مورد عنایات خسروانه آمده با سواره
ابوابجمعی خود مرخص دار الخلافه شد سرکار همایون اندک زمانی بپاسوده و بهنگام
عصر بواسطه مساعدت هوا مطربان خاص چون آقا غلام حسین و آقا علی
و آقا محمد صادق و حاجی حکیم بحضور همایون مشرف گشته و خاطر مبارک
را بسرودهای مختلفه قرین مسرت و سرور داشتند شب بعد از شام قورق
بشکست امین خلوت و دیگر چاکران بزیارت حضور همایون مستعد گشته
میرزا علی خان منشی حضور قدری از مسوده محشر روزنامهٔ اردو را که هنوز
چاپ نشده بود بعرض رسانده مقبول خاطر مبارک گشته مقرر آمد بچاپ
برسانند و برسم معهود نسخهای آن را بنزد مستوفی الممالک بفرستند که بولایات
ممالک محروسه روانه دارند درین منزل سرکار انیس الدوله را فی الجمله بتی
عارض گشته حکیمباشی طلزا امر و مقرر شد که باصلاح مزاج سرکار ایشان
کوشد و هم وجیه الدین میرزای پیشخدمت و پیرمرد قاپوچی در رب حرم خانهٔ
مبارکه بجای نوبه کرفتار گشته میرزا حسین دکتر مأمور شد که بمعالجه ایشان پردازد

پنجشنبه

پنجشنبه بیست و هشتم تشریف فرمائی موکب همایونی از چهار ده کلاته بچشمه علی دامغان

درین روز که هوا را اعتدالی کامل بود بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دو ساعت از دسته گذشته بفرخی و اقبال سوار شدند و پهر الملک دو نفر از علمای استرابادرا که بچهارده آمده بودند در حضرت همایونی معرفی نموده از عواطف و مراحم ملوکانه بهره یاب و امیدوار گردیده باسترابادرفتند و سرکار پادشاهی با امین الدوله و اعتماد السلطنه و امین الملک فرمایش کنان تشریف فرما بودند تا موکب مسعود بچشمه رسید که تفرجگاه است سنگ آبی صاف و گوارا ازان بسمت مغرب جنوبی جریان داشت در حینی که سرکار پادشاهی در سر چشمه از اسب فرود آمده عزم تشریف فرمائی بکالسکه داشتند محمد صادق پیک شکارچی در رسیده معروض داشت که دو تکه آهو در ماهورهای دست چپ خوابیده اند حضرت همایونی وزرا و امرا را مقرر داشتند که با پارتی از جاده بسمت منزل روانه شوند و خود با قلیلی از شکارچیان و تفنگچیان بسمت شکارگاه روان شدند بعد از طی اندک مسافتی میر شکار از مقابل نمودار

کشت

گشت و ملحوظ نظر مبارک نمود که آهوئی در بغله کوه بچرا مشغول بود حضرت
همایونی با یک نیر چهار پاره پا و پشت آهو را مجروح ساخته و چون جراحتی
سخت بدو رسیده بود روی بگریز نهاد و آهوی دیگر که در چند قدمی او
مشغول چرا بود نیز رم کرده روی بصحرا آورد حضرت همایونی با لوله دیگر تفنگ
او را نیز مجروح ساختند و با میر شکار بهر دو را تعاقب فرمودند صید
مجروح اولی اندکی رفته در پناه سنگی بخوابید و چون شاهنشاه
نزدیک شدند دوباره از ترس جان برخواسته خواست فرار کند
که شاهنشاه با یک نیر کلوله از پایش درآوردند و شکارچیان سرش
جدا ساختند و آن آهوی دیگر در میان دره در میان سنگها خود را پنهان
ساخت و سرکار پادشاهی مقرر داشتند کسی بطلبش نرود شاید جانی بسلامت
بدر برد و اندکی بسمت جنوب توجه فرموده در سر چشمهٔ آبزرای صرف
نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار عزیمت تفرج چشمه بادخان دامغان
فرمودند که بنفس نفیس خود آن چشمه را ملاحظه نموده و آنچه در حق این چشمه
در افواه و السنه و بعضی تواریخ معروف است و متواتر را بعرض خاکپای

اردوی همایون در چشمه علی دامغان

همایون رسانده اند تجسر به فرمایند پس عطف عنان بدان سوی فرموده
به بلدیت یکی از رعایای چهارده کلاته بسر چشمه تشریف فرما شدند و چون
چشمه در سمت راست جاده واقع و چندان از راه مسافتی نداشت موکب
مسعود در اندک مدت در حوالی چشمه وارد و سرکار اعلیحضرت همایون
پادشاهی از اسب فرود آمده وارد درکوچکی بدرون محوطه و حصار یکه چشمه در وسط
آن واقع است توجه فرمودند چشمهٔ مزبور در میان این حصار واقع و آبی
قلیل و بدرنگ و باعفونت در دو ذرع پائین تر از سطح زمین ازان چشمه
جریان دارد و چنین مینماید که آبی کوکردین باشد و چون مکانی قابل توقف
نبود سرکار شاهنشاهی محض تجربه وامتحان مقرر داشتند که چیزی نامتمیز
در درون چشمه بیندازند تا صحت و سقم آنچه معروف است معلوم شود
واز حصار بیرون آمده بسمت چشمه علی عطف عنان فرمودند قریب بمنزل
اعتماد السلطنه باحسین خان حاکم دامغان به تقبیل رکاب مبارک مشتافته
سه ساعت بغروب مانده کوکبه اجلال پرتو افکن ساحت چشمه علی دامغان شد
شخصی که برحسب اراده علیه در همنگام تشریف فرمائی اردوی همایون

بجریان

بخراسان مقرر شده بود در وسط حوض چشمه ساخته شود باهتمام
حسین خان حاکم بطوریکه منظور نظر ملوکانه بود بسته بودند و بر صفا
و روح عمارات افزوده و هم چادرهای متعدد در کمال نظم و آراستگی
در اطراف چشمه و حوض برپای کرده بودند بنحویکه تخت وسط حوض و تنظیم خیام
در نهایت مقبول خاطر مهر مآثر گشته خان حاکم و خان نایب پسر
حاجب الدوله مورد عواطف ملوکانه آمدند یکصد تومان بفراشان خاصه
انعام مرحمت شد هنگام عصر چاپاری از دارالخلافه در رسیده عرایض
مستوفی الممالک که متضمن عرایض حسام السلطنه فرمانفرمای فارس و
حشمة الدوله حکمران عربستان و بروجرد و بختیاری بود از لحاظ نظر انور گذشته
احکام علیه در جواب هریک شرفصدور یافت و چون از انقلاب هوا
و بروز ناخوشی و با در دارالخلافه طهران الی دامغان و سمنان اخبار
مکرر بعرض خاکپای همایون رسیده بود خاطر مبارک همایون خسروانی
از بیمغی بی نهایت متالم شده و چنانکه رسم و عادت این وجود مسعود است
و قوت این قلب کریم اقتضا مینماید که در حوادث مکروهه پناه بذات

پیزوال خداوند متعال برده اصلاح امور را از خالق کل متمنی گردند
درین موقع نیز توکل و توسل بذات پاک خداوندی جسته و در آن پناه
و اطمینان خاطر مبارک و مابندکان پیاسود مقارن این حال کو باثر
چشمه بادخانی ظاهر گردیده بدون مقدمه و اینکه آثاری سابقاً بدیشده
باشد بغتةً هوا را انقلابی شدید روی داد و بادی سخت وزیدن گرفت
و طوفانی عظیم بپای خواست بحوکیه نزدیک بود اغلب چادرها را از پای
درآرد لهذا بملاحظه انکه شاید فی الحقیقه وقوع این حادثه از اثر ملوث
نمودن چشمه باشد از جانب سنی بجوانب همایون مقرر گردید که رفته
بطرز مخصوصیکه معمول است کوسفندی در کنار چشمه قربانی کرده چشمه را پاک
و تمیز نمودند و فی الحقیقه هوا را آسایشی حاصل شد و الله اعلم بحقایق
الامور بتفصیل واقعه از قرار یست که ما بعرض رسانیدیم حال نمیتوانیم صریح
بگوییم که این انقلاب بواسطه چشمه بوده است یا جهتی دیگر داشته و
علاوه برانکه مابندکان خود در التزام رکاب همایون آن حادثه را مشاهده
نمودیم این خانه زاد آستان شاهنشاهی از حاجی آقا اسمعیل والد شنیده ام

در اوقاتیکه

در اوقاتیکه در رکاب پادشاه مبرور محمد شاه مغفور از سفر کرکان مراجعت
می نمودند وارد دوی کیوان پوی متوقف... جلگه دامغان بود شب باد و
طوفانی عظیم برخواسته بود بنحویکه پادشاه مبرور را از شام خوردن مانع
آمده جمعی حسب الامر بقربابی و تطهیر چشمه مامور فرمودند و بعد از اجرای
لوازم طهارت باد بالسته و نیز ازین قبیل اخبار بسیار است که خداوند
باری تعالی و تقدس بر حقیقت و صحت وسقم آن اطلاع ندارد و مسموع
شده که وقتی نیز اردوی اعلیحضرت شاهنشاه صاحبقران مغفور بچشمه علی توقف
داشته ارازل رعایا از توقف سپاهیان بستوه آمده چیزی ناپاک
در چشمه بادخانی انداخته شد باد و طوفانی شده که اردو برهم خورده سراپردها از
پای افتاده و ناچار اردو حرکت کردند از انجمله غرایب در حق چشمه بادخانی مکرر
در تواریخ آمده آنست از چهارده کلاته الی چشمه علی سه فرسنگ است و چنین راه
بمسافت نیم فرسنگ کوههای متوسط بلند است پشت کوههای سمت
راست محال هزارجریب مازندران و در خلف جبال و تپه های شمالی شهر
دامغان و توابع آن واقع است

جمعه

جمعه بیست و نهم توقف حضرت همایونی در چشمه علی افغان

درین روز بندگان اقدس شاهنشاهی محض تفرج خارج چشمه علی و صید افکنی

در اول روز سوار شده با چند تن از خواص چون محقق و عکاسباشی و محمد

علیخان و مهدیقلی خان و محمد رحیم خان سرتپ زند و بعضی از تفنگداران

بسمت شمال توجه فرمودند هنوز اندکی از اردو دور نشده یکی از شکارچیان

رسیده معروض داشت که میر شکار بهنگام صبح درین سمت بتفحص شکار

برآمده و چیزی نیافته پس اعلیحضرت شاهنشاهی ازان سمت عطف عنان

فرموده بسمت جنوب و کوهی سخت و چشمه که در دامنه آن بود تشریف فرما

شدند مقارن این حال دو آهو از مقابل سواران پرون آمد و چون شاهنشاه

در روز قبل اسب تازی فوق العاده فرموده بودند و راه چشمه صعب و مسافتی

بعید داشت امروز از تعاقب این دو صید صرف نظر فرموده و بسر

چشمه برآمده و از برای میل نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار دستخطی با بن الدوله

شرف صدور یافت و بتوسط محمد حسنخان پیشخدمت پسر اعتماد السلطنه فرستاده

مقرر داشتند که چون تا فولاد محله مسافتی بعید است پیشخانه مبارکه را

قدغن

قدغن نمایند بسرخه ده برده و یکشبه در آنجا سیورسات مهیا سازند
و هم عرایض حسام السلطنه را که روز قبل امین الدوله بحضور مهر ظهور فرستاده
بود ملاحظه فرموده در جواب آنها احکام علیه شرف صدور یافته نزد امین الدوله
فرستادند که با چاپار بفارس فرستند چون از صدور احکام فراغت
حاصل شد حضرت شاهنشاهی اندک زمانی بپاسودند هنگام عصر مطربان
خاص ساعتی تغنی نموده و دو ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی تشریف
فرمای منزل شدند

شنبه سلخ ربیع الثانی و سوم توقف موکب منصور در چشمه علی
در این روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی ابتدا بعیادت سرکار
امین الدوله تشریف فرما شده خاطر مبارک از صحت مزاج ایشان
بپاسود و بدیوانخانه مبارکه تشریف فرما شده عرایض اعتضاد السلطنه
وزیر علوم که با چاپار از دارالخلافه رسیده بود مابعضی مطالب استرآباد
و غیره بتوسط امین الملک و اجوبه ان مخصوص بعرض خاکپای همایون رسیده
احکام علیه در جواب آنها شرف صدور یافته مسرعان را رجعت دادند

نورالدهر میرزای نایب ناظر مبلغی نقد و اسبی ترکمانی از جانب
محمد علی خان دیوان بیگی مازندران برسم پیشکش تقدیم آستان
همایون نموده و استعداد دیوان بیگی را بزیارت خاکپای همایون بار
خواسته و دیوان بیگی بعد از نهار بحضور همایون مشرف آمده مورد عواطف
ملوکانه گشت شش ساعت بغروب مانده محمد صادق بیک شکارچی بعرض
عاکفان آستان همایون رسانید پلنگی با دو خرس در کوه یافته و مستدعیست
که سرکار پادشاهی بصید ایشان توجه فرمایند اعلیحضرت همایون نیز
فوراً اسب خواسته با چند نفر تفنگدار و آبدار روا براهیم خان ناپ
اصطبل بقصد شکار تشریف بردند در سمت جنوب چهارده کلاته کوهی صعب
و سخت و مرتفع بود صادق بیک معروض داشت که جانوران مزبور
در زیر اینکوه ساکن هستند هنوز موکب مسعود بدامنه کوه نرسیده
یکدسته آرقالی پیدا شد که از سواران رم کرده روی بفرار داشتند
سرکار پادشاهی تیری بجانب آنها پنداختند چون مسافت بعید و تیر رس
نبود شکاران جانی بسلامت بدر بردند و سرکار اقدس تا نیمه کوه سواره

و در حینی

و در حینی که بقیه را پیاده صعود میفرمودند پلنگی از شکاف کوه بیرون
آمده روی بفرار گذاشت و چون تعاقبش فرمودند با سرعت و چالاکی تمام
خود را بقله رسانیده در مکانی که وصول بدان بواسطه سنگهای گران امکان
نداشت پنهان شد و همچنان ذات والاصفات پادشاهی با مشقت
تمام از کوه بالا آمدند تا بمارخ خرسان رسیدند و خرسی بزرگ کهن سال
معهود مشهود افتادند که با بچه خود در سایه درخت سروی خوابیده
و بمحض تشریف سرکار پادشاهی بفراستی که مخصوص این حیوانات
سبع است دریافت کرده روی بفرار گذاشت شاهنشاه از سیصد
قدمی تیری بخرس بزرگ انداخته و بضرب کلوله پای راست او را شکست
و آن جانور با پای شکسته از سنگی بسنگی جسته فرار مینمود و سرکار اقدس
بسرعت تمام از سمت دیگر خود را بمقابل آنها رسانیده خرس کوچکتر را
با یک تیر از پای درآوردند و هم پلنگی از همهمه و صدای تفنگ از مامن
خویش بیرون جسته با چالاکی تمام خود را بقله کشیده از آسیب ضرب
شست همایون بجهت خرس بزرگین با پای شکسته خود را بغاری رسانید

وتفنگداران خرس کوچک راکه بچان شده بود بحضور آوردند و سرکار پادشاهی
قدغن فرمودند دیگر کسی متعرض خرس بزرگ نشود و بار حمت تمام پیاده
از بالای کوه از محلی که آب شسته و ریگ بوم و لغزنده بود کاه ایستاده
کاه نشسته کاه باعصا با مشقتی کلی بزیر آمدند و نیم ساعت بغروب مانده
تشریف فرمای منزل شده و محض راحت و رفع خستکی بحمام رفته بعد از
شام ساعتی مقربان خاص بزیارت حضور اختصاص داشتند و شاهنشاه
زود تر از سایر لیالی باستراحت مشغول شدند

یکشنبه غره جمادی الاول و حرکت اردوی همایون از چشمه علی بسرخه ده

درین روز سرکار شاهنشاهی در اول بامداد بحمام تشریف برده و سه ساعت
از دسته گذشته از دیوانخانه مبارکه بیرون تشریف آورده باسب خشم
سوار شدند اعتماد السلطنه امام جمعه دامغان را سواره بحضور آورده
اعلیحضرت شاهنشاهی مسافتی از راه را با ایشان بصحبت مشغول گشته
و پس از اظهار مرحمت و لطف رخصت مراجعت بدامغان دادند و این

الدوله را

الدوله را بفرمایشات علیه مخاطب ساخته تا یکفرسنگ از زه طی شد
واز دور از سمت چپ یکدسته آرغالی نمودار گشت که بسرعت بسمت
جاده می آمدند اعلیحضرت شاهنشاهی اسب برانگیختند که آنها را جلوگیر
کنند محمد حسنخان محقق که در جلوبدگهای همایون بود و بشکارها نزدیک
دغافل از اسب تاختن سرکار پادشاهی باچند نفر از تفنگداران وغیره
بقاعده بسمت شکارها اسب انداخته وآن وحشیان رم کرده از
سمت جاده رو گردانیده وبجبال جنوبی گریختند شاهنشاه عنان رخش
بازکشیده ودر کنار راه ازبرای صرف نهار فرود آمدند وپس از میل
نهار سوار شده از شکنه که معبر بود گذشته در سمت دیگر شکه چادرهای
نهارگاه حرم ملحوظ نظر مبارک افتاد وسرکار اقدس شاهبدان سوی
تاخته اندک زمانی در مقابل چادرها مکث فرموده واز مرضای ایشان
احوال پرسی نموده بجاده ومیان تپ آمدند نیمفرسنگ بمنزل مانده حبیب الله
خان سرتپ مکابنی که مامور استراباد بود باچند سوار بزیارت کارب
قمر انتساب مشرف شده مورد عواطف ملوکانه آمد سرکار پادشاهی

باردوی ایشان که نزدیک سرخده بود توجه فرموده فوج سنگانی در
خارج اردوی خود صف زده منظور نظر مرحمت اثر گشته و یکان
یکان از افراد و آحاد تابین و صاحبمنصبان ایشان مورد مراحم خسروانه
آمده دعای وجود مبارک گفتند و سرکار اقدس ازان اردو گذشته
و در سراپردهٔ مبارکه نزول اجلال فرمودند اندک زمانی در کنار اصطخر
بزرگیکه در مقابل چادر مخصوص همایون واقع بود استراحت فرمودند چون
از خواب برخواستند محمد جعفر بیک تفنگدار خاصه که حامل احکام علیه بدار
الخلافه بود مراجعت نموده عرایض متعدده از مستوفی الممالک و سردار
کل و وزیر امور خارجه و وزیر علوم که متضمن مطالب دولتی بود بنظر انور
اقدس رسانید و سرکار پادشاهی تا مقارن غروب بمطالعه آنها مشغول
گشتند و از آنجا که اصطخر خیلی بزرگ و با صفا و شکوه بود آبدار باشی را
مقرر شد که قایق مادپاک کن بادی را دمیده بروی اصطخر اندازند و جمعی
از غلام بچه کان وغیره بران نشسته و در روی آب سیر میکردند و وقت
اذان دیوانخانه قورق شد و بعد از شام اجودان مخصوص و آقا علی و ادیب

الملک

الملک و محمد تقی خان افشار و عکاسباشی و محمد علی خان شرف اندوز
حضور شده اجودان مخصوص از روزنامه فرانسوی موسوم به رُوُدُومند
یعنی سان اخبار دنیای عتیق و جدید که عبارت ازاین سمت کُرَه و بنکه دنیا
باشد بعرض میرساند و سرکار شاهنشاهی خود بنفس نفیس مبارک ترجمه فرمودند
ملازمان را از مطالب آن که مبنی بر احوالات چین بود اطلاع میدادند
و چهار ساعت از شب گذشته شاهنشاه بپاسودند و ما چاکران رخصت
انصراف یافتیم

از چشمه علی الی سرخه ده سه فرسنگ و جنبسپن راه شمالی و جنوبی کوههای
سخت مرتفع است که تا مسافت دو فرسنگ کمتر یا بیشتر فاصله
دارند و این فاصله در دو فرسنگی در نهایت کم شده و کوههای دو سمت
بیکدیگر نزدیک گشته تنگه تشکیل میدهند که معبر از میان آن تنگه است
و پس از اندک مسافتی مجددا کوهها از یکدیگر فاصله جسته راه تا سرخه ده
وسعتی میابد

سرخه ده جزء محال چهاردانگه هزار جریب مازندران و در دامنه تپه واقع

واز سوابق ایام بتیول نشاطی خان شاعر و بازماندگان اوست و باسم
ایشان در بعضی نوشتجات و اشعار معروف است و این قریه اکنون
قریب سی چهل خانوار رعیت دارد و هوائی در نهایت لطیف و اصفر
باصفا و آبی بسیار گوارا و در جوار آن دو مزرعه دیگر متعلق بمرحوم ابن
عباس است موسوم به برد و آگز

دوشنبه دوم جمادی الاولی و تشریف فرمائی سرکار اقدس همایونی بفولاد محله

درین روز اعلیحضرت شاهنشاهی یکساعت از دسته برآمده از سراپرده مبارک
بیرون آمده سوار شدند و هنوز در مزاج مبارک از خستگی و کسالت سواری
دو روز قبل اندکی باقی بود حبیب الله خان سرتیپ بحضور مهر ظهور مشرف
شده رکاب مبارک را بوسه داده و دستور العمل ماموریت خود را یافته
بسمت استراباد رفت و بندگان اقدس همایون تا دو فرسنگ
از منزل گذشته از جاده تشریف فرما بودند در ینمکان جادهٔ کوچکی
در دست راست پدید شد که بسمت کوهستانات و قراء و مزارع هزار

جریب

جرپ میرفت و خاطر مبارک بدانسوی مایل شده امراو ارکان و سواران را
مرخص فرمودند که بمنزل روند و خود با عملهٔ خلوت و تفنگداران ازان جادهٔ
بالا رفته در زیر کوهی که از یکسمت اردوی همایون و از یمنی قراء و
مزارع هزارجرپ نمایان بود فرود آمدند خادمان آفتاب گردان
نهار خوری برپای کرده و شاهنشاه اندک زمانی با دورپین بدهات باصفای
دو دانگه نظر فرمودند و نهار صرف نموده بمطالعهٔ نوشتجات حاجی
میرزا حسین خان مشیرالدوله ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار سلطان
عثمانی که روز قبل وزیر امور خارجه فرستاده بود مشغول شدند
و پس از اطلاع بر مضامین آنها و صدور جواب و احکام عرایض مبسوطهٔ
مشیرالدوله که نیز از خراسان رسیده بود معروض حضور مبارک شده احکام
آن شرف صدور یافت دو ساعت بغروب مانده ازین مهمات فراغت
حاصل فرمودند حاجی حبیب رخاصه تراش باشی محاسن مبارک را اصلاح
نموده و حضرت شاهنشاهی نماز گذارده عصرانه و چای میل فرموده بسمت
منزل توجه فرمودند قریب بارد و میرزا کریمخان سرهنگ فوج فیروزکوهی

با فوج فیروزکوه از سان حضور همایون گذشته و مورد عواطف ملوکانه
گشته مامور استراباد شدند و موکب مسعود بچمنی که مورد سراپرده
همایونی بود شرف ورود ارزانی داشت اعلیحضرت پادشاهی بر سمیکه
سالهاست مسلوک میدارند ماه نورا بروی خط مبارک حضرت
ولایت مآب امیر مؤمنان و شاهنشاه انس و جان علی ابن ابی طالب
علیه السلام رؤیت فرموده و آغا یعقوب متولی و حافظ خط مبارک را
مورد مراحم خاص ساخته بحرم خانه مبارکه تشریف بردند شب بعد
از شام فورق بشکست و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و آقا علی و
عکاسباشی و حسین خان و مجول خان و دیگران بزیارت حضور مبارک
مشرف گشته اجودان مخصوص تا سه و نیم از شب رفته بعرض روزنامجات
فرانسوی مشغول بود در ثانی فورق شده و شاهنشاه باستراحت مشغول
شدند

از سرخه ده بفولاد محله دو فرسنگ و نیم است سمت راست و چپ راه
کوههای سبز بلند سخت است که در پشت کوههای جنوبی آن بلوک تویه

و در دوار سمنان و در پشت کوههای شمالی بلوک چهاردانگه و دودانگه
هزار جریب است صحرائی که در وسط این دو کوه واقع شده جلگه ایست
که تقریباً نیم فرسنگ عرض دارد و تمام از علف خارشتر و بوته کز و سایر
گیاههای شور سبز است و قریب بفولاد محلّه چمن و سبعی دارد و درین
جلگه آهو بسیار است چنانکه مهدیقلی خان و فغفور میرزای پسر تیمور میرزا
هر یک آهوئی صید کرده بحضور آورده انعام و احسان شایان یافتند
فولاد محلّه هزار جریب قریهٔ معتبر است که در زیر تپهٔ بنا شده و صد خانوار
رعیت متجاوز دارد و سپردهٔ بابراهیم خان نایب اصطبل مبارکه است

سه شنبه سوم جمادی الاولی تشریف فرمائی اردوی مبارکه بمنزل خرزنه

درین روز اگرچه بموجب قرارداد معیّنهٔ سابقه منزل آسران بود ولی
چون امین الدّوله از بُعد مسافت راه اطلاع یافته بود مقدّمهٔ اردو را بخرزنه
روانه داشته بود و اینمعنی در نهایت پسند خاطر مبارک گشته
یکساعت از روز برآمده از کنار قریهٔ فولاد محلّه کدنشته امین الدّوله

مخاطب بفرمایشات علیه بود تا سرکار پادشاهی از کردنه بالا رفته و بکوه سمت
راست جاده که درختان آورس زیاد داشت توجّه فرموده از برای صرف
نهار فرود آمدند و بادوربین باطراف وجوانب نظاره داشتند و خاطر مبارک
از شدّت نیکوئی هوای آنمکان وکثرت مِنه خرسند و مسرور بود و چون
تمام قله را فراگرفته تاریک شد از بالای کوه بزیر آمده بجاده رجوع
فرمودند و بعد از طی یکفرسنگ راه به تنگه رسید و در نهایت صعب شد
و بلحوظ نظر مبارک افتاد که تمام بارو بنه اردو در تنگه شک یکدیگر ایستاده
بعسرت میکذشتند سرکار اقدس سبب معطلی بنه را از حکیمباشی طلزان
که هم درمیان آن مردمان معطّل بود سؤال فرمودند معلوم شد که اهالی
اردو ابتدا در تنگه راه راگم کرده بسمت هزارجریب رفته و در ثانی معاودت
نموده درین راه متراکم شده اند و چون راه عسیر المسلک است یک یک
میگذرند پس حضرت پادشاهی ازمیان بارو بنه وگردنه گذشته بدرّهٔ
دیگر رسیدند در اینجا محمد باقر پیک شکارچی معروض داشت که در کوه سمت
چپ یکدسته قوچ دیده اند چون سه ساعت بغروب پیش نمانده و سرکار

اقدس اندک خسته بودند میل بشکار نفرموده مقرر داشتند میر شکار خود
بطلب قوچهای شتابد و هرچه را تواند از آنها صید کرده بحضور بیاورد
و همچنان حضرت پادشاهی پی سپر راه بودند و حکیمباشی طلزان تا ورود
بمنزل از روزنامه که متضمن احوالات یکی از سیاحان انگلیس که با کشتی
موسوم بدنکن بقطب شمال سفر نموده بودند معروض میداشت و اجوبان
مخصوص ترجمه مینمود یکساعت و نیم بغروب مانده سرکار اقدس تشریف
فرمای منزل شدند و قلیلی هندوانه میل فرموده با امین الملک و دیگر
مقربان تا هنگام شام مشغول صحبت بودند محمد قلیخان شاطرباشی که بپرستاری
معیر الممالک مامور بود درین منزل باردوی مبارکه پیوسته احوالات
معیر الممالک و صحت یافتن ایشان و رفتن از راه دامغان را معروض
داشته خاطر مبارک از خدمات ایشان و صحت خزانه دار خاصه بهمات
خرسند گشت از قرار یکه بعرض خاکپای همایون رسید غلام ترکمان
محمد حسنخان محقق در چشمه علی دامغان بهنگام شب برخواسته اسبی از
آقای خود سوار شده فرار کرده است حسب الامر چند نفر غلام خاصه مامور

شدند

شدند که رفته اورا هر کجا بیابند دستگیر کرده بارد و رسانند میرشکار که
حسب الامر بشکار رفته بود قوچی دوازده ساله صید کرده بحضور همایون آورد
از فولاد محله بخرمند برحسب معروف چهار فرسنگ ولی زیاده ازشش ساعت
راه است و همه جا از طرفین امتداد کوههای مسبوق الذکر است که بعد از دو
فرسنگ بیکدیگر نزدیک شده کردنه تشکیل میدهند و مجددا فاصله یافته دره
پیدا میشود که در ثانی نیز طی میکردد بکردنه دیگر و در آن دو راه است
راهی شمالی که بسمت هزار جریب میرود و راهی بطرف خرمند و پس ازان
نیز شکه و کردنه دیگر صورت می بندد و قریب بخرمند فاصله زیاد شده قریب
نیم فرسنگ مسافت ما بین ایشان می شود و درین فاصله ها که بواشو یا بان
معروف است همه جا چمن و چشمه های کوچک است که اهالی دو دانکه
بطرز ایلات هنگام تابستان در آنها ییلاقیشی مینمایند این جبال تمام
سبز و در اکثر جاها جنگلهای آورس و شکار قوچ و میش و کبک
و تیهو بسیار دارند و اغلب بنه تمام آنها را فرا میکیرد و بهمین واسطه است
که این ناحیه هوائی پس معتدل و نیکو دارد

چهار

چهارشنبه چهارم تشریف فرمائی موکب مسعود بمنزل آسران

امروز نیز مزاج مبارک همایون شاهنشاهی فی الجمله تکسّری داشت دو ساعت از روز برآمده از سراپردهٔ مبارکه بیرون آمده سوار شدند چون اندک مسافتی از راه طی شد سمت جنوب دهنهٔ پدیدگشت ساری اصلان بعرض رسانیدند که این دهنه برضا آباد میرود و از اینجا برضا آباد نیم فرسنگ است و این چاکر روز قبل ازاین راه آمدم و راهی بنکو و مسطّح و بدون کردنه بود و آهوی بسیار داشت سرکار پادشاهی از مقابل آن دهنه گذشته بفاصله یکفرسنگ بکتلی رسیدند که در سمت سر راه چپ آن امامزادهٔ بود و متولّی اعرجی داشت حضرت پادشاهی در مقابل امامزاده ایستاده و فاتحه خوانده و اجودان مخصوص را مقرر داشتند که متولی را انعامی شایسته دهد و از امامزاده گذشته بدرّهٔ دیگر وارد شدند و چون از کتل این دره گذشتند در صحرای سمت چپ تخت سرکار انیس الدّوله بملحوظ نظر مبارک افتاد که در خارج راه نگاه داشته بودند و معلوم شد

که در ثانی سرکار ایشان را نوبه عارض شده و اعلیحضرت همایون آغا محراب
خواجه را با حوال پرسی فرستاده حکیم باشی طلزان را که ملزم رکاب بود بمقرر
داشتند از سرکار معزی الیها عیادت نماید و چون سرکار اقدس بچمن
خمک رسیدند صادق شکارچی معروض داشت که در بالای کتل میر شکار چند
قوچ خوابانیده و سرکار پادشاهی بملاحظه صید افکنی در همان چمن بنهار
میل فرموده و بعد از نهار با مهدیقلیخان و محمد علیخان و آبدار باشی
و قهرمان خان بقصد شکار تشریف بردند نیم فرسنگ از بالای کتل گذشته
بمیر شکار رسیدند ابتدا معروض داشت که شکاران در جائی غیر مناسب
خواپیده اند بهتر آنست که صرف نظر فرمایند چون قدری بالاتر تشریف فرما
شدند معلوم شد باد بقول شکارچیان مساعد نیست لابدا بمقر اولی
معاودت نموده و سرکار اقدس باد و رمین ملاحظه فرمودند قوچها را که در
زیر سایه درخت آورسی خواپیده اند ولی یک و دو نفر دیگر از شکارچیان
را مقرر داشتند که رفته شکارها را سر بزنند ایشان نیز رفته سر زدند
و شکارها رم کرده از سمت دیگر بمیان دره ریخته و صید ایشان امکان

نیافت

یافت پس ازان حضرت اقدس بمیان دره آمده اند کی در مقابل سیاه
چادرهای اهالی سنگ سرکه در تابستان با اغنام و احشام خویش
درین دره ها ساکن میشوند مکث فرمودند و بنا دانی این مردم حیرت داشت
با ایشان ظرافت مبفرمودند واز وضع سوال وجواب مخلوق بادیه نشین
متبسم بودند که هیچ تصور نمیکردند ولیعمت ایشان تا هفت هشت
سوار دران دره با آنها این نوع اظهار مهربانی و مکرمت کنند از جمله دهقانی
در برابر چادر خود با پیری نشسته سرکار پادشاهی شهانزدیک او رفته
فرمودند که عمو نان داری بما بدهی عرض کرد نه فرمودند اینجا چه میکنی
عرض کرد هیچ باخرم ایستاده منج گفتمان را درست میکنیم فرمودند پول
میخواهی عرض کرد نه لازم ندارم واین حیوان هیچ ندانست که با که
جواب وسوال میکند بعد از دهقان دیگری سوال شد راه کجاست عرض
کرد ازین کردنه باید رفت از کردنه و سراشیبی که بسیار سخت بود فرود آمدند
درمیان دره که از چشمه های بسیار رود کوچکی درآن پیدا شده بسمت آسران روان
بود و حضرت شاهنشاه از کنار همان دره روان بودند قریب بار دو شخصی

دیده شد

دیده شد که افتاده بر روی زمین میغلطید و هیچ نمیگفت آقا رضای ده باشی
و یساول خاصه حسب الامر رفته سؤال نمود چه میخواهی معلوم شد همان شخص
دهقان نادان اوّلی است که شنیده است که حضرت شاهنشاه ازینجا عبور
میفرمایند آمده و سرخط میخواهد و نمیداند که سرخط عبارت از چیست این حرکت او اسباب
خنده شد و دو ساعت بغروب مانده موکب همایون بمنزل شرف ورود
ارزانی داشت چاپاری از دار الخلافه رسید عرایض مستوفی الممالک
که مبنی بر احوالات ممالک محروسه و روزنامه دار الخلافه الباهره بود بنظر مبارک
رسیده از قراریکه معروض داشته بودند در شهر ربیع الثانی هفتصد نفر از
مرض وبا وفات یافته بودند و ناخوشی که ابتدأ اشتداد کلّی داشته در
اواخر ماه روی بانحطاط گذاشته خاطر مبارک در نهایت متألّم و متأثر شده
و بعد از نماز در کمال خضوع و خشوع از خداوند باری تعالی و تقدّس درخواست
نمودند که این بلا را از سر مخلوق مرفوع فرماید و هم بحکیم باشی طلزان و این چاکران
امر شد که پس از مراجعت موکب همایون با استحضار و اطلاع و صوابدید مستوفی
الممالک و میرزا عیسی وزیر دار الخلافه اسباب حفظ صحت شهر را فراهم آریم

وحتّی

وحتی الامکان در سبب وقوع این مرض و رفع آن جد و جهد و سعی بلیغ نمائیم

شب بعد از شام امین الملک و مشکوة الملک و دیگر مقربان شرف اندوز

حضور شده و تا چهار از شب رفته ملتزم آستان همایون بودند

از خرند با آستران سه فرسنگ است راه همه جا در فاصله دو سلسله جبال

جنوبی و شمالی است که در بعضی جاها بیکدیگر نزدیک شده کتلی و کردنه میسازد

و در بعضی جاها فاصله یافته درهٔ میگردد که تمام آن چمن زار و با چشمه سارهای

بسیار بعضی مرتع اغنام و احشام اهالی سنگ سر سمنان و برخی مرتع

کاو و گوسفند اهالی پلور هزار جریب است این دو طایفه با وجود آنکه دهات

نشینند مثل ایلات در ایام تابستان در این دره های خوش آب و هوا

مسکن میگیرند و اطراف دره ها را زراعت مینمایند

پنجشنبه پنجم و تشریف فرمائی اردوی همایون بچمن کورسفید

در این روز سرکار اقدس شاهنشاهی اول صبح بحمام تشریف برده و دو

ساعت و نیم از روز برآمده از حرم خانه مبارکه بیرون آمده سوار شدند

محمد قلیخان

محمد قلیخان دیوان بیگی و محمد جعفرخان ناظم دشت از خاکپای همایون مرخص
شده و بجلاع مهر شعاع مفتخر آمده بمقرر مأموریت و مسکن خویش شدند و
سرکار اقدس از کتلی که یک فرسنگی بود و کتلی پست و پر خاک عبور فرموده
و در خارج کردنه که حد ما بین خاک فیروزکوه و هزارجریب و سمنان است
میرزا محمود مباشر فیروزکوه که مردی کهن سال است بتقبیل رکاب مهر
انتساب مشرف گشته شش ساعت بغروب مانده حضرت اقدس تشریف
فرمای منزل شده نهار میل فرموده راحت فرمودند میرشکار که
هنگام صبح به تفحص شکار رفته بود میشی بزرگ صید کرده بحضور مبارک
آورده و معروض میداشت که در این منزل شکار کمتر از منازل سابقه
است مهدیقلیخان غلام بچه باشی تب کرده این چاکر را مقرر شد که
باستعلاج ایشان پردازد شب بعد از شام اجودان مخصوص و آقا علی
و عکاسباشی و محمد قلیخان از زیارت و مصاحبت حضور بهره یاب
آمدند در این شب پنج ساعت از شب گذشته محمد باقر پیک شکارچی
که جوانی در نهایت صحت مزاج و قوت بدن بود بمرض وبا گرفتار گشته

و بفاصله

و بفاصله پنج ساعت برحمت ایزدی پیوست و هر قدر حکیمباشی طلزان
و این بندهٔ آستان شاهنشاهی اهتمام در علاج کردیم مفید نیفتاد و از
این ساعت مرض وبا در اردو شیوع یافت و چنین معلوم نمودیم
که بروز آن بعد از آمدن افواج شده است که از سمت سمنان و دار الخلافه
آمده اند

از آستران بکور سفید پنج فرسنگ و نیم راه است و یکمیدان از اینمنزل
گذشته دهنه ایست که بسرخ رباط راه مازندران میرود و راه کور سفید
در غربی آن واقع است این راه که معبر اردوی همایون در راه فیروزکوه
است تا یک فرسنگ مسطح و اندکی عریض و در یکفرسنگی مشهی کتلی
میشود پست و نرم که در دامنه آن آبی کل آلود و سفید بدرنگ بقدر دو
سنگ جاریست چون از این آب بگذرند هیات راه تا منزل یکسان
است چنین شمالی و جنوبی کوههای عظیم مرتفع چون دیواری محکم برپای
و در فاصله ایشان چمنی خوش آب و هوا با عرضی یک میدان و اغلب
جاها کمتر مرتع و مزرع اهالی سنگسر و غیره است که در ایام تابستان

در این دره ها ییلاقمیشی و درع و کشت کنند و این دره تا سه فرسنگ
امتداد یافته منتهی بگردنه کوچکی میشود که حد خاک فیروزکوه و هزار
جریب است و در سراشیب آن چمنی و چشمهٔ آبی و درهٔ دیگری است
که مستقیماً بگور سفید میرود که تمام آن محل ییلاق اهالی افتر
فیروزکوه و مراتع ایشان است

گور سفید چمنی خوش آب و هواست که در سوابق ایام وسعت و
روحی داشته و اکنون غالب آن چمنها محل زراعت و کشت
شده

جمعه ششم و حرکت اردوی همایون بسمت شورستان و جلگه فیروزکوه

در این روز خاطر مبارک همایون شاهنشاهی بواسطه بروز وبا و فوت
محمد باقر بیک و بقای این بلای وافده در دار الخلافه الناصره افسرده
بود و در نهایت ملال دو ساعت از دسته گذشته از سراپردهٔ مبارکه
بیرون آمده سوار شدند حاجی قنبر علی خان سعد الملک امیر پنج و

وجان محمد خان سرتیپ با فوج خلج از رکاب همایون مرخص شده بسمت
دارالخلافه رفتند و سرکار شاهنشاهی از رودخانه که بسمت فیروز
کوه میرفت گذشته و پس از طی سه فرسنگ به شکه رسیدند که
شبا هتی تام به شکه واشی سیاه دارد با لا انکه طول این شکه زیاده
از یکصد و پنجاه قدم نیست و خارج این تنگه و ابتدای جلگه دو راه است
راهی از رودخانه و راهی از کردنه و جوار قریه کمنه سرکار شاهنشاهی
از این راه اخیر به بالا تشریف برده و در بالای کوهیکه مشرف باردو
و جلگه فیروزکوه بود از برای صرف ناهار فرود آمدند تیمور میرزا
امین الملک امین خلوت اجودان مخصوص محمد حسن خان محمد علی
خان حکیمباشی و دیگران ملازم حضور بودند پس از صرف نهار ابراهیم
خان نایب معروض داشت که در پشت این کوه شکار بسیار است
حسب الامر مقرر شد جمعی به پشت کوه و بالای سنگها رفته
های و هوی کنند و همهمه و قیل و قال نمایند تا شکاران رم خورده
بیرون جهند بعد از اندک زمانی یک کله آرقالی بیرون آمده در کوه و

صحرا

صحرا متفرق شدند و متعاقب ایشان دو آهو پیرون آمده بدر رفتند
شکارچیان بعرض رسانیدند که قوچها در سنگی مانده و صید ایشان
در نهایت آسان است اعلیحضرت پادشاهی محض کسالت خاطر اصید
بدین سهولت صرف نظر فرموده مقرر داشتند هرکس خواهد
و بتواند ایشان را صید کند مهدیقلیخان غلام بچه باشی قوچی چهار
ساله با تازی گرفت و سه آهو ماخوذ سکان شکاری جلوداران خاصه شد
و هم حسین خان پیشخدمت آهوئی با تفنگ صید نموده بحضور
همایون آورده هریک بفراخور شان انعام و احسان یافتند
سه ساعت بغروب مانده موکب فیروزی کوکب بچمن شورستان
تشریف ورود ارزانی داشت و والده شاهنشاه زاده اعظم نایب
السلطنه العلیه العالیه کامران میرزا با آغاحسن و آغامهدی خواجه سرایان
سرکار پادشاهی و خدمهٔ خود و زنهای ترکمانان و پنجاه بسمت کلندوک
که مقرر اردوی شاهنشاهزاده معظم الیه بود تشریف بردند
از تلغراف فیروزکوه اخبار انقلاب هوای دارالخلافه و بقای

غلام خاصه

مرض

مرض وباء در شهر و نواحی متواتراً بعرض رسیده و سرکار پادشاهی
تامل داشتند که با اینحال در این صفحات توقف فرمایند یا بسمت دار
الخلافه تشریف فرما شوند و نیز از قراریکه از دار الخلافه بعرض رسانده
بودند اسمعیل خان خزانه دار نظام که از قدیمی چاکران و خانه زادان
دولت جاوید عدت بود و در حضرت کردون بسطت عزتی تمام داشت
بمرض وباء رحلت نموده قلب مبارک از فوت چنین نوکری صدیق
در نهایت متاسف و محزون گشت

از کور سفید بشورستان چهار فرسنگ است راه ابتدا در وسیع
است و در قله کوه سمت چپ آن آثار برجی عظیم نمایان که خراب
مانده و معلوم نیست برای چه ساخته بودند

یکفرسنگ بشورستان مانده کوههای سخت پرسنگ طرفین
پکدیگر نزدیک شده تنگه صورت میدهد با یکصد و پنجاه قدم طول
رودی از میان آن جاری و معبر از میان رود است که از دهنه
تنگه خارج شده داخل جلگه و صحرا میشود سمت چپ این جلگه بالای

کوه

کوه مشابه دو چادر قلندری کنبد دوامام زاده است و در این
راه جز قریه کمنه قریه و قصبه ملحوظ نیست

بندگان اقدس همایون شاهنشاهی در روزنامه مبارکه خود که بخط همایون
مرقوم شده است باینجا که رسیده اند روزنامه را در نهایت اختصار
ضبط نموده و از شرح جغرافیائی آن صرف نظر فرموده اند مانیز بملاحظه
و امید انکه انشاء الله در ظل عطوفت همایون شاهنشاهی خلد الله
ملکه و دولته روزنامهای سفرهای مکرر سرکار اقدس را بفیروز
کوه و ییلاقات ثبت خواهیم نمود و احوال اراضی و اطلاعات انتصفحات
جغرافیائی این ناحیه را مشروحاً مندرج خواهیم داشت در این وجیزه
در ذکر حرکت اردوی همایون از فیروزکوه الی دار الخلافه الباهره
باختصار میکوشیم و فقط منازل و وقایع روز بروز را مذکور میداریم

شنبه هفتم و تشریف فرمائی اعلیحضرت شاهنشاهی به تنکه ساه واشی

در این روز اعلیحضرت شاهنشاهی سه ساعت از روز برآمده از سراپرده بیرون

بیرون آمده باسب غزل عربی پیشکشی حشمة الدوله سوار شده
از راه مزرعه اندور بسمت تنکه واشی تشریف فرما شدند در راه
چند آهو از مقابل تیپ بیرون آمده سرکار پادشاهی تیری بدیشان
بینداختند تیر همایون بواسطهٔ بُعد مسافت کارگر نیامد و امر شد
کسی ایشان را تعاقب نکند و چون موکب مسعود به تنکهٔ واشی
رسید آب تنکه زیاد و بار و بنه و شتران و قاطران در میان تنکه
متراکم شده بودند و یکی دو بار در میان آب افتاده راه را مسدود
داشته بود حضرت اقدس بعسرت از میان بار و بنه و آب تنکه
گذشته شش ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل که در خارج
تنکه بود شدند و نهار میل فرموده بقیه روز را بمطالعه کتب
وغیره بسر بردند

یکشنبه هشتم و توقف اردوی همایونی در تنکه واشی

در این روز محض آسایش ملتزمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاهی

تمام

تمام روز را در منزل استراحت فرموده بعد از نهار حاجی حکیم
و غلام حسین ساعتی خاطر مبارک را باستماع نغمات موسیقیه
مسرور داشتند و محض اشتغال خاطر مبارک عکاسباشی و محمد علیخان
و محقق و موچول خان وغیره در حضور همایون ببازی تخته نرد مشغول
گشتند این چاکر آستان همایون شاهنشاهی بفیروزکوه رفته و باتلغراف
از جانب سنی الجوانب ملوکانه از سرکار شاهنشاهزاده اعظم نایب
السلطنه وصیه بزرگ شاهنشاه سرکار فخر الملوک و مستوفی
الممالک و وزیر امور خارجه و سردار کل احوال پرسی نموده و نیز
از ورود سرکار مهد علیاء مستفسر شده معلوم نمود که اردوی سرکار
ایشان روز قبل بشمران و عمارت نیاوران وارد شده و بحمد الله
وجود مبارک سرکار علیه در کمال صحت است و جز آغا جوهر خواجه
و چهار کنیز و غلام بچه در راه از خدام سرکار ایشان کسی تلف
نشده و اردوی سرکار نایب السلطنه در کلندوک و وجود شاهنشاه
زاده اعظم در عین سلامت است و هم سرکار فخر الملوک با خدمه

حوئیش

خویش در باغ صبا و دعاگوی وجود همایون شاهنشاه است و از
قرار یکه وزیر مالیه اعظم اظهار داشتند که بعرض برسانند اشتداد
وبا در شمرانات و شهر در نهایت تخفیف یافته قریب باتمام است
این چاکر در مراجعت شرح سلامتی وجود حضرت مهد علیا و شاهنشاه
زادگان و دعاگوئی و امتنان وزراء و تخفیف یافتن وبا را بعرض
عاکفان حضور همایون رسانده خاطر مبارک از اینمعنی در نهایت
خرسند و مشعوف گشته شکرانه خداوند متعال بجای آوردند

دوشنبه دهم و سوم توقف اردو در حوالی فیروزکوه

در این روز نیز سرکار پادشاهی در منزل توقف فرمودند بعد از ناهار
طامس صاحب نایب اول سفارت بهیه انگلیس مقیم دربار دولت
علیه که از ابتدای سفر ملتزم رکاب نصرت انتساب بود بشرف اندوز
حضور همایون و مورد عنایات بلانهایات شاهنشاهی شده و رخصت
عزیمت دار الخلافه یافت امین الدوله و دبیر الملک و محمد حسین
میرزای پسر امیر آخور بحضور احضار شده شاهنشاه ساعتی با ایشان

در باب حرکت اردو بسمت دار الخلافه مشاوره فرموده و عاقبت
رای صوابنمای مبارک بدان قرار گرفت که بعد از دو روز محض رعایت
حال و بروز کرمت درباره چاکران و ملازمان رکاب اردوی همایونی
از فیروزکوه کوچ داده پی سپر دار الخلافه شوند از آنجا که خدمات
یحیی خان رذال اجودان مخصوص حضور همایون همه وقت منظور نظر
مرحمت اثر ملوکانه است و همواره خاطر مبارک را بحسن خدمات
خود راضی و خوشنود دارد محض از دیاد الطاف خسروانی و حصول
درجات عالیه باعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجه امیر تومانی نایل
گشته قرین اعزاز و افتخار آمد آقا علی پیشخدمت خاصه حضور مبارک
و حاکم ساوه که از تربیت یافتگان مخصوص آستان عطوفت بنیان
است و از بدو شباب تاکنون خدمت و امانت خود را مشهود
خاطر خطیر ملوکانه ساخته بلقب نبیل امین حضور که از اجله القاب است
ملقب گشته دستخط همایون بافتخارش شرف صدور یافت
هنگام عصر آقا ابراهیم آبدار باشی در سراپرده مبارکه عرض بساط نموده

نموده امتعه و اقمشه و البسه و آلات رزم و بزم و ادوات
شکار و غیره ایرانی و فرنگی که در این سفر با خود همراه داشت و قریب
یکصد بار بود از نظر انور همایون گذرانید الحق بازاری
غریب بود که از هر نوع متاع در او یافت میشد و سخت عجب نمود
که در یک واشی القدر اشیاء موجود شود سرکار شاهنشاهی
اغلب از اقمشه و البسه و تفنگ و غیره آنرا بخادمان حرم
جلالت و عمله خلوت همایون بذل و اعطا فرمودند

سه شنبه دهم و آخر توقف اردوی همایون در واشی

در این روز بندگان اقدس محض تفرج و صید افکنی بهنگام صبح
بسمت شرقی واشی عزیمت فرمود به بالای کوهی که در آن نواحی
بود برآمدند و چون میر شکار معروض داشت که امروز شکار فوج
و میش ممکن نیست سرکار پادشاهی در زیر کوه نهار میل
فرموده و اندکی خوابیده بعد از نماز و صرف عصرانه و چای بصید

وکبک و تیهو مشغول گشته و هم تیمور میرزا و شاهزاده کریم
خان و حاجی علی نقی فراش خلوت خاصه در حضور همایون باقوشان
غزل وطرلان صیدی نمایان کردند هنگام مراجعت حیدر بیک
تفنگدار خاصه که بتلغرافخانه فیروزکوه باحوال پرسی سرکار مهد
علیا رفته بود مراجعت کرده خاطر همایون را از سلامتی مزاج مبارک
حضرت ایشان خورسند نمود و نیز معروض داشت که در فیروز
کوه بروز و باشده است پس حکم بکوچ و حرکت بمنخانه مبارکه به
سمت دارالخلافه شد و در ورود بمنزل علیرضاخان قاجار مشخد
خاصه و خالوزاده اعلیحضرت شهریاری که از جانب سنی الجوانب
شاهنشاه اسلام خلدالله ملکه و سلطانه خشتهای طلای گنبد مطهر
و بقعه منورا امامین همامین عسکریین علیهما السلام را بعتبات عرش
درجات حمل داده بود مراجعت کرده شرفیاب خاکپای همایون شده
خاطر مبارک از ملاقات این نوکر صدیق و تربیت یافته مخصوص وکار
دان خورسند گشته حسن خدماتش را منظور نظر مرحمت اثر دمور الطاف

الطاف بلانهایاتش ساخته حضورًا باعطای یکثوب سرداری
ترمه تن پوش اعلی قرین افتخار و اعزاز آمد

چهارشنبه یازدهم و حرکت اردوی همایون از فیروزکوه بقریه لزور

درین روز اردو و تپ همایون بسمت لزور کوچ داد و سرکار پادشاهی
با عمله خلوت و تفنگداران و شکارچیان بکوه داشی تشریف
برده ابتدا چون هوا صاف و خالی از غبار بود بجلگه و کوهها
و مزارع و چمنهای سبز پرحنگل سواد کوه نظر فرموده و بعد از
نهار باد و رپین سی و یک قوچ بزرگ بنظر آوردند که در سینهٔ
کوه خواهیده بودند ولی پک و رحمت الله پک شکارچی را مقرر
داشتند رفته آنها را رم دادند و قوچها یکدفعه بسمت همایون حرکت
کردند سرکار پادشاهی قوچی هشت ساله را با یک تیر کلوله از پای
درآوردند و قوچ دیگر در صد قدم فاصله صید فرموده و چند
قوچ نیز زخمدار فرار کرده و حضرت همایونی از زبر کوه بزیر آمدند و در

نیمفرسنگی منزل نماز گذارده و عصرانه و چای میل فرموده نیم
ساعت بغروب مانده تشریف فرمای اردو شدند

پنجشنبه دوازدهم تشریف فرمائی اردوی همایونی بمنزل ارجمند

درین روز چون جمعی از اهالی حرمخانهٔ مبارکه به تب نوبه و رمد مبتلا
شده بودند حکیم باشی طلزان و میرزا حسین دکتر حسب الامر باستعلاج
مشغول گشتند و سرکار شاهنشاهی دو ساعت از روز برآمده سوار
گشته همه جا از کنار رودخانه و بیدستان خوش هوا و باصفا
بقریه اهنز و از آنجا بقریه شادمهان و پنجساعت از روز برآمده باردوی
ارجمند تشریف فرما شدند بعد از صرف نهار تا هنگام عصر بملاحظهٔ
عرایض وزیر امور خارجه و صدور جواب و احکام مشغول بودند میرزا
علی خان پیشخدمت و منشی خاص حضور همایون و نایب اول وزارت
امور خارجه که برحسب امر اعلی مشغول خدمات تحریرات و نگارش
احکام و روزنامجات وغیره بود یکثوب جبهٔ ترمه کشمیری قرین

باعطای مفاخرت

مفاخرت و اعزاز آمده واز خاکپای مبارک رخصت یافته
بسمت دارالخلافه روانه شد شب بعداز شام فورق شد
چاکران خاص شرف اندوز حضور بودند و علیرضا خان درین شب
حسب الامر از سفر خود و شرح عتبات عالیات و رسم پذیرائی و رفتار
و احترامات کارگذاران دولت علیه عثمانی بالنسبه بمامور و همراهای
شاهنشاه ایران و وضع سلوک میرزا بزرگ خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم
بغداد خاصه از مراعبت و مواظبت جناب فضایل مآب قدسی اکتساب مجتهد الزمانی شیخ
الاسلام والمسلمین شیخ عبدالحسین سلمه الله تعالی در تعمیر گنبد منور از جانب شاهنشاه
و نصب خشتهای طلا شرحی صادقانه معروض خاکپای همایون میداشت که موجب سرور و تشریح خاطر مبارک بود

جمعه سیزدهم تشریف فرمائی موکب همایونی بوزنا

راه امروز که چهار فرسنگ امتداد داشت راهی خوش آب و
هوا و با سایه و صفا بود و سرکار پادشاهی همه جا تفننا تشریف
فرما بودند در دامنه کوه پر برف انکمار نهار میل فرمودند و از قراء اندریه
و آسور و نجف در وکردنه انکمار عبور فرموده چهار ساعت

بغروب

بغروب مانده تشریف فرمای وزنا شدند و بقیهٔ روز را بمطالعهٔ
کتاب ناسخ التواریخ مشغول بودند

شنبه چهاردهم حرکت موکب همایون بسر چشمه انکمار

سرکار پادشاهی صبح باسب غوغا سوار شده واز کردنه کوچکی
گذشته چهار ساعت از روز برآمده بسر چشمهٔ انکمار تشریف فرما شدند
وچون مکان چادر ها نمک و هوا عفن وغیر سالم بود و نفر از جواری
خاصه بمرض وبا رحلت کرده خاطر مبارک افسرده گشته و مقرر شد
اردوی همایون در روز آینده کوچ کرده و بدون مکث و درنگ منزل بمنزل
بسمت سلطنت آباد پی سپر شود شب دردامنه کوه انکمار که بالای سراپردهٔ
همایون بود آقا یوسف نایب سرایدار حسب الامر آتشبازی بس
عالی کرده و پنج از شب رفته صبیهٔ شاهنشاه که والدهٔ ایشان سرکار ندیم
السلطنه همشیره محمد تقیخان پیشخدمت است در حرمخانه مبارکه بمرض
وباء مبتلا گشته حکیمباشی طلزان بمعالجه مشغول شد و سرکار

شاهنشاهی

شاهنشاهی درنهایت اندوهناک شده حکم ببذل صدقات و نذورات
فرموده توکل و توسل بخداوند متعال جسته شفای مریض معزی الیها
را از خداوند درخواست نمودند

یکشنبه پانزدهم تشریف فرمائی موکب مسعود به پلور خاک لارستان

اول صبح بهبودی حال شاهزاده خانم را معروض خاکپای مبارک
داشته خاطر همایون قدری آسوده گشته یکساعت از روز برآمده
سوار شدند و از دره شک و کنار قریهٔ لاسم گذشته عباسقلی خان سرتیپ
لارستانی و میرزا مهدی یاور باستقبال موکب منصور شتافته
و بشرف التزام حضور مبارک نایل گشته بالطاف ملوکانه سرافراز
گشتند و سرکار اقدس شاهنشاهی در کنار رود خانه صرف نهار
فرموده پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند پیر
مرد صد و چهارده ساله زیاری بحضور مبارک آمده مبلغ ده تومان
نقد و عبائی باو مرحمت شد و حضرت پادشاه تعجب داشتند

که درین

که درین سن هنوز از قوای او کاسته نشده در کمال قوه و قدرت
پیاده راه میرفت و تکلم می نمود

دوشنبه شانزدهم ورود موکب همایونی بمنزل چشمه لای دماوند

درین روز بواسطه بهبودی حال مرضاء و کثرت اعتدال هوا خاطر مبارک
در نهایت خرسندگشته در اول روز باسب رخش سوار شده وارگرد
امامزاده هاشم عبور فرموده در سر چشمه پای کردنه از برای صرف نهار
فرود آمدند بعد از نهار میرزا مهدیخان کشیکچی باشی که از دار الخلافه
بعزم زیارت رکاب مبارک آمده بود بحضور همایون مشرف گشته
و بعواطف و الطاف ملوکانه مفتخر آمده پنج ساعت بغروب مانده ذات
والاصفات خسروانی بسراپرده وارد شده تا عصر اجاقکران و ملازمان
در حضور مبارک بظرایف و لطایف صحبت خاطر مبارک را مشغول
میداشتیم

سه شنبه هفدهم اطراق در دماوند

درین

درین روز چاپار استراباد رسیده وعرایض اعتضادالدوله مبنی
بر امنیت استراباد و استرداد توپی که ترکمانان در محاصرهٔ ترکس
تپه کرفته بودند و بازپس کرفتن جمعی از اسرای آن جنک ملحوظ نظر
انور کشته خاطر مبارک در نهایت ازین خبر خورسند شده وجواب
عرایض اعتضادالدوله را معجلا صادر فرموده باستراباد روانه
داشتند و هم مضامین عریضه را محض اطلاع بمستوفی الممالک درضمن
احکام مرقوم داشته بدارالخلافه روانه داشتند جمعی از اهالی حرمخانهٔ
مبارکه ازین منزل مرخص شده بنیاوران رفتند

چهارشنبه بیست و سوم اطراق اردوی همایونی در دماوند

درین روز اول صبح صبیهٔ دیکر شاهنشاه که همیشه شاهزاده اعظم
یمین الدوله است بمرض وبا کرفتار آمده و خاطر خسروانی ازینمعنی
بی نهایت متالم شده حکیم باشی طلزان و میرزا حسین دکتر را مقرر شد
بمعالجه مشغول شوند و ذات والاصفات شاهنشاهی محض تفرج و تغییر

هوا با چند نفری از عملهٔ خلوت وغیره سوار شده امین الملک
وامین خلوت مخاطب بفرمایشات علیه گشتند تا آنکه حضرت شاهنشاه
ازکنار روح افزای احمد خان نوائی گذشته واز پشت قریه ازکنار رود
خانه که بسمت دریاچه تار و موج میرود عبور فرموده و در پای چناری عظیم
که آبشاری دارد برای صرف نهار فرود آمدند و تا عصر در آنجا متوقف
بوده یکساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند بحمد الله تعالی
از فضل خداوند متعال واز اثر صدقات و نذورات و حذاقت و مواظبت
حکیمباشی طلزان و میرزا حسین حالت شاهزاده خانم روی به بهبودی
گذاشته خاطر مبارک بپاسود شب امین الدوله وامین الملک و حکیم
باشی طلزان احضار شده بشاهنشاه درباب حرکت مصلحت فرمودند و باینکه
وزراء از دار الخلافه عریضه عرض کرده و مستدعی استداد توقف اعلیحضرت
شاهنشاهی در دماوند شده بودند محض آسایش چاکران و ملازمان مقرر
شد چنانکه امر شده است پست و دوم اردوی همایون بسلطنت
آباد نقل نماید و اینمعنی مایهٔ خوشنودی واز دیاد دعاگوئی چاکران شد

پنجشنبه

پنجشنبه نوزدهم حرکت اردوی مبارکه بسمت مبارک آباد دماوند

درین روز چون راه زیاده از یکفرسنگ و نیم نبود موکب مسعود زودتر از سایر ایام تشریف فرمای منزل شده عباس خان قاجار بشرف حضور عطوفت دستور مفتخر شده و سرکار شاهنشاهی بمطالعهٔ عرایض وزراء و صدور احکام مشغول گشتند مقارن اینحال چاپار دیگر از نزد مستوفی الممالک رسیده عرایض محمد اسمعیل خان وکیل الملک حاکم کرمان و میر علم خان حشمة الملک امیر قائین و سیستان را بحضور مبارک رسانده از قراریکه از سیستان نوشته بودند از یمن بخت و اقبال شاهنشاه قلعهٔ نادعلی که آنسمت رود . هیرمند است و از قلاع سخت قشون منصور بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه بقهر و غلبه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند

جمعه بیستم تشریف فرمائی موکب همایون بر سنان من محال لواسان دار الخلافه طهران

درین روز بالیمن والسعاده اعلیحضرت شاهنشاهی باکمال انبساط
خاطر و فرح باسب کرنک پیشکشی حاجی مصطفی قلیخان سوار شده
امین الدوله و اعتماد السلطنه و امین الملک در رکاب مهر انتساب
بفرمایشات علیه مخاطب آمدند یحیی خان اجودان مخصوص و آغا علی
امین حضور از رکاب مبارک رخصت یافته بسمت شهر رفتند
و اجودان مخصوص را مقرر شد محل اردوی سرکار نایب السلطنه
را قدغن نموده که تمیز و پاک نمایند و اهالی فراشخانه را نیز قدغن
دارند که سراپردهٔ مبارکه را در لتیان قرار دهند و سرکار پادشاهی
همه جا از بالای کوه بمیان دره رسنان و چهار باغ تشریف آورده
و نهار در پیدستان دره میل فرموده چهار ساعت بغروب مانده تشریف
فرمای منزل شدند

شنبه بیست و یکم تشریف فرمائی سرکار اقدس
شاهنشاهی بمنزل لتیان و کنار رود خانه جاجرود
و دو ساعت از روز برآمده ذات والاصفات حضرت شهریاری در کمال شوکت

شوکت و اجلال باسب اقبال سوار گشته امین الدّوله و دبیر الملک
و اعتماد السلطنه در رکاب مبارک بمصاحبت مشغول گشتند
تا موکب مسعود تشریف فرمای منزل شد علیٌّ که شخصی وارسته
و شب و روز بذکر اسم مبارک حضرت امیر مؤمنان علی ابن ابی
طالب علیه السّلام مشغول است و از دعاگویان وجود مسعود همایون
در خارج اردو باستقبال آمده دعای وجود مبارک گفت و مورد عواطف
و مراحم ملوکانه گشت درین منزل یکی از جواری خاصّه که طفلی نُه
ساله و موسوم بهاجری بود بمرض وباء وفات یافت و هم در میان
فوج دوّم که قراول وجود مبارک بود مرض وباء شایع شد حسب الامر
مقرر گردید که فوج در همان محل چادر زده چند روزی توقف نمایند
و اطباء مشغول بمعالجه ایشان باشند تا بالمرّه رفع مرض از میان
آنها شده بعد بدار الخلافه بیایند آقا رجب رخت دار خاصه شرفیاب شده
و کمری طلای ملیله که تازه ساخته بود بالباس نو آورده از زیارت
حضور مبارک بهره یاب آمد

یکشنبه

یکشنبه بیست و دوم ورود موکب مسعود بالاکن والاقبال بسلطنت آباد

درین روز که روز آخر سفر بود بحمد الله تعالی وجود مسعود قرین کمال عافیت
با نصرت و اقبال بدون آنکه آسیبی باحدی از چاکران رسیده
باشد سرکار پادشاهی بحمام تشریف برده و با سب رخش که یراق
الماس زده بودند و اسبی عظیم الجثه و باشکوه است سوار گشته
وزراء در رکاب و مخاطب بلفظ ایشان ملوکانه بودند محسن میرزای امیر
آخور که از مخصوصان حضرت گردون نسبطت است در پای گردنه قوچک
بزیارت رکاب مبارک مشرف گشته و پای شاهنشاه را بوسه داده
واز حصول باین سعادت شکر خداوندرا بجای آورد سرکار پادشاهی بی
اندازه از ملاقات چنین نوکری قدیمی و صدیق و دولتخواه خوشنود گشته
بلاتهایه معزی الیه را مورد نوازشات و عواطف ملوکانه فرمودند در بالای
گردنه محمد تقی میرزای برادر شاهنشاه و کیومرث میرزای پسر قهرمان میرزا
و ملک منصور میرزا و هوشنگ میرزای ایلخانی پسر ملک آرا و محمد رحیم خان قاجار

قاجار نسقچی باشی علاء الدوله بزیارت حضور مهر ظهور مشرف آمده
هر یک بفراخور حال خویش مورد عواطف و مراحم ملوکانه آمدند و زیر امور
خارجه یک بهله فوشش شنقارکه قوش کران بها و در نهایت کم یاب است
و میرزا یوسف خان کار پرداز دولت علیه از حاجی طرخان فرستاده
بود بحضور فرستاده به تیمور میرزا که در فن شکارچی گری و محافظت و
آموختن این مرغان صیاد شوق و مهارتی تام دارد سپرده و مرمت
شد که در شکارگاهها در حضور همایون با او صید کند شش ساعت بغروب
مانده موکب مسعود با شوکت و اجلال بعمارت سلطنت آباد شرف
ورود ارزانی داشت در خارج باغ شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه
و سایر شاهزادگان و وزراء، چون بهرام میرزای معزالدوله و فرهاد میرزای
معتمدالدوله و طهماسب میرزای مؤیدالدوله و مستوفی الممالک
و وزیر اداره علمیه و تجارت و سردار کل عساکر منصوره و وزیر مهام خارجه
و وزیر عدلیه و غلام حسین خان سپهدار و میرزا کاظم خان نظام الملک
و میرزا داود خان وزیر لشکر سابق و میرزا فضل الله وزیر نظام و میرزا

و میرزا هدایت مستوفی اول

عباسی وزیر دار الخلافه و پیشکار سرکار نایب السلطنه و میرزا تقی سپهر
لسان الملک و میرزا عباس خان معاون الملک و سایر مستوفیان
و تمام امیر نومانان و میر پنجان و صاحبمنصبان عسکریه و معیر الممالک
و حاجی آقا اسمعیل و حاجی میرزا رحیم مشخدمت خاصه و ناظم دفترخانه مبارکه
و حاجی رحیم خان صندوقدار خاصه و سایر چاکران خاص و اعاظم دولت
جاوید مناص بشرف حضور مبارک نایل و مستعد گشته از زیارت
جمال عدیم المثال خسروانی اظهار بشاشت و شادمانی نموده و شاهنشاه
بیکان یکان ایشان اظهار مرحمت و مکرمت فرموده و از امورات و
مشاغل مرجوعه بهریک جویا بودند تا دو ساعت بغروب مانده که بحرم
خانه مبارکه تشریف فرما شدند سرکار مهد علیا و سرکبری و سرکار
عزت الدولة العلیة العالیه تا هنگام غروب از فیض حضور مبارک مسرور
و بهره یاب بودند بحمد الله تعالی از میامن اقبال بیزوال و فرط مراحم
خداوند متعال از روز ورود موکب مسعود بسلطنت آباد روز بروز عرض
و باء روی بتمامی گذاشت و تا دهم جمادی الثانی بهیچوجه آثاری از این

و میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان

بلای

بلای وافده در تمام شهرانات و دار الخلافة الناصره باقی نماند

سرکار همایون شاهنشاهی در اینمدت در سلطنت آباد مشغول رتق وفتق
امور و اصلاح مهام دولتی وملتی شده دهم جمادی الثانی بعمارت دولتخانه
تپه تشریف برده و پانزدهم شهر مزبور که ساعتی در نهایت سعادت بود
بمبارکی واقبال تشریف فرمای دار الخلافه شدند سواره و پیادهٔ عساکر
منصوره در خارج شهر صف کشیدند تجار و کسبه زن و مرد دار
الخلافه زیاده از پنجاه هزار کس در بیرون دروازه و معبر همایون مجتمع
گشته قربانیها کردند و زبان بدعا و ثنای وجود همایون گشودند و سرکار
شاهنشاهی از دروازه دولت بعمارت ارک تشریف آورده بر سر
معهود باچکمه در طالار تخت مرمر بسلام نشستند حاجی آقا اسمعیل غلیان
سلام بگذارد و بعد داسم مبارک حضرت ولایت مآب علیه السلام
یکصد و ده تیر در تهنیت ورود مسعود شلیک کرده نقاره خانه
دولتی غلغله افکن طارم خضرا شد حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه که بفصاحت
و آداب شناسی معروف است در سلام بفرمایشات علیه

مخاطب

مخاطب گشته و خطیب خطبه فصیح و بلیغ بعرض رسانده میرزا
سروش شمس الشعرا قصیده غرا انشاد نموده سلام عام مبارکی و
سلامت سمت اختتام پذیرفت

ازانجا که کفایت و صداقت و کاردانی و درستی و امانت و حسن
خدمت میرزا یوسف مستوفی الممالک خاصه درایام غیبت موکب
مسعود مشهود نظر مرحمت اثر همایون بود و اداره امورات مملکت
را رئیسی چنین لازم دراین روز جناب معظم الیه را بصدارت عظمی
و ریاست وزراء سرافراز فرموده و باعطای قلمدان مرصع و جبه
شمسه الماس که از علامات اینمنصب جلیل است نایل و مفتخر فرمودند
وهم چون خدمات شاهزاده اعتضاد السلطنه وزیر علوم و تجارت
و صنایع مقبول رای جهان آرا بود باعطای یک قبضه کمر مکلل
بالماس قرین افتخار و اعزاز آمد و عزیزخان سردار کل عساکر منصوره
و وزیر جنگ که درایام غیبت سرکار شاهنشاهی خاطر مبارک را از حسن
خدمات خود خورسند داشته بود از تشریف یک ثوب کلیجه ترمه

ترمه شمه مرصع تن پوش مبارک مباهی و مفتخر گشت

و همچنین میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه که سالهاست

در اینمنصب عظمی حسن خدمات وکفایت وکاردانی او منظور نظر

مبارک است از اعطای یک ثوب جبه ترمه شمه مرصع تن پوش

برمدارج اعتبار و اقتدارش افزودند و نیز سایر چاکران هریک

بخلعتی شایسته و سرافراز آمدند و چون شاهنشاهزاده اعظم اکرم

مظفرالدین میرزا ولیعهد دولت جاوید مهد و فرمانفرمای کل مملکت

آذربایجان چندسال بود از زیارت حضور باهرالنور اعلی محروم بودند

دراین روز دستخط همایون شرفصدور یافت که بافیروزمیرزای نصرت

الدوله پیشکار مملکت آذربایجان وچند نفر از خواص خویش چون رضا

قلیخان للهباشی و محمدحسین خان صدرالدوله وغیره بدربار معدلت

مدار آیند و هم شاهنشاهزاده اعظم سلطان مسعود میرزای یمین الدوله

که پسر ارشد شاهنشاه و فرمانفرمای اصفهان است بدربار همایون احضار شد

تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب

اسحق میرزای امیر آخور

سپاس وشکر خداوندرا که ازنیروی مراحم شاهنشاه کامکار این اقل واضعف
چاکران دربار معدلتمدار را افتخار یار و سعادت مددکار شد که پس ازطول
زمان وبواسطه بعضی مشقات که اغلب دچار اهل زمان است بدون انکه ازخدمات امراض
مرجوعهٔ بخود واز التزام رکاب نصرت انتساب درتمام اسفار غفلت نماید ازعهدهٔ
اختتام این روزنامه برآمد واگرچه اصل نسخهٔ آن دستخط مبارک وروزنامه مخصوص
همایون شاهنشاه بود واین عبد را فضیلتی درتجمیع وتحریر آن نیست ولی همین قدر
فخر میکند وشکر میگذارد که انجام این خدمت بعهدهٔ این عبد ذلیل مرجوع گشت
وبسعی واهتمام ناقص اوسمت اختتام پذیرفت امید آنکه درآستان ملایک
پاسبان سهو ونسیان آن اغماض شاهنشاهانه شامل گردد وصاحبان بخطاپوشی
فضل ومنشیان ودبیران عصر ازروی مرحمت وعیب پوشی دراو نکرند
فی سلخ شهر جمادی الثانی من شهور سنه هزار و دویست وهشتاد وشش
هجری نبوی صلی الله علیه وآله العبد علی نقی حکیم الممالک
درکارخانه سیدسند آقا میرباقر طهرانی بخط نیکو وطرزی مطبوع مطبوع گردید
حرره علی اصغر